

سعدی نغزی

تاریخ معاصر ایران

از کودتای سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ تا بیست و چهارم شهریور ماه ۱۳۲۰

(تاریخ شهریارى شاهنشاه رضا شاه پهلوى)



karim.kaydan

سید نفیسی

تاریخ معاصر ایران

از چهارم اسفندماه ۱۲۹۹ - تا بهیت و چهارم شهریورماه ۱۳۲۰



حق چاپ برای کتابفروشی فروغی محفوظ است

تحت شماره $\frac{۳۸۶۶}{۲۵/۸/۱۱}$ در کتابخانه ملی به ثبت رسید

... تاریخ باید در کمال بی‌غرضی و دور از هرگونه خودخواهی و جانب‌داری تألیف گردد
زیرا که هیچ اثری که جز درین شرایط نوشته نشود نه شایسته مقام واقعی فرسنگ و تمدن
ایران و نه شایسته علم و دانش است. دانش واقعی با اعمال غرض‌قلب‌تویات سازگار
نی‌تواند بود و تاریخ جهان نیز خواه ناخواه آنچه را که جز بر اساس شرافتمندی و حقیقت‌طلبی
کامل نوشته شده باشد بعنوان سندی باطل بدور خواهد افکند

از نطق اقتضای شاهنشاه آریامهر
در مکره جهانی ایران‌شناسی

در میگاه تاریخ

در چهل و پنج سال پیش ازین در پایان سال ۱۲۹۹ فصلی از تاریخ ایران دریم نور دیده شد و فصلی از نو آغاز گردید .
بازماندگان آن دوره چون در آن روزها زیسته اند هنوز پی بسکوه و جلال این فصل نوین نبرده اند . درینکه
گوایان حوادث جهان تازنده اند می توانند خوب بدر و زنگاری را که بریشان گذشته است بسنجند و همیشه
تاریخ نویسان باید رنج ببرند و حقیقت از زیر پرده های خاموشی و فراوشی بیرون بکشند .
در باره دوره ای که از ۴ اسفند ماه ۱۲۹۹ تا ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ میست سال چهل و یک روز برابر ایران
گذشت می بایست یادگاری که حقیقت جویان تاریخ میسند و آزار و آریسته از هر گونه خوش آیند گوینی و خرض
ورزی بداند برای فرزندران ایران که قطعا روز بروز بر مجد و عظمت آن بیشتر پی خواهند برد باقی بماند .
این وظیفه دشوار را من درین اوراق بر عهده گرفتارم و کوشیدم در هر زمینه دوران پیش از آن را
با این دوره بنجم و ایند داد آفرین گوا هست که دست و پایم لغزید و حتی حقیقت در هر ورق و هر طرد
هر کلمه گوا مان من بودند .

تهران - پایان شهریور ماه ۱۳۴۵

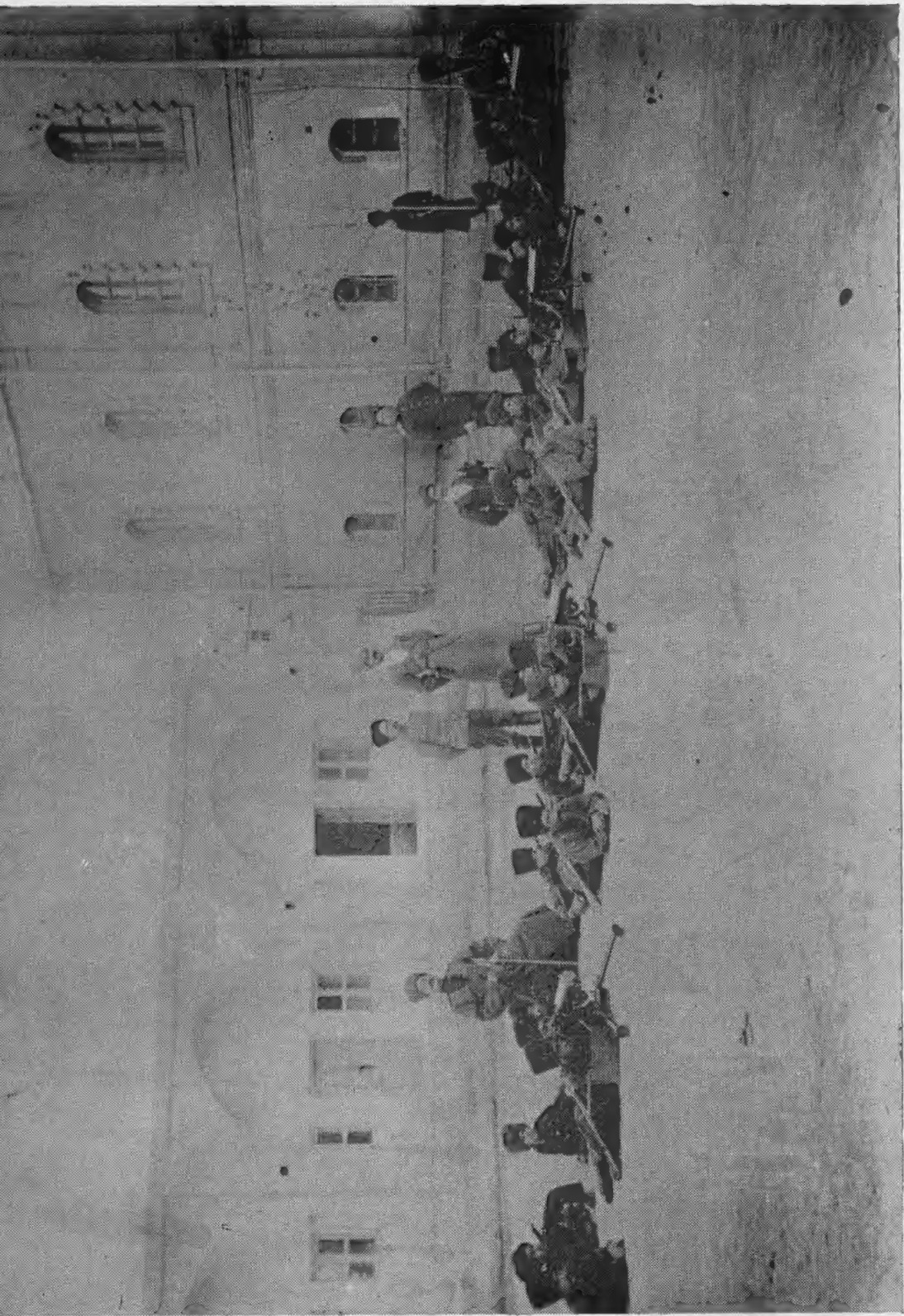
سعید نفیسی

تیره روزیهای ایران در دوره فرمانروایی قاجارها

دوره صدوسی و چهار ساله فرمانروایی طایفه قاجار بر ایران از ۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ قمری بدترین دوره تنزل و انحطاط کشورما در سراسر تاریخست. آقا محمدخان در دوره تاخت و تاز کوتاه خود قسمتی از نواحی از دست رفته ایران را در مشرق و مغرب پس گرفت، اما این یگانه پیشرفت است که قاجارها در دوران فرمانروایی خود کردند و پس از آن همیشه و همه جا ایران را ناتوان تر ساختند.

دوره فرمانروایی سی و هشت ساله فتحعلی شاه از ۱۲۱۲ تا ۱۲۵۰ قمری سراسر دوره سرشکستگی بوده است. نخست نیروی ایران در برابر افغانها چنان سست شد که ناحیه هرات نیز از دست ایران رفت و بافغانستان پیوست. جنگ اول با روسیه از ۱۲۱۹ تا ۱۲۲۸ نه سال تمام کشید و نتیجه آن عهدنامه گلستان و از دست رفتن متصرفات ایران در قفقاز بود. جنگ دوم که از ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳ سه سال کشید منتهی به عهدنامه معروف ترکمان چای شد که دولت مغلوبی می بایست ناچار در برابر دولت غالبی امضا کند و برتریهایی در خاک خود برای آن بشناسد و از آن پس دول اروپایی هر یک آن برتریها را بدست آوردند و اتباع ایشان در ایران حکم مخدوم ایرانیان را پیدا کردند. در مغرب نیز در ۱۲۲۱ و از ۱۲۲۷ تا ۱۲۲۸ و از ۱۲۳۶ تا ۱۲۳۹ سه بار در میان ایران و عثمانی جنگ در گرفت و نتیجه آن نیز از دست رفتن برخی از نواحی غربی ایران شد. دوره فرمانروایی چهارده ساله محمدشاه از ۱۲۵۰ تا ۱۲۶۴ قمری شامل جنگ هرات در ۱۲۵۳ و قیام آقاخان مخلاتی در همان سال و بار دیگر در ۱۲۵۶ دوره ای بود که آنرا مقدمه آشفتگیهای فراوان دوره های بعد باید دانست.

در دوره فرمانروایی چهل و نه ساله ناصرالدین شاه از ۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ قمری رقابت روس و انگلیس در ایران باوج خود رسید و دولت ناتوان ایران جز آنکه گاهی



شاهنشاه ایران قبل از زمامداری در کسوت فرماندهی دیوبند و قزاق

باین و گاهی بآن تسلیم شود و برای رهایی از درخواست‌های بی‌پایان ایشان منافعی بدولت‌های دیگر اروپا و آمریکا که امیدوار بودند زیاده‌رویهای روس و انگلیس را جبران کنند بدهد چاره دیگر نداشتند. این دوره را دوره امتیازهای بی‌حد و حصر باید دانست و در ضمن چادر نشین‌های مسلح شمال و جنوب ایران که بیشتر دست‌نشانده بیگانگان بودند روز بروز در راهزنی و پریشان کردن اوضاع گستاخ‌تر و دلیرتر می‌شدند. دولت ایران که خود را در برابر تمدن جدید ناتوان می‌دید یگانه راه توانایی خود را دشمنی و ستیزه با رواج تمدن اروپایی و اندیشه‌های آزادی خواهی می‌دانست و ازین رهگذرها روز بروز زندگی بر مردم ایران دشوارتر و دامنه بیداد کارگزاران دیوان گشاده‌تر می‌شد. درین دوره نواحی هرات در ۱۲۷۳ و مرو و خیوه در ۱۲۹۹ قمری یکسره از دست ایران رفت.

دردوره فرمانروایی یازده ساله مظفرالدین‌شاه از ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۴ قمری ایران هم‌چنان راه زوال و ناتوانی را می‌پیمود تا آنکه منتهی شد بتصویب قانون اساسی در ۱۴ ذیقعد ۱۳۲۴ قمری.

دوره فرمانروایی دوسال و پنج ماهه محمدعلیشاه از ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ قمری دوره بسیار آشفته و پریشان کشمکش و زردخورد در میان هواخواهان حکومت مشروطه و درباریان بوده است.

دوره فرمانروایی هفده سال و ده ماهه سلطان احمدشاه از ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۴ قمری را باید بدو دوره تقسیم کرد. دردوره اول تا ۲۷ شعبان ۱۳۳۲ شش سال و دوم احمدشاه صغیر بود و دو تن نایب‌السلطنه کارهای کشور را بدست گرفتند. در دوره دوم که وی مسئولیت کارهای ایران را بر عهده داشت در سراسر جنگ جهانی اول از ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۶ قمری چهار سال خاک ایران میدان تاخت و تاز لشکریان و هواخواهان متفقین (روس و انگلیس و فرانسه و دیگران) و متحدین (آلمان و اتریش و عثمانی) و پس از آن گرفتار عواقب وخیم جنگ جهانی بود.

مهمترین مراحل زندگی پهلوان‌ما

۲۴ اسفندماه ۱۲۵۷ شمسی ولادت شاهنشاه رضاشاه پهلوی فرزند عباسقلی‌خان سرهنگ فوج سوادکوه از خاندان اصیل ایرانی در روستای الاشت از توابع سوادکوه در خاک مازندران .

۵ آذرماه ۱۲۵۸ درگذشت پدر شاهنشاه .

۱۲۷۸ ورود بخدمت بریکاد قزاق در تهران .

۱۲۹۴ رسیدن بدرجۀ سرهنگی .

۱۲۹۷ رسیدن بدرجۀ سرتیپی .

۴ اسفندماه ۱۲۹۹ کودتا و رسیدن بدرجۀ فرماندهی کل قوا .

۷ اردی‌بهشت ماه ۱۳۰۰ رسیدن بیایۀ وزارت جنگ .

۲۵ تیرماه ۱۳۰۰ پایان سرکشیهای سران فارس .

اول شهریورماه ۱۳۰۰ پایان سرکشیهای کردان آذربایجان .

مهرماه ۱۳۰۰ پایان سرکشیهای سران مازندران .

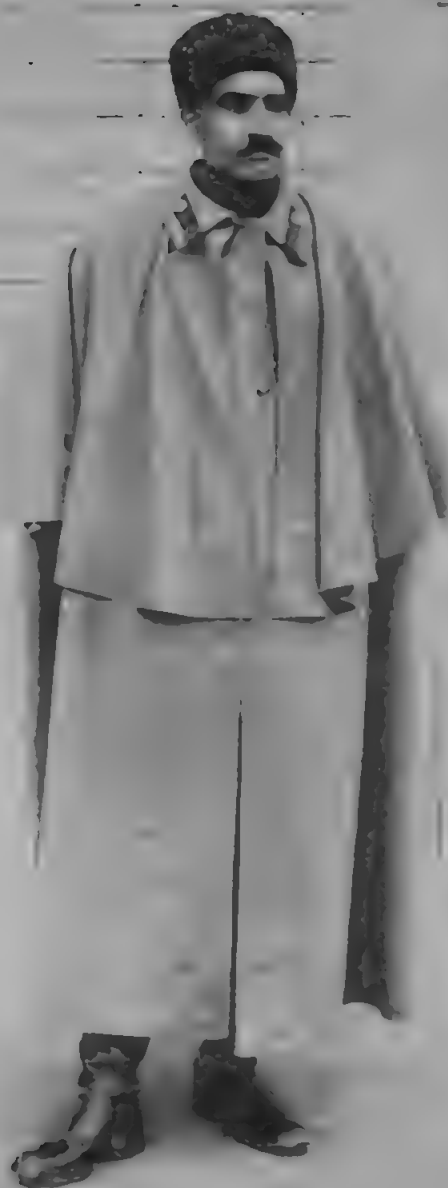
۱۱ مهرماه ۱۳۰۰ پایان فتنه‌ای که در مشهد روی داده بود .

آذرماه ۱۳۰۰ پایان سرکشیهای جنگلیان و میرزا کوچک‌خان در جنگل کیلان .

۱۵ آذرماه ۱۳۰۰ تشکیل ارتش متحدالشکل و انحلال قزاق خانہوزاندارمیری

و غیره و اخراج یگانگان از ارتش .

۱۹ بهمن‌ماه ۱۳۰۰ پایان فتنه‌ای که در تبریز روی داده بود .



هنگام ریاست وزرانی

۱۳۰۱ تأسیس نیروی هوایی .

۱۳۰۱ تأسیس اداره کل طرق وشوارع دروزارت فلاح و تجارت وفواید عامه
وآغاز کار راه سازی .

۱۳۰۲ تأسیس جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران .

۶ آبانماه ۱۳۰۲ رسیدن پیاپی نخست وزیری .

فروردین ۱۳۰۳ تشکیل کابینه دوم .

۱۶ فروردین ۱۳۰۳ الغای القاب و امتیازات .

۱۶ اردی بهشت ماه ۱۳۰۳ ایجاد خدمت نظام عمومی .

۱۰ آذرماه ۱۳۰۳ پایان فتنه خوزستان .

اردی بهشت ماه ۱۳۰۴ تأسیس بانک پهلوی قشون (بانک سپه) .

۱۳۰۴ تأسیس ادارات ثبت احوال در شهرستانها .

۱۷ خردادماه ۱۳۰۴ آغاز اقدام بساختن راه آهن سرتاسری .

۹ آبانماه ۱۳۰۴ پایان زمامداری قاجارها و انتخاب شاهنشاه بریاست حکومت

موقتی .

۲۱ آذرماه ۱۳۰۴ انتخاب مجلس مؤسسان بشاهنشاهی ایران .

۲۶ آذرماه ۱۳۰۴ بتخت نشستن شاهنشاه .

۲۰ بهمن ماه ۱۳۰۴ آغاز ساختمان راه آهن سرتاسری .

۵ اردی بهشت ماه ۱۳۰۵ تاج گذاری .

۷ اردی بهشت ماه ۱۳۰۵ ایجاد تلگراف بی سیم .

۲۰ اردی بهشت ماه ۱۳۰۶ لغو کابیتولاسیون و انحلال داد گستری و تجدید سازمان

آن .

۲۸ امرداد ماه ۱۳۰۷ تأسیس بانک ملی .

۱۳۰۸ تشکیل نیروی دریایی .
 ۶ خرداد ماه ۱۳۰۹ لغو امتیاز چاپ اسکناس بانك شاهنشاهی ایران .
 ۱۳۱۰ لغو امتیاز داری .
 ۱۳۱۱ امتیاز جدید نفت شرکت نفت ایران وانگلیس .
 ۱۳۱۳ مراسم هزاره فردوسی .
 ۱۵ بهمن ماه ۱۳۱۳ تأسیس دانشگاه تهران .
 ۲۵ تیر ماه ۱۳۱۴ تأسیس بانك کشاورزی .
 ۱۳۱۴ گشایش هنرستان و پرورشگاه یتیمان شاهپور برای ۱۳۰ دختر و ۷۰ پسر .
 ۱۷ دیماه ۱۳۱۴ نهضت بانوان و رفع حجاب .
 ۱۳۱۴ وضع نخستین مقررات کارگری .
 ۱۳۱۶ تقسیم کشوریده استان .
 ۵ مهر ماه ۱۳۱۶ گشایش کارخانه دخانیات .
 ۲۷ مرداد ماه ۱۳۱۷ بهم پیوستن راه آهن شمال و جنوب و پایان کار راه آهن
 سرتاسری .

۱۳۱۸ تأسیس بانك رهنی .
 ۴ اردی بهشت ماه ۱۳۱۹ افتتاح نخستین فرستنده رادیو .
 ۲ شهریور ماه ۱۳۲۰ رسیدن راه آهن مشهد بنیشابور .
 ۳ شهریور ماه ۱۳۲۰ ورود لشکریان متفقین از شمال و جنوب بایران .
 ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ استعفا از سلطنت و هجرت از ایران .
 چهارشنبه ۴ مرداد ماه ۱۳۲۲ درگذشت ناکهانی در شهر یوهانسبورگ در
 آفریقای جنوبی .

۱۷ اردی بهشت ماه ۱۳۲۹ انتقال پیکر شاهنشاه از قاهره بآرامگاه زاویه شاه
 عبدالعظیم در تهران .

استقلال ایران

ویکتور برار دانشمند فرانسوی در آغاز کتابی که درباره انقلاب ایران نوشته است می گوید : « ایران نه ملتست و نه دولت ». این بهترین معرفی از وضع ایران در پایان دوره قاجارهاست و گوینده این سخن نه غرض ورزی و دشمنی کرده و نه مبالغه کرده است . زیرا که ملت یعنی آن جمعی از مردم که در زبان و اخلاق و عادات و رسوم و معتقدات و دین و لباس و زندگی اجتماعی و امید و آرزو و حتی درخشم و غضب و کینه و نفرت یکسان بیندیشند و باهم همدستان و شریک باشند .

راستی هم که در آن زمان ایرانیان در هیچ يك از این مظاهر انسانی اتفاق کلمه نداشتند و در فصل دیگری که درباره اوضاع اجتماعی خواهد بود درین زمینه بیشتر سخن خواهم راند .

در آن زمان ایران دولت هم نبود ، زیرا دولت یعنی آن نیروی حاکمه ای که از میان مردم برخاسته باشد و مسئول سرنوشت و خوب و بد مردمی باشد که آنرا برانگیخته اند . آنست که شب و روز برای آن مردم دلسوزی کند ، آسایش و نیک روزی مردم را از هر چیت فراهم آورد ، در هر روزی مردم را بسوی پایه دیگری از پیشرفت و ترقی و کمال ببرد ، زندگی شبانروزی امروز و فردای آن مردم را از هر چیت تأمین کند ، حتی نقشه های عاقلانه برای آینده آن مردم بکشد ، عرض و ناموس و جان و مال همه مردم را در کمال خوبی حفظ کند و همه خطرهای جانی و مالی را دفع کند ، از هیچ وسیله ارشاد و هدایت خودداری نکند ، یعنی مهربان ترین پرستار و سرپرست و

دوست و خدمتکار و دستیار آن مردم باشد . این صفاتیست که در آن دوره بهیچ وجه در آنچه دولت ایران می گفتند نبود . بیش از صد سال بود که دولت ایران یکی از ناتوان ترین دولتهای جهان بشمار می رفت . در روی نقشه جغرافیا مستقل بود یعنی ظاهراً استقلال داشت و جزو مستعمرات بشمار نمی رفت اما اگر کسی اوضاع آن روز جهان را درست بسنجد می بیند که حال آن از هر مستعمره ای زارتر بود زیرا که دول استعماری لااقل در آبادانی مستعمرات خود می کوشیدند .

کسانیکه آن دوره را درك نکرده اند شاید نتوانند بساور کنند که روزی در کشور ماهر گاه می خواستند هیئت دولتی تشکیل دهند می بایست پیش از وقت از بیگانگان اجازه بگیرند و ناچار درین صورت فلان کنسول هم حق داشت فلان حاکم را در قلمرو خود نپذیرد و حتی تاجر باشی آن کنسول نیز حق رأی داشت .

شاید این نکته را هم نتوانند باور کنند که ایران تنها از دو همسایه آن روز خود می توانست وام بگیرد . از کالاهای این همسایگان کمتر از کالاهای کشورهای دیگر كمرك می گرفتند تا در ایران ارزان تر بفروش برسد . اگر این همسایگان مبلغی بایران وام می دادند دولت ایران نمی توانست آنرا بی اجازه ایشان خرج کند و می بایست بمصرفی که ایشان تعیین می کردند برساند .

در عهدنامه هایی که دول اروپا با زیردستان خود امضا می کردند حق کابیتولاسیون برای خود می گرفتند و آن حق عبارت ازین بود که اتباع ایشان پیرو قوانین و نظامات کشور خود بودند و نه قوانین و نظامات کشوری که بآنجا رفته بودند . در ایران نیز اتباع بیگانه این برتری را نسبت بایرانیان داشتند . اگر بیگانه ای يك ایرانی مبلغی مقروض بود تنها کنسول آن کشور بیگانه می توانست مطابق رسوم کشور خود وی را وادار کند که وام خود را بپردازد و بسا می شد که کنسول این کار را نمی کرد و حق ایرانی بایمال می شد . هم چنین اگر بیگانه ای يك ایرانی را می کشت آن قاتل را مطابق قوانین

کشورش محاکمه می کردند . محکمه مخصوصی برای این کار از نماینده کنسول و نماینده وزارت امور خارجه تشکیل می شد و گر نه اعتبار نداشت . بهمین جهت یکی از ادارات مهم وزارت امور خارجه آن روز کار اداره محاکمات بود و وزارت امور خارجه درهرشهر ایران که اتباع بیگانه درآن بودند مأموری داشت که باو «کار گزار» می گفتند و وی را برای این می فرستادند که این گونه حقوق و امتیازات و منافع بیگانگان را حفظ کند .

يك عده از ايرانبان برای تأمین منافع پست خود تبعیت بیگانه را گرفته بودند وعده ای نیز «تحت الحمايه» یعنی دست پرورده بیگانه بودند وایشان نیز همان امتیازها را داشتند . چنانکه اگر يك ايرانی مسلمان تبعه یا تحت الحمايه بیگانگان می بود کنسول آن دولت ارثا ورا مطابق قوانین وحتی عادات ورسوم کشور خود تأمین می کرد . بیشتر از کنسولگریها عضو زیردستی داشتند بعنوان «تاجر باشی» که مرد توانایی بشمار می رفت و سرنوشت اقتصاد قلمرو وی بدست او بود .

یکی از جنبه های بسیار شگفت حق کاپیتولاسیون این بود که در تهران قصابانی بودند که تبعه و تحت الحمايه دولت انگلستان بشمار می رفتند و نرخ گوشت را بی رضایت و موافقت سفارت انگلستان نمی توانستند تعیین بکنند . هر جنایتکاری می توانست با اصطلاح آن روز در سفارت خانه ای یا کنسول خانه ای «بست بنشیند» یعنی برای اینکه از کیفر و مجازات رهایی یابد با آنجا پناه ببرد و بسا شد که کسانی در سفارت خانه ای یا کنسول خانه ای بست نشستند و بمقصود خود رسیدند .

بطریق اولی هر بدکاری که از ایران بیرون می رفت از هر کیفری در امان بود زیرا که قرار داد استرداد مجرمین تنها در میان کشورهای بسته می شد که خود را با يك دیگر برابر می دانستند و کشورهای مانند ایران یا کشورهای استعماری را پست تر از خود می شمردند .

در ایران دامنه این امتیازات بجایی رسیده بود که چون جایگاه تابستانی سفارت انگلستان در قلهك بود سراسر آن آبادی جزو خاك انگلستان شمرده می شد و نه تنها شهربانی ایران حق دخالت در کارهای آنجا را نداشت حتی کدخدای قلهك را سفارت انگلستان عزل و نصب می کرد . جایگاه تابستانی سفارت روسیه تساری هم در زرگنده بود و آن سفارت نیز همان امتیازات را در آن ناحیه داشت .

عواقب اقتصادی این امتیازات بمراتب بیش از زیانهای سیاسی واجتماعی آن بود زیرا که اساساً این گونه عهدنامهها برای تأمین سود دولتهای بزرگ بزیان دولتهای کوچک بود . چند بار که در ایران کارخانه ای برای تولید کالای ضروری ساختند چون کالای این کارخانه ارزان تر از کالایی که از آن کشور وارد می کردند تمام می شد از يك طرف بهای کالای خود را موقتاً و بحالت مصنوعی پایین بردند و از طرف دیگر فشار آوردند تا آن کارخانه را ببندند و کارخانه قند که ریزك و کارخانه فنج بافی تهران همین سر نوشت را پیدا کرد . برخی از امتیازات در گوشه و کنار ایران باعث خونریزی هم شده است . بدین گونه جای تردید نیست که بیش از صد سال استقلال ایران در منتهی درجه سستی و لرزندگی بود و باندك بادی ممکن بود از پای در آید . چندین بار کشور ما تا پای پرتگاه زوال و انقراض رسید و تنها حوادث روزگار و اوضاع جهان استقلال ایران را نجات داد .

کسانیکه مرزهای ایران را در دوست سال پیش در نظر بگیرند و با مرزهای ایران در پایان دوره قاجارها بسنجند می بینند که درین دوره يك ثلث از خاك ایران از دست رفته است .

در دوره صفویه دولت ایران یکی از نیرومندترین و مشهورترین دولتهای جهان بود و حتی بارها دولتهای بزرگ اروپا پیروی از سیاست ایران در جهان کردند . ایرانیان نیروهای دولت پرتغال را که یکی از نیرومندترین دولتهای آن روزگار بود از خلیج

فارس رانند و دستهای ایشان را از جزایر خلیج کوتاه کردند ، اما تدریجاً ناتوانی ایران بجایی رسید که درمجلس صلح ورسای درپایان جنگ جهانی اول نمایندگان بسیاری از کشورهای كوچك را پذیرفتند و بنمایندۀ ایران راه ندادند و حتی از شنیدن سخنان ایرانیان خودداری کردند .

سالیان دراز ایران با همسایگان خود اختلافهای سرحدی داشت که پیاپی نمی رسید زیرا که البته دعاوی دولت ناتوانی را کسی نمی پذیرد . درین مدت چندین بار سپاهیان بیگانه برای اینکه دولت ایران را بتسلیم در برابر خود وادار کنند وارد ایران شدند و حتی يك بار تا چند فرسنگی شمال تهران رسیدند . حتی در یکی از قراردادها قید کرده بودند ایرانیان در ارتش ایران نباید از پایه سرهنکی بیالا بروند . بسیاری از اعیان و اشراف و ملاکان و سرمایه داران ایران بودند که یا رسماً تبعه و یا تحت الحمايه بیگانگان بودند و مستشار مالیه امریکایی ایران که خواست مالیات یکی ازین تحت الحمايگان را وصول کند در نتیجه نزدیک شدن سپاهیان بیگانه بتهران ناچار از ایران رفت . حتی اتفاق افتاد که دولت ایران خواست وزیر مختار خود را در یکی از پایتختهای اروپا عزل کند و از عهده برنیامد .

ورود سپاهیان بیگانه از راه بوشهر ب تنگستان و دشتی و دشتستان و از راه جلفا ب تبریز و کشتارهای ایشان مخصوصاً در تبریز ورشت و بمباران گنبد امام هشتم در مشهد از حوادث بسیار ناگوار دوره زمامداری قاجارهاست که هریك از آنها درخور کتابی جدا گانه است .

دربرخي از موارد عدۀ افراد ارتش ایران را معین کرده بودند و دولت ایران حق تجاوز از آن عهده را نداشت . دزدان و راهزنان و مردم چادر نشین مسلح را بسرکشی تشویق و تقویت میکردند و در بیشتر حوادث داخلی و غارتگریهایی که روی می داد دست بیگانه در کار بود . تقریباً در هر گوشه از ایران گردن کشی بود که از خارج

اورا نیرو می‌دادند.

اسنادی که از پایان دوره حکمرانی قاجارها در ایران مانده است نشان می‌دهد که استقلال ایران چگونه سست و لرزان بود و چگونه مردم کشور از آینده مأیوس بودند و تصور نمی‌کردند روزی برسد که ایران کاملاً مستقل باشد.

در ۱۹۰۷ میلادی عهدنامه‌ای در میان روسیه و انگلستان با امضا رسید و ایران را به سه منطقه تقسیم کردند.

در شمال منطقه نفوذ روسیه بود و در آن منطقه دولت ایران حق نداشت امتیازی با انگلیسها بدهد.

در جنوب منطقه نفوذ انگلیس بود و اتباع روسیه نمیتوانستند در آنجا امتیازی بدست آورند. در میان این منطقه يك منطقه بیطرف بود که در آن اتباع هر دو دولت حق امتیاز داشتند. يك نقشه ایران بخط و زبان فارسی چاپ کرده بودند و حدود این سه منطقه را در آن معلوم کرده بودند.

در سال دوم جنگ جهانی اول در ۱۹۱۵ عهدنامه محرمانه‌ای بسته شد و در آن عهدنامه منطقه بی طرف را از میان برده و ایران را بدو منطقه نفوذ روسیه و انگلستان تقسیم کرده بودند. این برتریهایی را که بیگانگان برای خود قایل بودند کاملاً حق مشروع خود می‌دانستند زیرا که پس از شکست ایران در ۱۲۴۳ قمری یعنی ۱۴۳ سال پیش ازین که در میان روسیه و ایران عهدنامه ترکمان جای بسته شده بود در آن عهد نامه برای دولت غالب حقوق و مزایایی منظور کرده بودند. پس از آن دولتهای دیگر که عهدنامه‌ای با ایران امضا کردند همان حقوق و امتیازات را برای خود گرفتند و آنرا حقوق «دول کامله الوداد» نام گذاشته بودند.

یکی از مظاهر حقوق کامله الوداد همان حق کابیتولاسیون بود. این برتری که بیگانگان نسبت با ایرانیان داشتند سبب شده بود که در حقیقت مردم ایران بیگانگان

را موجود خارق العاده و برتر از خود می‌پنداشتند و چنان در برابر ایشان مرعوب بودند که نه تنها پیروی از ایشان بلکه تشبه با آنان را وسیلهٔ مباحات و برتری خود می‌دانستند. يك نکتهٔ جالب اینست که در تهران چند مدرسه بود که ییگانگان اداره می‌کردند و کودکان ایرانی را زبان و رسوم و عادات خود می‌آموختند. پسران متعددی داشتند هر يك را یکی از این مدرسه‌ها می‌گذاشتند تا سیاست هر کدام غلبه می‌کرد از آن بهره‌مند گردند ولی نتیجه معکوس بود زیرا هر برادری بسته با حساساتی که درو تولید کرده بودند با برادران دیگر خود اختلاف عقیده‌ای داشت که ناشی از اختلاف سیاست مدیران مدرسه‌ای بود که در آنجا تربیت شده بود. بدین گونه ایرانیان در برابر استیلای ییگانگان چنان مرعوب شده بودند و خود را نسبت بییگانه خفیف و سرشکسته می‌دیدند که هر اتفاقی در زندگی داخلی خانواده‌ای روی می‌داد آنرا نتیجهٔ تحريك ییگانگان می‌دانستند. در هر جای ایران کسانی بودند که آشکارا از انتساب بییگانه فخر می‌کردند و آنرا باعث رونق و پیشرفت کار خود می‌دانستند.

یکی از مظاهر این سرشکستگی این بود که هر وقت می‌خواستند قدمی در اصلاح بردارند از یکی از کشورهای ییگانه مستشار می‌آوردند. اما حق نداشتند از هر کشوری که می‌خواستند مستشار بگیرند و از کشوری می‌آوردند که همسایگان با موافقت يك دیگر معین می‌کردند.

این اصول باعث شده بود که همهٔ مظاهر استقلال کشور از ارث گرفته تا اقتصاد و دادگستری و امنیت داخلی و شهربانی و پست و تلگراف و کمرب در دست ییگانگانی بود که گاهی هم عنوان وزیر بایشان می‌دادند. پیداست که این مستشاران مصلحت ایران را رعایت نمی‌کردند زیرا در کار خود اندک آزادی نداشتند و اگر در کاری پیشاپیش اجازه نگرفته بودند بهر گونه مانع برمی‌خوردند. چنانکه هر گاه شوستر مستشار

معروف مالیه ایران که گستاخی کرده و خواسته بود مالیات پس افتاده یکی از تحت –
الحمایگان بیگانها وصول کند ناچار شد در برابر تهدید کار گزاران روس و رسیدن
سپاهیان روسیه ینگی امام بیرون دروازه تهران از ایران برود .

ناکوارترین مرحله این مداخلات اینست که مدتهای مدید بیهانه امنیت و
پاسبانی از اتباع خود و حفظ منافع ایشان لشکریان بیگانه در ولایات و شهرهای ایران
بوده اند و چنانکه پیش ازین اشاره رفت در شهرهای مختلف حوادث ناگواری پیش
آورده اند و کسانی را که معلوم نیست چه گناهی داشته اند بی آنکه محاکمه بکنند
تنها بفرمان وقتوای افسری یا کنسولی و یا مأموردیگری روز روشن بدار زده اند و این –
گونه کارها راحتی در مستعمرات خود نمی کردند و در آنجا اگر می خواستند کسی را
نابود کنند برای حفظ ظاهر محاکمه گوناگونی می کردند .

یکی از مظاهر مداخلات بیگانگان در جزئیات امور اقتصادی این بود که در
برخی از مراکز اقتصاد کشور مردی را که هیچ برتری نژادی و موروئی و اکتسابی
و عملی نداشت عنوان تاجر باشی می دادند تا واسطه دادوستدهای ایشان باشد و وی بمنتهی
درجه مغرور بود چنانکه در خیابانها که درشکه می تاخت درشکه چی او خود را بالاتر
از آن می دانست که رعایت مردم رهگذر را بکند و خبردار بگوید زیرا اگر کسی
آسیبی می دید بازخواستی در میان نبود .

یکی از مظاهر بسیار زننده این مداخلات و ناتوانی دولتهای ایران در برابر
بیگانگان اینست که در جنگ جهانی اول که متفقین یعنی روسیه و انگلستان و فرانسه
با متحدین یعنی آلمان و اتریش و عثمانی در زد و خورد بودند و هردو ایران را نیز میدان
جنگ کرده بودند با آنکه ایران اعلان بی طرفی کرده بود افسران سوئدی که برای
تعلیم زاندارمری آمده بودند هواخواه آلمانها و متحدین بودند و با افراد ایرانی واسلحه
ایرانی و بودجهای که از خزانه ایران می گرفتند حتی در نزدیکی تهران با سپاهیان

متفقین جنگ کردند و عده‌ای از سیاستمداران برای پیوستن بکارگزاران آلمان از تهران رفتند و بایشان «مهاجرین» گفتند. در جنوب ایران نیز کارگزاران مستعمرات انگلستان عده‌ای از ایرانیان را بنام «پلیس جنوب» مسلح و مزدور کردند.

نکته‌ای که هیچ مورخ منصفی رد نخواهد کرد اینست که ایران در سراسر تاریخ خود زبانی را که از دوره قاجارها برده از دوره دیگر نبرده است زیرا که حتی مدت استیلای بیگانگان باندازه دوره صد و سی و چهار ساله فرمانروایی قاجارها نبوده است. درین دوره بزرگترین زبانی که ایران در تاریخ خود برد این بود که پیش از آن همیشه از هیچ کشوری در تمدن و علم و معرفت عقب نبود و در ردیف متمدنترین ملل جهان بشمار می‌رفت و بسیاری از ملل دیگر از تمدن ایران برخوردار می‌شدند. اگر بتاریخ تمدن جدید بنگرید می‌بینید که همه این بساط عظیم و این دستگاه مهم تمدن جدید در صد سال از آغاز قرن نوزدهم تا آغاز قرن بیستم میلادی فراهم شده است و این درست همان موقعیست که ایران در نتیجه حکمرانی قاجارها در منتهای ناتوانی و پریشانی بوده است و نه تنها نتوانسته است در تمدن جدید انباز باشد بلکه از قافله تمدن یکسره عقب افتاد و هنگامی که ازین خواب صدساله برخاست فرصت از دست رفته بود و می‌بایست برای پذیرفتن تمدن جدید دو برابر دیگران رنج ببرد.

شکی نیست که جهان امروز جهان دانش و هنر و تمدنست و هر کسی از کاروان دانش و هنر و تمدن بازماند زندگی او همیشه قرین دریغ و حسرت خواهد بود و البته روزی را که پایان این درماندگی باشد روز جشن و شادی خواهد گرفت و مرد بزرگی که آن روز کار را سپری کرده است همیشه در تاریخ احترامی خاص خواهد داشت. مردان بزرگ در تاریخ فراوانند و در هر دوره‌ای کسانی بوده‌اند که در رشته‌های مختلف کارهای مهمی کرده‌اند که در تمدن اساسی بشمار رفته و آدمی زادگان از آن بهره‌مند شده‌اند. در میان این مردان بزرگ کسانی که پایه گذار تمدنی بوده‌اند و روز کار نابهرگی را بی پایان رسانیده‌اند و بنیادی گذاشته‌اند که پس از ایشان نیز مانده است

و بنام ایشان در تاریخ خوانده شده است چندان فراوان نیستند . رضا شاه پهلوی از کسانی بوده است که سرنوشت ایران را دگرگون کرده و مسیر تاریخ را تغییر داده است . دوره ای که وی شهریار ایران بوده همیشه در تاریخ عنوان خاصی خواهد داشت . در مباحث آینده این کتاب خوانندگان درخواهند یافت که پس از تأمین استقلال ایران چه کارهای بزرگی در امنیت کشور و تشکیل ارتش نوین و اصلاحات اداری و قضایی و اجتماعی و اقتصادی و پیشرفت کشاورزی و هنر و دانش و فرهنگ و وسایل ارتباط و بهداشتی عمومی یعنی در نهادن پایه های اساس تمدن جدید در دوره شهریارى این شاهنشاه بپایان رسیده است .

گامهای بلند که درین دوره در راه تأمین استقلال ایران برداشته شده شامل این نکات بسیار مهمست :

نخست اخراج عناصر بیگانه از ارتش ایران ، یکی از یادگارهای شوم دوران ناتوانی آن بود که دولت ایران خود از عهده اداره کردن و امنیت کشور بر نمی آمد و چنانکه پس ازین نیز بحث خواهم کرد همه نیروی دولت برای امنیت و اداره کردن کشور باین بزرگی که ۱۶۴۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد منحصر بیک دیویزیون قزاق با افسران روسی و یک عده ژندارم با افسران سوئدی و یک بریگاد مرکزی بود که آنرا هم با افسران سوئدی سپرده بودند . پیداست که فرماندهی بیگانگان در ارتش کشوری چگونه بنیاد ملیت و استقلال آن کشور را سست می کند . بهمین جهت تشکیل یک ارتش ملی و رهایی نیروی نظامی ایران از عناصری که هر یک تابع یک سیاست دیگر بودند چگونه در تأمین استقلال ایران مؤثر بوده است . در ضمن این اقدام مهم در اوضاع داخلی کشور از جهت دیگر مؤثر بوده است و روح دوگانگی و اختلافی که در میان افراد قزاق و افراد ژاندارم بواسطه احساسات فرماندهشان بوده است بدین وسیله از میان رفته و متحدالشکل شدن ارتش قهراً اتحاد فراهم کرده است .

نکته دوم اینست که در نواحی مختلف ایران مخصوصاً در مجاورت مرزها عناصری

بودند که فرمان بردار حکومت مرکزی نبودند و پیروی از نیات دولت نمی کردند و سرانشان دست نشاندۀ بیگانگان بودند. ناچار برای تأمین استقلال کشور می بایست دستشان از کار کوتاه شود. درین زمینه شاهنشاه ایران کارهای بسیار مهمی برای دفع سرکشی ها و فتنه ها در خراسان و آذربایجان و خوزستان و کیلان و فارس و لرستان و کردستان و استرآباد و مازندران و سیستان و بلوچستان کرد.

می توان گفت در مدت سه سالی که پس از تشکیل ارتش متحدالشکل باین کار مهم مشغول بودند در حقیقت برخی از نواحی ایران را که از حکومت مرکزی جدا شده و دم از نافرمانی می زدند دوباره بایران پیوستند و مانند آن بود که آنها را فتح کرده باشند. در برخی از این نواحی بنیادی گذاشته شده بود که ممکن بود نتایج وخیم داشته باشد. از آن جمله رابطه خراسان مدتی بود که با حکومت مرکزی گسسته شده بود. در آذربایجان نیز سرکشی قیام کرده و رابطه ای با پایتخت نداشت. خوزستان نیز سالیان دراز بود که مستقل و از ایران جدا شده بود و سیخ خزعل پیشوای اعراب محمره (خرم شهر) خود را پادشاه مستقلی می دانست و مالیات را بنام خود می گرفت و با بیگانگان قراردادهایی بمیل خود می گذاشت. در نواحی دیگر چادر نشینان مسلح و راهزنان هریک استقلال داشتند و پیوسته همسایگان خود و مسافران را غارت می کردند. بهمین جهت برای تأمین امنیت و استقلال لازم بود که بتاخت و تازهای جنگلیان در کیلان و سرکشان ماکو و ساوجبلاغ (مهاباد) و بجنورد و قوچان و چادر نشینان قشقایی و بختیاری و شاهسون و مریوان و اورامان و سنجایی و کلهر و ایلات خمسۀ فارس و اعراب بنی طرف در خوزستان و دشتی و دشتستان و ممسنی و بلوچ و طوایف مختلف لرستان خاتمه بدهند و هریک از این وقایع از مباحث مهم تاریخ این دوره است.

قدم مهم دیگری که در راه استقلال ایران برداشته شد لغو قرارداد سال ۱۹۱۹ میلادی با انگلستان بود و تفصیل آن باختصار اینست که پس از جنگ جهانی اول و از پا

درآمدن متحدین و نیرو گرفتن موثرین در سیاست جهان و پیش آمدن انقلاب روسیه و استقرار رژیم کمونیست در آن کشور و برخی پیشامدها در مرزهای شمالی ایران دولت انگلستان که منافع خود را در ایران در خطر می دید و از آن جنگ بسیار بهره مند شده و در نتیجه تجزیه دولت عثمانی سرزمین عراق را نیز تحت الحمايه خود کرده بود و منتهای ناتوانی مادی و معنوی ایران را می دید قرارداد با دولت ایران امضا کرد که بموجب آن دولت ایران اینک که تعادل در میان سیاست روس و انگلیس بهم خورده و دیگر مانعی در برابر انگلستان نبود امور مالی و نظامی خود را بمشاوران و فرماندهان انگلیسی بسپارد. پیداست که این قرارداد در حقیقت استقلال ایران را از میان می برد و ایران را دست نشاندۀ انگلستان می کرد تا جایی که قرار گذاشته بودند ایرانیان از درجه سرهنگی بیالاتر نروند. برای این کار نیروی نظامی را که در جنگ بیپناهۀ امنیت فارس و کرمان و خوزستان از افراد ایرانی و افسران بیگانه تشکیل داده بودند ظاهراً منحل کردند و درصد برآمدند مالیه و اقتصاد ایران را نیز بکارگزاران انگلیسی بسپارند و چند تن ازیشان مدنی در ایران ماندند.

این کارهای اساسی که پی در پی و یکی پس از دیگری بیابان می رسید سبب شد که مردم ایران اندك اندك از خواب صدساله برخاستند و این کارهای مهم را يك يك می دیدند و اوضاع را با گذشته می سنجیدند.

بهمن جهت در مهرماه ۱۳۰۳ جنب و جوش در گرفت و از گوشه و کنار مردم نفرت دیرین خود را نسبت بزمامداران قاجار آشکار کردند و دیگر کسانی را که نتوانسته بودند ایران را از آن حال سستی بیرون بیاورند شایسته فرمانروایی ندانستند.

سرانجام در ۹ آبانماه ۱۳۰۴ مجلس شورای ملی ایران بخلع خاندان قاجار از سلطنت ایران رأی داد و مجلس مؤسسان برای تعیین سرنوشت ایران تشکیل شد و در ۲۱ آذرماه نمایندگان ملت ایران تاج و تخت چند هزار سالۀ خود را بشاهنشاه رضا شاه پهلوی

سپرد و بدین گونه حق خدمات چند ساله را شناخت و سپس در روز یکشنبه ۴ اردی- بهشت ماه ۱۳۰۵ شاهنشاه تاج بر سر نهاد .

پیش ازین اشاره رفت که چگونه عهد نامهای سابق سدی در برابر استقلال ایران بود . پس از الغای حق کاپیتولاسیون قهرآمی بایست عهدنامهای تازه‌ای در میان ایران و کشورهای دیگر بسته شود و عهدنامهای سابق را لغو کنند . دولت شوروی در آغاز تشکیل خود عهدنامهایی را که ایران با روسیه تساری امضا کرده بسود لغو کرد و ناچار عهدنامه ترکمان چای که اساس و مبنای عهد نامهای ایران با کشورهای دیگر بود از میان رفت و اینک موقع آن رسیده بود با دولتهایی که سابقاً عهدنامهایی با ایران داشته اند عهدنامه‌یی منعقد شود که در آنها هیچ برتری در باره اتباع ییگانه نسبت با اتباع ایران قابل نشوند .

بدین گونه پس از الغای حق کاپیتولاسیون عهدنامهای جدیدی با دولتهای شوروی و ترکیه و افغانستان و عراق و آلمان و اتریش و بلژیک و چین و دانمارک و مصر و استونی و دول متحده آمریکا شمالی و فنلاند و فرانسه و انگلستان و یونان و حجاز و نجد و مجارستان و ایتالیا و ژاپون و لتونی و لیتوانی و نروژ و هلاند و لهستان و سوئد و سویس و چکوسلاواکی پی در پی با مضار رسید و در همه این عهدنامها شئون و حیثیات دولت ایران کاملاً رعایت شده و برابری کامل برقرار گشته است . چنانکه پس ازین در باره اصلاحات قضایی بحث خواهیم کرد اندیشه الغای حق کاپیتولاسیون در آغاز سال ۱۳۰۶ پیش آمد و در یک سال این نتایج بسیار مهم فراهم شد .

در ضمن الغای عهدنامهای سابق دولت ایران امتیازهای زیان بخش را که سابقاً بیگانگان داده بودند و یاد کاردوره‌ای بود که مردم ایران بحقوق مشروع خود پی نبرده بودند و زیانهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی فراوان در برداشت لغو کرد از آن جمله امتیازهای راهداری و کشتی رانی و تلگراف و امتیاز حفريات علمی بدولت فرانسه بود

که لغو شد و شیلات دریای خزر که امتیاز آن بایکگان بود بصورت شرکت ایرانی درآمد و امتیاز انتشار اسکناس بتوسط بانک شاهنشاهی ایران نیز درین دوره لغو شد. یکی از مظاهر آشکار استحکام استقلال ایران توجیهی بود که در خارج از کشور ما در محافل مختلف نسبت بایران پیدا شد و ایران در سیاست بین الملل اعتباری یافت که پیش از آن مطلقاً نداشت و بهمین جهت رؤسای دولتها و مردان سیاست جهان که در زمانهای گذشته بایران نیامده بودند نسبت بایران متوجه شدند و سفرهایی بایران کردند که مهم ترین آنها بدین قرارست : امیرامان الله خان پادشاه سابق افغانستان در ۱۳۰۷. جعفر پاشا عسکری وزیر جنگ عراق در ۱۳۰۹. رشدی آراس وزیر امور خارجه ترکیه در ۱۳۱۰. ملک فیصل پادشاه عراق و نوری سعید رئیس الوزرای آن کشور در ۱۳۱۱. امیر فیصل ولیعهد حجاز و نجد در ۱۳۱۱. کلراخان قایم مقام کمیسر امور خارجه شوروی در ۱۳۱۲. گوستاو آدلف ولیعهد سوئد در ۱۳۱۳. نوری سعید وزیر امور خارجه عراق باردوم در ۱۳۱۴. شاه محمودخان وزیر جنگ افغانستان در ۱۳۱۵. دکتر شاخت وزیر اقتصاد آلمان در ۱۳۱۵. دکتر رشدی آراس وزیر امور خارجه ترکیه و فیض محمدخان وزیر امور خارجه افغانستان و ناجی الاصل وزیر امور خارجه عراق در ۱۳۱۶.

در جامعه ملل و در مجامع بین الملل که درین دوره تشکیل یافت همه جا نمایندگان ایران بانمایندگان کشورهای مستقل جهان همدوش بوده اند چنانکه در کنفرانس خلع سلاح و دیوان داوری بین الملل مقام خاصی داشته اند و در شورای جامعه ملل انتخاب شده اند و یک بار نماینده ایران بریاست شورای جامعه ملل انتخاب شد و اینها همه مظاهر استقلال تام ایران و بدست آوردن اعتبار و اهمیت خاص در سیاست جهانست.

آخرین قدمی که درین دوره پیش از جنگ جهانی دوم برداشته شده امضای

پاکت سعدآباد در میان ایران و عراق و ترکیه و افغانستانست که وزرای امور خارجهٔ چهار کشور در ۱۳۱۶ در کاخ سعدآباد آنرا امضا کردند و اتحادی برای حفظ منافع يك دیگر فراهم ساختند. انعقاد این پاکت بهترین دلیل رشد سیاسی ایران شد زیرا که ابتکار آن با دولت ایران بود و نخستین بار بود که در آسیا عهدنامه‌ای در میان چند دولت بسته میشد.

دیگر از مظاهر استقلال سیاسی ایران در جهان آن روز اینست که در هر کشوری رعایت حقوق ایران را نکرده‌اند ایران نیروی آنرا داشته است اعتراض کند چنانکه يك بار بواسطهٔ بی‌احترامی که بایران کرده بودند روابط سیاسی خود را با دولت فرانسه و باریگر با دول متحدهٔ آمریکای شمالی قطع کرد و آن دولتها در رفع کدورت ایران برخاستند.

امنیت کشور

درسراسر دوره قاجارها ناامنی همه ایران را فرا گرفته بود. پادشاهان صفوی پس از جان فشانی‌های بسیار ایران را که در نتیجه ضعف تیموریان ازهم گسیخته بود دوباره استقلال بخشیدند و باهم تألیف و ترکیب کردند و ناچار دست عناصر فتنه‌جوی و ماجری‌جوی کوتاه شده بود. مخصوصاً در سلطنت شاه عباس اول امنیت کامل در ایران فراهم شده بود و تجارت و صنعت رونق کامل داشت. پس از وی اندک اندک صفویان ناتوان شدند و از گوشه و کنار سرکشان برخاستند و منتهی بقتله افغان شد و یکی از سیاه‌ترین روزهای تاریخ در ایران پیش آمد. نادرشاه دوباره امنیتی فراهم ساخت و سرکشان را بجای خود نشاند اما دوره فرمانروایی وی چندان نکشید و پس از او دوره پریشانی روی داد و کریم‌خان زند نتوانست همه ایران را فرمان بردار خود کند. افغانستان از ایران جدا شد و بازماندگان نادرشاه خراسان را از دست ندادند و در نواحی دیگر گاه گاه سرکشانی برمی‌خاستند از آن جمله قاجارها بودند. روی هم رفته دوره کریم‌خان هم دوره آسایش و امنیت کامل نبود. پس از کریم‌خان اوضاع وخیم‌تر شد و در دوره صد و سی و چهار ساله استیلای قاجارها هرگز ایران از امنیت برخوردار نشد.

درین دوره گذشته از چادر نشینان مسلح و راهزنانی که جان و مال مردم را هکند از تاخت و تازهای ایشان در امان نبوده است چند بار که پادشاهی از میان رفته مدعیانی برمی‌خاسته‌اند و جنگهای داخلی درمی گرفته است. چنانکه پس از مرگ فتحعلی‌شاه و محمد شاه مدتی در میان مدعیان کشمکش برپا بوده است.



قبل از زمامداری - در لباس فرماندهی کل قوا

ذکر ناامنیها و جنگهای داخلی که سراسر تاریخ قاجارها را فرا گرفته است در خور کتاب بزرگ‌یست و من تنها به‌حوادث پایان این دوره تا ۱۲۹۹ قناعت می‌کنم .

درین دوره قوه حاکمه و دولت مرکزی تنها بر قلمرو محدودی در اطراف تهران فرمانروایی داشت و در هر ناحیه‌ای سرکشانی بودند که ذکرایشان پس ازین خواهد آمد .

چنانکه سابقاً باختصار اشاره کردم خوزستان که در زمانهای قدیم یکی از آبادترین نواحی ایران و سرزمین زرخیزی بود در نتیجه ناتوانی دولت یکی از ویران‌ترین ولایات ایران شده بود و منابع ثروت و کشاورزی آن از کار افتاده بود . چادر نشینان عرب مانند بنی‌طرف و بنی‌کعب از سالیان دراز در آنجا رخنه کرده بودند و تقریباً در مدت سی سال این سرزمین تاریخی از ایران جدا بود و از حکومت مرکزی پیروی نمی‌کرد و حتی شیخ خزعل که دم از استقلال می‌زد مالیات را بنفع خود می‌گرفت و بایکانشان روابط شخصی داشت .

لرستان نیز همواره میدان تاخت و تاز چادر نشینان غارتگر لر بود و از زمان کریم‌خان زند بپسند رابطه لرستان با حکومت مرکزی گسسته شده بود و از یک سوی تا خوزستان و از سوی دیگر تا سرزمین اراک و سلطان آباد هر مسافر و کاروان و بازرگانی که از آنجا می‌گذشت دو چار کشتار و تاراج می‌شد .

ناحیه کرمانشاهان نیز از قدیم میدان سرکشی چادر نشینان کلهر و سنجابی و گوران و جز آن بود و حوادثی پیش می‌آوردند که نامدنی دولت مرکزی را گرفتار می‌کرد .

کردستان هم پس از کریم‌خان زند یکسره از حکومت مرکزی جدا شده بود و طوایف کرد مانند اورامانی و مریوانی و کلباغی و مکرری و کلیایی نه تنها پیوسته بایک دیگر در زد و خورد بودند و از حکومت مرکزی پیروی نمی‌کردند و کارگزاران آنرا بخود راه نمی‌دادند بلکه بر همسایگان خود نیز می‌تاختند و دولت ایران ناگزیر بود

هرچند يك بار نیرویی برای دفع آنها بفرستد ولی با این همه کوششها نمی‌توانست ایشان را فرمان بردار بخود کند .

آذربایجان نیز که در سیاست و اقتصاد مهم‌ترین ایالت ایران بود همواره میدان تاخت و تاز چادر نشینان دیگر بشمار میرفت و کم می‌شد امنیت کامل در آن ایالت بزرگ برقرار باشد . در جنوب و مغرب آن سرزمین کردها و طوایف چادر نشین آسوری یا کلدانی نصرانی که بایشان «جلو» می‌گفتند و در شمال چادر نشینان شاهسون یا یک دیگر در زردوخورد بودند و گاهی مردم شهرها گرفتار کشتار و تاراج این دسته یا آن دسته می‌شدند و گاهی هم زردوخورد در شهرها درمی‌گرفت .

در گیلان هم طوایف مختلف در برخی از نواحی سرکشی می‌کردند و مخصوصاً طالبی‌ها دعوی خودسری داشتند و اتباع و پیروان میرزا کوچک‌خان که بنام جنگلی معروف شده بودند چند سال رابطه آن سرزمین را با حکومت مرکزی گسسته بودند و سفرای از مرکز بانجا و از آنجا بمرکز می‌آمدند .

درمازندران نیز برخی از نواحی بود که کمتر روی آسایش و امنیت بخود می‌دید و مخصوصاً ناحیه سوادکوه مسکن طوایفی بود که چندین بار سرکشی و فتنه‌جویی کرده بودند .

استرآباد یکی از ناامن‌ترین نواحی ایران بود زیرا که ترکمانان مخصوصاً طوایف یموت و کوکلان و تنکه مدتهای مدید بهیچ وجه فرمان بردار حکومت مرکزی نبودند و پیوسته در حال طغیان و دزدی و راهزنی بسر میبردند و همیشه در راه خراسان در کمین کالا و راهگذر بودند و نه تنها از کشتار و تاراج باک نداشتند بلکه زن و کودک را اسیر می‌کردند و باخود می‌بردند و از ایشان بهره‌مند می‌شدند .

در خراسان نیز که ظاهراً امن‌ترین و آرام‌ترین ناحیه ایران بود همواره چادر نشینان سرکش غارتگر در نواحی مختلف در تاخت و تاز بودند و در برخی از نواحی مخصوصاً کردان بجنورد و قوچان فرمان بردار حکومت مرکزی نبودند و چادر نشینان دیگر از نژادهزاره

و کلالی و دیگران نیز سرکشی می کردند .

بلوچستان ظاهراً از نواحی ایران بود اما در سراسر دوره قاجارها ناحیه مستقلی بشمار می رفت و هیچ مأموری از مرکز بآنجا راه نیافته بود و چادر نشینان بلوچ نیز خودسر و مستقل بودند و از تاخت و تاز و راهزنی باک نداشتند .

سرزمین فارس هم که مرکز تمدن قدیم ایران و زادگاه هخامنشیان و ساسانیان بود نیز بیشتر گرفتار پریشانی و ناامنی بود زیرا که طوایف مختلف از چند نژاد پیوسته در آنجا بایک دیگر در زد و خورد بودند و از کشتار و تاراج مردم فارس خودداری نمی کردند چنانکه طوایف قشقایی از یک سو و قبایل ممسنی و کوه گیلویه و دشتی و دشتستان و تنگستان و ایلات خمسه از سوی دیگر نه تنها بایک دیگر زد و خورد می کردند بلکه مزاحم زندگی مردم آبادیها نیز می شدند .

کرمان هم هر چند ظاهراً یکی از آرام ترین نواحی ایران بشمار می رفت طوایف مختلف بلوچ و ترک نیز در آنجا چادر نشین بودند و بیشتر وسایل ناامنی را فراهم می ساختند و بکشاورزان و پیشه‌وران زیانهای بسیار می رساندند .

حتی در نواحی مرکزی ایران در گوشه و کنار چادر نشینان مسلح دیگر بودند که آسایش و امنیت را از میان می بردند و ایشان نیز بر اهزنی روزگار می گذراندند چنانکه طوایف بختیاری از اطراف اصفهان گرفته تا خوزستان و لرستان همه جا راهزنی و غارتگری می کردند. از طرف دیگر طوایف خلیج در ناحیه ساوه و زرند و قم نیز تاخت و تاز می کردند و گروه‌هایی از طوایف عرب و شاهسون و کرد و غیره تا اطراف تهران و نواحی شهریار و ورامین و خوار و ساوجبلاغ می آمدند و در ضمن آنکه بسر دسیرو گرمسیر می رفتند در سراسر راه از راهزنی خودداری نداشتند .

بدین گونه می توان گفت در آن روزگار ایران کشوری بود که در هر گوشه آن چادر نشینان مسلح و راهزن امنیت و آسایش را دستخوش تاخت و تازهای خود می کردند و پیوسته ازین سو بآن سو می رفتند چنانکه مردم آبادیها و کشاورزان هرگز از دستبرد-

های ایشان در امان نبودند و بسیاری از روستاهای کشور دوچار این غارتگری‌ها می‌شدند بطوری که بیشتر از آنها قلعه و حصار داشتند تا از دستبرد راهزنان در امان بمانند. در هر راهی که مردم آمد و رفت داشتند در سرگرده‌ها و پیچ و خمها در تاریکی شب راهزنان در کمین بودند و نه تنها تاراج و کشتار می‌کردند بلکه زن و بچه را با سیری می‌بردند و نامدنی بساط برده فروشی در نواحی مختلف گسترده بود. بیشتر مأموران و کارگزاران دولت و ادارات و بنگاههای بازرگانی و صنعتی و اقتصادی داخلی و حتی خارجی چاره جز آن نداشتند که بایشان باج بدهند تا بهمان قناعت کنند و دست از تاراج بکشند. اگر آماری از کسانی که بدست این راهزنان کشته شده‌اند برداشته بودند معلوم می‌شد که کشتار ایشان کم‌تر از کشتار بیماریه‌ای و اگیر نبوده و چنان می‌نماید که درین مدت سراسر کشور گرفتار این بلای جانکاه بوده که کمتر از وبا و طاعون و هر بیماری دیگر نبوده است.

چنانکه سابقاً هم اشاره کردم بیشتر ازین چادر نشینان راهزن و تاراجگر را عناصر بیگانه نیرو می‌دادند و حتی آشکار اسلحه و مهمات بایشان می‌دادند و گاهی مأموران رسمی خود را بمیان ایشان می‌فرستادند و سران آنها را رسماً تحت الحمايه خود قرار می‌دادند و گاهی نیز قراردادهایی با ایشان امضای کردند مانند قراردادی که بادولتی مستقل امضا کرده باشند و این بستگی‌ها را از مفاخر خود می‌دانستند.

پس ازین خوانندگان خواهند دید که گذشته ازین شرارتهای چادر نشینان مسلح کسان دیگر درین دوره از راههای دیگر دعوی خودسری داشته و مدتهای مدید ناحیه‌ای را میدان تاخت و تاز خود قرار داده‌اند.

این جا قهراً اندیشه‌ای پیش می‌آید و آن اینست که ایران یکی از قدیم‌ترین کشورهای متمدن جهانست و در سه هزار سال پیش در زمانی که همه ملت‌های متمدن امروز پادبایرة تمدن نگذاشته بودند اساس تمدن استوار خود را گذاشته و در بسیاری از ادوار

تاریخ جهان در تمدن مادی و معنوی بر کشورهای دیگر برتری داشته است . دریغا که این کشور درین دوره صد و سی و چهار ساله بدین گونه سیر قهقرایی کرده است. زیرا تردیدی نیست هر کشوری که افراد آن بایک دیگر سازگار نباشند و یک دیگر را بکشند و اموال یک دیگر را بیغما ببرند و زنان و فرزندان یک دیگر را برده کنند و بفروشند و هیچ وسیله ای برای منع این نابکاریها و ایجاد آسایش و امنیت وجود نداشته باشد نمی توان آن کشور را متمدن دانست و اگر پیش از آن چنین اوضاعی برقرار نبوده است باید گفت در تمدن سیر قهقرایی کرده است .

بدین نکته نیز باید توجه کرد که در آن زمان هر کس در ایران سفر کرده متوجه شده است که در هر گوشه این کشور بزرگ که زمانی در نتیجه پیوستگی و یگانگی افراد خود جهانیان را خیره کرده بود زبانی و عادات و اخلاقی و آداب و رسوم خاصی بوده که در آن گوشه دیگر تغییر می کرده و در حقیقت در هر قدم از قلمروایلی بقلمرو ایل دیگر می رفتند و در میان این دو ایل سرحدی بود که برای عبور از آن گذرنامه لازم بود زیرا که اگر رئیس و سر کرده ایل اجازه نمی داد و ایل بیکی و ایل خانی دستور نداده بودند نمی توانستند وارد آن ناحیه بشوند و بسا می شد که تا کسی باج نمی داد باوراه نمی دادند . هنگامی که جنگلیان بر کیلان استیلا یافته بودند مردی بنام نماینده جنگل در تهران بود و کسی که می خواست از تهران بکیلان برود می بایست از وجواز و در حقیقت گذرنامه بگیرد و در منجیل که حکم سرحد در میان کیلان و تهران را داشت بکماشتگان میرزا کوچک خان و جنگلیان نشان بدهد تا بتواند از آنجا بگذرد و وارد کیلان بشود .

شاید خوانندگان گمان کنند که لافل در اندرون شهرها امنیت بوده و مردم در امان می زیسته اند و مثلاً مردم تهران در شهر گرفتاری نداشته اند . گذشته از آنکه در هر شهری یک عده مردم نابکار بنام «الواط» و «لوطی» بودند که بهوی و هوس درمستی

و عربده جویی ممکن بود راهگذری را بکشند عوامل دیگر برای ناامنی در شهر و اطراف آن بود و بهمین جهت بسیاری از شهرهای ایران خندق و برج و بارو و حصار داشت و دروازهایی بود که هر شب می بستند و حتی در میان محلات مختلف يك شهر مثلاً در شهر تبریز دروازه بود و در تهران نیز محله ارگ که مرکز سلطنت و دستگاه دولت بود از چهار طرف دروازه داشت و میسدان سپه نیز دروازه داشت تا مردم این محله مزاحم محله دیگر نشوند و همین که پاسی از شب می گذشت رفت و آمد در کوی و برزن شهر را مانع می شدند و معمول بود بیاسبانان «اسم شب» می دادند یعنی کلمه ای محرمانه را بکسانی که می توانستند رفت و آمد کنند می گفتند و وی آنرا در گوش بیاسبانان می گفت تا اجازه رفتن باو بدهند . سپس که افسران سوئی برای شهر بانی تهران استخدام کردند ایشان ورقه ای چاپی با مهر و امضا و عکس صاحب ورقه بکسانی که طرف اعتماد بودند می دادند تا هنگام ضرورت شب بتوانند از خانه خود بیرون بروند.

درین زمینه نکته بسیار مهم اینست که این کارهای مهم که برای استقرار امنیت در ایران شده است و قدمهای بلندی که رضا شاه پهلوی درین راه برداشت در مدت بسیار کوتاهی با سرعتی بی نظیر که در هیچ يك از ادوار تاریخ ایران نظیر نداشته است صورت گرفت زیرا از آغاز سال ۱۳۰۰ تا تیرماه ۱۳۰۹ که اسمعیل سمیتقورئیس ایل شکاک در آذربایجان گرفتار ارتش ایران شد و این آخرین واقعه ناامنی و بی نظمی بود تنها هشت سال و چهار ماه کشید یعنی ناامنی و بی نظمی را که بیش از صد و سی سال وسایل آن در ایران فراهم شده بود درین اندك مدت از میان بردند اما در سراسر این مدت ارتش ایران مشغول زد و خورد نبوده و در هر سالی بیش از چند ماه گرفتاری نداشته است و ناچار ناامنی و بی نظمی صد و چند ساله در مدتی کمتر از آن پایان رسیده است .

پیدا است که برای رسیدن باین نتیجه نخست می بایست سپاه نیرومندی در ایران

فراهم شود و دست ییکانگان را از آن کوتاه کنند و افسران ییکانه را از نظام ایران برانند و دسته‌های مختلف را متحد الشکل کنند تا بتوانند بدان وسیله دست راهزنان و سرکشان را کوتاه کنند . بهمین جهت بمحض اینکه این نیروی تازه فراهم شد و وسایل کار آماده گشت بی‌درنگ بکار آغاز کردند و يك يك نواحی مختلف ایران که از حکومت مرکزی جدا شده بودند و هر يك دم از استقلال می‌زدند فرمان بردار شدند . مراحل مختلف این کار بسیار مهم بدین گونه است :

نخستین ناحیه خراسان بود که پس از سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ محمد تقی خان پسیان فرمانده لشکریان آن سرزمین در برابر حکومت مرکزی ایستادگی می‌کرد و رابطه خود را با تهران قطع کرده بود و در سال ۱۳۰۰ پس از چند ماه کوشش این غائله رفع شد .

پس از آن می‌بایست همت بامنیت آذربایجان بگمارند زیرا که در آنجا هم ابوالقاسم خان لاهوتی فرمانده نیروی آن ایالت در تبریز برای مخالفت بامتحدالشکل شدن ارتش قیام کرده بود و از پذیرفتن دستورهای حکومت مرکزی سرپیچی می‌کرد و پس از فرستادن عده ای بآذربایجان و زد و خوردی در تبریز آن ایالت نیز بحکومت مرکزی پیوست .

پس از آن می‌بایست باوضاع خوزستان و امن کردن آن سرزمین توجه کنند زیرا چنانکه پیش ازین اشاره کردم نزدیک سی سال بود که شیخ خزعل رئیس یکی از قبایل عرب خوزستان در محمره (خرم شهر) دستگاه مستقلی برای خود فراهم کرده بود و درباری تشکیل داده بود و چنان دعوی استقلال داشت که مالیات را از مردم خوزستان بنام خود می‌گرفت و مانند پادشاهان عرب سواحل و جزایر خلیج فارس عنوان « شیخ محمره » یعنی عنوان سلطنت برای خود قائل بود . این ناحیه نیز پس از لشکرکشی که شاهنشاه خود در آن شرکت داشت دوباره بایران ملحق گشت و پس از

سی سال سرزمین خوزستان تابع حکومت مرکزی شد .

پس از آن واقعه متوجه سرزمین کیلان و رفع غائله جنگلیان شدند زیرا که از اواسط جنگ جهانی اول و مقارن انقلاب روسیه میرزا کوچک خان در کیلان گروهی را مسلح کرده و تندریجاً سراسر آن ناحیه را فرمان بردار خود کرده و رابطه آن سرزمین با تهران مدتها گسیخته بود و جنگلیان حکومت مستقلی تشکیل داده و کم کم شهر رشت را نیز گرفته بودند و سپس در آنجا حکومت انقلابی و شوروی باوزارت خانه های مستقل تشکیل داده بودند و نزدیک بهفت سال این ناحیه از ایران پیوسته در حال پریشانی و آشفتگی بود و چنانکه پیش ازین اشاره رفت حتی سرحد خود را درمنجیل در آغاز خاك کیلان معین کرده بودند و رفت و آمد مردم بسته با اجازه ایشان بود . پریشانی این ناحیه بجایی رسید که چون حکومت انقلابی در رشت بکار آغاز کرد جمعی کثیر از مردم کیلان بقزوین و تهران مهاجرت کردند و با کمال پریشانی و سرگردانی از زادگاه خود دور شدند و حتی عده ای پیاده این راه دراز را تا تهران پیمودند و حکومت انقلابی دارای ایشان را ضبط کرد . شاهنشاه فرماندهی سپاهیان را که مأمور آرامش کیلان شده بودند خود بعهده گرفت و در اندك مدتی این فتنه نیز فرونشست .

سپس بامنیت آذربایجان همت گماشتند زیرا که در آن ایالت از دیرباز پیشامدهای ناگوار روی می داد و پس از اعلان مشروطیت دیگر آذربایجان روزخوش ندید . چندی شاهسونها و صمدخان شجاع الدوله در تبریز فرمانروایی کرده بودند و سپاهیان روسیه تساری بیهانه حفظ منافع اتباع خود در نواحی مختلف آن سرزمین جای گرفتند و از کشتار کسانی که ایشان را مخالف خود می دانستند نیز دریغ نداشتند . سپس در جنگ جهانی اول طوایف مختلف ترك و کرد و آسوری و لشکریان روسیه و عثمانی در نواحی مختلف آذربایجان در زدو خورد بودند و از آن جمله هريك بنوبت

شهر ارومیه (رضائیة) را قتل و غارت کردند . سپس قیام شیخ محمد خیابانی و دعوی استقلال آذربایجان روی داد چنانکه آن ایالت را از ایران جدا دانستند و دولت مستقلی بنام «آزادیستان» در تبریز تشکیل دادند و هیچ رابطه با حکومت مرکزی نداشتند . چنانکه پیش ازین نیز اشاره رفت پس از آن ابوالقاسم لاهوتی در تبریز قیام کرد و پس از دفع وی باز امنیت در سراسر آذربایجان برقرار نشد . چنانکه سرکشانی چند مانند اسمعیل سمیتقو و اقبال السلطنه ما کوبی و دیگران باقی مانده بودند و تا تیر ماه ۱۳۰۹ که سمیتقو دستگیر شد تا امنی در آذربایجان فرمائروا بود و سرانجام آن ناحیه نیز امنیت یافت .

پس از آن با امنیت لرستان برداختند . این ناحیه نیز از سالیان دراز پناهگاه چادر نشینان مسلح و دزدان و راهزنان بود و در سراسر دوره استیلای قاجارها کمتر می شد که فرمان بردار حکومت مرکزی باشد و بهمین جهت کسی را جرأت آن نبود که از آنجا بگذرد . طوایف بیابان گرد لرهای پشت کوه که بچندین طایفه مختلف تقسیم می شدند و گذشته از تاراج نواحی مجاور بایک دیگر نیز بیشتر در زد و خورد بودند کاملاً خلع سلاح شدند و ایشان را از کمین گاههایی که قرنهای در آنجا بوده اند بآبادانی ها بردند و شهر نشین کردند و این کار مدتی مدید فرصت لازم داشت و سرانجام در آغاز سال ۱۳۰۷ بیابان رسید . بدین گونه لرستان نیز بحکومت مرکزی ایران پیوست . ناحیه دیگر نیز که مردم چادر نشین آن بیشتر در سرکشی و نافرمانی بودند کردستان بود و می توان گفت پس از دوران صفویه دیگر امنیت بخود ندیده بود و پیوسته در بریشانی و آشفتگی بود و طوایف مختلف کرد چون قبایل اورامان و مریوان و کلباغی و مگری و کلیایی و غیره همواره بایک دیگر در زد و خورد بودند و بنواحی اطراف دستبرد می زدند و با حکومت مرکزی بیشتر رابطه نداشتند . از طرف دیگر کردان ناحیه کرمانشاهان مانند کلهر و سنجابی و گوران و غیره سراسر آن نواحی را

میدان تاخت و تاز خود کرده بودند . درین نواحی تا ۱۳۰۶ قدمهای بلند برای استقرار امنیت برداشته شده است .

از سوی دیگر پس از ختم فتنه مشهد و کشته شدن محمدتقی خان پسیان هنوز برخی از نواحی خراسان مانند بجنورد و قوچان کاملاً امن نشده بود و برخی از چادر- نشینان مسلح تیموری در مرز ایران و افغانستان در شرارت خود باقی بودند و سرانجام این ناحیه نیز آرام شد .

در مازندران هم هنوز عناصر سرکشی بودند که می بایست ایشان نیز فرمان بردار حکومت مرکزی شوند و در آنجا نیز نیروهای دولتی سرکشان از آن جمله سردار مؤید سوادکوهی را مطیع حکومت مرکزی کردند .

پیش ازین اشاره مختصری بوضع ناحیه استرآباد کردم که ترکمانان در آنجا از دیر باز فتنه می کردند و دستبردها و راهزنیهای ایشان در سر راه خراسان سالیان دراز پریشانی فراهم آورده بود . ناچار می بایست ترکمانان را نیز از کشتار و تاراج باز دارند و ایشان را شهرنشین کنند و این کار در ۱۳۰۵ پایان رسید .

در تیر ماه ۱۳۰۵ آخرین گروه از فتنه جویان و سرکشان که در سلماس باقی مانده بود بدست نیروی دولتی خلع سلاح شد . در ۱۳۰۷ غلامرضا خان والی پشت کوه سرکرده غارتگران لرستان پس از پیشرفت سپاهیان ایران در آن ناحیه از ایران گریخت و از آن پس لرستان نیز آرام شد .

در بهمن ماه ۱۳۰۷ دوست محمد خان بلوچ که سرکرده راهزنان و سرکشان بلوچستان بود مغلوب نیروهای دولتی گردید و از آن پس این ناحیه نیز که سالیان دراز فرمان بردار حکومت مرکزی نبود آرام شد .

در خرداد ماه ۱۳۰۸ آخرین عناصر ماجری جو و فتنه طلب که در فارس مانده بودند یعنی طوایف چادر نشین بهارلو و قبایل لرستان و ایل قشقایی که هنوز دم از خودسری می زدند فرمان بردار شدند .

در تیرماه ۱۳۰۹ اسمعیل سمیتقوس کرده ایل شکاک آذربایجان که خود و پدرانش سالیان دراز با نیروهای دولتی زد و خورد کرده بودند و وی نیز چندین بار با ارتش روبرو شده بود در آخرین جنگی که باقوای دولتی کرد کشته شد و نه تنها سراسر آذربایجان فرمان بردار حکومت مرکزی شد بلکه همه خاک ایران از سرکشان پاک شد و بهمین جهت این تاریخ را می توان تاریخ پایان پذیرفتن دوره سرکشیها و نافرمانیها دانست و از آن پس ایران از امنیت کامل برخوردار گشت و چنانکه پیش ازین اشاره رفت از زمان شاه عباس اول دیگر چنین دوره آسایش در ایران پیش نیامده بود .

درین میان نکته بسیار مهم اینست که دوران سرکشی و آشوب و فتنه و کشتار و تاراج که پس از شاه عباس اول روز بروز دامنه آن در ایران گسترده شده و بالا کشیده است بدین آسانی در مدتی کمتر از هشت سال بی پایان رسید و در سراسر مملکت مردمی که سالیان دراز بود روی آسایش ندیده بودند بدین گونه از امنیت برخوردار شدند، پیداست نتایجی که بدین گونه فراهم شده از آن جهت بوده است که مردبزرگی رشته درهم گسیخته کارهای کشور را بدست گرفته و وسایل مادی و معنوی چنین کاربزرگی را فراهم آورده است . ناچار برای این کار بیش از هر چیز اراده بسیار قوی و عزم راسخ و ایستادگی و پشت کاری که تنها گاه گاهی در مردان بزرگ فراهم می شود مؤثر بوده است .

هر کس که اندک بررسی در تاریخ ارتش ایران بکند می بیند کشوری که در روزگار هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان و پس از آن در همه ادوار تاریخ کهن خود تازمان صفویه و نادرشاه و کریم خان ارتشی داشت که نه تنها حدود کشور را پاسبانی می کرده بلکه سرکشان و فتنه جویان داخلی را نیز فرمان برادر خود می کرده است در بسیاری از موارد یادگارهای درخشان گذاشته است و آخرین واقعه مهم آن محاصره بصره در زمان کریم خان زند بوده است .

از آغاز قرن نوزدهم میلادی که اصول جدید در جنگ پیدا شد ایران در نتیجه

گرفتاری در جنگال کار گزاران ناشایسته و دو کانی و نفاق و جنگهای داخلی خانگی و نادانی و بی خبری از سیر تمدن جهان نه تنها از کشورهای دیگر عقب افتاد بلکه از آرام کردن داخله خود نیز ناتوان ماند و از عهده کردن کشانی مانند نایب حسین کاشانی و ماشاء الله خان پسرش و رضا جوزانی و علی خان سیاه کوهی و امثال ایشان که هر يك عده معدود تاراجگر را با خود هم دست کرده بودند بر نمی آمد . یگانه دلیل این ناتوانی آن بود که در کشورهای دیگر سلاحهای تازه و اصول جدید در فنون جنگ آوری بکار می بردند که کار گزاران ایران از آنها محروم بودند و در بیشتر موارد ارتش ایران تفنگ و توپ سرپر قدیمی را هم بقدر کفایت نداشت و بارها شد که سلاح چادر نشینان مسلح که از یگانگان یاری می دیدند از سلاح سپاهیان نیروی دولتی بهتر و تازه تر بود . روحیه سربازان نیز که دولت مرکزی نمی توانست زندگی ایشان را تأمین کند و خوراك و پوشاك لازم را بایشان برساند باندازه ای ضعیف بود که از عهده حفظ جان خود بر نمی آمدند و در آن دوره بار هایش آمده است که دولت عده ای سرباز را برای سرکوبی راهزنی فرستاده و وی آنها را برهنه کرده و با اصطلاح کت آنها را بسته و گاهی وارون سوار خر کرده و باز گردانده است .

داستانی از آن زمان در میان مردم هست که شاید هنوز برخی از خوانندگان بیاد داشته باشند و آن اینست که درین دوره خواری و ناتوانی زمانی مهمان محترمی می بایست وارد بوشهر شود و بعد از معمول آن زمان بفرمانده سپاهیان دستور داده بودند هنگام ورود او و پیاده شدن از کشتی چند تیر توپ بپندازد و چون وی این کار را نکرد و ازو بازخواست کردند که بجه دلیل این کار را نکرده است گفت : بهزار و يك دلیل ، دلیل اول آنست که گلوله و باروت نداشتیم .

پیش ازین هم اشاره کردم در آن دوره عده سپاهیان ایران را می بایست یگانگان معلوم کنند و دولت حق نداشت از آن عده تجاوز کند . تازه همان عده هم روی کاغذ بود و هرگز حاضر خدمت نبودند و اگر حقوقی بنامشان پرداخته می شد افسران بافراد نمی دادند و بارها سربازان در میدان سپه تهران که آن روز میدان توپخانه

می گفتند برای مطالبه حقوق خود ازدحام می کردند و باصطلاح «یا علی می کشیدند». بهمین جهت بود که بسیاری از سربازان با همان لباس نظامی گذران خود را از رام دیگر بدست می آوردند، مثلاً هیزم شکن یا تخم مرغ فروش بودند و یا بدرخانه این و آن نو کر می شدند. مناصب مهم نظام حتی سرهنگی و سرتیپی ارنی بود که گاهی بیجهت نوزاد نیز می دادند و چنانکه پس ازین درباره اصلاحات نظامی بحث خواهم کرد درین دوره سرهنگان و سرتیپان نابالغ بسیار دیده شده است و این مناصب را بکسانی هم می دادند که هرگز در نظام خدمت نکرده بودند و نمی کردند.

یکی از مهم ترین کارهایی که در راه استقلال امنیت ایران شد قانون خدمت نظام بود که در آبانماه ۱۳۰۵ باجرای آن آغاز کردند و کسانی که از جامعه شناسی آگاهند می دانند که چنین کاری چه اهمیتی در روحیات ملتی دارد. خدمت نظام برای جوانان سودهای فراوان دارد. نه تنها در تقویت روح ملی و حسن میهن پرستی و نیروی مردی و مردانگی و جنان فشانی در راه کشور بسیار مؤثرست بلکه در پرورش جسم و جان جوانان نیز آثار بسیار دارد و در تن درستی و کار کشتگی ایشان نیز اثر می گذارد.

بهترین وسیله استقرار امنیت که در ضمن اوضاع ایران را پس از استقرار آن نشان می دهد سفرهایست که هر چند یک بار و گاهی چندبار در سال شاهنشاه ایران بنواحی مختلف کشور می کرد و درین سفرها شخصاً بجزئیات کارها می رسید و از نزدیک در پیشرفت کار مراقبت می کرد و فهرست آن سفرها بدین گونه است:

در خرداد ماه ۱۳۰۵ سفر ملایر. در مرداد ماه آن سال سفر گرگان و خراسان تاقوچان و بجنورد. در مهرماه همان سال سفر مازندران و کرانهای دریای خزر.

در شهریورماه ۱۳۰۶ سفر آذربایجان. در مهرماه آن سال سفر مازندران و گرگان.

در فروردین ماه ۱۳۰۷ سفر قزوین و سفر بروجرد و لرستان. در اردیبهشت ماه همان

سال سفر کیلان. در مهرماه آن سال سفر مازندران و گرگان. در آبانماه آن سال سفر

خرم آباد و دزفول و خرمشهر و از آنجا بیوشهر و شیراز و اصفهان .
در مهرماه ۱۳۰۸ سفر آذربایجان و کیلان و مازندران و گرگان . در دیماه آن
سال سفر خوزستان .

در آبانماه ۱۳۰۹ سفر مازندران و گرگان و خراسان و سیستان و بلوچستان و
کرمان و یزد و نایین و نطنز و کاشان و قم .

در اردی بهشت ماه ۱۳۱۰ سفر کیلان . در شهریور ماه آن سال سفر کیلان و
آذربایجان و کردستان و کرمانشاهان . در آبانماه آن سال سفر مازندران و گرگان .
در بهمنماه آن سال سفر دیگر مازندران برای افتتاح کارخانه نخریسی شاهی .

در اردی بهشت ماه ۱۳۱۱ سفر مازندران . در شهریورماه همان سال سفر مازندران
و کیلان . در مهرماه همان سال سفر بجنوب ایران و خوزستان و لرستان برای حضور
در موقع ورود کشتی های ناوگان ایران . در آذرماه آن سال سفر مازندران و گرگان .
در فروردین ماه ۱۳۱۲ سفر مازندران . در مرداد ماه همان سال سفر دیگر
مازندران برای افتتاح راه چالوس . در مهرماه همان سال سفر آذربایجان و کردستان
و کرمانشاهان . در آبانماه آن سال سفر مازندران و گرگان .

در اردی بهشت ماه ۱۳۱۳ سفر مازندران . در خردادماه آن سال سفر آذربایجان
و از آنجا بترکیه . در مهرماه آن سال سفر مازندران و گرگان .
در آبانماه ۱۳۱۴ سفر مازندران و گرگان و کیلان .

در اردی بهشت ماه ۱۳۱۵ سفر مازندران و کیلان . در مهرماه همان سال سفر دیگر
مازندران و گرگان .

در فروردین ماه ۱۳۱۶ سفر بمغرب و جنوب ایران . در مهرماه آن سال سفر
مازندران و گرگان و کیلان .

در اردی بهشت ماه ۱۳۱۷ سفر مازندران و کیلان .

در شهریور ماه ۱۳۱۸ سفر بخوزستان و جنوب ایران برای افتتاح راه آهن
سرتاسری . در مهرماه آن سال سفر مازندران .



بعد از تاجگذاری

اصلاحات نظامی

در دوره قاجارها ارتش ایران که در زمان نادرشاه بفتح هندوستان کامیاب شده و تا دهلی رفته بود چندان ناتوان شده بود که از عهده راهزنان اطراف تهران هم بر نمی آمد. پیش ازین اشاره رفت که افراد این ارتش چه حالی داشتند و چگونه در خواری و تنگ دستی زندگی می کردند. افسران آن بیشتر از فن خود عاری بودند و تربیت نظامی نداشتند. مناصب نظامی راحتی بکودکان نوزاد و نابالغ می دادند. میرزا محمد علی خان سروش اصفهانی شمس الشعرا شاعر بزرگ قرن گذشته ایران درباره یکی ازین سرهنکهای نابالغ زمان خود سروده است :

نه حاجت مشق و زحمت جنگ ترا نه در صف کارزار آهنگ ترا

در کار تو آن نشان سرهنکی نیست مام تو نخست زاده سرهنک ترا

در همین زمینه نیز گفته است :

مشق چپ و راست چون دهی لشکرا طفلی تو و دست چپ ندانی از راست

همین نکته را بزبان دیگر چنین سروده است :

بی زحمت مشق ، بی صدمه جنگ مادر مرو را زادست سرهنک

و باز بزبان لطیف تری گفته است :

مادر بقسم دست نهادی بشکم گفتمی : بسر عزیز سرهنک قسم

کسانی که از اوضاع ارتش ایران در آن زمان آگاهند می دانند که شاعر درین

زمینه هیچ مبالغه نکرده است . روزنامه ملا نصرالدین که بزبان ترکی در آن روزگار در تفلیس چاپ می شد کلاریکا توری ساخته بود که پسر بچه چهار پنج ساله ای را با لباس سرتیپی نشان می داد و مادرش باو می گفت: سرتیپ جان، یا برویم حمام. او گریه می کرد و می گفت: نمی آیم . بالاتر از درجه سرهنگ و سرتیپ درجه میرپنج و امیر تومان و امیر نویان بود و این درجات را نیز بکسانی که از فن نظام آگاه نبودند می دادند . کلمات سالار و سردار و سپهدار و سپهبد و سپهسالار جزو القاب شده بود و بارها شد که این القاب را بکسانی دادند که از فنون جنگ بی خبر بودند و حتی این گونه القاب را بکودکان هم داده اند . در نقاشیها و عکسهای آن زمان دیده می شود که لباسهای رسمی مناصب مهم را بتن کودکان کرده و نشانها و حمایلهای نظامی را بایشان بسته اند . همه ارتش کشور پهنای ایران که می بایست از یک میلیون و ششصد و چهل و چهار هزار کیلومتر مساحت پاسبانی کند و امنیت این ناحیه بدین وسعت را فراهم آورد از چند صد تن تجاوز نمی کرد که هنگام قدرت باصول بنیچه از روستاها می گرفتند بدین گونه که هر عده معین از مردم آن روستا می بایست چند تن سرباز بدهد و هزینه نگاهداری و حتی بهای اسب و اسلحه و لباس آنها را در میان مردم روستا سرشکن می کردند و در سراسر مدتی که آن سرباز در خدمت نظام بود هزینه او بعهده آن مردم بود. گذشته از این یک عده سربازان و سواران چریک هم بودند بدین گونه که مردم هر محل یک عده را برای پاسبانی آن محل معین می کردند و یک تن از روسای محل فرمانده آن عده می شد و پیداست آن عده که از محل خود آشنایی کامل داشتند چگونه بر مردم اجحاف و تعدی می کردند . در اواخر این دوره که دولت حتی نیروی آن که سرباز بنیچه و چریک بگیرد نداشت همه افراد مزدور بودند و داوطلبانی بودند که چون کار دیگر نمی یافتند سرباز می شدند و چنانکه پیش ازین اشاره رفت افسران حقوق این عده را از خزانه دولت می گرفتند و بایشان نمی داند و ایشان هم چاره ای جز نوکری و

فروشدن کی دوره گرد تدا شدند .

از همه ترقیایی که در مدت صد سال در اسلحه سازی شده بود ارتش ایران بی نصیب بود . در بسیاری از شهرهای ایران هنوز توپهای سر بر که در زمان شاه عباس از پرتغالی های جزیره هرمز گرفته بودند در میدانهای عمومی وسیله خیره کردن و ترساندن مردم بود . در برخی از شهرها هم توپهای سر بری بود که در زمان فتحعلی شاه افسرانی که ناپلئون بایران فرستاده بود ریخته بودند . از آن توپها در میدان ارگ و میدان سپه تهران هم بود که اکنون در باشگاه افسران و در حاشیه دیوارهای ساختمان کارپردازی ارتش گذاشته اند . زنبورک هایی را که از زمان نادر شاه مانده بود هنوز بکار می بردند و تفنگهای سر بر مندرس در انبارها بود که سرانجام بیرون آوردند و در ساختن طارمی و نرده بجای چوبهای خراطی شده بکار بردند از آن جمله نرده ای بود در چهار سوی باغچه ای در میان میدان سپه تهران . میدان سپه امروز در آن زمان میدان توپخانه نام داشت و در سه طرف آن انبارهایی در کف زمین ساخته بودند که روزی در هر يك از آنها توپی جاداده بودند اما در این اواخر همه آنها تهی بود و تنها يك توپ در ضلع غربی میدان روبروی ساختمانی که اکنون اداره راهنمایی شهربانی در آنجاست بود که ظهرها برای آنکه مردم تهران از ساعت آگاه شوند و در ماه رمضان در موقع افطار و سحری آنرا خالی می کردند .

در دوره دوم قانون گذاری برای سرکوبی سرکشان و راهزنان که بعنوان حمایت از حکومت استبداد در گوشه و کنار برمی خاستند و سرکشی می کردند مقداری اسلحه جدید از کارخانه شنیدر کروزو دزفرانسه نسیه خریده بودند و مبلغ مختصری بهای آنرا نتوانسته بودند در مدت بیست سال بپردازند و آن کارخانه هم چنان مطالبه می کرد و دولت هم آنرا آشکارا جزو دیون خود بحساب می آورد و سرانجام پس از سپری شدن دوره قاجارها این وام پرداخته شد .

وضع ارتش ایران درین دوره بدین گونه بود و همه ارتش کشوری که در دوره های مختلف از نیرومندترین ارتشهای جهان و دارای بهترین اسلحه هر زمان بود در پایان این دوره منحصر بود بیک دیویزیون قزاق بفرماندهی افسران روسی که می توان گفت دیویزیون کامل هم نبود و یک عده ژاندارم بفرماندهی افسران سوئدی که عده ای از آنها در زد و خورد با سپاهیان روسیه بنفع آلمانها در جنگ اول کشته و پراکنده شده بودند و افسران شان نیز بیشتر مهاجرت کرده بودند .

بجز قزاق و ژاندارم یک عده سرباز بنام بریگاد مرکزی هم بود که در روزهای آخر این دوره استخدام کرده بودند .

پیدا است که این عده قلیل چگونه می توانسته است از عده پاسبانی یک میلیون و ششصد و چهل و چهار هزار کیلومتر مساحت و پانزده میلیون جمعیت آن روز ایران بر آید . این عده بزحمت ده هزار نفر می رسید و هر صد و شصت و چند کیلو متر مربع یک پاسبان و هر هزار و پانصد ایرانی یک مستحفظ داشت .

نکته جالب اینست که درین دوره در حدود نصف جمعیت ایران چادر نشینان مسلح بیا با نگر دور اهزن بودند یعنی لا اقل هفت میلیون در کمین مردم شهر نشین می زیستند و برای دفع این عده چادر نشین مسلح دولت ایران تنها ده هزار سرباز داشت یعنی در حقیقت در برابر هفتصد تن سرکش بیش از یک تن سرباز نبود و آنهم فرد بیچاره ای که چند ماه به چند ماه حقوق و علق او را پس از آنکه افسران سهم خود را برداشته بودند می دادند و با اسلحه کهنه مندرس می بایست در برابر هفتصد تن از جان گذشته که بیگانگان بهترین اسلحه را با و رسانده بودند پایداری کند . ناچار آن نیروی پایان این دوره استیلای قاجارها بهیچ وجه نمی توانست در ایران امنیت فراهم کند و پاسبان مرزهای کشور باشد . این نکته راهم باید در نظر گرفت که از مرزهای شمال غربی و شمال شرقی و مشرق و جنوب شرقی چادر نشینان مسلح بیگانه بارها بخاک ایران تجاوز

کرده‌اند و دولت ایران در برابر ایشان ناتوان بوده است .

بهمین جهت اصلاحات نظامی و تأسیس ارتش نیرومند مهم‌ترین کاریست که رضاشاه پهلوی در دوره شهریاری خود کرده‌است. انصاف باید داد که کلمه اصلاح و تکمیل را برای ادای این مقصود نمی‌توان بکار برد ، زیرا اصلاح و تکمیل وقتیست که چیزی بوده باشد که نقص آنرا برطرف کنند و آنرا بهتر کنند . ارتش دوره قاجارها در حقیقت هیچ بود و می‌بایست ارتشی از نو بوجود آورد و ایجاد کرد .

شاهنشاه پهلوی برای رسیدن باین مقصود نخستین کاری که کرد این بود : همان عده موجود را در آغاز کار فوراً متحدالشکل کرد و عنوان قزاق و ژاندارم را که یادگار دوره‌های دوگانگی و نفاق بود از میان برد و افسران بیگانه‌درا از هرملتی که بودند از ارتش راند . مناصب و درجات دروغی و افتخاری را که جز سرشکستگی و رسوایی چیزی دربر نداشت لغو کرد و اصول تازه‌ای برای مناصب نظامی و ترتیب ارتقاء از درجه‌ای بدرجه دیگر تنظیم کرد و آنرا تابع خدمات افسران قرارداد یعنی باصلاح نظامی کادری برای ارتش ایران ترتیب داد که تاآن زمان نبود .

سپس ارتشی با اصول جدید تشکیل دادند و از سازمانهای ارتشهای جدید جهان پیروی کردند و صنوف مختلف راهم چنان که در ارتشهای کشورهای متمدن امروز هست ترتیب دادند .

البته یکی از مزایایی که می‌بایست وارد ارتش ایران بشود روح میهن پرستی در میان افراد ارتش و اتفاق و اتحاد کامل با سایر افراد ملت ایران بود زیرا که نسه تنها درین مدت افسران بیگانه روح وطن پرستی را در زیردستان خود ندیده بودند بلکه بواسطه ورود در سیاست و مداخله بسودسته‌ای و بزبان دسته دیگر هر طبقه‌ای از مردم ایران سپاهیان طبقه دیگر را از خود بیگانه و دشمن میدانست چنانکه مثلاً در میان قزاق و ژاندارم نفاقی که کم از دشمنی نبود وجود داشت بهمین جهت اخراج افسران

یگانه از قسمت‌های مختلف ارتش اهمیت خاص داشت و تنها باین وسیله بود که یگانگی و اتحاد مطلق در میان افراد ارتش برقرار می‌شد .

قدم مهم دیگری که برداشتند افزایش عده افراد ارتش ایران و تطبیق آن با وضع جغرافیایی و مرزهای کشور و احتیاجات داخلی بود و سرانجام نه لشکر در نه استان تشکیل یافت و گذشته از آن پنج تیپ مستقل در نواحی دیگر فراهم آمد و از هر حیث احتیاجات ایران از حیث امنیت و پاسبانی داخله مملکت و تأمین رفاه و آسایش مردم و اجرای احکام دولت و خلع سلاح چادر نشینان مسلح و حفظ و حراست حدود و ثغور کشور تأمین شد چنانکه در ایران امنیتی فراهم آمد که سیصد سال بود کسی از آن یاد نداشت .

پیش ازین هم اشاره رفت که یکی از کارهای بسیار مهم درین دوره برقراری خدمت نظام وظیفه در ایران در سال ۱۳۰۵ بود . پیداست که اینکار در تقویت روح میهن پرستی در اصلاحات اجتماعی تاجه اندازه اهمیت دارد زیرا تردیدی نیست تا همه مردم کشور مستقیماً در پاسبانی از دیار خود شرکت نکنند و خود مستحفظ خاك خود نباشند هرگز استقلال آن کشور تأمین نخواهد شد . از روزیکه این قانون جاری شد و جوانان را برای پاسبانی از ایران دعوت کردند احساسات وطن پرستی در ایران روز بروز بیشتر نیرو گرفت . این کار نتایج گوناگون داشت و گذشته از آنکه جوانان مسئولیت خود را در پاسبانی از میهن خویش حس کردند عملیات و تمرین‌های نظامی در تن درستی ایشان نیز موثر افتاد و روستا زادگان که یکسره از فرا گرفتن معلوماتی بی بهره مانده بودند در سربازخانه با سواد شدند و سطح فکری ایشان بسیار بالا رفت و سبب پیشرفت ایشان در زندگی اجتماعی شد .

در قسمت‌های فنی ارتش نیز پیشرفتهایی که درین دوره فراهم شده با اندازه ایست که در خور کتاب مخصوصیست . از آن جمله است تشکیل صنوف جدید و تهیه

تازه‌ترین اسلحه برای ارتش ایران . از حیث صنوف جدید یکی از مهم ترین کارها ایجاد نیروی هوایی را در ۱۳۰۳ باید دانست و در پایان این دوره نیروی هوایی ایران کاملاً احتیاجات کشور را تأمین میکرد و حتی بسیاری از لوازم هوا-پیمایی را در ایران در کارخانه بزرگ و مهمی که برای این کار دایرشد کارگران و کارشناسان ایرانی می‌ساختند . اهمیت هواپیمایی در نظام جدید آشکارست و پیداست اینکار چه ضرورتی داشته است .

پس ازین ایجاد نیروی دریایی ایرانست که در سال ۱۳۱۱ بمرحله عمل پیوست و نخستین ناوهای جنگی ایران بخلیج فارس رسید . این نکته نیز درزندگی ایران کمال اهمیت را دارد ، زیرا که ایران از جنوب بدریای آزادپیوسته است که باوقیانوس هند منتهی می‌شود و در کرانه خلیج فارس سرحدات عریض دارد که گذشته از تجارت و اقتصاد درامنیت ایران نیز پاسبانی از آنها اهمیت فراوان دارد . در سراسر تاریخ ایران هرگز بحریه نیرومند و توانایی در دریاهای ایران وجود نداشته است زیرا که در زمان هخامنشیان برای لشکر کشی یونان باستعانت از بحریه فنیقیان نیازمند شدند و در زمان ساسانیان که یکی دو جنگ دریایی پیش آمد از دیگران یاری جستند . در زمان شاه عباس اول در جنگ با پرتغالیان بحریه انگلستان با ایران یاری کرد . نادرشاه هم که در صدد تهیه بحریه افتاد کاری از پیش نبرد و مجال نیافت که این کار مهم را بپایان برساند . بدین گونه اولین نیروی دریایی ایران درین دوره فراهم شد .

دیگر از صنوف جدیدی که درین دوره در ارتش ایران فراهم آمد نیروی موتوردار و اداره های جنگی و وسایل ضد هوایی و غیره است که از جدیدترین وسایل فراهم کردند .

نکته دیگری که در اصلاحات نظامی اهمیت فراوان دارد ایجاد کارخانهای اسلحه سازی و تأمین وسایل تجهیزات نظامیست . درین دوره همه افراد ارتش ایران را تجدید-ترین اسلحه و تجهیزات نظامی مجهز کردند و کارخانهای اسلحه سازی در خاك ایران

اسلحه و تجهیزات لازم را بدست کارگران ایرانی می ساختند و همه نیازمندیهای ارتش ایران را تأمین کردند و دیگر احتیاجی ب وارد کردن اسلحه و خرید آن از کشورهای دیگر نبود و هر گونه سلاح را از کالیبر بزرگ تا کالیبر کوچک در ایران ساختند و چند هزار کارگر ایرانی درین کارخانها بکار آغاز کردند . این کارخانها باندازه ای اهمیت داشت که در جنگ دوم جهانی برای کمک رساندن ب ارتش شوروی از آنها بهره مند شدند .

جنبه مهم دیگر اصلاحات نظامی درین دوره تعلیمات نظامی و تأسیس آموزشگاهها و مدارس نظامیست که سابقاً در ایران ده يك آن هم وجود نداشت . درین دوره جوانان ایرانی تازه ترین رموز فنون نظامی را در کشور خود فرا می گیرند . سابقاً گاهی دولت ایران دوسه جوان را برای تحصیل ب مدارس نظامی اروپا و مخصوصاً فرانسه فرستاده بود . در آغاز این دوره نیز عده ای ب اروپا رفتند و فنون مختلف نظامی را فرا گرفتند . در ضمن دبستانها و دبیرستانهای نظام و آموزشگاههای متعدد برای تربیت از صنوف و تربیت افراد واقفان جزعدا بر شد و افسران جوانیکه تحصیل کرده بودند مأمور تربیت ایشان شدند . از دانشکده افسری و دانشگاه جنگ در تهران هر سال عده ای افسر کار کرده و کارآموده درس خوانده بیرون آمدند .

پیدا است که تعلیمات نظامی برای تشکیل ارتش نیرومندی که پاسبان استقلال کشور باشد تا چه اندازه اهمیت دارد و افراد ارتش که معلومات لازم را در فن خود نداشته باشند هرگز کامیاب نخواهند شد .

برای پیشرفت این مقصود بسیار مهم در هر سال عده بسیار نظامنامه و آیین نامه و کتاب و رساله فنی برای راهنمایی و تعلیم افراد ارتش ایران انتشار یافته است .

برای اینکه اهمیت اصلاحات نظامی درین دوره کاملاً محسوس باشد همین قدر کافیت در نظر بگیریم که در آغاز این دوره در ۱۳۰۰ بودجه ارتش ایران در سال نود میلیون ریال بوده و در سال ۱۳۲۰ این مبلغ بیانصد و نود و سه میلیون و صد و بیست و يك هزار و پانصد و بیست و چهار ریال رسیده است .

اصلاحات اداری

دردوره‌های گذشته همواره ادارات ایران و چرخه‌هایی که می‌بایست کارهای کشور را بگردانند بهیچ‌وجه از عهده اداره کردن کشوری باین وسعت بر نمی‌آمدند. صفویه در ایران تشکیلاتی داده بودند که در آن زمان بهترین سازمانهای اداری جهان بود و همه نیازمندیهای کشور را تأمین میکرد. مخصوصاً در زمان شاه عباس اول قلمرو وسیع صفویه که تقریباً دو برابر ایران امروز بود در کمال امن و آسایش و راستی و درستی و عدل و داد اداره می‌شد.

پس از صفویه در نتیجه انقلابهای داخلی و ضعف و مستی دولت ادارات ایران در بدترین مراحل آشفتگی و پریشانی افتاده بود. مخصوصاً در دوره قاجارها ستم‌پیداد مأموران دولت بجایی رسیده بود که مأمور دولت یا «مأمور دیوان» را در آن زمان نماینده ستمگری و زورگویی می‌دانستند و اصطلاح «حکم‌دیوان» مرادف با پیداد و ستم بود. در آن دوره سالیان دراز مشاغل دولتی را بمزایده می‌گذاشتند و هر کس بیشتر رشوه می‌داد باورجوع می‌کردند. چون حساب و کتابی در کار نبود و دولت بازپرسی و بازخواست نمیکرد آنکس که برای رفتن بمأموریتی مبلغ گزافی پرداخته بود البته تا بمحل می‌رسید چون می‌دانست بزودی احضارش خواهند کرد و چندان مجال برای جبران ضرر ندارد از همان روزاول شتابان بتعدی آغاز میکرد و آنچه زورش می‌رسید یا اذیتش بر می‌آمد بزور و اکراه و حتی بحبس و شکنجه از مردم بی‌پناه میکرفت.

البته چون می‌بایست عده‌ای از متنفذان پایتخت را هم خشنود کند و بایشان نیز سهم بدهد تا هر چه بیشتر بر سر کار بماند چندین برابر حرص و طمع خود از مردم می‌گرفت. پیداست که زیردستانش نیز مانند وی بودند و همه سهمی داشتند و حقی می‌خواستند. اینست که از فراش گرفته تا حاکم جز غارت کردن مردم کاری نداشتند. درین دوره مالیات هر ناحیه را بحاکم آنجا مقاطعه می‌دادند و پیداست که او هم چند برابر آنچه مقرر بود از مردم می‌گرفت و کسی ازو بازخواست نمی‌کرد.

در دوره مشروطیت ظاهراً اداراتی با اصول جدید تأسیس کرده بودند و ظاهراً این بود که ادارات منظمی و وزارت خانه‌هایی هست و قوانینی وضع شده که بآنها عمل میکنند ولی در حقیقت باطن کار تغییر نکرده بود زیرا که هم چنان متنفذان محلی و اشرار و سرکشان باقی بودند و مأمورانی که نماینده دولت ناتوان و بی‌اراده‌ای و وزارت خانه مستی بودند در هر محل پیرو طمع و غرض همان متنفذان و سران محل بودند که همه کارها در دست ایشان بود و همه در پایتخت دستیارانی داشتند و بزور یا تطمیع مقاصد خود را پیش می‌بردند. این سران محلی و کیل آن ناحیه را از دست نشاندگان و همدستان خود بمجلس شورای ملی می‌فرستادند و ایشان در آنجا وزیران و کارگزاران عمده را بنامین مقاصد نامشروع موکل حقیقی خود و ادار می‌کردند.

بهین جهت در تمام دوره فرمانروایی قاجارها ادارات ایران در بدترین احوال بود و تعدی و ظلم و حق شکنی و رشوه خواری رواج کامل داشت و گذشته ازین وسایل پنهانی و حیف و میلها و بهره‌یابی‌های نامشروع که در آن زمان بآنها «مداخل» می‌گفتند کرارا دیده شده است که مأمور دولت پولهای ابواب جمعی خود و موجودی صندوق محل خدمت خود را آشکار برداشته و کسی ازو نگرفته است.

ادارات رسمی ایران در سراسر این مدت بهیچ وجه آن دلسوزی و وظیفه‌شناسی و حق‌پرستی را که لازمه بنگاه‌های دولتی و کارگزاران دولست نداشته‌اند و بهین جهت



شاهنشاه ایران در یکی از سفرها

دولت در نظر مردم ایران مرکز بیدادگری و بی عدالتی و مأمور دولت مظهر زور و اجحاف و ستم بوده است و هر بلا و مصیبتی را از دولت می دانسته اند . حق هم داشته اند زیرا در عمر خود جز تعدی و اجحاف چیزی از مأمور دیوان ندیده بودند و بهیچ وجه دستگاه دولتی در صدد تهیه وسایل آسایش و رفاه مردم کشور بر نیامده است . در دوره پیش از مشروطیت که اصلاً قانونی در میان نبود و یگانه رسم معمول دلخواه و حتی هوی و هوس کار گزاران دولت بود و در دوره مشروطیت هم که گاهی مجلس شورای ملی تشکیل می شد و یکی چند قانون ناقص بتقلید از قوانین اروپا وضع کرده بودند و بیشتر آنها با اوضاع ایران سازگار نبود تازه همان قوانین را در باره مردم ناتوان و بی کس اجری میکردند و متنفذان بهیچ وجه تابع قانون نبودند و قانون تنها وسیله تازه ای بود که برای غرض رانسی بدست مأموران دولت افتاده بود .

در دوره های گذشته دامنۀ تعدی مأموران دولت چنان بالا گرفته بود که در زبان مردم ایران مثل شده بود که « حکم خاکست و مرگ مفاجه » یعنی حکم خاکم را بامرگ تا گهان برابر می دانستند و اجل معلق یا وبا و اطاعون می پنداشتند . بارها پست ترین مأمور دولت یعنی فراش حکومت یا تحصیلدار مالیه یا مأمور سربازگیری و یا قراسوران (ژاندارم) وارد دهی شده و همه مردم ده از دست او فرار کرده اند و هر سال گروه بسیاری از مردم ایران برای رهایی از شر مأموران دولت بکشورهای مجاور ایران مانند خاگ عثمانی و روسیه و هندوستان هجرت میکردند و هر کس وسیله می داشت یا تبعه و یا تحت الحمايه دولت بیگانه ای می شد تا بدین وسیله خود و کسان و دارایی خود را حفظ کند .

به همین جهت اصلاحات اداری را که در زمان شاهنشاه پهلوی شایده اهمیت بسیار داد . یکی از مراحل این اصلاحات استحکام مبانی مشروطیت و حکومت ملی بود .

مشروطیت در ایران در ۱۳۲۴ قمری برقرار شد و تا پایان دوره سلطنت قاجارها بیست سال از آن می گذشت.

مشروطیت ایران در نخستین گام با مخالفت سخت دربار و برورش و هنوز دو سال از آن تاریخ نگذشته بود که مجلس را بتوپ بستند و مشروطیت را تعطیل کردند و پس از آن يك سال مجلس در کار نبود. با آنکه از آن بعد دیگر ظاهراً مخالفی برای تشکیل مجلس نبود همواره ادوار قانون گذاری در مواقعی که لازم می بود تشکیل نمی یافت و کراراً وقفه ها و دوره های فترت پیش آمد چنانکه در مدت بیست سال از پایان دوره قاجارها تنها سه دوره مجلس شورای ملی تا ۱۳۰۰ منعقد شد و دوره دیگر آن در دوره زمامداری شاهنشاه پهلوی تشکیل یافته است.

از آغاز تا پایان اسفندماه ۱۳۱۵ در مجلس ۱۲۸۶ قانون تصویب رسیده و تنها ۸۲ قانون پیش از ۱۳۰۰ وضع شده و ۱۲۰۴ قانون در دوره شهریارى شاهنشاه پهلوی از مجلس گذشته است.

در سراسر این دوره از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ده دوره مجلس مرتباً پی در پی تشکیل شده و هیچ دوره فترت و وقفه ای پیش نیامده است.

گذشته از مجلس شورای ملی یکی از مظاهر مشروطیت انجمن های شهرداریست. هر چند که قانونی بنام قانون بلديه از مجلس اول گذشت و در همان موقع انجمن های بلدی تشکیل یافت اما پس از تعطیل مجلس اول دیگر انجمن بلدی در هیچ شهری تشکیل نشد تا آنکه درین دوره در ۱۳۰۹ قانون دیگری گذشت و از آن تاریخ همواره انجمن های شهرداری در همه شهرها تشکیل یافته است.

در دوران پهلوی که مجلس شورای ملی ایران مرتباً تشکیل یافته قوانین مهم بسیار از مجلس گذشته و آنها را اجرای کرده اند و حال آنکه در دوره پیشین اگر قانونی می گذشت تنها در روی کاغذ بود و در موقع اجرای رعایت همه مقررات آنرا نمی کردند.

زیرا که همه مردم در برابر آن مساوی نبودند . این قوانین بیشتر بهانه‌ای در دست کارگزاران و ادارات دولتی بود که از آن بهره جویی کنند و اغراض خود را پیش ببرند . درباره استحکام مبانی مشروطیت این نکته را هم باید در نظر گرفت که در مجلس اول انتخابات را صنفی کرده بودند باین معنی که در پائین‌ترین صنفی نماینده‌ای از خود انتخاب می‌کرد و البته نتیجه این می‌شد که هر کس در آن صنف بیشتر نفوذ داشت و یا ریاست آن صنف را داشت بمجلس می‌رفت . اعیان و اشراف را هم جزو صنف بشمار آورده بودند و ایشان هم در مجلس نماینده داشتند . در ولایات حتی این ترتیب هم رعایت نمی‌شد و بهر شهری یا ناحیه‌ای يك یا چند نماینده داده بودند . سپس در مجلس دوم انتخابات را عمومی و مستقیم کردند ولی نتیجه این بود که ملاکان و سرمایه داران و متنفذان هر محل و رؤسای ایالات وسیله انتخاب خود و یا کسان خود را بدست کشاورزان و زیردستان عامی خود انتخاب می‌کردند و یا کسی را که کاملاً مطیع و همدست و حتی وظیفه خوارشان بود بمجلس می‌فرستادند و برخی از ایالات حق فرستادن نماینده بمجلس داده بودند . بدینگونه همان حکومت ملوک الطوائف و همان حکومت ایلیاتی بصورت انتخابی درآمده بود و در حقیقت مجلس شورای ملی عبارت بود از همان رؤسای ایالات و متنفذان و ملاکان یا کسان و دست نشانده‌گان و وظیفه خواران ایشان .

در ضمن چون دولت در ولایات قدرتی نداشت و بیشتر از نواحی کشور مدتها بود که فرمان بردار مرکز نبودند حتی از عهده دریافت مالیات هم بر نمی‌آمد چه برسد باینکه قوانین را با بی‌طرفی و مساوات کامل اجرای کند و انگهی تازه اگر می‌خواست قانون را اجرای کند مأموری که فرستاده بود در اجرای آن کوتاهی می‌ورزید یا خیانت می‌کرد .

درین دوره نه قانونی برای محاکمه وزیران و نه قانونی برای محاکمه کارگزاران

دولت وجود داشت و این دوطایفه از هر بازخواست و باز پرسى یکسره معاف و مصون بودند. بهمین جهت قانون محاکمه وزراء که در تیر ماه ۱۳۰۷ گذشت و قانون جزای عمال دولت که در دیماه ۱۳۰۷ بتصویب رسید هر يك در حد خود اهمیت خاص داشته و از مهم ترین اصلاحات اداری بشمار رفته اند.

نکته دیگر اینست که کار گزاران دولت در کار خود دوام و بقا نداشتند و هیچ قانونی حقوقشان را حفظ نمی کرد و عزل و نصب ایشان تابع مقررات مخصوص نبود و بسته بمیل این و آن بود. ناچار از ایشان انتظار نمی رفت که بکار خود دل گرم و بآینده خود مطمئن باشند و تفاوتی در میان خادم و خائن نبود. بهمین جهت قانون استخدام کشوری که در آذرماه ۱۳۰۱ بتصویب رسید و قانون استخدام قضاة که در اسفند ماه ۱۳۰۶ وضع شد در رأس اصلاحات اداری بود و اوضاع ناگوار سابق را درهم نوردید. از طرف دیگر قانون مجازات اختلاس که در آذرماه ۱۳۰۶ گذشت و قانون مجازات ارتشا که در تیر ماه ۱۳۰۷ بتصویب رسید نیز قدمهای مهمی بود که در راه اصلاحات اداری برداشته شد و در تغییر اوضاع سابق و تصفیه اخلاق مأموران دولت و منع نادرستی بسیار مؤثر شد.

گام دیگری که درین دوره در راه استحکام مبانی حکومت ملی برداشته شد این بود که در دوره های سابق نمایندگان ملت همواره از مقام خود و حق رایى که در انتخاب وزرا داشتند بهره جویی میکردند و بوسیله مقام و کالت میکوشیدند بوزارت یا بکارهای مهم برگزیده شوند یا در خدمات دولتی ترقی کنند. در آن زمان معروف بود می گفتند «وکالت نردبان وزارتست» و بهمین جهت همواره در کارهای دولت اشکال تراشی میکردند و دولت را در وظایف خود آزاد نمی گذاشتند. مأموران دولت هم در نتیجه ملاحظه ای که از ایشان داشتند از خواهشها و توقعهای بی حد و بی جای ایشان نمی توانستند شانه تهی کنند.

بهمن جهت در تیرماه ۱۳۰۶ قانونی گذشت که مأموران دولت را از انتخاب شدن محروم کرد و در ضمن و کلاً را از قبول کارهای دولتی منع کرد. بدین گونه آن اوضاع دیرین در هم نوردیده شد و باین وسیله ادارات دولتی استقلال یافتند.

در نتیجه وضع این قوانین کار گزاران نادرست و رشوه خواران خود را در معرض محاکمه دیدند و تأسیس دیوان جزای عمال دولت و برقراری هیئت های بازرسی و اجرای قوانین و تعمیم آن بر همه مردم کشور اصلاح مهمی در کار ادارات دولتی پیش آورد. بدین گونه از يك سو مأموران دولت بوسیله قوانین و مقرراتی که ایشان را در کار خود استوار میکرد نسبت بآینده خود مطمئن شدند و بوسیله برقراری حقوق انتظار خدمت و بازنشستگی در کار خود پابرجا و ثابت گشتند. از سوی دیگر قوانینی که کار گزاران نادرست و راشی و مرتشی را کیفر می داد و محاکمی که مخصوصاً برای این کار تشکیل شد خاین را از خیانت ترساند و خادم را بخدمت تشویق کرد. ناچار در ایران اندیشه ای پیدا شد که سالیان دراز بود از ایران رخت بر بسته بود و آن این بود که خدمت کردن و درستکار بودن پاداش و خیانت کردن و نادرست بودن کیفر دارد. در صورتی که پیش از آن همه در اندیشه آن بودند که هر چه زودتر و هر چه بیشتر بار خود را ببندند و باین و آن متوسل بشوند تا زودتر بسر انجامی برسند و سرمایه ای فراهم کنند که بدر روز مبادا و روزگار بی کاری بخورد، یعنی آن روزی که زیر دست تر و متنفذتری بمیان بیاید و کارشان را از دستشان بگیرد و او هم بنوبت خود بهمن اصول رفتار کند تا دیگری گوی را از میدان بر باید.

قدم مهم دیگری که درین دوره در اصلاحات اداری برداشته شد تقسیم ایران بده استان بود که هراستانی بچند شهرستان و هر شهرستانی بچند بخش و هر بخش بچند دهستان تقسیم شد و هر يك ازین چهار قسمت يك مأمور مسؤل سپرده شد. بدین گونه ایران را بنابر اوضاع جغرافیایی و مقتضیات طبیعی و سیاسی و غیره بنواحی معینی تقسیم

کردند. پیش از آن تقسیمات اداری ایران ترتیب معینی نداشت و بعضی نواحی بود که در حقیقت خود کشور پهناوری بشمار می رفت و سراسر آن سپرده ییک والی یا فرمانفرما بود که مطلقاً از عهده اداره کردن آن بر نمی آمد و اگر سالها در آنجایی ماند بهیچ وجه از احوال و اوضاع آن ناحیه پهناور آگاه نمی شد. تردیدی نیست که این وضع یادگار دوره های قدیم و حتی روزگار حکومت ملوک الطوائف و حکومت ایلانی بود که مثلاً سرزمین کردها کردستان و سرزمین لرها لرستان باشد. برعکس گاهی ناحیه بسیار کوچکی را هم بدلیلی که معلوم نبود مستقل کرده بودند. پیداست که با اصول سابق کسی نمی توانست وسایل رفاه و آسایش مردم نواحی مختلف را فراهم کند و در آبادانی قسمت های کشور بکوشد و شکی نیست که هر چه تقسیمات کشوری کوچکتر باشد اداره کردن و آباد کردن و پاسپانی از آن آسان ترست و این اصلاح را می توان از اصلاحات اداری مهم دانست.

نکته بسیار مهمی که در اصلاحات اداری باید در نظر گرفت کوتاه شدن دست بیگانگان و بی نیازی از مستشاران خارجیست. سابقاً اشاره رفت که در دوره گذشته بیگانگان تا چه اندازه در کارها دخالت داشتند و اگر خود نمی خواستند یا نمی توانستند دست داشته باشند بدست مستشاران بیگانه منافع خود را تأمین می کردند. تردیدی نیست که هرملتی که بر شد رسیده باشد همه کارهای خود را خود بدست می گیرد و از بیگانه خود را بی نیاز می کند و این نکته را در دوران گذشته در مدت صد سال که نیازمندی بتمدن جدید را احساس کردند دولت ایران نتوانست تأمین کند زیرا گذشته از ناتوانی دولت بی اطلاعی کارگزاران و مسئولان امور مانع از آن بود که اوضاع اداری ایران با مقتضیات روزگار تطبیق کند. بهمین جهت «فرنگی» در ایران نفوذ و احترامی پیدا کرده بود که چون در سرکار بود نه تنها زیردستانش بلکه همه افراد از و بیروی و فرمان برداری می کردند. مثلاً اگر رئیس مالیه ولایتی اروپایی یا امریکایی می بود مردم آن ناحیه مالیات را زودتر می پرداختند. قهرأ رعب و هراسی از فرنگی

و مستشار فرنگی در میان مردم پیدا شده بود که یا ازو می ترسیدند و یا شرم می کردند و پیداست که همین وضع چگونه بیگانگان را بر اضعای ایران مسلط کرده بود و دولتها نیز وجود مستشار را برای تأمین نفوذ خود لازم میدانستند . تردیدی نیست که با این اصول هرگز دولت ایران نمی توانست پاسبان همه منافع مادی و معنوی کشور باشد و کارگزارانش رموز جدید اداره مملکت را فراگیرند و روزی از وجود بیگانه بی نیاز شوند . نظری بتاریخ دوره پیشین نشان می دهد چگونه در مدت صد سال پی در پی مستشار بایران آورده بودند و هرگز ازیشان بی نیاز نشده بودند زیرا که هرگز هیچ يك ازین مستشاران آن دلسوزی را که کارگزاران دولتی می بایست داشته باشند نداشتند و البته چنین توقعی از بیگانه نمی توان داشت . از طرف دیگر هیچ يك ازیشان يك تن از زیردستان خود را تربیت نکرده بود تا روزی بتواند جانشین او بشود زیرا که البته صلاح و صرفه هر مستشاری در آن بود که همیشه بوجود او محتاج باشند . بهمین جهت بود که درین چند سال تقریباً از همه کشورهای اروپا و امریکا از فرانسه و انگلستان و آلمان و روسیه و بلژیک و ایتالیا و اتریش و سوئد و دانمارک و سویس و هلند و دول متحده امریکا و غیره مستشار بایران آوردند و حتی فرماندهی قسمت های مختلف ارتش ایران را بافسران بیگانه سپردند .

بهمین جهت یکی از مهم ترین مراحل اصلاحات اداری را درین دوره بی نیازی از وجود کارگزاران و مستشاران بیگانه باید دانست و ارتش و مالیه و گمرک و پست و تلگراف و صنایع و راه آهن و ژاندارمری و شهربانی بکلی از وجود بیگانگان بی نیاز شد و نه تنها هیچ خللی بکار وارد نیامد بلکه کارهای کشور بمراتب بهتر از دوره ای که مستشاران در سر کار بودند پیش رفت .

اصلاحات قضایی

در دوره استیلای قاجارها بر ایران عدالت در ایران چنان نایاب بود و مردم کشور چنان در آرزوی عدالت بودند که چون اندکی بیدار شدند و بحقوق خود پی بردند در روزهای نخستین انقلاب خواستار «عدالت خانه» بودند و بیش از آنکه بخواهند حکومت مشروطه پی ببرند درخواستی جز عدالت نداشتند.

در زمان هخامنشیان که دولت ایران متمدن ترین دولت آنروزگار بود همواره پادشاهان بزرگ ایران بدادپروری معروف بودند و با رعایای شاهنشاهی پهناور خود که قسمت عمده ازدیای آن روز را فرا می گرفت با کمال عدل و داد رفتار می کردند. در دوره ساسانیان نیز توجه خاصی نسبت بداد گستری و داوری داشته اند و مؤبدان که طبقه تحصیل کرده کشور را تشکیل می دادند مأمور رسیدگی بشکایتهای مردم و انتشار عدالت بودند. از اسنادی که از دوره ساسانیان باقی مانده کارنامه اردشیر بابکان و کارنامه خسرو نوشین روانست و در آنها همه جا بدادخواهی توصیه کرده اند. حتی در دوره اسلامی خلفای عباسی اصول عدالت و قضاوت را از ایرانیان تقلید کردند. در دوره های اسلامی نیز پادشاهان ایران بعدالت پروری و انصاف معروف بوده اند و برخی از ایشان خود در روزهای معینی در جاهای عمومی مجلس مظالم تشکیل می دادند و مردم مستقیماً بایشان رجوع می کردند و دادخواهی می کردند. داستانهای بسیار درین زمینه در کتابها هست از آن جمله نوشته اند که امیر اسمعیل سامانی در زمستان و برف و سرما در

میدان عمومی می‌ایستاد و دادخواهان باور جوع میکردند . حتی از کسانی که بیشتر اوقات خود را در جنگها می‌گذراندند مانند محمود غزنوی توجه عدالت را نقل کرده‌اند . وزیران بزرگ ایران مانند ابوالفضل بلعمی و عمیدالملک کندی و نظام‌الملک طوسی درین زمینه توجه خاصی داشته‌اند . سخن سرایان بزرگ ایران همه در آثار خود پادشاهان و کارکشایان را بداد گستری تشویق کرده‌اند و حتی پادشاهان مغول را که بیکانه بوده‌اند بدین کار برانگیخته‌اند .

در زمان صفویه سازمان وسیعی در ایران بوده و روحانیان را بدرجات و مناصب چندتقسیم کرده بودند و در هر ناحیه يك عده قاضی و مفتی مأمور رسیدگی بنیازمندیهای مردم و رفع ظلم و بی‌داد بودند . پس از ضعف صفویه در دوره آشفتگی که نزدیک دوست سال کشید کم‌کم این اصول قدیمی متروک شد و روحانیان از اختیارات خود بهره جویی کردند و همه کوشش خود را بجلب نفع خود متوجه ساختند و احکام ناسخ و منسوخ و تجاوز بحقوق مردم دامنه وسیع یافت و کار بجایی رسید که پیش از دوره مشروطیت اگر هم از دستبرد کار گزاران دیوان چیزی برای مردم می‌ماند تازه دستخوش آز و طمع روحانیان بود که قوه قضایی را در دست داشتند، چنانکه سبب عمده انقلاب ۱۳۲۲ قمری و جنبش مشروطیت این بود که مردم از گوشه و کنار عدالت می‌خواستند و در گام نخست بهیچ وجه نامی از مشروطیت نبود و چنانکه پیش ازین اشارت رفت مردم «عدالت‌خانه» می‌خواستند و همه درین درخواست هم‌آهنگ بودند .

در دوره مشروطیت داد گستری بسیار ناقص تشکیل داده بودند و در ظاهر محاکم و دادگاههایی بود اما در حقیقت عدالتی در میان نبود چه اولاً عدلیه را نتوانسته بودند از نفوذ روحانیان نجات دهند و عده‌ای از همان‌ها را بعنوان قاضی بر کرسی نشاندند بودند و حتی در مجلس اول قانونی گذرانده بودند که پنج تن از «علمای طراز اول»

در مجلس باشند و هر قانونی تا ایشان آن را نپذیرفته اند اعتبار نداشته باشد. ثانیاً نفوذ رؤسای محلی و متنفذان و اعیان و اشراف کاملاً در عدلیه پابرجا بود و ایشان چه مستقیماً و چه بوسیله و کلایبی که در مجلس شورای ملی گماشتگانشان بودند ریاست دادگستری را برای کسیکه فرمانبردارشان باشد می گرفتند. تازه اگر قاضی حکمی میداد و محکمه رأی خود را اظهار میکرد آن حکم اجری نمی شد چنانکه در موقع انحلال عدلیه در سال ۱۳۰۵ معلوم شد بیست و یک هزار ازدعاوی مردم در عدلیه مانده و کسی بآنها رسیدگی نکرده و اگر هم رسیده بود اجری نشده بود. همین اوضاع بیسگانگان حق می داد که حق کاپیتولاسیون برای خود قایل شوند و بهیچ وجه بدادگستری ایران تن در ندهند و اتباع خود را از رجوع بدادگاههای ایران بازدارند و محاکم مخصوصی در وزارت امور خارجه تشکیل می شد که با حضور نماینده رسمی آن دولت بیگانه رسیدگی میکرد. مرتضی قلی خان صنیع الدوله وزیر مالیه را در وسط روز در مرکز شهر تهران کشتند و چون قاتل او تبعه دولت تساری بود قصاص ندید.

پیش ازین باختصار اشاره رفت که ظاهراً از سه دوره قانون گذاری قوانینی گذشته بود که تنها در روی کاغذ بود و کسی بآن رفتار نمی کرد و اگر هم رفتار میکردند بیشتر برای آن بود که بسود خود اقدام کنند. ناچار قوانین دادگستری نیز همین حال را داشت و از هر حیث ناقص بود و قوانین اساسی مهم که تکلیف مردم را معلوم کند و رعایت حقوق مردم را در آن کرده باشند وضع نشده بود، چنانکه قانون مدنی و قانون جزای عرفی که اساس زندگی مردمست نوشته نشده بود و هرگز مجلس جرأت نکرده بود از ترس نفوذ روحانیان قوامی از قوانین مدنی و عرفی ببرد و اگر محکمه های در زمینه ای رأیی می داد ممکن بود حاکم شرعی رأیی دیگری بدهد و آن حکم محکمه را باطل کند و برخلاف آن رأی بدهد، چنانکه نظایر آن در آن دوره بسیار دیده شده است.

در نتیجه این اوضاع حقوق مردم که اساس تمدن روی آن گذاشته شده دستخوش هوی و هوس این و آن بود و روحانیانی که دستبرد می‌رساندند کسی بازخواست از ایشان نمی‌کرد. سابقاً هم اشاره رفت که مأموران دولت و وزیران مسئول نیز مورد بازخواست نبودند و هیچ محکمه‌ای نمی‌توانست ایشان را محاکمه کند. پیداست که با چنین وضعی عدالت در میان نبود و تنها بهانه‌ای بود که مردم ناتوان و بی‌کس را محکوم کنند چنانکه در آن موقع این گونه مردم همیشه می‌گفتند «عدلیه برای ما بیچارگانست».

وضع محاکم باندازه‌ای فن‌گین بود که مکرر مرافعات بیست‌ساله و بیست و پنج ساله پیش آمده است، یعنی در مدت بیست سال و بیست و پنج سال قضاة نتوانسته‌اند و یا نخواست‌اند و جرات نکرده‌اند تکلیف را معلوم کنند و رای خود را بدهند. در آن زمان در روزنامه‌ها مردم مکرراً داد گستری می‌نالیدند و اعلان منتشر می‌کردند و مرافعات و ادعای خود را در روزنامه درج می‌کردند. از آن جمله در آن دوره برخی مرافعات بود که حکم تاریخ را پیدا کرده بود و از پس در روزنامه‌ها و محافل از آن بحث کرده بودند و بر سر بازارها طرح کرده بودند جزو مسایل دولتی و سیاست کشور شده بود مانند موضوع شرکت عمومی یا موضوع ممسنی و جزیره هرمز و معادن خاک سرخ و مالکیت برخی از املاک که حتی سبب عزل و نصب وزرا و یا بر سر کار آمدن و از کار افتادن دولت‌ها می‌شد و کتابها و رساله‌های متعدد درباره آنها چاپ کرده‌اند. کار عدلیه باندازه‌ای تباه شده بود که همه ماجرای جویان و هوچیان معروف آن زمان و گوش‌بران و کلاه‌برداران یا مدعی بودند و یا وکیل مرافعه و یا کارچاق‌کن داد گستری و راستی کار بجایی رسیده بود که هر کس نمی‌توانست سرگردن را بگیرد و دل و جرات این کار را نداشت در عدلیه دست و پایی برای خود می‌کرد و مردم برای این گونه وکیلان داد گستری اصطلاحی وضع کرده

بودند و ایشان را «شرخر» می‌نامیدند .

وضع محاکمات جنایی از محاکمات حقوقی هم ننگین‌تر بود . می‌توان گفت درین دوره محاکمات جنایی اصلاً وجود نداشت و نه تنها دزدان و راهزنان و اشرار معروف در کار خود کاملاً آزاد بودند و در سراسر این دوره يك دزد و راهزن را محاکمه نکردند بلکه هر مغرور و ماجری جوئی نیز در کار خود آزاد بود . درین دوره بارها کمیته‌های ترور و آدم کشی در شهرهای مختلف در روز روشن تنها بهیوی و هوس این و آن مردم را کشته‌اند و تاریخ این دوره پرازین گونه وقایع ناگوارست و هرگز در صدد کشف آن بر نیامده‌اند و گاهی ماموران شهربانی نیز با آنها همدست بوده‌اند . اگر هم اتفاقاً کشف شده تازه کسی را بمجازات نرسانیده‌اند و بلکه برعکس بی‌اعتنایی و بی‌قیدی دولت این جنایت‌کاران را گستاخ‌تر کرده است . چنانکه در تمام این مدت تنها در سال اول مشروطیت يك دفعه يك محاکمه جنایی تشکیل شد و قاتلان فریدون زردشتی از بازارگانان تهران را محاکمه کردند و گفتند که چون مقتول زردشتی و قاتل مسلمان بوده قصاص منحصر بآنست که قاتل را چوب ببندند و چند تازیانه بزنند . پس از آن دیگر در ایران پیش نیامد که جانی و قاتلی را مجازات کنند و چند تن را که بدار زدند برای پیشرفت مقاصد سیاسی بود یا کسانی بودند که در راهزنی‌های خود با جی را که می‌بایست نداده بودند .

بدینگونه اصلاح عدلیه ایران و تأسیس داد گستری با اصول جدید و اصلاحات قضایی در رأس کارهای مهمی بود که درین دوره پایان رسید و در اواخر سال ۱۳۰۵ عدلیه قدیم منحل شد و پس از چندی دوباره با اصول جدید داد گاه‌هایی با عضویت قضاتی که شرایط پیشین دریشان نبود در ۱۶ اردی بهشت ماه ۱۳۰۶ تشکیل یافت و سازمان جدید آن در همه شهرها گسترده شد و چنانکه پیش ازین اشاره رفت قوانین مهمی درباره محاکمه وزیران و کارگزاران دولت بتصویب رسید و با جری گذاشته

شد. بدین گونه از هر حیث امنیت قضایی برای مردم ایران از هر طبقه فراهم آمد و برایشان ثابت شد که آن اصول دیرین درهم نوردیده شده و مفهوم حقیقی و واقعی داد گستری فراهم آمده است.

نکته مهم دیگری که در ضمن اصلاحات قضایی و سازمان داد گستری نوین باید متوجه آن بود تأسیس اداره ثبت اسناد و املاک در کشور است زیرا که یگانه راه تشخیص حق هر کس و احترام بحقوق مردم همینست و پیش از آن چنانکه اشاره رفت وسیله ای برای حفظ حق مردم در میان نبود و هر کس هر چه داشت دستخوش حرص و آزاری و آن بود و هر دم ممکن بود متنفذ زورمندی با انواع وسایل آنرا از دست وی بیرون بیاورد. ثبت در محضر شرع هم بهیچ وجه وسیله و وثیقه مطمئن بشمار نمی رفت، زیرا که احکام ناسخ و منسوخ هیچ حد و قاعده نداشت و مکرر دیده شده است که چند تن سند مالکیت همان ملک را در دست داشته اند که نه تنها چند حاکم شرع صادر کرده بودند بلکه گاهی همان اسناد متضاد را یک تن نوشته بودند و معلوم نمی شد مالک حقیقی کیست. به همین جهت چنانکه در کشورهای متمدن معمول شده بود می بایست در ایران هم یک اداره رسمی تابع وزارت داد گستری برای تشخیص حق مردم باشد که املاک و مستغلات را در دفترهای آن ثبت کنند و مالک حقیقی بدین وسیله شناخته شود و حقوق وی از تصرف دیگران مصون باشد و هیچ کس حق دیگری را نراند. بدینگونه تشکیل ثبت اسناد را در ایران از مهم ترین مراحل اصلاحات قضایی باید دانست و رشد مدنی و سیاسی ایران را درین دوره می رساند.

البته پس از تأسیس این اداره می بایست ترتیبی هم در ثبت معاملات و داد و ستدهای مردم بدهند تا هر معامله ای در دفتر رسمی و معتبر ثبت شود و با اصول معین قانونی صورت بگیرد، تا هم اعتبار معامله در آن محرز باشد و هم دولت در اجرای آن و رعایت شرایط آن نظر داشته باشد و آنرا ضمانت کند و هم هنگام مرافعه کسی که

حق دارند سند قطعی در دست داشته باشد و بدین گونه دادرسی آسان و مطمئن باشد . البته این ترتیب با محضرهای شرعی که اساس پابرجایی نداشت و از کارهای يك دیگر خبر نداشتند و دولت نیز از کارشان بی خبر بود و قهرا مردم دیگر بآنها اعتماد نداشتند سر نمی گرفت . زیرا این ترتیب دیگر باید ابر بود و نمی توانستند آن احکام را اجری کنند و دادگاهها همیشه در زحمت و مردد بودند . پس ناچار می بایست دفترهای رسمی برای ثبت معاملات و زناشویی و طلاق و خرید و فروش و بخشش و اجاره و این گونه کارها چنانکه در کشورهای متمدن جهان تأسیس کرده اند در ایران نیز تشکیل شود و بهمین جهت دفترهای رسمی تأسیس شد .

درین زمینه گام بسیار بزرگی که برداشته شده است و سالیست که برای تنظیم امور شخصی و خانواده گبست که مخصوصا در تصفیة اخلاق و حفظ حیثیت خانواده و تربیت خانوادگی و ترتیب ارث اهمیت بسیار داشته است . در ایران سالیاز دراز ازین نکته غفلت کرده بودند و ترتیب درستی درین کار نبود . از آن جمله موضوع ازدواج و طلاق که دقت لازم را در آن نمی کردند نابسامانی های بسیار در خانواده ها فراهم می کرد و بهره جویی از آن می کردند . این مفاسد یادگار دوران آشفتگی و پریشانی اوضاع بود و قهرا می بایست روزی در رفع آن بکوشند . بهمین جهت درین دوره يك رشته قوانین درین زمینه وضع شد و ترتیبی درین کار دادند . درباره طلاق نیز می بایست شرایطی فراهم کنند که دشواریهای سابق را از میان ببرد . نیز حداقل ازدواج را در قانون معین کردند تا از حد نصاب و رشد طبیعی کمتر نباشد و معاینه صحی پیش از ازدواج نیز مقرر شد که فواید آن حاجت ببخت ندارد . بدین گونه دفترهای مخصوصی برای ازدواج و طلاق در سراسر کشور تشکیل یافت و مشکلاتی که قرنهای درمیان بود بدین وسیله از میان رفت و اصولی که با تمدن امروزی جهان مطابق باشد برقرار شد . پیداست که بهمین وسیله چه اصلاح اجتماعی و اخلاقی و مدنی در

جامعه ایران راه یافت .

در میان قوانین بسیار مهمی که درین دوره بتصویب رسیده است قانون مدنی اهمیت خاصی دارد . پیداست داشتن قانونی که تکلیف همه افراد جامعه را در زندگی اجتماعی و روابط با یک دیگر معلوم کند چگونه جزو ضروریات هر ملت متمدن نیست. قانون مدنی حقوق و وظایف افراد را معلوم می کند و مسایل مهم ازدواج و طلاق و ارث و معاملات و مشاغل و جز آن را روشن می کند و نماینده رشد هر جامعه است . شکی نیست که تنها امتیاز ملت متمدن از ملت وحشی داشتن این گونه قانونهای اجتماعی و مدنی و عرفیست . در تمام مدتی که پیش ازین دوره حکومت مشروطه برقرار بوده و دستگاه قانون گذاری وجود داشته است نقوضهای گوناگون و منافع برخی از طبقات جامعه و مداخله عناصر مختلف و اوضاعی که شرح آن بسیار مفصل خواهد شد مانع بوده است که قانون گذاران بوضع چنین قوانینی جرات کنند و دولت هم جرات آن را نداشته باشد که پیشنهاد کند و حتی جرات نداشته اند نامی از آن ببرند . چنانکه در ۱۲۹۵ قانون بسیار معتدلی بنام قانون جزای عرفی هیئت وزیران تصویب کرد که هر گز اجری نشد، بمحض آنکه این خبر انتشار یافت همه شگفتی از گوشه و کنار برخاست و سرانجام آن قانون را نادیده و ناشنیده گرفتند. فهرست مهم ترین قوانینی که درین دوران ازده دوره قانون گذاری گذشته است بدین گونه است:

قانون هیئت منصفه که در ۱۰ آذرماه ۱۳۰۱ تصویب شد و در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۰ آنرا اصلاح کردند یکی از قدمهای بزرگ است که در اصلاحات قضایی برداشته شده است.

قانون علامات صنعتی و تجارتی که در ۹ فروردین ۱۳۰۴ وضع شده و در حفظ حقوق و مالکیت مردم اهمیت بسیار دارد .

قانون سجل احوال که در ۱۴ خرداد ۱۳۰۴ بتصویب رسید و در ۲۰ مرداد ۱۳۰۷ اصلاح شد و در ۱۱ آذر ۱۳۱۰ باریگر آنرا اصلاح کردند .

قانون استخدام قضاة و صاحب منصبان پار که و مباشران ثبت اسناد که در ۲۸ اسفندماه ۱۳۰۸ وضع شده است .

قانون حکمیت که در ۲۹ اسفند ۱۳۰۶ بتصویب مجلس رسید و در ۲۱ فروردین ماه ۱۳۰۸ اصلاح شد .

قانون تعیین مرجع دعاوی بین افراد و دولت که در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۸ وضع شد و در ۱۳ آبان ۱۳۰۹ اصلاح شد .

قانون اصول تشکیلات عدلیه که در ۲۷ تیرماه ۱۳۰۷ تصویب شد و در ۷ آبان ۱۳۱۵ اصلاح کردند .

قانون محاکمات نظامی که در ۳۰ تیرماه ۱۳۰۷ بتصویب رسید .

قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیرتباری می کنند در ۳ مرداد ۱۳۰۷ تصویب شد .

قانون دقترهای اسناد رسمی در ۱۳ بهمن ماه ۱۳۰۷ .

قانون مجازات راجع بانتقال مال غیر در ۵ فروردین ماه ۱۳۰۸ .

قانون محاکم شرع که در ۱۴ خرداد ۱۳۰۸ بتصویب رسید و در ۹ آذرماه ۱۳۱۰ اصلاح شد .

قانون مرور زمان در ۲ تیرماه ۱۳۰۸ .

قانون شهادت و امارات در ۲۳ تیرماه ۱۳۰۸ .

قانون تابعیت که در ۱۶ شهریورماه ۱۳۰۸ وضع شد و در ۲۹ مهرماه ۱۳۰۹ متمم آن بتصویب رسید .

قانون ثبت اسناد و املاک که در ۱۱ مهرماه ۱۳۰۸ وضع شد و یک بار در ۲۱ بهمن

- ۱۳۰۸ و بار دیگر در ۲۶ اسفند ماه ۱۳۱۰ اصلاح شد .
- قانون تأمین مدعی به در ۲۶ اسفند ماه ۱۳۰۸ .
- قانون طرز جلو گیری از تصرفات عدوانی در ۴ اردی بهشت ماه ۱۳۰۹ .
- قانون تسریع محاکمات در ۳ تیر ماه ۱۳۰۹ .
- قانون تعاون قضایی در ۲۴ تیر ماه ۱۳۰۹ .
- قانون مأمورین صلح در ۲۴ تیر ماه ۱۳۰۹ .
- قانون محاکمات جنایی در اول امرداد ماه ۱۳۰۹ .
- قانون تصدیق انحصار وراثت که در ۱۴ مهر ماه ۱۳۰۹ وضع شد و در ۲۷ تیر ماه ۱۳۱۳ اصلاح شد .
- قانون مجازات قطاع الطريق که در ۹ خرداد ماه ۱۳۰۰ بتصویب رسید و در ۶ آذر ماه ۱۳۱۰ اصلاح شد .
- قانون مجازات مقدمین بر علیه امنیت و استقلال مملکت در ۲۲ خرداد ماه ۱۳۱۰ .
- قانون مجازات مجرمین در امور نظام وظیفه در ۲۳ امرداد ماه ۱۳۱۰ .
- قانون انکار زوجیت در ۲۰ ارری بهشت ماه ۱۳۱۱ .
- قانون ثبت شرکتها در ۲ خرداد ماه ۱۳۱۰ .
- قانون ثبت علایم و اختراعات در اول تیر ماه ۱۳۱۰ .
- قانون ازدواج در ۲۳ امرداد ماه ۱۳۱۰ .
- قانون اعسار و افلاس در ۲۵ آبان ماه ۱۳۱۰ .
- قانون تجارت در ۱۳ اردی بهشت ماه ۱۳۱۱ .
- قانون اوزان و مقیاسها در ۱۸ دیماه ۱۳۱۱ .
- قانون اموال بی صاحب در ۱۶ اردی بهشت ماه ۱۳۱۳ .
- قانون مدنی که از ۶ بهمن ماه ۱۳۱۳ تا ۲۰ فروردین ماه ۱۳۱۴ تدریجاً تصویب

شده و سپس در اول مهرماه ۱۳۱۴ و ۸ آبانماه ۱۳۱۴ بقیه آن بتصویب رسیده است.
قانون وکالت که در ۲۰ شهریورماه ۱۳۱۴ بتصویب رسیده و در ۲۵ بهمنماه ۱۳۱۵
اصلاح شده است .

قانون اصول محاکمات حقوقی و تجاری در ۲۸ دیماه ۱۳۱۴ .
قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در ۲۹ آذرماه ۱۳۱۵ .
ازین فهرست مختصر پیداست که در چهارده سال و نیم ازین دوره چهل قانون
مهم که هر یک در اصلاح اوضاع ایران در زمینه های مختلف منتهای اهمیت و لزوم
را داشته و قانون گذاران سابق مطلقاً از آنها غافل بوده اند و اوضاع پریشان آن
روزگار مانع از وضع آنها شده است بتصویب رسیده و بموقع اجرای گذاشته اند.
مهم ترین قوانینی که برای اصلاح اوضاع ایران لازم بود تا ۲۹ آذرماه ۱۳۱۵ وضع
شد و از آن پس دستگاه قانون گذاری مشغول وضع قوانین فرعی یا تکمیل و توضیح
قوانین سابق بود .

این فهرست بهترین دلیلت که درین دوره فرخنده چه گامهای بلند در راه
ترقی ایران برداشته اند و از هر حیث وسایل رشد اخلاقی و سیاسی ایرانیان فراهم
آمده و ملت ایران دارای همان قوانین و همان اصول قضایی و حقوقی که همه ملل
متمدن جهان دارند شده است .

اصلاحات اجتماعی

یکی از جنبه‌های مهم اصلاحاتی که شاهنشاه پهلوی در دوره شهریاری خود کرده است اصلاحات اجتماعیست که فصل مهمی در تاریخ ایران گشوده و همیشه در زندگی ایران موثر خواهد بود. البته تاریخ بشر از حیث مردان بزرگی که کارهایی از پیش برده‌اند و بنیادهایی در تمدنها گذاشته‌اند چندان تهی دست نیست و تاریخ ایران قطعاً بر تاریخ کشورهای دیگر جهان ازین حیث برتری دارد. شکی نیست که در هر عصر و زمانی مردان بزرگی در ایران ریسته‌اند که آثار مادی و معنوی یشان قرن‌ها پایدار مانده است. بزرگان ایران در هر زمینه‌ای از تمدن مادی و معنوی جهان آثاری جاودانی گذاشته‌اند. در هر رشته و در هر علم و فن که بنگریم بنام يك عده از ایرانیان برمی‌خوریم که قسمت عمده پیشرفت‌ها، آن فن ازیشانست. بهمین جهت می‌توان گفت ایرانی‌عادت دارد از وجود بزرگان دیار خود برخوردار شود و ازین سرچشمه فیض سرمدی متنعم گردد. پس خاصیتی در نژاد ایرانی هست که از آغاز تاریخ بدان خو گرفته است و آن اینست که قدر و پایه بزرگان کشور خود را می‌داند.

این نکته را هم باید در نظر داشت که در میان بزرگان جهان بیشتر کسانی بوده‌اند که در فنی مخصوص و رشته‌ای خاص کار مهمی از پیش برده‌اند، یعنی تنهار فن خود تسلط فوق‌العاده داشته‌اند و آدمی‌زادگان را رهین انکشاف یا اختراع و یا سرمشق بزرگی کرده‌اند و بهمین جهت مقام بلندی را در جهان بدست آورده‌اند و پرتو

خاصی بر تاریخ روزگار خود افکنده‌اند. در برابر ایشان عده‌ای معدود از بزرگان هستند که نوابغ جهانگیر بوده‌اند. یعنی کسانی که اختصاص بدوره معین و ناحیه محدودی و فن مشخصی نداشته‌اند و چنان کار مهمی از پیش برده‌اند که همه آدمی زادگان در هر عصر و زمانی از آن بهره‌مند شده‌اند و آثار آن همواره در جهان مانده است

شماره این نوابغ جهانگیر کمست و برای رسیدن بدین مقام روح بسیار بزرگی می‌خواهد که مسلط بر همه شئون زندگانی باشد و در رشته‌ها و زمینه‌های متعدد قو؛ ابتکار و اختراع درو باشد و بهمین جهتست که شماره ایشان بسیار کمست. عده دیگر از مردان بزرگ مؤسسان تمدنها و تجددها در زندگی هستند و بنیاد نوینی در زندگی اجتماعی گذاشته‌اند. در ایران تا کنون پنج تن ازین بنیاد گذاران داشته‌ایم: یکی کورش بزرگ، دوم اردشیر بابکان، سوم امیر اسمعیل سامانی، چهارم عضدالدوله دیلمی و پنجم شاه اسمعیل صفوی که هر يك اساس تمدنی در ایران گذاشته‌اند و در بسیاری از مظاهر زندگی آثاری از ایشان مانده است و تا قریب خواهد ماند. این مردان بزرگ روش زندگی را تغییر داده و جریان تاریخ را دگرگون کرده‌اند. بهمین جهت در میان اصلاحاتی که در هر کشور می‌شود اصلاحات اجتماعی در رأس همه کارهاست و مرد بزرگ آن کسیست که طرز فکر جامعه و جزئیات زندگی مردم را تغییر دهد و در همه شئون بهبودی فراهم سازد و بنیادی در زندگی بگذارد که همه چیز آن با آنچه بوده است فرق داشته باشد و نه تنها در کلیات بلکه در جزئیات زندگی نیز اصلاحات کند. این اساس باید زوال و انقراض دوره گذشته را جبران کند و دوره مجد و عظمتی فراهم آورد. بدین جهتست که باید اصلاحات اجتماعی شاهنشاه پهلوی را از مهم‌ترین مراحل دوره شهریاری وی دانست.



هنگام ورود به مجلس شورای ملی برای گشایش یکی از ادوار قانونگزاری

برای اینکه خوانندگان درست با اهمیت این اصلاحات اجتماعی پی ببرند لازمست که اوضاع اجتماعی ایران را در دوره استیلای قاجارها بدانند . شواهد بسیار هست که جامعه ایران در دوره گذشته دوچار منتهی درجه ذلت و خواری و فساد و زبونی شده بود که لازمه هر انقراضست و همیشه در مواقع دشوار و باریک تاریخ پیش از زوال دیده می شود . بسیاری از این مفاسد اخلاقی نتیجه سالها پریشانی و آشفتگی و نا امنی و ناتوانی بود . نیروی مادی و معنوی از دست رفته بود و دلیری و دلاوری در هیچ کاری دیده نمی شد . مردم برای هیچ چیز نشاط و سروری را که لازمه زندگی نداشتند و در همه کار بی قید بودند . دوستان سال جنگهای خانگی و نفاق و دوگانگی و نا امنی شبانروزی و گرفتار متغذیان و راهزنان و ستمگران و کار گزاران غارتگر دولت بودن درهای فرج را از هر سو بسته و هر آرزویی را از میان برده بود . مداخلات بیگانگان عزت نفس را که یکی از شریف ترین خصال آدمیست نابود کرده بود و در نتیجه این پریشانیها و در ضمن تعلیمات زیان بخش دورویی و تزویر در همه جار خنه افکنده بود و آن دلاوری و دلیری که لازمه ملت زنده است و بزرگترین حوادث تاریخ را فراهم کرده و ایرانیان بارها آنرا بهترین وجهی نمودار کرده بودند از ایران یکسره رخت بر بسته بود . بهمین جهت يك سلسله اصلاحات اجتماعی در ایران کمال ضرورت را داشت و مقدم بر هر اصلاح دیگری بود . شك نیست که ویرانی هر دیاری بسته بروحیات مردم آن دیارست و مادیات همیشه تابع فکر و اندیشه است . هر جا که اندیشه ناتوان گردد مادیات هم روبرو بتباهی می گذارد و بهمین جهت در چنین مواردی اصلاحات معنوی و فکری و اجتماعی بر هر اصلاح دیگر باید مقدم باشد زیرا هر چه در آبادی و عمران بکنند تا مردمی بدان درجه از رشد و شایستگی نرسیده باشند که قدر آنرا بدانند و آنرا نگاه بدارند آن اساس مادی استوار نخواهد ماند و هر چه بسازند در اندك زمانی بباد ویرانی می رود . بدین جهت مصالحان بزرگو

پدید آورندگان تمدن‌ها و شرایع اصلاحات اجتماعی را بر هر کاری مقدم دانسته‌اند و نخست افکار و اخلاق را اصلاح کرده‌اند و پس از آن بسراغ مادیات رفته‌اند. درین دوره نیز اصلاحات معنوی و اجتماعی گوناگون در ایران شده است که هر یک در حد خود اهمیت خاصی دارد و جای آن دارد که آنها را در رأس پیشرفت‌های ایران در دوران پهلوی بدانیم.

پیش ازین اشاره رفت که اصلاح وضع خانواده و ازدواج و طلاق را باید از هر چیز مهم‌تر دانست زیرا که جامعه همواره از خانواده‌ها تشکیل می‌شود و جامعه برومند آنست که خانواده در آن مقدس و محترم و خلل ناپذیر باشد و یگانگی و اتحاد مطلق در میان افراد آن برقرار گردد.

علمای جامعه شناس گفته‌اند که خانواده وطن کوچک است یعنی افراد در خانواده درس وطن پرستی می‌گیرند و وطن از خانواده‌ها تشکیل می‌شود و هر کس در خانواده وطن خود را شناسد پی بعظمت آن نخواهد برد، زیرا تردیدی نیست که هر کس خانواده خود را دوست نداشته باشد وطن خود را هم دوست نخواهد داشت. در ایران در نتیجه تعدد زوجات و زنهای متعدده (صیغه) و عقدی و طلاق‌های بی‌مورد و جابرا نه اتحاد و اتفاق از میان افراد خانواده رفته بود و یگانگی و پیوستگی که لازمه هر جامعه قوی و ملت برومند است بمرور زمان رخت بر بسته بود. افراد خانواده نسبت بیک دیگر بیگانه و بی قید و حتی دشمن یک دیگر بودند و پدر نیز از همسران متعدد و فرزندان که از چند مادر بودند بیگانه بود و قهراً تربیت خانوادگی که پایه تربیت ملیست وجود نداشت. در ضمن اصلاحات اجتماعی می‌بایست با اصلاح خانواده و تشکیل خانواده‌های متحد و منفق پردازند و یگانه راه ایجاد خانواده‌های برومند این بود که حق طلاق را که تنها با شوهر بود و شرط و قیدی در آن نبود محدود کنند و هر دو طرف یعنی زن و مرد را در آن مساوی سازند و برای تعدد

زوجات نیز قیود و شرایط دشواری برقرار کنند که مانع از هوسرانی و تولید بدبختی و نفاق در میان خانواده ها باشد و این اصلاح اجتماعی مهم درین دوره بعمل آمد و این نکته در تاریخ اصلاحات این دوران اهمیت بسیار دارد.

دیگر از اصلاحات اجتماعی این دوره که آن نیز اهمیت فراوان دارد استحکام مبانی ملیت ایرانست. یکی از خصایص برجسته ملت ایران همیشه این بوده است که از زمانهای بسیار قدیم و در روزگاری که هیچ ملت دیگری این احساسات را نداشته پایه ملیت خود را بر اساس بسیار استواری گذاشته است و در تاریخ خود همیشه جنبش ها و قیامهای مردانه برای اخراج بیگانگان کرده است. اما در دوره گذشته این حس مردی و مردانگی بسیار سست شده بود و در صد سال پیش ازین دوران یکسره از میان رفته و نابود گشته بود ، چنانکه تاریخ درین صد و سی سال استیلای قاجار ها نشان می دهد . از آن گذشته در زمانهای اخیر ملیت در جهان مصداق دیگری پیدا کرده بود که ایرانیان بدان پی نبرده بودند. پیش از آن وثیقه ملیت اشتراك دین و زبان بود، بهمین جهت جنگهای داخلی که ناشی از اختلاف دین بود در میان مردمی که از يك نژاد بودند و يك زبان داشتند روی می داد و کرارا کشور را گرفتار اختلاف و پریشانی می کرد. در جهان امروز ملیت عبارتست از اشتراك نژاد و افکار و آرزوهای بشری و فرهنگ ، یعنی همه مردمی که از يك نژاد و از يك اصل و ریشه اند و مانند يك دیگر فکر می کنند و آرزوها و امیدهای مشترك و احساسات و عواطف یکسان دارند از يك ملت بشمار می روند و حق دارند سرزمینی مخصوص بخود داشته باشند و حکومت مستقلی بدلخواه خود تشکیل بدهند و در اختیار مقدرات خود آزاد و مجاز باشند . آرزوهای ملی خود را پیش ببرند و همه افرادی که این شرایط را داشته باشند و این افکار و آرزوها دریشان گرد آمده باشد در هر جا که باشند حق دارند يك دیگر ملحق شوند و هیچ مانع اصلی و فرعی نباید در برابر این

در ایران هم لازم بود فکر ملیت باین مصداق جدید که سابقه نداشت پرورش یابد و بنیاد ملیت ایران را بهمین اصول استوار کنند. برای پیشرفت این مقصود يك رشته اصلاحات اجتماعی در ایران شده است: مهم ترین آنها ایجاد حس وحدت در میان ایرانیانست. شکی نیست که پیش ازین ایرانیان بواسطهٔ نفاقی که در میانشان بود ملت واحدی را تشکیل نمی دادند. البته در ایران مردمی بودند که باصطلاح سیاسی برای امتیاز از ملل دیگر ایشان را ایرانی می نامیدند و ظاهراً تابع دولت واحدی بودند و چنانکه سابقاً اشاره رفت استقلال گونه ای داشتند اما هیچ وحدت و اتحادی در میان نبود و تنها مردم يك شهر باهم روابطی داشتند و اهالی شهر دیگر را بیگانه می دانستند. بدین گونه در هر ناحیه مردمی منفرد و منزوی زندگی میکردند که با مردم نواحی دیگر مطلقاً رابطه و رفت و آمد نداشتند و تنها رابطه ایشان با يك دیگر پای تخت بود که اگر اتفاقاً چند تن از ایشان برای کار پای تخت می رفتند دوسه روزی با مردم ناحیهٔ دیگر روبرو می شدند. در نتیجهٔ حکومت های ایلیماتی و ملوک الطوائف چند هزار ساله و تسلط بیگانگان در هر گوشه ای از ایران مردمی زندگی میکردند که از حیث معتقدات و لباس و زبان و حتی عادات و رسوم و اخلاق با مردم همسایه اندک شباهتی نداشتند، بلکه بکلی بیگانه بودند و هیچ فکر و نفع مشترکی ایشان را بهم نمی پیوست، بلکه برعکس نفع هر يك در ضرر دیگری بود و این گروه با آن گروه میجنگید و آنرا غارت میکرد و این دسته آن دسته را میکشت و پیوسته در حال جنگ و تعرض نسبت بیک دیگر یا دفاع خود بودند. همهٔ نیروهای روزمرهٔ ایشان صرف حفظ حقوق حیوانی خورد و خواب بود و هیچ فکر عالی بشری در میان نبود، یعنی مجال آنرا نمی کردند که باین افکار پردازند. ناچار در آن زمان چنین ملتی را نمی شد ملت واحد بگویند و روح وحدت و یگانگی مطلق در میان ایرانیان نبود و هر دسته و گروهی

دلسوزی و توجه نسبت بدسته و گروه دیگر نداشت و هرگز اندیشه حفظ منافع و دفع ضرر آنرا نمیکرد. بهمین جهت لازم بود وحدت و یگانگی در میان افراد مختلف و طوایف و قبایل گوناگون مردم ایران که همه از يك نژاد بودند و تنها اختلافات ظاهری و جزئی بسیار در میان نشان بود فراهم شود. درین راه برای رسیدن باین نتیجه قدمهای بلند در ایران برداشتند که هر يك از آنها در حد خود بسیار مهم و بسیار مؤثر بوده است.

یکی از آن اقدامات متحد الشکل کردن مردم و از میان بردن لباسهای گوناگون و رنگارنگ سابق بود که خود وسیله اختلاف ظاهری بشمار می رفت و همین سبب می شد که مردم خود را از يك دیگر بیگانه میدانستند و میدیدند که باهم اتحاد و اتفاق ندارند

وسيله دیگر که بسیار اهمیت داشت شهر نشین کردن مردم چادر نشین بیابان گرد بود. گذشته از اهمیتی که این کار در امنیت کشور و در اقتصاد و آبادانی داشت در ایجاد روح و وحدت و استوار کردن بنیاد ملیت ایران نیز اهمیت بسزایی داشته است.

اصلاح اجتماعی مهم دیگری که در ایران شد ایجاد روح میهن پرستیست. البته وطن پرستی در دوره های قدیم تادویست سال پیش بمصداق و مفهوم دیگری یعنی بمصداق قدیمی سابق معمول در ایران وجود داشته است و ایرانیان بکشور و آب و خاک خود دلبستگی داشته اند اما آن مصداق و مفهوم در جهان تغییر کرده و میهن پرستی امروز بجز وطن پرستی دویست سال پیشست و تازه این مصداق و مفهوم هم درین دویست سال پیش از میان رفته بود، زیرا که آدمی زاده قهرآ پای بست نفع مادیست و در زاد گاه ناامن و پریشان روزگار که مردم آن تا اندازه ای تهی دست و خوار و سرشکسته باشند بکسی خوش نمی گذرد و نفع کسی تأمین نمیشود بهمین

جهت اگر مردم در وطن خود ناراحت و در معرض خطر باشند میکوشند جان خود را بدر برند. در آن زمان این معنی در ذهن مردم بدین گونه نقش می‌بست که:

وطن آنجاست کازاری نباشد کسی را با کسی کاری نباشد
یا آنکه می‌گفتند :

سعد یا، حب وطن گرچه حدیثیست قدیم نتوان مرد بسختی که من این جازادم
بدین گونه در ویست سال گذشته این مصداق و مفهوم کهن نیز از میان رفته بود، چنانکه هر سال جمعی کثیر از مردم ایران هجرت میکردند و شماره مهاجران ایرانی در کشورهای بیگانه و مخصوصاً در روسیه و ترکیه و عراق و هندوستان و جزیره‌ها و کرانه‌های خلیج فارس بسیار بود. پس ناچار می‌بایست در میان اصلاحات اجتماعی و معنوی که درین دوره می‌شد حس وطن پرستی را بمصداق جدید و امروزی خود یعنی بدان مصداقی که ملل دیگر بدان قایلند برقرار کنند.

مصداق امروزی وطن پرستی اینست که هر کس آب و خاک و جایگاه نیاگان و زادگاه خود را بی هیچ قید و شرطی دوست بدارد و هر چه بدان متعلقست چه خوب و چه بد بسر حد ستایش و با کمال ایمان و حضور قلب بپرستد و آنرا بر هر چه دیگران دارند ترجیح بدهد. اگر هم آزاری در کشور خود دید دست از آن برندارد و آنرا ترك نکند و در هر موقع آماده باشد که جان خود را بدهد و همه کوششهای شبانه روزی او باید برای خدمت بزادگاه و جان فشانی در راه آن باشد بکوشد که هر روزی بیش از روز پیش خود را برای خدمت آماده کند و وجود او سودمندتر باشد. در برابر این کار بهیچ پاداش مادی چشم نداشته باشد و جز اجر معنوی و مزد اخلاقی چیزی نخواهد و حتی برای تشویق و تحسین هم کاری را انجام ندهد. بهمین خشنود باشد که وظیفه مقدس خود و شریف ترین تکلیف انسانی خود را انجام داده است و در ضمن در هر کاری که هست بکوشد که هر روز خدمت وی از روز دیگر

سودمندتر باشد .

مصدق وطن پرستی و میهن دوستی که امروز در همه کشورهای متمدن جهان پسندیده است همینست و این مصداق و مفهوم نیز میبایست در ایران پیدا شود و این درراس اصلاحات مهم اجتماعی بود که بی هیچ شکی در دورانی گذشته حتی در گرما گرم خونریزی و جان فشانی دوره انقلابات و جود نداشته است و در عصر پهلوی بی هیچ شك و تردیدی اساس آن گذاشته شد . بدین و سیله اساس ملیت ایران نیز بنیاد استواری پذیرفت و استقلال سیاسی کشور هم تأمین شد . از آن روز ایرانیان توانستند کاملاً باستقلال خود امیدوار و مطمئن باشند و بدین گونه در آینده همواره ایران از هر تعرضی مصون خواهد ماند ، زیرا که اساس ملیت بر مبنای محکم گذاشته شده و روح میهن پرستی کاملاً دمیده شده و غرور ملی که شریف ترین غریزه طبیعی و فطری آدمی زاد گانست در ایران ریشه گرفته و قهراً روز بروز برومندتر میشود .

باید متوجه بود که بهترین و سیله برای ایجاد این احساسات تأسیس نظام وظیفه و خدمت سربازی بوده است که پیش ازین فواید آن گفته شد .

دیگر از وسایل مهمی که در اصلاحات اجتماعی بدان توجه کردند تعظیم شعایر ایران و احترام بزرگان تاریخ ایران بود ، زیرا تردیدی نیست مردمی رشید و نیرومند می شوند که بزرگان خود را بزرگ بدانند ، بزرگداشت و پرستش بزرگان و پیروی از کارهای ایشان قهراً نیروی حتی در وجود ناتوان ترین کس فراهم میکند و ایمان و رسوخی در دلها جای میدهد که نیروی فکری و حتی بدنی را می افزاید و همواره آدمی را بکوشش و جهاد در راه خدمت و وظیفه برمی انگیزد و او را آرزومند می کند که بدان مرد بزرگ تاسی کند و همان کارهایی را که او کرده است انجام بدهد .

دیگراز قدمهایی که برای تامین این مقصود برداشته شد قانون لباس وطنی و تشویق مردم باستعمال کالاهای میهن بود که گذشته از اثر اخلاقی و اجتماعی اثر اقتصادی نیز داشته است. در ۲۹ بهمن ماه ۱۳۰۱ قانون استعمال لباس وطنی از مجلس گذشت و پس از آن در دوره های بعد يك سلسله نمایشگاه های کالاهای و طنی در تهران و شهرهای عمده کشور ترتیب دادند و بیشتر آن نمایشگاه ها را شاهنشاه ایران خود افتتاح میکرد و دستور برای بهبود و ترقی مصنوعات می داد. شکی نیست که یکی از عوامل ترقی و رشد هر ملتی اینست که نیازمندیهای خود را در کشور خود فراهم کند تا از حیث لوازم زندگی بدیگران محتاج نباشد و در آمد ملی خود را برای وارد کردن آنها از دست ندهد. در ضمن ترجیح کالای داخلی بر کالای خارجی نیز یکی از مظاهر ملیت و میهن پرستی هر ملت است و بهمین جهت بود که درین دوره باین کار اهمیت خاصی داده شد. دیگر از اصلاحات اجتماعی که درین دوره شد لغو امتیازات و عناوین و القاب قدیم بود که از هر حیث مورد مضحکه و استهزا شده بود و مخصوصاً در خارج از ایران انعکاس بسیار بدی داشت و آن عناوین و لقبها را که بزبانهای اروپایی ترجمه میکردند بسیار مضحك میشد و باعث سرشکستگی ایرانیان در خارج بود. در دوره گذشته مخصوصاً دوران استیلای قاجارها القاب و عناوینی که برای شرف و افتخار خادمان کشور و جامعه وضع شده بود مانند درجات نظامی یکسره از مصداق و مفهوم حقیقی خود دور افتاده و مانند همه چیز تنها تابع جانبداری وهوی وهوس شده بود. عناوین و القاب مهم را نه تنها ارثی کرده بودند و بکودکان نابالغ هم میدادند بلکه دامنه لقب بجایی کشیده شده بود که هر کس راهی بیکی از کارگزاران دولت داشت لقب میگرفت و اگر لقب نداشت آن را سرشکستگی خود میدانست و حتی اشخاصی هم بخود لقب میدادند و پدر و مادرها بنوزاد خود لقب میدادند و نشانها و افتخارات بهره کسانی میشد که اندك شایستگی دریشان

نبود . بهمین جهت در ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۰۴ قانونی گذشت که القاب و مناصب
 نظامی کشوری و عناوین را که بمنتهی درجهٔ مبالغه رسیده بود لغو کردند و این
 نیز یکی از اصلاحات مهم اجتماعی بود . پس از آن نشانهای سابق را که بمنتهی
 درجهٔ مبالغه رسیده بود و بمردم نالایق داده بودند و شان آنها از میان رفته بود نیز
 لغو کردند و بدین وسیله احترام و افتخاری برای امتیازات رسمی ایران فراهم شد .
 دیگر از گامهایی که در اصلاحات اجتماعی برداشته شد و پیش ازین نیز
 بدان اشاره رفت بزرگداشت از مفاخر ایران و تعظیم بزرگان بود . در دورهٔ گذشته
 در نتیجهٔ ناتوانی و سستی و خواری که مدت بیش از صد سال مردم ایران دوچار آن
 بودند یکسره مفاخر ملی خود را که هیچ ملتی در جهان نمی تواند با آن رقابت کند
 فراموش کرده و از مقام مهمی که ایران در تاریخ بشر داشته است غافل مانده بودند و
 غروری که لازمهٔ این افتخارات تاریخیست در نتیجهٔ نومیدیا و نا کامیها از میان رفته
 بود . کسانی هم که ازین بی اعتنائی دردمی کشیدند جز نوحه سرایی و مرثیه خوانی
 راه دیگری نداشتند . گاهی هم کسانی برمی خاستند که بزرگان تاریخ ایران
 بی احترامی می کردند و این را دلیل بر تعدد خود می دانستند . ناچاریکی از کارهایی
 که در استحکام مبانی ملیت ایران و اصلاح اوضاع اجتماعی می بایست بکنند بزرگ-
 داشت بزرگان تاریخ این کشور و متوجه کردن مردم کشور بعظمت مقام ایشان بود .
 بدین گونه درین دوره قدمهای بلند درین راه برداشته شد . در هر مورد که وسیله‌ی
 بدست آمداز یادآوری مفاخر ایران خود داری نکردند و نه تنها اقدامات مهم در تعمیر
 بناهای تاریخی و حفاریات علمی شد بلکه در تعظیم و تکریم بزرگان ایران نیز
 کارهایی کردند که در ایران و خارج از ایران انعکاس فراوان داشته است و نه تنها
 ایرانیان بلکه بیگانگان نیز بمقام و پایهٔ بزرگان ایران در تمدن جهان متوجه شدند
 و در مراکز مهم عالم این نکتهٔ بسیار مهم منعکس شد .

از آن جمله جشنهای هزارساله فردوسیست که در پاییز ۱۳۱۳ گرفته شد و یکی از حوادث بین الملل بشمار رفت ، زیرا که نه تنها در ایران جشن با شکوهی گرفته شد و کنگره ای تشکیل یافت که نمایندگان بسیاری از کشورهای جهان و ایران شناسان در آن شرکت کردند و هنگام گشایش آرامگاه فردوسی بدست شاهنشاه ایران حاضر بودند بلکه در پایتخت ها و شهرهای مهم کشورهای بیگانه و از آن جمله چهارشهر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مجالس متعدد برپا شد و در برخی از پایتخت ها نام فردوسی را بر خیابانها و میدانهای بزرگ گذاشتند و بدین وسیله رشد ملی ایران و مقام ایرانیان در میان ملل زنده امروز جهان ثابت شد .

دیگر جشن هفتصدساله تألیف گلستان و بوستان بود که در سال ۱۳۱۶ گرفته شد و بدین وسیله عظمت مقام سعدی نیز در برجهانیان ثابت گشت . تردیدی نیست که این گونه کارها در اصلاح اوضاع اجتماعی ایران و استحکام بنیاد ملیت و ایجاد غرور ملی و پرورش حس میهن پرستی تا چه اندازه اهمیت داشته است و یکی از مؤثرترین وسایل برای تأمین این مقصود عالی بوده است . شکی نیست که بدین وسیله ایرانیان از آن نومیدی و ناکامی که در نتیجه اوضاع اسفانگیز دوره گذشته فراهم شده بود بیرون آمدند و روح مردی و مردانگی زنده شد .

دیگر از اصلاحات اجتماعی مهم درین دوره وضع قوانین مدنی بوده است که سابقاً هم بدان اشاره کردم و گفتم داشتن این گونه قانونهای مدنی و عرفی نشان نمیدادند بودن و رشد بودن هر ملت نیست و یگانه نتیجه همه انقلابها و جنبشهای مهم و ظهور شرایع و افکار بزرگ است که در تاریخ بشر پدید آمده است و کسانی که وسایل وضع چنین قوانینی را فراهم آورده اند همیشه اصلاحات اجتماعی مهم کرده اند . البته پیشرفت های سیاسی و نظامی و اصلاحات اداری و اقتصادی و صنعتی و آبادانی کشور و نظایر آن که از خصایص راهنمایان و پیشوایان بزرگ مللست کارهای بسیار

مهمیست که در تاریخ همیشه می ماند اما گذاشتن پایه تمدن معنوی و فکری و تغییر روحيات و افکار ملل بمراتب بزرگتر و بالاترست و کاریست که از همه کس ساخته نیست و نتیجه آن در تاریخ بمراتب بالاتر از اصلاحات مادیست ، زیرا که مادیات دستخوش زوال و انقراض و ویرانی و انهدامست و برعکس افکار و احساسات همیشه می ماند و پشت و پشت و نسل بنسل در میان ملل پایدارست . بهمین جهتست که اصلاحات معنوی یعنی اصلاحات اجتماعی و فکری این دوره را باید اهمیت خاص داد و تغییری را که در زندگی معنوی و فکری ایران درین اندک مدت فراهم شد درمثنی درجه اهمیت دانست . قطعاً تاریخ نویسان همیشه درین مورد از شگفتی و ستایش خودداری نخواهند کرد و این فصل در تاریخ ایران فصل بسیار مهمی خواهد بود .

در زمینه اصلاحات اجتماعی باید آنچه را که در ضمن بحث از اصلاحات قضایی گفته شد در نظر آورد و اصلاح امور خانواده و مسئله ازدواج و طلاق و تعدد زوجات و عقد منقطع و معاینه صحت پیش از ازدواج و اثر مهمی را که این اصلاحات اجتماعی در تاریخ ایران گذشته است از نظر دور نکرد . کسانی که در جامعه شناسی دست دارند می دانند قوانین مدنی و عرفی که درین دوره وضع شده و نتایجی که از اجرای آنها بدست آمده است تاچه اندازه در تغییر اوضاع ایران و ساختن ایران نوین مؤثر بوده است و نماینده چه رأی رزین و اندیشه دورین و احساسات بزرگبست

جای هیچ شك نیست که هر زوال و انقراض و ذلت و خواری که ملتی و جامعه ای گرفتار آن شود نتیجه تباهی اندیشه های افراد آن ملتست و همه کارهای شبانروزی و حرکات و سکنات هر قومی بسته بافکار و معتقدات آن قومست و تا افکار و معتقدات آن قوم دگرگون نشود نمی توان امید روزی داشت . بهمین جهت درین دوره توجه خاصی که با اصلاحات معنوی و اجتماعی و فکری در ایران شد و قوانین مدنی که درین

مدت وضع و اجرای کردند فکر بسیار بلند و صائبی بود که همیشه تاریخ بیاد خواهد داشت .

اهمیت فوق العاده این اصلاحات بیشتر ازین جهتست که تمدن آدمی در هر نقطه ای از سطح زمین بنیادی بگذارد نیروی بسیار بزرگ و زورمندی دارد که با سرعتی شگرف در سراسر جهان انتشار می یابد و هیچ نیرویی را تاب برآورد و ایستادگی با آن نیست. خواهی نخواهی اقوام و ملل دور یا نزدیک بیک دیگر با شتابی هر چه بیشتر پیروی از آن میکنند و همه نیروی بشری در همین نیروی تمدنست . یگانه سبب خواری و سرشکستگی ایران در دوره های پیشین و امانده بودن از کاروان تمدن بشری بود و قطعاً می بایست هر روز که ایران تکانی می خورد و بخود می آمد آن دستگاه کهن از کار افتاده را در هم نوردد و همه مظاهر تمدن جدید را بی چون و چرا بپذیرد و کاملاً خود را برای زندگی نوین آماده و مجهز کند یعنی بصورت متمدن ترین ملل جهان در آید و تمدن مادی و معنوی امروز را حتی در جزئیات بپذیرد ورنه محکوم بنیستی می بود .

مخصوصاً از ملت ایران بیش از هر ملت دیگری این انتظار می رفت زیرا که ایرانیان در زندگی هفت هزار ساله خود همواره پیشوای تمدن هر عصر و یکی از مهم ترین کار گزاران تمدنهای بشری بوده اند. بهمین جهت امتیاز خاصی که عصر پهلوی در تاریخ ایران دارد اینست که در اندک مدتی با کمال سرعت هر يك از وسایل و هر يك از مظاهر مادی و معنوی و ظاهری و باطنی تمدن جدید را پذیرفت و اگر تنها باخذ مادیات بسنده می کرد و عوالم معنوی تمدن را نمی پذیرفت اساس بسیار سستی نهاده بود که هیچ انتظار بقا از آن نمی رفت . البته شرط عقل و رای صائب این بود که هم جنبه مادی و هم جنبه معنوی را درین کار رعایت کنند تا در پی مادیات معنویاتی هم باشد که همواره نگاهبان و پاسبان آن مادیات باشد .

یکی از کارهایی که در اصلاح امور اجتماعی ایران شده تغییر لباس و قبول ظاهر ملل متمدن امروز جهانست که اساس آن بوسیله قانون متحدالشکل کردن البسه اتباع ایران در داخله مملکت گذاشته شد و در دیماه ۱۳۰۷ بتصویب رسید و از اول فرورین ۱۳۰۸ اجری شد. کمترین فایده این قانون و کارهایی که پس از آن کردند این بود که ایرانیان رايكسان ويك رنگ كردو آن همه اختلاف صوری را که قهراً باعث اختلافات باطنی و نفاق می شد از میان برداشت و در وحدت روح ملی ایران اثر بسیار بزرگی بخشید. زیرا هیچ تردید نیست چنانکه از قدیم گفته اند «ظاهر عنوان باطنست» و هر ملتی که افرادش در ظاهر باهم اختلافی داشته باشند قهراً خواهی نخواهی در باطن هم بایک دیگر يك دلویك جهت نخواهند بود و همین اختلاف لباس یکی از دلایل مسلم نفاق و دوگانگی مردم ایران بایک دیگر بود. قطعاً کسانی که گروهی را با لباس دیگری بجز لباس خود می دیدند از خود نمی دانستند و بیگانه می شمردند.

نتیجه دیگر این اقدام این بود که تا ایرانیان اروپاییان را با لباس دیگری بجز لباس خود می دیدند همیشه برتری خاصی برای ایشان قایل بودند و خود را زیر دست و دست نشاندۀ و احیاناً پیرو دستور ایشان می پنداشتند و غرور ملی که ضامن استقلال هر کشور است در نهاد ایرانیان راه نمی یافت. اما همین که ازین حیث هم امتیازی برای ایشان باقی نماند حس ملیت در ایران چنانکه می بایست نیرومند شد. بهمین جهتست که این اصلاحی که شاید بنظر برخی از کوتاه بینان چندان مهم نباشد اهمیت خاص داشته است و در وحدت روح ملی ایران و استوار کردن مبانی ملیت ما بسیار مؤثر و شاید یکی از مؤثرترین عوامل بوده باشد.

دیگر از اصلاحات اجتماعی بسیار مهم که درین دوره شده و هر ایرانی که شاهد آن بوده است باید فخر کند که آن روز را دیده است موضوع آزادی زنان و رفع

حجاب در ۱۷ دیماه ۱۳۱۴ بوده است. با کمال حرات می توان گفت که در تاریخ هیچ دیاری کاری بدین دشواری بدین آسانی پایان نرسیده است. در ضمن هیچ تردیدی نیست که این واقعه مهم ترین واقعه تاریخ این دوره است و همه جهانیان را غرق حیرت و استعجاب کرده است. هیچ شك نیست که تاریخ نویسان همیشه مرد بزرگی را که برانگیزنده این واقعه بوده است اگر هم کارهای مهم دیگری از پیش نبرده بود در شمار مردان درجه اول تاریخ ایران می شمردند.

آشکارترین علامت و ظاهرترین دلیل فساد و زبونی و تباهی اوضاع ایران و درماندگی و ویرانی کشور ما در زمانهای گذشته همین بود که زنان ما ونیمی از جامعه مادر حجاب بودند و اندك شرکتي درزندگی اجتماعی نداشتند. قطعاً آن روزی که حجاب از میان رفت ملت ایران از بزرگترین موانع ترقی رهایی یافت. زیرا شکی نیست که حجاب زنان یادگار تاریک ترین دورانهای انحطاط آدمی زاد گانست. هیچ مرد منصفی در هیچ گوشه از جهان نمی تواند منکر شود که حجاب زنان و در پرده بودن ایشان با هیچ يك از احساسات و عواطف عالی بشری و با هیچ عقل و منطق و برهان و دلیل درست نمی آید و علامت مسلم دوره نادانی و بربریت ملوك الطوائفست. چنانکه قطعاً حجاب از عادات قدیم نژاد سامیست و یادگار مردمیست که دختر داشتن را ننگ می دانستند و دختران خود را زنده بگور می کردند و بهیچ وجه بمال نژاد آریایی مربوط نیست که از نخستین روز تمدن زن را صاحب اختیار زندگی کرده بودند. این عادت زشت را ایرانیان قدیم نخست از آسوریان تقلید کرده بودند و مدتهای مدید در ایران يك قسم تجمل بود که اعیان و اشراف خودخواه در حق خود فایل بودند و زنان خود را بیرون نمی آوردند و نمی گذاشتند کسی زنانشان را ببیند چنانکه در ایران هم تا زمانهای آخر تنها در شهرها بود و در میان چادر نشینان رواج نداشت.

در حال رفع حجاب و آزادی زنان ایران را ازین قید جان فرسای بهر عنوان که بگیریم بحق باید در راس اصلاحات اجتماعی این دوره خجسته قرار دهیم و از وقایع بسیار مهم تاریخ ایران بشماریم. قطعاً آن روزی که زنان ایران از آن ذلت و خواری و بردگی رهایی یافتند و وارد زندگی اجتماعی شدند و در کارهای کشور خود شرکت کردند در اوضاع ایران انقلاب عظیمی روی داد که آثار آن از آن پس در سراسر تاریخ درخشید و از هر حیث که بنگریم سرنوشت ملت ایران از آن روز بعد دگرگون شد.

دیگر از اصلاحات اجتماعی که درین دوره شده تسهیل امور زندگی عمومیست و این نکته باندازه ای محسوسست که محتاج به بیچ گونه دلیل نیست زیرا زندگی پیش از دوران پهلوی و دوره استیلای قاجارها معلومست و در کتابهای متعدد ضبط کرده اند و هنوز کسانی در ایران هستند که آن دوره را یاد دارند و می دانند که زندگی دگرگون شد. هر روز قدمی بسوی رفاه و آسایش انفرادی برداشتند. همو سایل مادی و معنوی زندگی ملل متمدن در ایران فراهم آمد که يك قسمت از آن مربوط بصنایع و قسمت دیگر مربوط بزندگی شهرنشینی و اصلاحات شهریست و پس ازین در آنها بحث خواهم کرد.

دیگر از اصلاحاتی که درین دوره شده اصلاح امور موقوفاتست. پیش ازین دوره موقوفات در ایران حال زاری داشت و یکی از منابع مهم بهره جویی روحانیان بود. در تمام این مدت و حتی در دوران انقلاب نتوانسته بودند و جرات نکرده بودند کار موقوفات را سروسامانی بدهند و کاری بکنند که عواید آنها صرف آسایش مردم و نفع عموم بشود. ناچار می بایست درین دوره ترتیبی بدهند که در آمد موقوفات زیر نظر و با مراقبت دولت بمصرفی که واقف معین کرده است برسد و بهمین جهة اصلاحاتی را که درین دوره در کار موقوفات ایران شده است باید از اصلاحات اجتماعی دانست که در

آبادی و اقتصاد کشور اثر مهمی داشته است.

دیگر از اصلاحات اجتماعی و معنوی که در دوره پهلوی در ایران شده و پیش ازین هم بدان اشاره رفت وحدت روح ملی ایران و ایجاد یگانگی در میان افراد ایرانی بوده است. در دوره های گذشته در نتیجه حکومت ملوک الطوائف و ایلیاتی و اصول چادر نشینی و بیابان گردی و بواسطه انقلابات داخلی و ناامنی های بی حد و حساب که چندین قرن دامنه آن کشیده شده بود و بواسطه اختلاف عادات و لباس و عقاید و آراء و زبان و غیره بهیچ وجه وحدت ملی و نژادی در ایران وجود نداشت و چنانکه سابقا اشاره کردم يك مورخ فرانسوی نوشته بود در ایران ملت نیست و در حقیقت مجموعه ای بود بی تناسب و نامربوط از عقاید گوناگون که بهیچ وجه با يك دیگر پیوستگی و ارتباط و حتی گاهی وجه اشتراك نداشتند. پیوسته با يك دیگر درستیز و پرخاش و تعصب ورزی بودند و هیچ روح واحدی در میان این آرای مختلف متضاد نبود. البته می بایست روزی روح وحدت را در ایران بنموند و عناصر متضاد این کشور را با هم تالیف و ترکیب کنند یعنی در حقیقت ملتی از نو بسازند و این نیز یکی از اصلاحات اجتماعیست که در ایران نتیجه بخشیده است.

اصلاحات شهری

درین دوره برای رفاه و آسایش مردم در شهر ها و مرکز اجتماع اصلاحات بسیار مفیدی شده است که بحث در آنها نیز ضرورت دارد. تردیدی نیست که غرض اصلی و منظور حقیقی از تشکیل دولت ها درهمه جا در روز نخست این بوده است که جامعه متمدن و مردم شهر نشین نیازمندیهای مشترک دارند که هیچ کس بتنهائی نمیتواند آنها را بر آورد. هنگامی که جامعه تشکیل شده است افراد آن از میان خود کسانی را که برجسته بوده اند و می توانسته اند راهنما و پیشوا و مسئول زندگی باشند و نیازمندیهای مشترک و عمومیشان را در کمال خوبی بر آورند بر گزیده اند و اختیاراتی بدیشان داده اند و ازیشان برای پیشرفت مقصود تمکین کرده اند. آن بر گزیدگان هم حوایج و ضروریات مشترک آن گروه را بعهده گرفته اند و بهترین وجهی آنها را ادا کرده اند بهمین جهت نخستین تکلیف و مهم ترین وظیفه طبقه حاکمه و هر حکومتی آنست که همه وسایل رفاه و آسایش مادی و معنوی و ذوقی و حتی وسایل تفریح و تفتن افراد آن قوم را در هر جنس و هر سن که باشند بامنتهای دلسوزی و بهترین شکلی که ممکن باشد فراهم کند. متاسفانه تا پیش از عصر پهلوی دولت ایران این وظیفه را انجام نمی داد و بکلی از آن قاصر و مقصر بود و هیچ يك از وسایل تأمین این مقصود را فراهم نکرد. چنانکه شهرهای بزرگ و کوچک ایران که در زمانهای دور بسیار آباد و ضرب المثل جهانیان بوده اند و در دوره های پریشانی و آشفتگی ویران شده بودند در دوره قاجارها سالیان دراز ویران افتاده بودند و کسی اندك توجهی درباره شهر نشینان نمی کرد.

کسانی که دوره استیلای قاجارها را درك کرده اند بیاد دارند که وضع شهرها و آبادیها در آن دوره چه بود و گذشته از نادانی که درهمه جا محسوس بود منظره خرابی مادی و بی اعتنائی کار گزاران دولت بآن نیز در سراسر کشور دیده می شد و بهیچ وجه شایسته ملتی که هفت هزار سال تمدن پیایی داشته است و حتی در دوره صفویه شهرهای آن در سراسر جهان بزیبایی و عظمت شهرت داشت نبود . وضع هر شهر ایران را که با وضع آن در دوره قاجارها بسنجیم می بینیم که قیاس کردنی نیست. در دوره پهلوی در میان آن توده های خاك و خاکستر و خاشاك که تا آغاز آن دوره مسکن نژاد ایرانی بود و شهرهای ایران را تشکیل می داد ساختمان های رفیع باشکوه زیبا و خیابانهای عریض با صفار و زبر و زیست تر شد. گل زمستان و گردو خاك تابستان جای خود را بسیمان و آسفالت و سنگ فرش و غیره داد. آن کوچه های تنگ و تاریك که در شب کمین گاه دزدان و بدکاران بود روشن و پاکیزه در زیر پر تو چراغها درخشیدن گرفت و راستی اگر کسی این وضع را با وضع پیشین می سنجید نمی توانست باور کند که در اندك مدتی این تغییر حاصل شده است و باور کردنی نیست که وقتی این مناظر را چگونگی و لای و غبار و ظلمت و خوف و هراس فرا گرفته بود.

پیش ازین دوره در بسیاری از شهرهای ایران برخی از محلات برج و بارو و دروازه داشت که شباهمی بستند تا مردم از بدکاران در امان باشند. در بیشتر شهرها کوچه ها را عمداً با پیچ و خمهای متعدد می ساختند تا مردم بتوانند در هر خم کوچه از خانه خود دفاع کنند. در برخی از شهرهای دیگر عمداً خانه ها را در گودی می ساختند و چندین پله بود تا بلك حیاط برسند تا کسی سواره نتواند بدانجا وارد شود. بهمین جهت است که یکی از کارهای مهم این دوره را اصلاحات شهری باید دانست. کسانی که پیش از دوره پهلوی از تهران بیرون رفته اند و در آن دوره نیز شهری که

دیده بودند سفر کرده اند می دانند که در اندك مدتی چه پیشرفت هایی درین زمینه بدست آمده است. هیچ شهری در ایران نیست که بناهای چند بسیار محکم و زیبا در آن نساخته باشند. هیچ شهری نیست که مبالغ گزاف برای رفاه و آسودگی مردم آن از حیث ساختمان بناها و تسطیح و گشاد کردن و اصلاح کوچه ها و خیابانها و میدانها و پاکیزگی و روشنایی شهر و بهداشتی و فراهم آوردن وسایل آسایش مردم در آن خرج نکرده باشند. جاهایی که سابقا بیغوله و مفاك بود درین دوره با نهایت پاکیزگی و صفا تبدیل بگردشگاه مردم شهر شد.

در بسیاری از شهرها بناهای باشکوه از قدیم بود که در نتیجه بی کسی و بی قیدی چند قرن بی پرستاری و بی پاسبان در زیر باد و باران و آفتاب مانده بودند و اگر این دوره چند سال دیرتر آغاز می شد قهرا از یادرافتاده و تل خاك و خاکستر شده بود. همه آنها را با کمال دلسوزی تعمیر کردند و برخی از آنها همان جلوه روز نخستین را پیدا کرد. برای اینکه خوانندگان نمونه ای از کارهایی که درین زمینه شده است داشته باشند همین کافیهست صورت مبالغی را که تنها برای تعمیر بناهای دوره صفویه در اصفهان درین دوره کرده اند و مدت زمان و عده کارگرانی را که برای این کار لازم بوده است فراهم کنند. قطعا رقامی بدست خواهد آمد که مورد تعجب خواهد شد. گذشته از آن در هر شهری از ایران درین دوره برای مؤسسات صنعتی و کارخانها و غیره ساختمانهای فراوان کرده اند. نیز برای شهرداریها و شهرسازیها و ادارات مالیه و كمرك و دبستانها و دبیرستانها و بیمارستانها و سربازخانهها و مؤسسات ارتش و بحریه و هواپیمایی و بانك و غیره و ایستگاههای راه آهن ساختمانهای دیگر بوجود آورده اند و حتی هر جا که لازم بوده است پلهای باشکوه ساخته اند. میتوان گفت که اگر کسی تنها شماره سنگ ها و آجرهایی را که درین دوره در ایران برای ساختمانها و خیابان سازی و غیره روی هم یا پهلوی هم گذاشته اند بدست آورد و كوچك ترین

کاری را که درین مدت درین زمینه شده است حساب کنند و آنرا در میان عده روزهای این مدت تقسیم کنند می بیند درین اندک مدتی که حتی در عمر اشخاص هم هیچ حساب نمی شود روزی چقدر سنگ و آجر بمصرف رسیده است.

اگر بنا بر تاریخ ساختمانهای ایران رجوع کنید می بینید که پس از زمان شاه عباس تا آغاز دوره پهلوی در سراسر ایران هیچ بنای عمومی عام المنفعه مهمی نکرده اند و یک پل بزرگ ساخته نشده و هر بنایی که کرده اند یا مردم نیکوکار از کیسه فتوت خود کرده اند یا بناهایی برای تفریح و تفرج و خوشگذرانی پادشاهان آنها با کمال بی سلیقهی فراهم آورده اند. پلها و مساجد و مدارس هم که اشخاص از روی عقیده شخصی بپول خود ساخته اند هر وقت اختیار و تولیت آن بدست دولت افتاده است مانند آن بوده است که درویرانی آن عمداً کوشیده اند و عمد کرده اند که زودتر از میان برود.

یکی از نمونه های بی قیدی دوره استیلای قاجارها اینست که در اصفهان ساختمان های باشکوه و مجلل زمان صفویه را که معروف جهان بوده است عمداً خراب کرده اند. شاید خوانندگان باور نکنند که برخی از آنها با اندازه ای محکم بوده است که نمیتوانسته اند بایبل و کلنگ از میان بردارند و شبانه آنها را توپ بسته اند! آثاری که از دوره های گذشته اکنون در اصفهان باقیست ده يك آن ساختمانها نیست که پیش از دوره قاجارها در آنجا بوده است. بسیاری از شهرهای دیگر ایران همین حال را دارند.

بهین جهتست که از حیث اصلاحات شهری و عمران و آبادی و رفاه و آسایش عمومی دوره پهلوی را باید یکی از برجسته ترین دوره های تاریخ ایران دانست. ساختمانها کارخانها و مؤسسات صنعتی و راه ها و پلها و بندرها و راه آهن و دبستانها و بناهای دیگر برای آموزش و پرورش و بیمارستان ها و غیره نیز از مباحث مهم این

دوره است و در فصول آینده در هر مورد ذکر می‌آید از آنها خواهد آمد.

گذشته از این ساختمانها و خیابان‌های روشنایی شهرهای نیز از کارهایی بوده که درین دوره اهتمام خاص در آن کرده اند و شهر و آبادی بزرگی در ایران نیست که نیروی برق را در آنجا برای روشنایی فراهم نکرده باشند. باید در نظر داشت که در دوران قاجارهای یکی از مظاهر شهرهای بزرگ و کوچک ایران تاریکی معا بر درشها بود و بهمین جهت بود که ایرانیان عادت کرده بودند بمحض اینکه هوا تاریک می‌شد بخانه خود پناه می‌بردند و اصلانه تنه‌اشب از خانه بیرون آمدن شجاعت و جان خود را بمخطر انداختن بود بلکه کم‌کم بمروزرمان شب بیرون آمدن را کار ننگین دانسته بودند و کار اشخاص پست و بی‌سروپا بشمار می‌رفت و تازه اگر کسی برای کار لازمی شب از خانه بیرون می‌رفت اگر گرفتار دزد و قاتل نمیشد و جان بدر می‌برد می‌بایست چراغ کش و فانوس کش با خود بردارد تا در چاه و چاله نیفتد. مردمی که وسیله داشتند چراغ روشن کردن در بالای در خانه خود را ثواب می‌دانستند. در سراسر ایران تنها تهران دستگاه چراغ برق داشت و آنهم تنها در اوایل شب روشن بود.

دیگر از اقدامات برجسته‌ای که درین دوره برای رفاه و آسایش و تن درستی مردم در شهرها و آبادیها شده بنگاه‌های بهداری از درمانگاه و بیمارستان و آسایشگاه است و در مبحثی که مخصوص اصلاحات بهداشتی خواهد بود درین باب بحث خواهم کرد.

در راس اصلاحات شهری تشکیل ادارات شهرداری قانونی و انجمن‌های شهرداری را باید دانست. پیداست که انجمن‌های شهرداری مانند مجلس شورای ملی از مبانی مشروطیتست و در مجلس اول قانونی بعنوان قانون بلدیة گذشته و در برخی از شهرهای ایران انجمن بلدی بنا بر آن قانون تأسیس کرده بودند. پس از مجلس اول دیگر انجمن‌های بلدی در ایران تشکیل نیافت و آن قانون عاقل و باطل ماند تا

اینکه در دوره پهلوی قانون دیگری گذشت و انجمن های شهرداری در سراسر کشور تشکیل شد. بدین گونه در هر شهری مردم انجمن شهرداری خود را انتخاب کردند و کارهای شهر را مردم شهر بعده گرفتند و وسایل رفاه و آسایش بدین وسیله از هر حیث فراهم شد و بهمین جهت روزی نبود که در هر شهری گامی برای آسودگی مردم و آبادانی آن شهر برداشته نشد.

دیگر از اصلاحات شهری که درین دوره شده و اثر بسیار مهمی در آبادی کشور و رونق شهرهای ایران داشته شهر نشین کردن ایلات چادر نشین و بیابان گرد ایرانست که چندین هزار سال بهمان حال سرگردانی و خانه بدوشی ازین سو بآن سومی رفتند و همواره محل آسایش و امنیت کشور بودند و پیش ازین بزیانهای که می رساندند اشاره کردم. پیداست که این کار مهم یعنی شهر نشین کردن ایشان نه تنها در امنیت و آسایش مردم کشور اثر بسیار مهمی داشته است و خلع سلاح هزاران تن مردم بیابان گرد که تابع هیچ اصل و قانونی نبوده اند چه کار اساسی بوده است بلکه در آبادانی کشور نیز بسیار مؤثر شد و این جماعات کثیر مردمی که در زیر چادر در بیابانهای زیستند و بهیچ وجه در زندگی اجتماعی شرکت نداشتند و هیچ يك از وظایف اجتماعی را بعده نمی گرفتند هنگامی که در شهر ها و قصبه ها و روستاهای کشور جا گرفتند جزو طبقه مفید و کار آمد جامعه شدند و در کار با مردم دیگر شریک گشتند و قهرا در تولید ثروت و ترقی صنعت و تجارت ایران وجودشان مفید شد بدین گونه از حالت بدوی بیرون آمدند و با بر حله تمدن گذاشتند و راستی نتیجه این کار این شد که چندین هزار بلکه چند میلیون بر افراد مؤثر کشور افزوده شد و در ضمن ناامنی و دزدی و راهزنی هم که کارشان روزی ایشان بود یکسره ریشه کن شد. بهمین جهتست که این کار را از مهم ترین کارها و یکی از مفیدترین اصلاحات اجتماعی باید دانست.

دیگر از اصلاحات اجتماعی که درین دوره بجا آمده اصلاح تقویم ایرانست.

ایرانیان در دوره هخامنشیان تقویم خاصی داشته‌اند و در دوره ساسانیان تقویم اوستایی را که همان تقویم کنونی باشد اختیار کرده‌اند. در سراسر این مدت تقویم ایران تقویم شمسی یعنی تابع گردش خورشید بوده است و روز اول بهار یعنی روز اعتدال ربیعی را آغاز سال قرار داده و سال را شامل ۳۶۵ روز دانسته‌اند. در تقویم اوستایی که در دوره ساسانی معمول شده سال شامل دوازده ماه است و هر ماه شامل سی روز. برای سی روز ماهی نام از نام‌های ایزدان و امشسپندان و اصطلاحات دینی دیگر آیین زردشت اختیار کرده بودند و دوازده نام از آن‌سی نام را بماهها نیز داده بودند بهمین جهت در هر ماهی يك روز پیش می‌آمد که نام روز و نام ماه یکی بود و آن روز را روز جشن می‌گرفتند. چون هر سال شامل دوازده ماه سی‌روزه یعنی تنها شامل ۳۶۰ روز می‌شد پنج روز آخر سال را جدا گانه حساب می‌کردند و ایام تعطیل پایان سال بود و آنرا وهیزك یا بهیزك یا اندرگاه می‌گفتند. در ضمن ساعت‌های اضافی هر سال را چون بحساب نیاورده بودند نوروز و روز اول سال تغییر می‌کرد و در فصول مختلف قرار می‌گرفت.

در آغاز دوره اسلامی تقویم قمری را که تازیان در صدر اسلام وضع کرده بودند و اعمال دینی تابع آن شده بود در ایران نیز اختیار کردند و چون درین تقویم در میان آنکه ماه ۲۹ روز یا ۳۰ روز است بیشتر تردید پیش می‌آمد در آغاز دوره مشروطیت برای کارهای اداری يك تقویم شمسی نجومی که تابع منطقه البروج و صور فلکی بود و ۳۶۵ روز می‌شد در ادارات دولتی پذیرفتند. این تقویم شامل دوازده ماه تابع حرکت آفتاب در برجها بود بدین گونه: حمل ۳۱ روز، ثور ۳۱ روز، جوزا ۳۲ روز، سرطان ۳۱ روز، اسد ۳۱ روز، سنبله ۳۱ روز، میزان ۳۰ روز، عقرب ۳۰ روز، قوس ۲۹ روز، جدی ۲۹ روز، دلو ۳۰ روز، حوت ۳۰ روز. پیدا است که این تقویم سابقه تاریخی متمدن ایران نداشت و عده روزهای ماه‌های آن مختلف یعنی از ۳۲ روز تا ۲۹ روز

بود و مردم نمی توانستند آنرا بنیاد داشته باشند و همیشه اشکال پیش می آمد. در ضمن از زمان مغول در ایران معمول شده بود که هر دوازده سال را يك دوره می گرفتند و برای هر سال يك نام مغولی داشتند که پس از دوازده سال تکرار می شد و هر سالی را بنام یکی از جانوران می خواندند که نام آنها بفارسی اینست: موش، گاو، پلنگ، خرگوش، نهنگ، مار، اسب، گوسفند، بوزینه، خرس، سگ، خوک.

با این همه تقویم شمسی اوستایی دوره ساسانیان در ایران مانده و فراموش نشده بود و جشنهای آن مانند نوروز و مهرگان و سده بیش و کم معمول بود و حتی در کارهای کشاورزی برای تعیین موقع هر کاری در میان کشاورزان و دهقانان باقی مانده بود. منتهی چون در زمان یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی اصلاحی در آن کرده بودند آنرا تقویم یزدگردی نامیدند و در نتیجه بحساب نیاوردن چند ساعت اضافی هر سال نوروز که می بایست در اول بهار باشد بتاستان افتاده بود. جلال الدین ملکشاه سلجوقی چند تن از اخترشناسان ایران از آن جمله امام عمر خیام را مأمور کرد که اصلاحی درین تقویم بکنند و ایشان در سال ۴۶۷ این اصلاح را کردند و دوباره نوروز و آغاز سال را در اول بهار قرار دادند و آن تقویم را بمناسبت لقب ملکشاه تقویم جلالی نامیدند. بهمین جهت از آن روز منجمان دو نوروز در تقویمها قایل شدند یکی نوروز یزدگردی یعنی نوروزی که در زمان یزدگرد سوم افتاده بود و دیگر نوروز سلطانی یا نوروز جلالی یعنی نوروز واقعی و اول بهار و اول سال جلالی.

در دوره پهلوی متوجه این عیب شدند که این تقویمهای مختلف کار را دشوار کرده است و ایرانیانی که از قدیم تقویم مخصوص و بهترین تقویم جهان را داشته اند دلیل نداشت رعایت تقویم باستانی و ملی خود را نکنند. این بود که قانونی از مجلس گذشت و بموجب آن تقویم باستانی و ملی ایران را رسمیت دادند و اصلاح مهمی که

در آن کردند این بود که پیش از آن ماهها يك درمیان سی و يك سی روز بود و درین تقویم اصول منظم تری قایل شدند که شش ماه اول سال سی و يك روز و پنج ماه سی روز و ماه اسفند ۲۹ روز باشد و در سالهای کبیسه یعنی هر چهار سال يك بار اسفند ماه را هم سی روز حساب کنند. این اصلاح در امور زندگی روزانه و کارهای اجتماعی و علمی یکی از مهمترین اصلاحاتیست که درین دوره کرده اند .

دیگر از اصلاحات شهری مهم که در رفاه و آسایش مردم بسیار مؤثر افتاده است ایجاد وسایل تفریح و تفرج و تفنن برای افراد مردم کشورست زیرا هیچ تردید نیست که افراد جامعه مخصوصا کسانی که وسایل تفریح و تفرج را خود نمی توانند با پول خود تهیه کنند گذشته از انجام وظایف ملی و اجتماعی و تامین ضروریات مادی و معنوی احتیاجات ذوقی هم دارند که تأمین آنها از وظایف حتمی هر دولت بیدار و جزو تکالیف اجتماعی و در شمار وسایل رفاه و آسودگی و در حقیقت بهداشت روحانی و فکر است. در دوره های گذشته بهیچ وجه درین راه گامی برنداشته بودند و اصلا آنرا جزو وظایف دولت نمی شمردند . پیداست مردمی که هیچ وسیله تفریح و تفنن و رفع خستگی و اشتغال ذوقی نداشته باشند جز آنکه مایوس و درمانده و از زندگی خسته و رنجور و بیزار باشند توقع دیگر از ایشان نمی توان داشت . قطع است که هر ملتی در کشور خود باید وسایل دلخوشی را بنحوا کامل داشته باشد تا بادل خوش کار کند و از هر حیث بکشور خود دل بسته و پای بست باشد و آنرا بهترین جا برای زندگی خود بداند و زندگی او نشاط و سروری داشته باشد که همیشه روح امید و دلوری در وی بدمد و بزنگی آینده امیدوار کند و همیشه در کار خود با شاشت و گشاده رویی و نشاط و دلسوزی وارد شود . این نکته بسیار مهم در دوره های گذشته بکلی عاطل مانده بود و تنها در دوره صفویه تا اندازه ای رعایت آنرا کرده بودند اما پس از آن دوره دوباره از رونق افتاده بود و همیشه دولتهای ایران از آن غفلت میکردند تا آنکه

در جزو اصلاحات اجتماعی مهم منظور شد و وسایل رفاه و آسایش و تفریح و تفرج مردم از هر جهت فراهم آمد. گذشته از آنکه در هر شهری گردشگاه‌ها و باغهای ملی ترتیب دادند و وسایل دیگر را نیز آماده کردند و سازمان پرورش افکار که در ۱۳۱۸ تشکیل شد توجه مخصوص نسبت به موسیقی و تئاتر و رادیو و سینما کرد و وسایل گوناگون برای تفریح و تربیت ذوقی مردم فراهم آمد که باید آنها را نیز از اصلاحات اجتماعی ضروری دانست.

نکته دیگری که در اصلاحات اجتماعی بسیار موثر بوده آبادی کشور است که اهمیت خاص دارد و جای تردید نیست که درین دوره کارهای بسیار مهم از پیش رفته است. گذشته از ساختمانها و بناهای مجلل باشکوه و خیابان‌سازیا و اصلاحات شهری قدمهای بلند در اصلاح کشاورزی برداشته شده که در مبحث جدا گانه‌ای درباره آنها سخن خواهد رفت و نیز اقداماتی در اصلاح کارهای اقتصادی و ایجاد صنایع جدید و ساختمان بندرها و راه آهن و راههای شوسه و ایجاد وسایل ارتباط مانند تلفن و تلگراف و تلگراف بی سیم و غیره و بنگاههای بهداری هر یک در آبادانی ایران جای مخصوص و ممتازی دارد و همه این کارها از اصلاحات شهری مهم بشمار می رود. گذشته ازین در بسیاری از نواحی کشور حتی روستاها خانه‌هایی برای روستاییان ساخته‌اند و نیز برای سکونت و شهر نشین شدن چادر نشینان ساختمانهایی کرده‌اند و نیز کارهای مهمی برای اصلاح آبیاری و مشروب کردن زمین‌های بایر و ترقی محصولات کشاورزی و صنعتی انجام داده‌اند که در آبادانی کشور بسود شهر نشینان بسیار موثر بوده است. بهمین جهت می‌توان گفت که ایران از حیث آبادی و عمران قابل قیاس با گذشته نبوده و خرابی‌هایی که در دوره‌های پیشین روی آمده درین دوره یکسره جبران شده است.

قدم دیگری که در اصلاح اوضاع اجتماعی و اصلاحات شهری برداشته شده

قانون تعدیل مال الاجاره بوده است که در پایان سال ۱۳۱۷ وضع شد و فواید آن در آسایش عده کثیری از مردم پوشیده نیست و حاجت بتوضیح و تفسیر ندارد . وضع این قانون می‌رساند که دولت ایران در آن زمان تا چه اندازه در اندیشه رفاه و آسایش مردم کشور بوده است .

اصلاح اجتماعی مهم دیگری که درین دوره شد تأسیس سازمان پرورش افکار بود . پیداست که وظیفه دولت بیدار و آگاه‌د تربیت و راهنمایی مردم تنه عبارت ازین نیست که مسایل علمی را وارد ذهن جوانان کنند زیرا بسیاری از مسایل علمی هست که در خارج از آموزشگاه هم می‌توان آموخت و یا از یکی دو کتاب می‌توان فرا گرفت . مهم‌ترین وظیفه راهنمایان ملل اینست که افراد ملت را همواره برای عالی‌ترین زندگی روز آماده کنند و این کلمه مختصر شامل هزاران معنی دقیق و هزاران لطیفه معنویست .

وظیفه نخستین این راهنمایان وظیفه اخلاقیست یعنی باید پیشوای جامعه و راهنمای مردم از حیث ملکات فاضله و اخلاق کریمه و صفات ممتاز بشری یعنی مردی و مردانگی و مردمی باشند . تربیت درست آنست که تربیت ملی باشد یعنی هر علمی و هر دانشی را برای ترقی ملت خود و برای تقویت روح ملیت بخواهند و هر درسی باید برای آن باشد که يك فرد مفید برای جامعه تربیت کند و مرد وزن را از کودکی و جوانی چنان آماده کنند که چون بزرگ شدند برای کشور خود و هم نوع خویش سودمند و خدمتگزار باشند . باید در هر قدم و هر سخن همیشه روح ملی را تقویت کنند و هر درسی که می‌دهند این نتیجه را داشته باشد که روز بروز جوانان کشور خود و هموطن خویش را بیشتر دوست بدارند و همیشه در آرزوی آن باشند که هر چه زودتر در زندگی اجتماعی وارد شوند و زودتر بخدمتگزاری بپردازند . وظیفه مهم دیگر این راهنمایان اینست که افکار و آرزوهای افراد را چنان یکسان کنند که اتحاد معنوی و

اتفاق کلمه واقعی در میان ایشان فراهم شود تا در میان افراد تحصیل کرده بهیچ وجه اندک اختلاف و دوگانگی از حیث افکار و آمال و آرزوهای انسانی پیش نیاید .

وظیفه دیگر این گروه اینست که افراد کارآمد نیرومند برای جامعه تربیت کنند. باید کودکان را چنان باریاورند که چون بسن رشد رسیدند همیشه باشورو شغف و نشاط و سرور زندگی کنند و زندگی را دوست داشته باشند و همیشه بآینده خود امیدوار باشند و نرس و ناکامی و ناامیدی را در دل خود راه ندهند یعنی در زندگی آینده خود دلیر و استوار و پابرجا و نیک بین و بشاش باشند .

پس راهنمایان جامعه می بایست آن سرشکستگی و خواری و زبونی را که دو سه قرن انحطاط و تنزل در فکر مردم ایران جای داده بود از میان ببرند و بجای آن رشادت و مردانگی و نشاط تولید کنند . سازمان پرورش افکار در ۱۳۱۸ برای ادای این مقصود بسیار مهم فراهم شد و وظیفه اش این بود که آینده ایران را از حیث علم و اخلاق تامین کند و با کسانی که آینده مادی کشور را بدست داشتند همکاری کند . بدین جهات تشکیل سازمان پرورش افکار یکی از مهم ترین اصلاحات اجتماعی و معنوی این دوره بود .

اصلاحات اقتصادی و مالی

یکی از مظاهر برجسته دوره پهلوی اصلاحات اقتصادی و مالیست که بهترین نمونه قدرت دولت و استقلال و امنیت کشور بود. زیرا نمی توان منکر شد که زندگی آدمی زادگان زندگی مادیست و هر جامعه ای برای زندگی بیش از همه چیز و پیش از همه چیز بقوه و نیرو احتیاج دارد. نیروی بشری نخست در ارتش و افراد مسلح و تجهیزات جنگیست و سپس در دارایی و تمول و تمکن مادی. آشکارتر از این چیزی نیست که جامعه بی زر و بی زور از هر حیث ناتوان و درمانده است و بهمین جهت اصلاحات اقتصادی و مالی این دوره را پس از اصلاحات نظامی باید از کارهای بسیار مهم بدانیم.

یکی از اصلاحات اقتصادی مهم کوتاه کردن دست متنفذان و عناصر ماجرایی جوی از کارهای مالی کشور و خزانة مملکت بود. در دوره های گذشته در نتیجه ناامنی وضع دولت مرکزی و حکومت ایلیاتی و ملوک الطوائف در هر ناحیه ای گردن کش نافرمانی پیدا شده بود که گذشته از فراهم آوردن وسایل ناامنی و راهزنی و بیداد و ستم نسبت بزیردستان و مردم بی دفاع بزرور و جبر عواید و مالیات ها را از مردم می گرفت و بکیسه خود می ریخت و بهمین جهت تا دست این عناصر کوتاه نمیشد اصلاح کارهای مالی کشور ممکن نبود، حتی کار گزاران مؤثر دولت از نفوذی که در دستگاه دولتی داشتند بهره جویی می کردند و مالیات قانونی املاک و مستغلات خود را نمی پرداختند. چنانکه محمد ولی خان خلعت بری که نخست سپهدار اعظم لقب

داشت و سپس سپهسالار اعظم لقب گرفت و نخست وزیر شده بود از روزی که در فتح تهران بدست مجاهدین و غلبه بر محمد علی شاه شرکت کرده بود مالیات املاک وسیعی را که در مازندران و حومه تهران داشت پرداخته بود و چون از مطالبه کردند و سخت گرفتند باندازه‌ای برخلاف عادت بود و بروی گران آمد که خود را کشت.

اصلاح دیگر عبارت بود از جمع آوری و مرکزیت دادن کامل درآمدهای کشور و نظارت دقیق در خرج و هزینه‌های کشوری و ازین حیث پیشرفت عظیمی در ایران نسبت به دوران گذشته حاصل شد. در ایران دوره‌هایی پیش آمد که اگر هم مختصر پولی بصندوق مالیه محلی می‌رسید پیشکار مالیه یا امین مالیه محل آشکارا آنرا بکیسه خود می‌ریخت و بهیچ وجه پروا ازین کار نداشت. گذشته از روسای دارایی زیردستان و مخصوصاً تحصیلداران نیز مالیات را بزور از مردم می‌گرفتند و بخزانة دولت نمی‌رساندند.

گذشته از آن بسا اتفاق می‌افتاد که در نتیجه ناامنی ناحیه‌ای ویران شده بود و عایدات آن ناحیه کفاف مالیات آنرا نمی‌داد و چون در صندوق مرکز هم پولی نبود آن ناحیه مدتهای دراز در همان حالزار مانده بود و اصول لامرکزیت چنان بر همه جا مسلط بود که برخی از نواحی را مانند آن بود که جز وایران نمی‌دانستند و چون آن ناحیه ویران شده و مردم آن پریشان شده بودند می‌بایست بهمان فقر و تهی دستی خود بسازند و بهیچ وجه نه در دریافت عواید و نه در پرداخت مخارج کوشش و دقت و دلسوزی نمی‌کردند و در مقابل نادرستی‌ها هیچ بازخواست و کیفری در میان نبود.

اصلاح دیگر توسعه و تحکیم سازمان و تشکیلات مالی در سراسر کشور بود. در دوره‌های گذشته تقریباً در هر ناحیه از ایران اصول خاصی برقرار بود و بسیاری

از عوارض و مالیاتهای محلی بود که اختصاص بناحیه معینی داشت و نواحی دیگر از آن معاف بودند و حتی در يك ناحیه برخی از اصناف و طبقات پرداخت آن محکوم بودند و برخی دیگر از آن معاف بودند. تنها درین دوره سازمان و تشکیلات مالی در سراسر کشور یکسان شد و همه افراد در برابر مالیات مساوی و برابر شدند.

دیگر از اصلاحات مالی و اقتصادی درین دوره انتظام جمع و خرج کشور و توازن آن بر اساس بودجه‌های حقیقی بود و این نکته را کسانی که آگاهند نمی‌توانند منکر شوند. می‌توان گفت در دوره‌های سابق هر گز بودجه در کار نبود چنانکه در تمام مدتی که از مشروطیت ایران می‌گذشت تنها دوبار بودجه نوشته بودند يك بار مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله که وزیر مالیه شد بودجه‌ای ترتیب داد و بار دیگر مرگان شوستر آمریکایی که خزانه‌دار ایران بود بودجه دیگر نوشت. تازه اگر بودجه می‌نوشتند صورت مخارج را روی کاغذ می‌آوردند و چون چند ماهی از سال می‌گذشت درآمدهای دولت پایان می‌رسید و دیگر پولی در خزانه نبود و بقرض و رسوایی سال را هر طور بود پایان می‌رساندند و ناچار مطالبات مردم و حتی حقوق کار گزاران دولت می‌ماند و ازین سال بآن سال می‌رسید چنانکه کراراً در پایان ماه برای پرداخت مخارج جاری آن ماه از بانک شاهنشاهی ایران که يك شرکت انگلیسی بود و امتیاز انتشار اسکناس را داشت مبلغ مختصری قرض می‌کردند و چون نمی‌توانستند همه احتیاجات را تأمین کنند متناسب از هر مبلغی مقدار خیلی می‌پرداختند. کار گزاران دولت که راه‌دیگری برای گذران خود جز همان حقوق دولتی نداشتند حواله حقوق خود را بصرافی از قرار تومانی دو قران می‌فروختند یعنی بجای يك تومان دوریال ازو می‌گرفتند و وی آنقدر منتظر میشد تا بتواند آن مبلغ را وصول کند. در میان نواحی مختلف ایران مالیات برخی از نواحی زودتر

وصول میشود کسانی که وسیله داشتند می‌کوشیدند که حقوقشان را از بابت عایدات آن ناحیه بمستوفی آن نقطه حواله بدهند .

گاهی اوضاع مالیة کشور باندازه‌ای پریشان می‌شد که همان مختصر وجه را برای پرداخت حقوق کار گزاران دیوان نداشتند و کراراً مستخدمان دولت پنج‌ماه و شش ماه حقوق طلب‌گار بودند . چندبار اتفاق افتاد که چون باز پول در خزانه دولت نبود بجای حقوق گندم و جو که از بابت مالیات جنسی در انبار دولت بود حواله کردند که هر کس آنرا در بازار بفروشد و بحق خود برسد . يك بار آجر که از بابت مالیات جنسی کوره‌پزخانه‌ای تهران گرفته بودند حواله کردند . باردیگر تفنگ‌های سرپر و سلاحهای از کار افتاده را که در انبارها مانده بود در مقابل حقوق وزارت جنگ دادند . باردیگر شاهنامه‌ای را که بخرج دولت در زمان مظفرالدین شاه بکوشش حسین‌پاشا خان امیر بهادر جنگ رییس کشیک خانه دربار که شاهنامه را دوست می‌داشت بقطع بسیار بزرگ چاپ کرده بودند و بشاهنامه امیر بهادری معروف بود در برابر حقوق کارمندان وزارت خانا از قرار جلدی چهار تومان دادند . بهترین دلیل اصلاحات اقتصادی و مالی درین دوره تفاوت شگفت در میان

جمع بودجه کشور در سال ۱۳۰۰ و سال ۱۳۲۰ است :

جمع کل هزینه کشور در سال ۱۳۰۰ مبلغ ۱۹,۵۶۱,۳۵۵ ریال و ۱۲۵۰,۰۰۰

فرانك طلاى سويس بوده است .

جمع کل بودجه ۱۳۲۰ بدین گونه بوده است :

درآمد ۳,۶۱۳,۷۶۸,۷۱۸ ریال .

هزینه ۴,۳۲۳,۹۱۱,۶۷۶ ریال .

برای نمونه ترقی بودجه وزارت فرهنگ را درین دوره در نظر بگیریم :

جمع کل بودجه سال ۱۳۰۴ مبلغ ۷,۷۳۱,۳۸۰ ریال .

جمع کل بودجه سال ۱۳۲۰ مبلغ ۱۵۴،۸۵۶،۰۰۰ ریال .
بودجه ارتش :

جمع کل بودجه ارتش در سال ۱۳۰۰ مبلغ ۹۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال .

جمع کل بودجه ارتش در سال ۱۳۲۰ مبلغ ۵۹۳،۱۲۱،۵۲۴ ریال .

بدین گونه بودجه کشور در مدت بیست سال تقریباً بیست برابر ، بودجه وزارت فرهنگ در مدت شانزده سال بیست و یک برابر و بودجه ارتش در مدت بیست سال تقریباً شش برابر ونیم شده است .

بهترین مغرف اصلاح اوضاع اقتصادی و مالی ایران اینست که با وجود مخارج بسیار سنگینی که در راه آبادی و ترقی ایران و خرید اسلحه و کارخانهای متعدد شده است دولت ایران درین مدت بهیچ وجه محتاج باستقراض در داخله یا در خارج از کشور نشده و حتی در هر سال مقداری از عایدات خود را صرفه جویی کرده و بعنوان ذخیره مملکتی نگاه داشته و مبالغ خطیری طلا خریده و بر ثروت کشور افزوده است :

دلیل دیگر بر اصلاحات اقتصادی این دوره چند رقم در باره بانک ملی ایرانست:

در سال ۱۳۰۷ که سال تأسیس بانک بوده جمع ترازنامه بانک ۱۶۶،۰۰۹،۰۱۶ ریال بوده است .

در سال ۱۳۱۶ این مبلغ به ۲،۶۱۱،۶۱۹،۷۰۲ ریال رسیده یعنی در ده سال بیش از پانزده برابر شده است .

موجودی فلزات گران بهای بانک در سال ۱۳۰۷ معادل ۴۲،۶۵۱،۶۴۵ ریال بوده و در پایان سال ۱۳۱۶ به ۷۱۵،۳۷۵،۲۲۶ ریال رسیده یعنی در ده سال بیش از ۱۷ برابر شده است .

در سال ۱۳۰۷ که بانک ملی ایران بکار آغاز کرده اندوخته نداشته است و در

سال ۱۳۲۰ اندوخته آن مبلغ ۹۶،۹۱۵،۶۷۷ ریال بوده است.

نکته بسیار مهم اینست که در سال ۱۳۲۰ که پایان این دوره بوده است دولت ایران یکی از دوسه دولت جهان بود که بهیچ وجه وام داخلی و خارجی نداشت و بلکه ذخایر عمده در داخل و خارج کشور فراهم کرده بود و حال آنکه در پایان دوره استیلای قاجارها دولت ایران يك فقره ۳۲،۵۰۰،۰۰۰ منات روسی مقروض بود که بنرخ آن روز ۱۹۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال و بنرخ امروز ۳۹۰ میلیون ریال می شد و يك فقره قرض دیگر ۳،۳۱۵،۳۸۱ لیره انگلیسی بود که بنرخ آن روز ۱۳۲،۶۱۵،۲۴۰ ریال و بنرخ امروز ۲۶۵،۲۳۰،۴۸۰ ریال می شد و جمع قروض داخلی آن ۴۴،۳۲۰،۰۰۰ ریال بود یعنی روی هم رفته ۶۹۹،۵۵۰،۴۸۰ ریال مقروض بود. اگر این نکته را در نظر بگیریم که بالاترین رقم بودجه ایران در آن سالها رقم بودجه سال ۱۳۲۸-۱۳۲۹ قمری ۱۰۶،۵۵۲،۸۰۰ ریال بوده است معلوم می شود که بیش از بودجه پنج سال خود مقروض بوده است.

برای اینکه زمینه دیگری از اوضاع مالی ایران در دست داشته باشیم باید در نظر گرفت که در همین بودجه سال ۱۳۲۸-۱۳۲۹ قمری مبلغ ۸۳،۷۵۳،۲۰۰ ریال از مبلغ ۱۰۶ میلیون کسر بودجه بوده است یعنی ۸۳ میلیون و کسری مخارج بی محل داشته اند. پس اینکه در پایان این دوره در پر تو است حکام اوضاع مالی دولت ایران دیناری مقروض نبوده بلکه وامهای سابق نیز از میان رفته بوده است بهترین دلیل است که درین دوره چه اصلاحات مالی مهمی پیش آمده است.

اصلاح دیگری که درین راه شده اصلاح روش مالی کشور و اصول مالیاتی از حیث نرخ و طرز وصول بوسیله حذف مالیاتهای غیر عادی و مضر باقتصاد کشور بوده است مانند مالیاتهای ارضی و سران و دروازه بانی و راهداری و غیره و تعدیل مالیاتهای دیگر و وضع مالیاتهای جدید برای کارهای عام المنفعه مانند راه سازی و راه آهن و

بهداری و مانند آن . اصول مالیاتی ایران یادگاردوره های تاریک و ادوارملوک الطوایف و حکومت ایللیاتی بود و پایه درستی نداشت و بهیچوجه بامقتضیات روزگار و فوق نمی داد و در بسیاری از موارد عادلانه نبود ، چنانکه همه باربردش طبقه کارگرو زارع و فروشنده شهری گذاشته شده بود یعنی مردمی که از سترنج خودزندگی میکردند و دیگران که از راههای دیگر چندین برابر ایشان درآمد داشتند بهیچ وجه مالیات نمی پرداختند و تنها اصناف و برزگران و این گونه مردم زیر دست مالیات می دادند . ناچار می بایست در مالیات تعدیل کامل برقرار شود و اصولی پیش بگیرند که هر کس متناسب درآمد خود مالیات بپردازد و درمخارج عمومی کشور شرکت کند و این اصلاح بسیار مهم در کار مالیات تنها درین دوره بعمل آمد .

نکته دیگری که در اصلاحات مالی و اقتصادی اهمیت بسزا دارد استقلال گمر کی ایران و اصلاح تعرفه گمر کی بر اساس حفظ صنایع نوزاد و کالای داخلی و محصولات کشور است . در دوره قاجارها در نتیجه عهد نامه ترکمان چای که در سخت ترین مواقع ذلت و سرشکستگی ایران بسته شده بود و در نتیجه اصول کاپیتولاسیونها که در آن عهد نامه منظور کرده بودند و برخی کشورهای دیگر نیز از آن برخوردار شده بودند ایران در تعرفه گمر کی خود بهیچوجه استقلال نداشت و حداقل و حداکثری در حقوق گمر کی برقرار کرده بودند و از واردات برخی از کشورها که بیشتر نفوذ داشتند حداقل و از دیگران حداکثر را می گرفتند ، و در صادرات نیز دو درجه حقوق گمر کی برای این دودسته بود . نرخهایی که در تعرفه گمر کی منظور شده بود تغییر ناپذیر بود زیرا که می بایست برضایت دو طرف تغییر بدهند و طرف دیگر بتغییر آن رضایت نمی داد . در حقیقت تعرفه گمر کی وسیله ای بود که کالای بیگانه بهر صورتی که بیگانگان می خواستند وارد ایران شود و بهایی که ایشان می پسندیدند بفروش برسد و درین مورد کمترین استقلال و اختیار برای ایران قایل

دولت ایران برای اداره کردن گمرک های خود می بایست بمستشاران بلژیکی که طرف اعتماد دول بیگانه بودند متوسل شود. حتی نوزنام بلژیکی رئیس کل گمرک ایران بمقام وزارت رسید وعنوان « وزیر گمرکات » باو دادند و در سال اول مشروطیت بزحمت بسیار مجلس شورای ملی توانست دست او را از کار کوتاه کند و پس از آن تا پایان دوره قاجارها باز گمرک ایران در دست مستشاران بلژیکی بود که در کار خود صاحب اختیار مطلق بودند و حتی مرگان شوستر امریکایی مستشار مالیة ایران نتوانست ایشان را از کار بردارد. بدین گونه گمرک ایران یکی از مظاهر برجسته و آشکار مداخلات بیگانگان در کارهای داخلی ایران بوده است. بنابراین استقلال گمرک ایران و تدوین تعرفه گمرکی که کاملاً مطابق مصالح مادی ومعنوی ایران باشد و کوتاه کردن دست مستشاران بیگانه از گمرک ایران مهم ترین جنبه های اصلاحات مالی و اقتصادی بوده است.

نکته دیگر درین زمینه جلب اعتماد عامه مردم بکارهای مالی دولت بوسیله نظم و ترتیب در انجام خدمت و ادای تعهدات در موعد خود و قوام مالی کشور را باید دانست که گذشته از نتایج مادی که مردم در نتیجه اعتماد بدولت تعهدات خود را منظمأ پرداخته اند نتایج معنوی و اخلاقی نیز داشته است و اعتبار کامل برای دولت در مسایل اقتصادی و مالی فراهم کرده، در صورتی که در دوره های گذشته یکسره برعکس این بوده و مردم از دولت سلب اعتماد کرده بودند و بهیچ وجه بتعهدات مالی ماموران مالیة اعتماد نداشتند.

نکته دیگر تهیه اندوخته های مخصوص از درآمدهای دولتی برای اجرای برنامه های مهم اقتصادی و رفع احتیاجات اجتماعی کشورست که انجام آنها با درآمد های عادی دولت میسر نمی شد. درین زمینه نیز اقدامات مهمی کرده اند و بر

اندوخته کشور هر سال مبالغ خطیری افزوده می شد و کارهای مهم مانند خرید اسلحه و کارخانهای فراوان را بدین وسیله تامین کردند .

دیگر تجدید نظر و بازبینی در امتیازات مختلف نیست که در دوره قاجارها باتباع داخله و خارجه داده بودند و بسیاری ازین امتیازات مخالف با مصالح کشور بود و الغای آنها تنها در اوضاع اقتصادی اثر بسیار داشت بلکه در تامین استقلال کشور نیز مؤثر بود . در ضمن می بایست مقررات برخی امتیازات را با منافع کشور تطبیق کنند مانند امتیازات نفت شرکت ایران و انگلیس و امتیاز شیلات در یای خزر . برای این که اهمیت این کار و لغو این گونه امتیازات مسلم شود همین قدر کافیست بیاد بیاوریم که شرکت نفت ایران و انگلیس بنا بر امتیازی که از بی راهه بدست آورده بود و منافع سرشار از آن می برد در سال ۱۸۰۷۲۱ لیره و هجده شیلینگ و شش پنس سهم دولت ایران را می پرداخت و در پایان دوره قاجارها قسمت عمده از آن را برای استهلاك اصل و فرع قروضی که از انگلستان کرده بودند بر می داشتند .

در امتیازی که درین دوره در ۱۳۰۹ داده شد سهم دولت ایران ۱۰۴۳۳،۴۷۸ لیره و سیزده شیلینگ و هشت پنس و ۱۶۹،۴۲۴ لیره و نه شیلینگ و نه پنس مالیات شرکت بود یعنی روی هم رفته ۱،۶۰۲،۹۰۳ لیره و سه شیلینگ و پنج پنس بخرانه ایران پرداخته می شد یعنی بیش از هشت برابر و نیم سهم سابق .

دیگر از اقدامات اقتصادی مهم تاسیس بانک ملی ایران در ۱۳۰۷ و لغو امتیاز انتشار اسکناس بتوسط بانک شاهنشاهی ایران بموجب قانون ۶ خرداد ۱۳۰۹ بوده است . بانک شاهنشاهی ایران يك شرکت انگلیسی بود که در سلطنت ناصرالدین شاه امتیاز انحصاری حق انتشار اسکناس را در ایران گرفته بود و شعبه های مختلف در همه شهرهای درجه اول و درجه دوم ایران برقرار کرده بود و در ضمن معاملات تجارتي و استقراضی هم میکرد .

وضع معاملات صرافی آن وضع خاصی بود باین معنی که اسکناس را بنواحی مختلف تقسیم کرده بود و روی هر اسکناسی مهری زده بود که مثلاً « فقط در تبریز ادا خواهد شد » و آن اسکناس را در هر جای دیگر بآنک می بردند مبلغی از ارزش آن کم میکرد و می پرداخت و پیداست که این معامله تاجراندازه نامشروع و برخلاف مقررات بانکی کشورهای جهان بود. لغو این امتیازیکی از کارهای بسیار مهم بود زیرا پیداست که انتشار اسکناس پایه اقتصاد و اساس زندگی مادی هر کشور است و ملتی که حق انتشار اسکناس را خود نداشته باشد و بیگانگان بدهد البته استقلال اقتصادی خود را از دست داده و همیشه دستخوش منافع دیگران خواهد بود. بهمین جهت تأسیس بانک ملی را که از آغاز مشروطیت آرزوی ایرانیان بود و بدان کامیاب نمی شدند و لغو امتیاز اسکناس را که بیک بانک خارجی سپرده شده بود از مهمترین قدمهای اقتصادی و مهم ترین عوامل در استقلال اقتصادی ایران باید دانست.

در نتیجه لغو امتیاز اسکناس و تأسیس بانک ملی ایران وضع پول ایران کاملاً ثابت شد و برای پول کشور پشوانه بسیار محکمی از طلا و جواهرات سلطنتی اندوخته شد و پیداست که بدین گونه پول ایران در جهان اعتبار کامل یافت و یکی از معتبرترین پولهای آن عصر بشمار رفت.

از جمله کارهایی که در اصلاح اوضاع اقتصادی ایران کردند تأسیس بانک پهلوی قشون در اردی بهشت ماه ۱۳۰۴ بود که بعدها بنام بانک سپه نامیده شد. پس از آن تأسیس بانک رهنی را برای کار گشایی مردم و رهایی ایشان از دست کسانی که از نیازمندیهای مردم تنگ دست بهره جویی های شگرف میکردند و تأسیس بانک فلاحتی و صنعتی ایران را برای کمک بکشاورزان و صنعتگران و یاری در آبادی و عمران کشور و تقویت نیروی تولید و توسعه صنعت و پیشه و تأسیس بانک کار گشایی را باید از کارهای مهم اقتصادی دانست.

دیگر از اصلاحات اقتصادی وضع قانون نظارت در معاملات ارزی برای تنظیم داد و ستد پولی کشور با خارج و جلوگیری از خروج سرمایه و تلف کردن دارایی کشور بوده است. این اقدام را نیز می توان از کارهای مهم در اقتصاد کشور دانست زیرا باین وسیله توانستند در صادرات و واردات کشور تعادل فراهم کنند و نگذارند سرمایه کشور بیهوده بخارج برود و بحران تولید شود.

دیگر از اصلاحات اقتصادی وضع يك سياست اساسی برای تامین استقلال اقتصادی کشور و تطبیق فعالیت های اقتصادی با مقاصد عالی و منافع کشور بوده است. این کار مخصوصاً از حیث ترویج مصنوعات ایران چه در داخل و چه در خارج اهمیت بسیار داشته و البته در آبادانی کشور نیز بسیار موثر بوده است.

اقدام مهم دیگری که باز درین زمینه بعمل آمده جلوگیری از نفوذ بیگانگان در اقتصاد و امور بازرگانی و معاملات نقدی و جنسی بوده است. چنانکه پیش ازین هم اشاره رفت کارهایی که درین زمینه کرده اند در استحکام مبانی استقلال ایران بسیار موثر بوده و یکی از وسایل سلب مداخله بیگانگان در کارهای کشور است. تردیدی نیست که پیش از آن همیشه بیگانگان کوشیده اند منافع اقتصادی خود را بوسیله مداخلات در کارهای ایران تامین کنند و همیشه در همه جا استعمار برای تامین منافع اقتصادی بوده است و البته هر جا که در ضمن اصلاحات اقتصادی از نفوذ بیگانگان کاسته شود در سیاست نیز موثر خواهد بود. درین زمینه کارهای اساسی تاسیس سازمان های لازم برای اجرای این مقصود مانند تاسیس وزارت پیشه و هنر و وزارت بازرگانی و اداره کل کشاورزی و شورای عالی اقتصاد و اتاق های تجارت شهرها بوده است. یکی از کارهای مهمی که درین زمینه کرده اند وضع مقررات لازم برای تعادل صادرات و واردات بوده است مانند قانون انحصار تجارت خارجی و نظامات مربوط بآن و منع ورود اشیاء تجملی و غیر لازم و تشویق وارداتی که برای استقلال اقتصادی

کشور و رفع حواصی اولیه جامعه ضرورت دارد مانند ماشین‌ها و دارو و جز آن و نیز تشویق صادرات و معرفی کالاهای ایران در بازارهای مهم جهان و تهیه بازارهای تازه برای متاع ایران. هر یک از این اقدامات نیز در حد خود در استقلال اقتصادی کشور مؤثر بوده است. برای اجرای این مقاصد عالی یک سلسله کارهای اساسی کرده‌اند مانند راه‌نمایی بازرگانان با اصول بازرگانی جدید و تأسیس مدارس تجاری از آن جمله مدرسه عالی تجارت در تهران و انتشار مطبوعات تجاری و تأسیس نمایشگاه‌های کالاهای داخلی در شهرهای عمده و مخصوصاً در تهران و شرکت در نمایشگاه‌ها و بازارهای مکاره بین‌الملل و حمایت از بازرگانان و تأسیس نمایندگی‌های تجاری ایران در کشورهای بیگانه و عقد پیمانها و قراردادهای بازرگانی و تجاری و تها تر و پایا پای با دول بیگانه و کوشش در رفع موانع و مشکلات تجارت خارجی کشور. مخصوصاً چیزی که درین میان اهمیت خاص دارد اینست که در نتیجه این ارشادها و راهنمایی‌های مدبرانه و تشویق‌های دولت کالاهای ایران درین مدت در ظاهر و باطن ترقیات بسیار کرده و قابل قیاس با کالاهای دوره‌های پیشین نبوده است. صنایعی که سالها بود از میان رفته یا تنزل فاحش کرده بود بوجود آمده و یا پیشرفتهای محسوسی کرده است و کالاهای جدید در ایران بعمل آورده‌اند که نه تنها قسمت عمده از نیازمندیهای مردم کشور را تامین کرده و جانشین موادی که از خارج می‌آورده‌اند شده است بلکه برخی از آنها را هم از ایران صادر کرده‌اند.

دیگر از کارهایی که برای تامین سیاست اقتصادی کشور کرده‌اند تأسیس شرکت‌های دولتی برای استقرار اصول تجارت کشور بر اساس اقتصاد جدید بوده است و نیز تشویق سرمایه‌داران ایرانی بتأسیس شرکت‌های خصوصی درین کار موثر افتاده است. نکته دیگر اتخاذ تدبیرهای لازم برای آن بوده است که نیازمندیهای نخستین کشور در ایران فراهم شود و با کمال آسانی و با بهای ارزان تر بدست مردم

برسد و این نکته در تسهیل معاش و زندگی فرد فرد مردم اثر مهمی داشته است. در همین زمینه باید خرید محصولات عمده کشاورزی را با بهای بیشتر مانند پنبه و گندم و تریاک و توتون و چای و چغندر و غیره دانست و منظور از آن نه تنها کمک اقتصادی بتولیدکنندگان بلکه فراهم آوردن وسایل ارزانی زندگی و کمک باقتصاد شخصی افراد مردم بوده است.

اقدام دیگری که شده و آن نیز اهمیت خاص دارد مطالعه در اوضاع عمومی کشاورزی کشور برای تبدیل زراعتهای اندک فایده بزرگتهای مفید مانند چغندر قند و چای و نباتات دهنی و الیافی و غیره بوده است. چنانکه سابقاً یکی از محصولات عمده ایران در بسیاری از نواحی برنج بود که پیش از آن بازار داشت و سپس بازار آن بکلی بسته شد و با این همه برزگران ایرانی بعت قدیم آنرا بعمل می آوردند و خریدار نداشت. ناچار می بایست زراعت آنرا ترك كنند و بجای آن چیزی که بیشتر خریدار می داشت بکارند. نیز برخی مواد بود که اگر فواید اقتصادی داشت ضررهای اخلاقی و اجتماعی فراوان در آن بود مانند تریاک که مضار گوناگون در جامعه ایرانی فراهم کرده بود و قطعاً می بایست زراعت آنرا بسیار محدود بکنند.

دیگر از کارهای مهم درین زمینه تهیه وسایل تولید برای برزگران بوده است مانند دادن مساعده های نقدی و جنسی و تهیه تخم و جز آن و نیز اقداماتی که در دفع نواقص و مشکلات کشاورزی کرده اند مانند تهیه وسایل آبیاری و دفع آفات نباتی و حیوانی و اصلاح نژاد نباتات و حیوانات و تهیه تخم های خوب و ممتاز. درین زمینه یکی از مهم ترین وسایلی که بکاررفته علاقمند کردن مردم بکارهای کشاورزی بوده است و در راس کارهایی که برای پیشرفت این مقصود کرده اند شهرنشین کردن مردم چادر نشین و بیابان گرد بوده است که بفواید گوناگون این کار مهم پیش ازین اشاره کرده ام. گذشته از اثری که در امنیت کشور داشته می توان گفت این کار نیز فواید

فراوان در آبادانی و اصلاح امور اقتصادی کشور داشته است. کمترین فایده آن این بود که چند صد هزار تن بر طبقات کارگر و صنعتگر و پرزگر ایرانی افزوده شد و راستی مانند آن بود که چند صد هزار تن بر جمعیت ایران افزوده شده باشد و عده بسیاری را که بجز غارت و راهزنی کار دیگری نداشته اند بشریف ترین مشاغل بشری که کار کردن و خدمت کردن بنوع و جامعه و میهن و سودمند بودندست و ادا کرده باشند و عده کثیری را در راه آبادانی و ترقی کشور بکار گماشته باشند.

دیگر از کارهای مهمی که درین ره گذر شده و اگذاری زمین ها و املاک خالصه خوزستان و سیستان و کشاورزان محل و وضع مقررات لازم بنفع ایشان بوده است و پس از آن اقدامات است که در فروش زمینهای خالصه دولت پبرزگران و فروش همه املاک خالصه بمردم بوده است. پیداست که این کار نیز در آبادی ایران اهمیت بسیار داشته است زیرا که دولت ایران املاک خالصه بسیار داشت که بهیچ وجه نمی توانست بآباد کردن و نگاهداری آنها پردازد زیرا که وسایل و عوامل بسیار می خواست و آن صرفه جویی و دلسوزی که مالک میکند در مأمور دولت یا مستاجر نبود قطعاً هنگامیکه این املاک بمردم تعلق گرفت بمراتب آبادتر شد و بر آبادی ایران افزود. اقدام دیگر در ضمن اصلاحات اقتصادی وضع مقررات قانونی برای الزام مردم بمعمران و آبادی، نقاط حاصل خیز کشور با دستیاری دولت و نیز رفع احتیاجات مادی کشور بوسیله وسایل صنعتی بوده است مانند کارخانهای قندریزی و پارچه بافی و حریر بافی و کبریت سازی و صابون سازی و جز آن چه بدست دولت توجه بدست اشخاص. اقدام مهم دیگر عبارت بوده است از توجه و حمایت صنایع قدیم ایرانی که در دوره گذشته اندک اندک رو بنیستی می رفت مانند قالی بافی و وزری بافی و کاشی سازی و جز آن، کوششی که در توسعه و رواج این صنایع ملی ایران کرده اند گذشته از فواید اقتصادی بهترین وسیله جلب شهرت ایران در خارج و معرفی ذوق و هنر ایرانی

و جلب توجه جهانیان بشمار رفته است .

دیگر از اقدامات مهم اقتصادی که درین دوره نتیجه مهمی بخشیده توجه بمنابع ثروت زیرزمینی کشورست که قرنهای بیهوده و دست نخورده مانده بود و درین زمینه نه تنها دولت خود باستخراج آنها پرداخته بلکه عامه مردم ایران را هم باین کارها تشویق کرده است.

قدم مهم دیگری که در اصلاح وضع اقتصادی ایران برداشته شده تامین خطوط و وسایل ارتباط کافی در کشور بوده است مانند راه آهن و راههای شوسه و پست و تلگراف و تلفن و تلگراف بی سیم و هواپیمایی و غیره که درمبحث جداگانه در باره آنها بحث خواهیم کرد .

اصلاحات کشاورزی

شکی نیست که کشاورزی در ایران قرن‌ها مهم‌ترین منبع ثروت بوده است و عده بسیار مردم کشور همیشه سرگرم این کار بوده اند. بهمن جهت همیشه در هر دوره ترقی اقتصادی ایران بسته به پیشرفت کشاورزی و افزونی محصول زمین بوده است و همه پیشوایان بزرگ ایران که در آبادی کشور قدم برداشته‌اند هم خود را صرف آباد کردن زمین‌های زراعتی و آسودگی خاطر طبقه کشاورزان و امنیت دادن بایشان و اصلاح اصول آبیاری کرده اند. مثلاً در دوره ساسانیان که ایران یکی از آبادترین کشورهای جهان بوده است کوشش‌های بسیار و مخارج سنگین در راه زراعت کرده اند و سد‌های متعدد بر روی رودخانه‌ها مخصوصاً در خوزستان و بین‌النهرین که در آن زمان از ایالات ایران بوده است برای آبیاری نواحی بسیار وسیع ساخته اند. بهترین دلیل اینست که پس از هزار و چند صد سال پایه‌های آن سدها در گوشه و کنار باقیست و نیز در بین‌النهرین نهرهای متعدد ساخته بودند که هنوز قسمت عمده از آنها باقیست و زمین‌های زراعتی را از آنها مشروب می‌کنند. عده این نهرها که از رود فرات و رود دجله منشعب می‌شده باندازه ای بوده است که از آب این درود بزرگ دیگر آنقدر نمی‌مانده است که شط العرب تشکیل شود و فرات و دجله هر دو جدا گانه بخلیج فارس می‌ریختند.

از طرف دیگر از روزی که نیاگان ما آریاییان ایرانی از کوههای پامیر بدشت های آسیای مرکزی فرود آمده اند اصول مخصوصی در آبیاری بکار برده اند که از هفت هزار سال پیش تا کنون معمولست و منحصر بنژاد ایرانی بوده و تنها در قلمرو این نژاد در نجد ایران دیده می شود و آن کندن قنات و کاریزو بردن آب در مجرا های زیر زمینی تا فواصل بسیار و گاهی تا چند فرسنگست .

از پادشاهان ایران که اهتمام بسیار در آسایش خاطر برزگران داشته اند طاهر بن حسین مؤسس سلسله طاهریست که مخصوصاً در زمان وی و بدستور او کاریزهای بسیار در خراسان کنده اند که برخی از آنها تا کنون باقیست و بآنها « قنات طاهری » می گویند. حتی افسانه ای از قدیم در میان مردم خراسان بوده که وی را « طاهر آب شناس » لقب داده بودند و در هر جا که مردم از یافتن آب ناامید بوده اند او با وسایل مخصوص آب پیدا می کرده و کاریزی می کنده است .

نکته مهم تراز همه اینست که داریوش بزرگ هنگامی که سرزمین مصر جزو متصرفات ایران بوده است همان کاری را که اروپاییان پس از ۲۴۸۰ سال بعد بنام ترعه سوئز کرده اند در نظر گرفته و شروع بحفر ترعه ای کرده است که آثار آن هنوز باقیست و کتیبه ای که برای ساختمان آن کنده اند در مصر پیدا شده است .

در زمان صفویه نیز کوشش بسیار در اصلاحات کشاورزی در ایران کرده اند و بهمین جهت ایران در آن روز گاریکی از آبادترین کشورهای جهان بوده است و نه تنها زراعت غلات و پرورش جانور های اهلی در ایران بمتنهی درجه ترقی کرده بود بلکه در ضمن توجه خاص پرورش کرم ابریشم کرده بودند و قسمت اعظم ابریشمی که در جهان بمصرف می رسید از ایران می رفت و یکی از کالاهای مهم ایران پارچه و مخمل و قالی ابریشمی بود و حتی هنرمندان ایرانی را برای رواج و ترقی پرورش کرم ابریشم با اروپا می بردند .

پس ازدوران صفویه بواسطه جنگهای داخلی و پریشانی و آشفتگی اوضاع و نا امنی کشور و دشواریهایی که در کار کشاورزی پیش آمد و بدبختی هایی که برزگران ایرانی دوچار آن شدند زراعت ایران بمنتهی درجه تنزل کرده بود و قسمت عمده از آبادیهای سابق از میان رفته و کشاورزان از زاد گاه خود هجرت کرده بودند. در ضمن درین دوره پیشرفت های بسیار مهم در اصول کشاورزی در جهان فراهم شده بود و در ایران بهیچ وجه راه نیافته بود و حتی اصول زراعت قدیم نیز تنزل کرده بود چنانکه پرورش دواب و مواشی بسیار کم شده بود و پرورش کرم ابریشم تقریباً از میان رفته بود و از چندین ناحیه مهم مانند یزد و کاشان و برخی از نواحی خراسان و فارس و آذربایجان که در زمان صفویه در آنجا کرم ابریشم پرورش می دادند تنها ناحیه بسیار محدودی در گیلان مانده بود و در آنجا هم آفت ها و بیماریهای گوناگون در میان پيله و کرم ابریشم پیدا شده بود و چیزی نمانده بود که این منبع اقتصادی که تاسی سال پیش یکی از مهم ترین منابع ثروت هر کشوری بود یکسره نابود شود.

در نتیجه این اوضاع در دوره قاجارها زراعت ایران کاملاً در اصول بدوی متوقف مانده بود و تنها محصول بسیار مختصری که بزحمت خوراک مردم کشور را تامین میکرد در برخی از نواحی که آباد مانده بود بعمل می آمد و نواحی دیگر بیشتر در سالهای غیر عادی که محصول ناحیه ای از دوردست بآن نمیرسید دوچار قحطی و تنگی و گرسنگی میشدند و بارها بوارد کردن غله از کشور های بیگانه ناچار شدند. بهمین جهت اصلاحات فلاحتی ایران در راس کارهایی بود که میبایست در آباد کردن ایران و رفاه مردم کشور و تامین زندگی ایشان بکنند و درین دوره يك سلسله اصلاحات مهم در کشاورزی ایران شده است.

نکته ای که بیش از همه در اصلاحات کشاورزی اهمیت داشته امنیت کشور

بوده است زیرا تردیدی نیست که زراعت بیش از هر کاری دیگری بامنیت احتیاج دارد و کشتزارها در زمین‌های دورافتاده قرار دارند که هیچ مانعی در برابر تاخت و تاز بدکاران و هیچ پاسبان و مدافعی ندارند و تا کشوری کاملاً امن نباشد و طبقه زارع از هر حیث آسودگی و امان نداشته باشد نمیتواند بکار خود بپردازد و از آب و زمین خود بهره‌مند شود و محصول خود را بردارد و بیابازار ببرد و بزندگی خود و نتیجه رنج و کوشش خود امیدوار باشد. بهمین جهت نخستین وسیله بهبود اوضاع کشاورزی در ایران این بود که کشور کاملاً در امان باشد و دست راهزنان و غارتگران مسلح را که دشمن زراعت و آبادانی هستند کوتاه کنند و کشاورز را کاملاً در امان و آسایش نگاه بدارند.

دومین قدمی که در اصلاح کشاورزی ایران برداشته شد تاسیس اداره ثبت اسناد و املاک بود زیرا بدیهیست تا کشاورز نتواند حق خود را حفظ کند و دارایی خویش را در برابر تجاوز بیدادگران نگاه دارد دلبستگی کامل و امیدواری تمام بملك خود نخواهد داشت و مالك مسلم ملك و زمین خود نخواهد بود و بناچار درصد آباد کردن و بهره‌مند شدن از آن بر نخواهد آمد. اگر برزگر همواره در معرض طمع و بیدادگری این و آن باشد ملك خود را همیشه در خطر خواهد دید و توجهی در آباد نگاه داشتن آن نخواهد کرد و ناچار کشور مرتباً روبویرانی میرود، هم چنانکه در دوره گذشته شده بود و هر مرد متنفذی میتواند منتهای تعدی را نسبت برزگر و کشاورز بکند و چون سند معتبری در دست مالك حقیقی نبود نمیتوانست بحق خود برسد. بهمین جهت ثبت املاک و اسناد بهترین راه بود که هر کشاورزی مطمئن باشد زمین او از تعرض و طمع این و آن مصونست و میتواند منتهای کوشش را در آباد کردن آن بکند و بدین وسیله در آبادانی کشور شریک باشد. اقدام دیگری که در اصلاحات کشاورزی ایران نتیجه بسیار مهم داشته

است و آنرا نیز در رأس مهم‌ترین کارها باید قرار داد و اگذاری و فروش املاک خالصه دولت بکشاورزان بود زیرا که از قدیم املاک بسیاری بدست دولت مانده بود که چون مأموران دولت دلسوزی لازم را نداشتند و بهیچ وجه آماده بهره‌برداری از آنها نبودند همیشه بکسانی که نفوذ داشتند اجازه میدادند و ایشان هم جز آنکه نفعی ازین کار ببرند اقدام دیگری نمیکردند و هرگز یک دینار برای تعمیر و مرمت یا اصلاح آن ملک خرج نمیکردند. بهمین جهت این املاک پهناور که قسمت عمده از خاک ایران را فرا میگرفت سالیان دراز بایر و ویران و حتی متروک افتاده بود و بسیاری از کشاورزان در نتیجه تعدی مستاجران یا مأموران دولت از آنها هجرت کرده بودند و کسانی هم که مانده بودند چون خود را مالک نمیدانستند و کسی حقی برای ایشان قایل نبود در آبادی ملک اندک دلسوزی نداشتند و بهیچ وجه درصدد ترقی کار خود برنمی‌آمدند. پیداست بمحض اینکه دولت این املاک خالصه را بکشاورزان یا مالکان خصوصی واگذار کرد فوراً توجهی درمیان طبقات برزگر و تولیدکننده نسبت بآن زمین‌های پهناور پیدا شد و وسایل آبادانی آنها فراهم آمد و بهمین جهت است که این اقدام دولت نیز اهمیت خاصی داشته است و از قدمهای بلندی بوده است که برای اصلاح کشاورزی ایران برداشته‌اند.

دیگر از اقداماتی که در اصلاح کشاورزی اهمیت داشته شهرنشین کردن ایالات و طوایف چادر نشین ایران بوده است، زیرا که از قدیم و از نخستین روزهای تمدن نژاد آریایی ایرانی گروهی از مردم بهمین حال وارد تمدن شده‌اند و سپس چادر نشین‌های دیگر از خارج بایران آمده‌اند و گروه فراوانی از مردم ایران که بدلائل معتبر بیش از ثلث جمعیت ایران را فراهم می‌ساختند تا پایان دوره قاجارها بحال بیابان گردی و چادر نشینی در همه نواحی ایران زندگی میکردند و برخی از نواحی سراسر محل سکونی و آمد و رفت ایشان بود و بیلاق و قشلاق میکردند.

بدین گونه چون در جای معینی ساکن نبوده‌اند بهیچ وجه گرد زراعت نمیگشتند و تنها برخی از طوایف ایشان پرورش اغنام و گله‌داری یا پرورش اسب مشغول بودند و در ضمن بواسطهٔ راهزنی و غارتگری پیوسته مغل آسایش برزگران بودند و اغلب محصول ایشان را تاراج میکردند. همین که این چند میلیون چادر نشین از آن حال بیابان گردی نجات یافتند و در نواحی حاصلخیز کشور جا گرفتند پیداست که چگونه در آبادی کشور و کشاورزی و تولید ثروت وجود ایشان موثر شد و مانند این بود که یک باره چند میلیون مردم کار آمد بر نفوس ایران و طبقهٔ کارگر و مولد ثروت افزوده شده باشد.

اقدام دیگری که در اصلاحات کشاورزی باید اهمیت خاصی بدان داد تأسیس آموزشگاههای کشاورزی و دانشکدهٔ کشاورزی و بنگاههای بسیار برای تعلیمات کشاورزی و راهنمایی بکشاورزان در سراسر کشور بوده است. نیز در دبستانهای مراکز کشاورزی بروستایی زادگان و کودکان کشاورزان تعلیمات فلاحی داده‌اند. بدین وسیله اصول علمی کشاورزی و پیشرفتهای زراعت جدید و انکشافها و اختراعاتی را که درین راه شده است بکودکان و جوانان کشور آموختند و وسایل علمی و اساسی در پیشرفت زراعت ایران و فنون مربوط بفلاحات و پرورش دام و جز آنرا بایشان یاد دادند و ازین راه پیشرفت مهمی در کشاورزی ایران پیش آمد و بهمین جهت جای آن دارد که باین کار نیز اهمیت بسیار بدهیم.

نکتهٔ دیگر اینست که در نتیجهٔ فراهم آمدن منابع جدید نیازمندیهایی نسبت ببرخی از محصولات کشاورزی پیدا شد. ناچار این زراعتها که توسعهٔ بسیار یافت سبب آبادی کشور و رفاه و آسایش برزگران شد و درآمد ایشان افزوده گشت چنانکه در نتیجهٔ توسعهٔ صنایع ریسندگی و بافندگی و تأسیس کارخانههای متعدد برای این رشته‌ها در همهٔ نواحی کشور بر محصول پنبهٔ ایران بسیار افزوده شد

و نوع پنبه ترقی روز افزون کرد . در نتیجه تولید وسایل صنعت پشم بافی پشم نیز بمقدار بیشتر و بهتر فراهم شد و در پرورش اغنام و گله داری پیشرفت محسوسی پیش آمد . در نتیجه ایجاد کارخانه های قندریزی متعدد کشت چغندر قند که سابقاً در ایران هیچ سابقه نداشت توسعه فوق العاده گرفت . هم چنین در نتیجه اقبال مردم بتهیه خشکبار و بهبودی که درین صنعت فراهم شد و افزایش صادرات ایران ازین راه میوه ایران بمراتب فراوانترو بهتر از پیش شد و نیز در نتیجه بکار افتادن کارخانه بزرگ دخانیات محصول توتون نسبت بگذشته چندین برابر شد .

دیگر از کارهاییکه در اصلاحات کشاورزی کرده اند توجه بترقی و توسعه پرورش پنبه و کرم ابریشم و صنعت تخم نوغان ایران بوده است که در دوره قاجارها در در نتیجه غفلت دولت و بیتباهی میرفت . پیش ازین اشاره رفت که این صنعت مهم که تا سی سال پیش یکی از مهم ترین منابع ثروت کشاورزی بود در چندین ناحیه ایران حتماً معمول بوده است از آن جمله در کاشان و یزد و برخی از نواحی خراسان و آذربایجان و فارس و در اواخر دوره قاجارها تنها آنها بمقدار کم در گیلان باقی مانده بود و در نتیجه بی مبالائی و سهل انگاری و بی قیدی دولت در حال فساد و نیستی بود و چندین بیماری مسری که مخصوص کرم ابریشمست از خارج وارد ایران شده بود و هر سال مقدار محصول نسبت بسال گذشته رو بنقصان میرفت و انحصار ورود تخم نوغان را که از اروپا میخریدند و محتاج بدان بودند بیک تن از سیاستمداران تهران داده بودند . بهمین جهت این صنعت مهم که در زمان صفویه در ایران در منتهای رونق و یکی از مهم ترین منابع عایدی ایران و جلب ثروت بود کاملاً راه زوال را می پیمود و چیزی نمانده بود که از میان برود . بهمین جهت در دوره پهلوی توجه خاصی نسبت باین صنعت و پرورش پنبه و کرم ابریشم و تخم نوغان کردند و درین زمینه پیشرفتهایی روی داد و در نواحی دیگر بجز گیلان وسایل نوغان داری و پرورش

پایله فراهم شدن نیز صنعت ابریشم بافی با اصول جدید نه تنها نیازمندی کشور را ازین حیث کاملاً تأمین کرده و مردم ایران را از پارچه های ابریشمی خارجی بی نیاز ساخته است بلکه صادراتی نیز فراهم آورده است.

نکته دیگری که در ضمن اصلاحات کشاورزی باید بآن توجه کرد پیشرفت محسوس و بهبود محصول فلاحتی ایرانست که درین دوره تأمین شد و محصول عمده ایران مانند پنبه و پشم و خشکبار و ابریشم و چغندر قند و کف و چای و توتون ترقی عمده کرد و هم از حیث کمیت و هم از حیث کیفیت قابل قیاس با ادوار پیشین نبوده است. مخصوصاً ایجاد نمایشگاه های کالای ایران در تهران و شهرهای عمده که محصول فلاحتی در آن بیشتر جلوه داشته است در رسیدن باین نتیجه بسیار موثر بوده است.

اصلاح دیگری که درین زمینه بعمل آمده ایجاد ادارات تثبیت غله است تا محصول غله ایران را بهترین بهایی که ممکن باشد از برزگران و تولید کنندگان بخرند و در شهرها همواره برای تأمین زندگی و آسودگی مردم شهر بحد و فورو با کمال دلسوزی در جاهای مناسب نگاه دارند و مازاد خوراک مردم را بهترین بهایی که بتوانند صادر کنند. ازین حیث ترقی عظیمی در زراعت غله ایران فراهم شد و گشایش فوق العاده ای در کارهای کشاورزی برزگران پیش آمد و این نیز یکی از قدمهای بلندی بود که در اصلاح کشاورزی ایران برداشته شد.

دیگر از اصلاحات کشاورزی مهم که در ایران شد توسعه و اصلاح چای کاریست که پیش ازین دوره باندازه ای ناچیز بود که جز و محصول کشور بشمار نمی رفت و قابل اعتنا نبود. در پایان دوره پهلوی قسمت مهم از مصرف چای کشور در ایران بعمل می آمد و توسعه و ترقی فوق العاده درین زراعت فراهم شد و دیگر بجای کشورهای دیگر چندان نیازمند نبودند و منبع درآمد تازه ای برای کشاورزان

ایرانی پیدا شد.

دیگر از اصلاحات کشاورزی که درین دوره بعمل آمد اصلاح جنگلها بود ، در پایان دوره قاجارها بواسطه بی اعتنائی جنگلهای چندین هزار ساله ایران رو بنیستی می رفت و هیچ اصول درستی برای حراست و پاسبانی و نگاهداری جنگلها و مخصوصاً جنگلهای شمال و کرانه های دریای خزر که در سراسر جهان معروفست در میان نبود. هر سال در نتیجه بی قیدی ماموران دولت مقداری از درختان کهن و گران بهار برای هیزم ساختن و چوب بریدن یا خانه ساختن و حتی زغال درست کردن می انداختند و بجای آنها چیزی نمی کاشتند . بدین گونه هر سال از سطح جنگلهای ایران کاسته می شد و بهمین جهت دولت توجه خاصی به جنگلها کرد و اصول منظمی برای حراست و پاسبانی آنها وضع شد و جنگلهای ایران را از خطر نیستی نجات دادند.

دیگر از اقدامات مفیدی که در اصلاحات کشاورزی شده توجه مخصوص نسبت بآبیاری و ساختن سدهای جدید و بندهای مهم و کندن چاههای آرتزین و بکار بردن اصول جدید در آبیاری کشتزارها بوده است تا بدین وسیله آبهای ایران بهدر نرود و بمصرف زراعت برسد و جاهایی که مستعد آباد شدنست باندازه کافی آب داشته باشد. درین زمینه اقدامات گوناگون کرده اند که در آبادی ایران نتایج مهم در برداشته است .

دیگر از اصلاحات کشاورزی این دوره بکار بردن اصول جدید در زراعت و متداول کردن ماشین و وسایل جراثقالی و تراکتور و غیره در زراعت بوده است که پیش از آن مطلقاً در ایران سابقه نداشت و از جمله اصلاحات مهم درین زمینه بشمار می رود .

اصلاح دیگری که باز درین زمینه کرده اند و در کشاورزی ایران اهمیت بسیار دارد تاسیس بنگاههای دفع آفات حیوانی و نباتیست که برای جلوگیری از بیماریهای

حیوانات اهلی و اغنام و چهارپایان و دواب و دفع آفات زراعت تاسیس شده و با اصول علمی جدید این گونه آفت‌ها را که سابقاً در ایران چاره نداشت و با اصول بدوی چاره‌جویی می‌کردند و نتیجه آن بسیار ضعیف بود درین دوره با وسایل علمی جدید از میان بردند. برای این کار موسسات بسیار مهم و وسیع در کشور فراهم شد و برزگران و پرورش‌دهندگان دام و چهارپایان از آنها کاملاً بهره‌مند شدند. نیز در بسیاری از نواحی کشور و مخصوصاً در مراکز زراعتی کشتزارها و باغهای نمونه برای ترویج اصول زراعت علمی و انتشار بذره‌های خوب تاسیس کردند و وسایلی آماده ساختند که با ماشین‌های جدید مزارع را شخم بزنند و ازین حیث دستیاری بسیار مهمی با کشاورزان کردند. هم‌چنین بهترین نمونه‌های جانورهای اهلی و دواب و احشام و اغنام را در کشور فراهم کردند و برخی از آنها را از کشورهای دیگر آوردند و بدین گونه کامل‌ترین وسایل اصلاح نژاد حیوانات فراهم شد و برزگران و صاحبان املاک ازین بذرها و حیوانات بهره‌بردند.

نکته دیگر تاسیس ادارات کشاورزی و بنگاه‌های متعدد با عضویت مردم تحصیل کرده و آزموده در سراسر کشور بود که بهیچ وجه با دوره‌های گذشته قابل سنجش نبود و نیز تاسیس آمار کشاورزی و احصائی محصولات زراعتی ایران با اصول جدید را باید از کارهای جالب دانست. در دوره‌های گذشته نیز بهیچ وجه اثری ازین گونه کارها در ایران نبود. در ضمن مقررات بسیاری برای بهبود احوال کشاورزان و فراهم کردن وسایل رفاه و آسایش و بهداشت در روستاها و قصبه‌ها و نشریات کشاورزی وضع کردند و ازین حیث نیز برزگران بسیار بهره‌مند شدند و فواید مادی و معنوی بسیار بردند.

دیگر از اصلاحات کشاورزی درین دوره تاسیس بانک کشاورزی بود که در آبادی کشور و آسایش برزگران اثر بسیار مهمی بخشید و بدین وسیله ایشان وسایل مادی برای آباد کردن زمین خود و ترقی محصول خود با شرایط بسیار آسان یافتند.

درضمن آنکه بانک کشاورزی عهده‌دار بود باسان‌ترین شرایط وسایل مادی را برای آباد کردن املاک و پیشرفت زراعت آماده کند و قرضه‌هایی را که داده‌است با قسط کم مستهلك کند نیز موظف بود از رهنمایی و تهیه وسایل معنوی و فکری و مساعدت علمی با برزگران خودداری نکند و بهمین جهتست که تاسیس این بانک را در آبادانی کشور و ترقی زراعت ایران و رفاه کشاورزان باید از مهم‌ترین اقدامات دانست.

نکته دیگری که درضمن اصلاحات کشاورزی باید بدان اهمیت سیار داد و در آبادانی کشور و رفع نیازمندیها از کشورهای بیگانه بسیار موثر بوده است حمایت از محصولات داخلی بوده است که مخصوصاً دولت در ضمن سیاست مالی و گمرکی خود کاملاً رعایت آنرا میکرد و هر محصولی که در داخله کشور فراهم می‌آمد و رفع حاجت را از کالای کشورهای دیگر میکرد و ورود آنرا ممنوع می‌کردند و همواره صادرات کشاورزی را تشویق میکردند و بهر وسیله‌ای که ممکن بود میکوشیدند که هم کیفیت و هم کمیت آن ترقی بکند و بر مقدار آن افزوده بشود و نوع آن بهتر باشد تا بیش از پیش جلب توجه بازارهای بیگانه را بکند. درین دوره زمینه ترقیات بسیار محسوسی در انواع محصولات کشاورزی ایران فراهم شد و هر سال مقدار محصول و نوع آن و صادرات آن بکشورهای بیگانه و فروش آن در بازارهای جهان ترقی محسوس میکرد و بهیچ وجه با دوره‌های گذشته قابل قیاس نبود و بهمین جهت این کار را هم باید از مهم‌ترین کارها در اصلاح کشاورزی دانست.

کار دیگری که در اصلاح کشاورزی و آبادی کشور بسیار موثر بوده و نمی‌توان منکر فواید سرشار آن شد توسعه وسایل ارتباط و ساختمان راهها و پلها و مخصوصاً راه آهن بوده است، زیرا هیچ تردید نیست که بازرگانی و کشاورزی و صنعت بی وسایل ارتباط ممکن نیست و هر چه وسایل ارتباط سریع‌تر و بهتر باشد ترقی زراعت و آبادانی مملکت بهتر فراهم می‌شود زیرا بهترین وسیله است که محصول هر چه

زودتر و هرچه آسان‌تر و هرچه ارزان‌تر بازار و بدست خریدار برسد و در راه آسیب
نبیند و تباه نشود و همیشه در مواقع معین و بهر مقدار که لازم باشد در بازار فراهم گردد
و توجه خریداران را بخود جلب کند . بهمین جهت راهها و پل‌های متعدد و وسایل
ارتباط گوناگون که درین دوره در ایران فراهم شد اثر مهم در اصلاح کشاورزی
ایران داشته است و هم‌چنانکه در همهٔ مظاهر آبادی و پیشرفت موثر بوده درین زمینه
فیزاثر بخشیده است .

اصلاحات و پیشرفت‌های صنعتی

همواره در تمدن بشر مادیات مهم‌ترین رکن زندگی بوده و در تمدن کنونی اهمیت آن روز بروز آشکارتر می‌شود و روزی نیست که در صنایع جهان پیشرفتی که کار را همواره آسان‌تر میکند روی ندهد. از اواسط قرن نوزدهم میلادی صنعت پی‌درپی راه پیشرفت را می‌پیماید و بهمین جهت ممکن نیست هیچ ملتی بتواند از صنایع جدید بی‌نیاز باشد و هر کشوری که نتواند احتیاجات دایمی خود را بدین وسیله فراهم کند محکوم بزوال خواهد بود.

در ایران در دوره‌های گذشته که نزدیک دوست سال کشور گرفتار انقلابات داخلی و جنگ‌های خانگی و لشکرکشی‌های خارجی و بدبختی‌های گوناگون بود مردم از کاروان تمدن یکسره بازمانده بودند و از هر پیشرفت و ترقی محروم گشته بودند و حتی در صد سال آخر در نتیجه ناامنی عجیبی که پیش ازین کرارا در باره آن بحث کرده‌ام و زوال و انقراض حقیقی نتیجه آن شده بود که صنایع داخلی ایران که مخصوصاً در زمان صفویه از دوره شاه عباس اول بعد در مهت‌های رواج بود و رو بنیستی می‌رفت و می‌توان گفت در پایان دوره قاجارها بهیچ وجه صنعتی در ایران نبود و همه نیازمندی‌های مردم از بیرون می‌آمد و حتی واجب‌ترین چیزها را وارد می‌کردند و در نتیجه هر سال نقصان فاحشی در تجارت ایران پیش می‌آمد. سال بسال از صادرات

کاسته می‌شد و بر واردات افزوده می‌گشت و اگر آن اوضاع سپری نمی‌شد قطعاً چندی نمی‌گذشت که ایران کاملاً ورشکسته می‌شد و بحران اقتصادی عجیبی کشور را يك باره از پادرمی آورد و در نتیجه انقلاب عظیمی روی می‌داد که استقلال ایران را از میان می‌برد و دیگر شاید امید باز گشت نبود .

بهمین جهت در دوره پهلوی در جزو اصلاحات اقتصادی مهمی که بدان آغاز کردند قهراً می‌بایست توجه خاصی درباره صنایع بکنند و صنایع جدید را در ایران برقرار سازند و ازین حیث کشور را از توسل بخارج بی‌نیاز کنند و قسمت اعظم از نیازمندیهای ایران را در داخل کشور و از کالای ایران بر آورند و آن فقر اقتصادی شگفت را که سر بنیستی می‌زد از میان ببرند .

درین راه يك سلسله اقدامات بسیار مهم کرده‌اند . در قدم نخست باید تاسیس کارخانه‌ها را قرارداد زیرا مهم‌ترین اساس اقتصادی در تمدن امروز کارخانه‌ها ییست که در کشوری دایر میکنند و همیشه برای مملکت می‌ماند و سبب پدید آمدن صنایع ملی و سلب احتیاج مردم از مصنوعات بیگانه می‌شود . بدین وسیله یکی از مهم‌ترین مسایل اجتماعی را که رفع بحران و پیدا کردن کار برای کارگران کشورست حل میکند و مواد اولیه‌ای را که در کشور فراهم می‌آید بجای آنکه بهای ارزان بخارج بفروشند و در برابر آن نیازمندیهای خود را بهای گران‌تر بخرند در داخل کشور بدست مردم مملکت بمصنوعات داخلی تبدیل میکنند . روی هم رفته فواید اقتصادی و اجتماعی گوناگون در تاسیس کارخانه‌ها نهفته نیست و چندان آشکاراست که حاجت بتوضیح ندارد .

درین دوره درین زمینه ایران پیشرفتهای عظیم کرده ست . در دوره گذشته اگر گاه گاه مردنیک اندیش دور بینی پیدا می‌شد و می‌خواست با تاسیس کارخانه‌ای یکی از حوایج مردم را تامین بکند از يك سو بواسطه مداخله بیگانگان در کارهای

داخلی کشور و رقابت‌های نامشروع و سیاست استعماری و ازسوی دیگر بواسطه آنکه دولت هیچ وسیله نداشت مصنوعات داخلی را حمایت کند و سیاست گمرکی و اقتصادی نداشت محصول آن کارخانه‌رواج نمی‌یافت و بزودی کارخانه تعطیل می‌شد. راهی که بیگانگان برای پیش‌بردن این مقصود داشتند این بود که کالای خود را موقتا چنان ارزان می‌کردند که کالای آن کارخانه دیگر خریدار نداشت و ناچار کارخانه بسته می‌شد. چنانکه در آن دوره کارخانه‌های چند مانند قندریزی و کبریت‌سازی و ریسمان‌بافی و بلورسازی و جز آن در ایران دایر شده و هر يك در قدم اول از میان رفته و نابود شده است و معروف‌ترین آنها کارخانه کبریت‌سازی الهیه و قندریزی کههریزك بود که حاج میرزا علی خان امین‌الدوله دایر کرد و کارخانه ریسمان‌بافی که مرتضی قلی‌خان صنایع‌الدوله در تهران تاسیس کرد.

اما در دوره پهلوی برعکس استقلال مملکت کاملاً پابرجا شده و دولت از هر حیث نیروی کامل یافته بود و سیاست اقتصادی و گمرکی روشنی داشت که با کمال بصیرت و آگاهی دنبال می‌کرد و پیشرفتهای مهمی در صنایع پیش آمد. درین دوره کارخانه‌های ریسمندگی و بافندگی و کبریت‌سازی و صابون‌پزی و قندریزی و گونی‌بافی و کش‌بافی و کارخانه‌های برق و چرم‌سازی و مقواسازی و خشکبار و پارچه‌بافی و پشم‌بافی و حریربافی و کنسروسازی و پشم‌ریسی و سیمان‌سازی و آجرپزی و بریکت‌سازی و نوشابه‌سازی و جز آن در آنندك مدتی در ایران بکار مشغول شدند. می‌توان گفت در نتیجه کوششهای بسیار و توجه خاص دولت درین راه و وسایل گوناگونی که برای تشویق مردم درین زمینه بکار برده‌اند درین دوره همه نیازمندیهای درجه اول کشور در داخل مملکت فراهم شده است. هر سال قدمهای بیشتری درین راه برداشتند و بسیاری از مواد که سابقاً بمقدار کثیر از خارج می‌آوردند و از اقلام مهم واردات کشور بود در مملکت بدست مردم ایران فراهم شد و

دیگردیناری ازپول مردم از آن بابت بخارج نرفت . آن کالارا بهترین وجهی در ایران ساختند و بارزان ترین بهای ممکن بحدو فوردر بازارهای ایران عرضه داشتند. همه آنها بسرمايه ایرانی بدست ایرانی باتازه ترین وسایل فنی وبهترین ماشین های ممکن فراهم گشت .

درپایان دوره پهلوی کمترین شهری درایران بود که در آن یا درهمسایگی آن یکی چند کارخانه مهم مشغول بکار نشده باشد و مخصوصا در درجه اول تهران و اصفهان و تبریز و مشهد و در درجه دوم شهرهای دیگر مانند رشت و قزوین و قم و یزد و اهواز و زنجان و همدان و سمنان و شیراز و کرمان مراکز صنعت جدید ایران شدند . در هر يك از آنها مبالغ خطیری از سرمایه ایرانی چندین هزار کارگر ایرانی از زن و مرد و کودک را بکار مشغول کرده است .

از طرف دیگر دولت با سرمایه خود اقدام بیک سلسله کارهای صنعتی بسیار مهم کرده است چنانکه همه کارخانه های قند ریزی کشور را که درین دوره احداث کردند دولت فراهم آورد و کارخانه های مهم دیگر مانند حریر بافی و تراورس سازی و گودرون سازی و سیمان سازی و غیره را فراهم کرد و در پایان این دوره مشغول بیک ازمهم ترین کار های صنعتی یعنی ایجاد کارخانه ذوب آهن شد که متاسفانه جنگ جهانی دوم مانع از پیشرفت این مقصود عالی گشت.

از سوی دیگر شهرداریهای در بسیاری از شهرهای ایران کارخانه های برق و در شهرهای مهم تر سیلوها و انبارهای بسیار بزرگ و وسایل جدید برای نگاهداری غلات و آذوقه شهرها ترتیب داده اند که هر يك از آنها دستگاه بزرگ است و از جمله جدید ترین وسایل فنی امروز بشمار میرود .

دستگاه بسیار بزرگ دیگری که دولت فراهم کرده کارخانه دخانیات است تا عده کثیری از مرد و زن و کودک در آنجا کار کنند و محصول این کارخانه که در

خاورمیانه نظیر ندارد در کشورهای دیگر نیز خریدار دارد .

نکته دیگری که در ضمن اصلاحات صنعتی باید بدان توجه کرد توسعه و اصلاح صنایع قدیم ایرانست که در حقیقت درین دوره آنها را احیا کردند و از نو بوجود آوردند زیرا چنانکه گفته شد در دوره پیش چنان تنزل کرده بود که تقریباً از میان رفته و نابود شده بود. سالها و بلکه بیش از یک قرن بود که دیگر در ایران زری نمیافتنند و این صنعتی که ایرانیان در جهان معمول کرده بودند در ایران فراموش شده بود و نیز نقاشی و تذهیب از میان رفته بود و رشتههای دیگر صنایع ملی مانند کاشی پزی و قلمدان سازی و خاتم سازی و نقره سازی و کنده کاری و ملیله سازی و قالی بافی و زردوزی و قلاب دوزی و قلمکار سازی و جز آن تنزل بسیار فاحش کرده بود و هنر صنعتگران ایرانی دوره صفویه که سراسر جهان را از زبردستی و ذوق و سلیقه سرشار خود خیره کرده بودند به چیزهای بسیار پست بدل شده بود که باعث تعجب و گاهی نیز مایه تأسف بود که چه شده است بازماندگان آن هنرمندان چیره دست بدین گونه بی ذوق و بی سلیقه شده اند . پیداست که یگانه دلیل آن پریشانی اوضاع و بی اعتنائی دولتها بدین گونه کارهای اساسی و ملی بوده است .

در دوره پهلوی در هر يك ازین صنایع ملی ایران ترقی آشکاری پیش آمد و بجزرات میتوان گفت برخی از آنها بهمان درجه زیبایی دوره صفویه رسید و حتی برخی دیگر از زمان صفویه هم پیش افتاد ، چنانکه هیچ تردیدی نیست که قالی ها و زریها و نقره کاریها و برنجهای کنده کاری این دوره به مراتب بهتر از شاهکارهای زمان صفویه شده بود . درین اندك مدت دوباره نهضت صنعتی عجیبی در ایران پدیدار شد و دوباره ذوق و هنر نمایی ایرانیان درین راه گل کرد و بیش از پیش بسوی تکامل رفت و دوباره صنایع ایران جلب توجه جهانیان را کرد و مسلم شد که این ملت هنرمند با ذوق هر گاه روی آسایش ببیند باز مقامی را که در دوره

انحطاط ازدست داده بود در جهان بدست می آورد و بازار را ترقی را در اندک مدتی شتابان میبیماید و در راه نمیماند .

درین زمینه مخصوصا باید باحیای صنعت قالی بافی توجه کرد زیرا که این صنعت ملی ایرانست که از قدیم الایام خاص نژاد ایرانی بوده و همیشه اختصاص بسرزمین ماد داشته است چنانکه در پازیریک در سیبری در میان لوازم خانهای از دوره هخامنشیان که سیل آنرا فرا گرفته و سپس در زیر یخ مانده و تا زمان حاضر باقی مانده است يك قالی دوره هخامنشیان یافته اند که از ایران بسیبری برده بودند. در دوره قاجارها این صنعت بمنتهای تنزل خود رسیده بود و حتی در آنهم دسایس سیاسی و مداخلات بیگانگان رخنه کرده بود و در انتشار رنگهای جوهری آنیلین و نخهای بد میکوشیدند تا شهرت جهانی قالی ایران را از میان ببرند و قالی های کشورهای دیگر بیشتر مشتری داشته باشد . بدین و سیله بازارهای دنیا را بروی کالای ملی ایران بسته بودند و بوسایل گوناگون صنعتگران نادان ساده لوح ما را غافل میکردند و فریب میدادند و میکوشیدند این صنعت را محو کنند تا رقیبان از آن بهره مند شوند . درین دوره این صنعت ایرانی با اندازه ای ترقی کرد که راستی باعث تعجب شد و همه جهانیان را دوباره خیره ساخت و چنانکه اشاره رفت قالی بافی ایران حتی از دوره صفویه هم پیش افتاد و از حیث نقشه و رنگ آمیزی و انتخاب پشم و نخ و طرح ریزی و بافت و ذوق و سلیقه ای که در آن بکار بردند و حتی از حیث ظریف کاری و نازک کاری بمنتهی درجه ترقی خود رسید و قالی هایی در ایران یافتند که در هیچ دوره ای بخوبی آنها نبافته بودند.

دیگر از صنایع ملی ایران که در دوره پهلوی احیاء شد و بمنتهای ترقی خود رسید صنایع ظریفه و مخصوصا نقاشی با سلوب قدیم یا با اصطلاح نقاشی چینی (مینیاتور) و تذهیب و خاتم سازی و زری بافی و مخصوصا کنده کاری روی تهره و

برنج بود که هریک از آنها در جد خود ترقی عظیم کرد و این هم نتیجه وسایلیست که دولت فراهم کرد و تشویقهای گوناگون و حمایتهای مهمیست که از صنایع و صنعت گران ایرانی کرده است .

در راس کارهایی که دولت برای احیای صنایع قدیم ایران کرده است تشکیل نمایشگاه های کالای ایران را در تهران و شهرستانها باید دانست و نیز تاسیس هنرستانهای متعدد در نواحی مختلف کشور از آن جمله در مراکز هنری مانند تهران و اصفهان و شیرازست . پیداست که تاسیس این گونه آموزشگاه ها چه اقدام اساسی برای ترقی و توسعه هرفن و هنریست و در جهان کنونی مدرسه و آموزشگاه موثرترین وسیله ایجاد تمدنها و پیشرفت هنرها و غیره است .

دیگر از وسایل بسیار مؤثر که سابقاً هم بدان اشاره رفت حمایت بسیار دقیق و درست که دولت در ضمن سیاست مالی و گمرکی خود از کالاهای و محصولات و مصنوعات ایران کرد و بمحض اینکه کالایی در ایران فراهم می شد که کفاف نیازمندیهای مردم را میداد فوراً بوسیله تعرفه گمرکی و سهمیه واردات هر سال و اصول تجارت و اینکه بازرگانی خارجی انحصار بدولت داشت متهای حمایت را از آن جنس میکرد و گاهی بر حقوق گمرکی آن میافزود تا کالای بیگانه نتواند با آن رقابت بکند و گاهی نیز ورود کالای بیگانه را منع میکرد و بهمین جهت این وسیله را مهم ترین و موثرترین وسیله برای ایجاد و پیشرفت صنایع ایران باید دانست و این وسیله ایست که در دوره های گذشته بواسطه ضعف دولت و مداخلات بیگانگان و پیشرفت های سیاست اقتصادی ایشان مطلقاً نبود و با هزاران کوشش هم نمی توانستند بدست بیاورند .

دیگر از اصلاحاتی که در صنایع ایران درین دوره شده استخراج و بهره برداری از کانهای ایران بوده است . شکی نیست که ایران کشوریست که ذخایر زیرزمینی

و معادن بسیار دارد و درین مدت بهیچ وجه در صدد کشف آن بر نیامده بودند و وسایل علمی و فنی این کار را نداشتند و معادن سطحی مانند معادن نمک و آهک و زاج و غیره را اجاره می دادند و مبلغ ناچیزی از اجاره آنها وارد خزانه کشور می شد. و انگهی بواسطه استخراجهای که مطابق با اصول علمی نبود بسیاری از معادن ایران را خراب کرده و از فایده انداخته بودند. چنانکه برخی معادن در ایران بوده که در قدیم شهرت جهانگیر داشته و در نتیجه همین اصول نادرست که در استخراج آنها بکار برده اند امروز دیگر اثری از آنها نیست، چنانکه معدن معروف لاجورد کاشان معلوم نیست در کجا بوده است.

گذشته از آن معدنهای بسیاری در ایران بود که از قدیم بی مصرف افتاده بود و کسی توجه بآنها نداشت. بهمین جهت اقداماتی که در دوره پهلوی برای استخراج و بهره برداری از معادن ایران کرده اند اهمیت خاصی دارد. قانون خاصی برای این کار وضع شد و اصول جدیدی که کاملاً با اصول علمی جدید و فق می داد برقرار کردند و البته روزی که این کار ب نتیجه می رسید در آینده ایران اثر بسیار مهمی می داشت و ثروت ایران قطعاً چند برابر می شد و برای چندین هزار مردم کار فراهم می گشت و ترقی عظیمی در اوضاع ایران پیش می آمد. در ضمن دولت خود توجه خاصی در استخراج برخی از معادن کرده است و معادن مهم و معروف انارک را با همین اصول بکار انداخت و ترتیب اساسی برای معادن نفت جنوب و مغرب ایران داد و امتیاز سابق را تبدیل بقراردادی کرد که سهم ایران در آن چند برابر شد و نیز اگر کارخانه ذوب آهن چنانکه در نظر بود دایر می شد معادن ایران یکی از مهم ترین منابع ثروت کشور می شد.

دیگر از صنایعی که درین دوره ترقی بسیار کرد صنعت ساختمان بود. شکی نیست که ایرانیان از قدیم مردمانی بوده اند که توجه جهانیان را ب بناهای

باشکوه و عظیمی که همواره می ساخته اند جلب می کرده اند و در هر دوره ای نمونه‌های بسیار مهم از معماری ایران در جهان بوده است که مردم روزگار را خیره میکرده و جزو بناهای مهم عالم و شاهکار صبر و حوصله و همت و پشتکار و علم و دقت و ذوق و سلیقه بوده است، چنانکه نام بناهایی مانند آرامگاه کورش و تخت جمشید و ایوان مداین و شادروان شوشتر و سد زفول و گنبد قابوس و گنبد سلطانیه و مسجد جامع اصفهان و مسجد کبود تبریز و مسجد ورامین و مدرسه گوهرشاد و مسجد شیخ لطف الله و مسجد شاه اصفهان و مسجد و مدرسه مادر شاه اصفهان و مسجد وکیل در شیراز و پل خواجو و سی و سه پل اصفهان و بندهامیر فارس و ارگ شیراز در همه کتابها و بر سر همه زبانها هست و نیز شاهکارهای معماری ایرانی که امروز خارج از خاک ایرانست مانند قبر امیر اسمعیل سامانی در بخارا و قبر سلطان سنجر در مرو و قبر امیر تیمور در سمرقند و مدارس معروف بخارا و سمرقند و خیوه و شهرهای دیگر آسیای مرکزی استعداد ایرانیان را درین صنعت مهم مسلم کرده است. هنرمندان ایرانی اصول معماری ایران را از یک سو بهند برده و بناهای معروفی مانند تاج محل و مسجد جامع دهلی و مسجد جامع لاهور و چندین قبر پادشاهان بابر و هند فراهم ساخته اند. از طرف دیگر هنر خود را با آسیای صغیر و خاک عثمانی برده اند و بناهای مهم بغداد و قونیّه و استانبول و شهرهای دیگر ترکیه و سوریه را یادگار گذاشته اند. از سوی دیگر معماران کلیسیاهای ارمنستان و گرجستان نیز برخی از معماری دوره ساسانی ایران و برخی دیگر از معماری دوره سلجوقی ایران متأثر شده اند و سپس این اصول از ارمنستان و گرجستان بروسیه رفته و نفوذ آن در کلیسیاهایی که در روسیه ساخته اند آشکارست.

متأسفانه درین فن نیز ایرانیان بهمان عللی که بارها در موارد دیگر اشاره کرده‌ام در دو بیست سال گذشته و مخصوصاً در صد سال از دوره قاجارها راه تنزل

را پیموده بودند. پیش از آن با آنکه معماری از زمان صفویه بعد تنزل کرده بود باز بناهای جالبی ساخته میشد که از آن جمله است ساختمانهای کریم خان زند در شیراز. اما پس از آن در مدت صدسال روز بروز تنزل آشکارتر بود و سلیقه و ذوق و هنر نمایی در صنعت ساختمان از هر حیث از میان رفته بود و باعث تعجب بود که بازماندگان آن هنرمندان بزرگ قدیم تا بدین اندازه تنزل کرده باشند. بهمین جهت درین دوره که در بیشتر شهرهای ایران ساختمانهای مهم کرده اند و کیفیت و کمیت آنها از هر حیث جالب توجه است در صنعت ساختمان و معماری پیشرفت آشکاری روی داده است و در ساختن بناها و پلها همه اصول جدید معماری و مهندسی را رعایت کرده اند و بهترین مصالح و اصول فنی و علمی را بکار برده اند و شکی نیست که ساختمانهای این دوره تا سالیان دراز در ایران باقی خواهد ماند.

برای ترقی این صنعت و عظمت صنایع قدیم ایران درین دوره اقدامات گوناگون کرده اند. یکی از مهمترین مراحل آنرا حفاریات علمی باستان شناسی باید دانست که هم اثر بسیار مهمی در تاریخ دارد و هم فواید گوناگون در صنعت. زیرا آثار بسیاری از صنایع هزاران سال تمدن ایرانی در زیر خاک در گوشه و کنار پنهانست و باید بوسایل علمی آنها را از شکم خاک بیرون آورد و در آنها مطالعه دقیقی کرد و بسیار نکات مهم تاریخ قدیم ایران هست که در هیچ سندی و کتابی نیست و راهی برای پی بردن بآنها جز باستان شناسی نخواهد بود و بسا میشود که حفاریات تاریخ دوره مجهولی را کاملاً روشن میکند یا تاریخ دوره معلومی را یکسره زیر و رومیکند و تغییر میدهد. بهمین جهت امتیازی بی مدت که در سلطنت مظفرالدین شاه بفراانسیویان داده بودند که حفاریات در ایران انحصار بایشان داشته باشد ضررهای فراوان داشت و این امتیاز را دولت ایران درین دوره لغو کرد و وسایل علمی برای باستان شناسی در ایران فراهم شد و اصول علمی کامل برای حفاریات بتصویب رسید و موزه بسیار

مجله و وسیعی در تهران ساخته شد و نتایج گوناگون بسیار مهمی که از حفريات دسته‌های مختلف دانشمندان اروپایی و امریکایی در فواحی مختلف از آغاز تمدن ایران بدست آمد درین موزه گذاشته شد. پیداست که فایده مهم این حفريات در صنایع اینست که اصول و مراحل تکامل هر صنعتی را کاملاً معلوم می‌کند و تاریخ آن صنعت روشن می‌شود و همواره اندیشه‌های نوین و اصول و نقشه‌ها و رنگ آمیزیهای جدید برای صنایع روز بدست می‌آید. بهمین جهتست که حفريات علمی را که درین دوره در خاک ایران شده و موزه ایران باستان و اداره باستان شناسی را که درین دوره تاسیس کرده‌اند از جمله کارهای مهم در پیشرفتهای صنعتی باید دانست.

اقدام مهم دیگری که در پیشرفت صنایع شده تعمیر بناهای تاریخی ایران بوده است. شکی نیست که این ساختمانها یادگارهای بسیار زیبا و بسیار باشکوه از مفاخر تاریخی و ذوق صنعتی و هنرنمایی هنرمندان ایرانیست و آنچه در دوره قاجارها ویران نکرده بودند یا دستبرد روزگار و بی‌اعتنایی از میان نبرده بود بحال زار افتاده بود و روبرویرانی میرفت، زیرا که در دوره پیش اندک توجهی در نگهداری از آنها نکرده بودند و تعمیر آنها یکی از مهم‌ترین کارها در تشدید مبانی ملیت ایران و ترقی هنر ایرانیان بود. بهمین جهت درین دوره کوشش‌های بسیار و توجه مخصوص بتعمیر و احیای بناهای تاریخی کرده‌اند که باید جزو کارهای مهم بشمار آورد.

دیگر از اقدامات بسیار مهم که درین دوره شده و در پیشرفت صنایع ایران بسیار مؤثر بوده است ایجاد وسایل ارتباط گوناگون مانند راهها و پلها و راه آهن و غیره است. پیداست که وسایل ارتباط چگونه ترقی صنایع و رفاه صنعتگران را تأمین میکند زیرا ممکن نیست تصور کرد در کشوری کارخانهای باشد و برای حمل مصنوعات آن راه آهن و راه کامیون‌رو و مانند آن وجود نداشته باشد. چنانکه در

باره اصلاحات کشاورزی هم اشاره کردم وسایل ارتباط در اقتصاد و در اصلاحات اجتماعی وامنیت و آبادانی و رفاه ایران اثر بسیار مهمی بخشیده و از مهم ترین کارهای این دوره بشمار تواند آمد .

تردیدی نیست که این اصلاحات صنعتی مهم این دوره چگونه در رفاه و آسایش کارگران کشور و آبادانی مملکت مؤثر بوده است و شك نیست که در هر دوره ای که کار بیشتر بشود و بکارگران بیشتر توجه بکنند عامه مردم کشور بیشتر در رفاه خواهند بود و کشور آبادتر می شود .

یکی از وسایلی که در پیشرفتهای صنعتی ایران مؤثر بوده است گذشته از تاسیس شرکت های دولتی و خصوصی و تشکیل وزارت پیشه و هنر در آن دوره و تربیت گروهی از مهندسان فنون مختلف ایجاد بانک فلاحتی و صنعتی نیز اثر بسیار داشته است .

دیگر از اقدامات مهمی که درباره پیشرفت صنایع درین دوره شده و سابقاً هم بدان اشاره کردم ایجاد صنایع جنگی و تأسیس اداره تخشایی ارتش را باید دانست . بدین گونه وسایل ساختن همه قسم اسلحه و مهمات بزرگ و کوچک و حتی وسایل هواپیمایی در ایران بدست ایرانیان فراهم آمده است و با بهترین وسایل ماشین های جدید در کارخانهای بسیار مهمی که بنا کرده اند ساخته میشود و در پایان این دوره کشور ایران دیگر احتیاجی بخرید اسلحه و مهمات از خارج نداشت و چندین هزار کارگرایرانی درین مؤسسات کار می کردند و این نکته را نیز باید از نکات برجسته اصلاحات صنعتی درین دوره دانست .

برای اینکه زمینه ای در دست خوانندگان از کارخانهای مهمی که در دوره پهلوی دولت ایران در نواحی مختلف ساخته است باشد فهرست کارخانهای مزبور بدین گونه است :

هشت کارخانه قندریزی در کرج و کهریزک و شاه آباد غرب و سازند و مرودشت و آبکوه و میاندوآب و ورامین ، کارخانه سیمان ری ، جوهر نمک و گودرن ، اشباع تراورس در شیرگاه ، حریربافی در چالوس ، نساجی در شاهی ، نساجی در بهشهر ، گونی بافی در شاهی ، کربنات دو سود در امین آباد ، شیمیایی پارچین ، گلیسرین ایران ، مواد نسوز امین آباد ، روغن کشی ورامین ، کنسرو ماهی بندر عباس ، کنسرو شاهی ، شماره پنج درونک .

سدهای مهمی که برای آبیاری درین دوره ساخته شده بدین گونه است :
 سد شاوور در اهواز در ۱۳۱۵ ، سد خیرآباد در اهواز در ۱۳۱۸ ، سد روانسر در کرمانشاهان در ۱۳۱۹ ، سد شبانکاره در برازجان در ۱۳۲۰ .

اصلاحات فرهنگی

شکی نیست که در میان اصلاحات اجتماعی و مدنی که بمراتب پایدارتر از اصلاحات مادیست توجه بمدارس و مراکز آموزش و پرورش بیشتر از اصلاحات دیگر اهمیت دارد زیرا در اصلاحات اجتماعی که متوجه سالمندانست کسانی مورد اصلاح قرار می گیرند که قسمتی از زندگی ایشان گذشته است و خوب یابد باصولی عادت کرده اند و مانوس شده اند و البته اصلاح ایشان ناممکن نیست اما بمراتب دشوارتر از اصلاح اخلاق و معتقدات کودکانست که هنوز هیچ رنگی پذیرفته و دوچار افکار ناصواب نشده اند که بر انداختن آنها بواسطه عادت ممتد و گذشت روزگار دشوار شده باشد و نیازمند بپیکار و کشمکش جدی باشد . بهمین جهت در ساختن تمدنهای پیش بردن اصلاحات معنوی اجتماعی و اخلاقی توجه بطبقه نوزاد و عناصری که باید بزودی جامعه را تشکیل بدهند و سالیان دراز در آن جمع زندگی کنند بمراتب واجبتر از هر کار دیگرست و بمنزله ساختن پی ها و بنیادهاییست که اساس اجتماع را روی آن باید قرار داد و ساختمان تمدن را روی آن باید کرد .

بهمین جهت يك سلسله کارهای مهمی که درین دوره در ایران کرده اند توجه بامور معارفی و فرهنگی بوده و این اصلاحات را از خصایص برجسته و

نماینده واقعی عصر پهلوی باید شمرد زیرا اساسی بود که آینده ایران را تأمین کرد و نسلهای آینده از آن برخوردار شدند. در ایران در دوره‌های پیش از آن توجه قطعی و مؤثری درین کار نشده بود و مخصوصاً در دوست سال آخر که علم و معرفت در تمدن جدید با سرعت هر چه تمامتر پیش می‌رفت بهیچ وجه مساعی مهمی برای انتشار آن علوم و رواج اصول تربیت جدید در ایران بکار نبوده بودند. تنها در اواخر دوره قاجارها تقریباً از صد سال پیش در برخی از ادوار اندک توجهی بعلوم جدید داشته‌اند و برخی کوشش‌هایی جسته جسته برای انتشار علم و معرفت کرده‌اند اما آن اقدامات متوالی و پیوسته نبوده و دامنه آن همیشه امتداد نداشته است. گاهی که اتفاقاً مرد بزرگی در ایران بر سر کار آمده بمیل و شوق شخصی خود برخی کارها کرده است اما چندان نگذشته که وی از میان رفته و کسی که بجای او آمده دنباله کار او را نگرفته و سایرین دراز آن اصلاحاتی نتیجه مانده است. چنانکه کارهای بسیار مهمی که میرزا تقی خان امیر کبیر و حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار درین زمینه بچند سال فاصله کرده بودند پس ازیشان ناتمام ماند و مدت‌ها کسی دنباله آنرا نگرفت تا آنکه حاج میرزا علی خان امین‌الدوله دوباره نزدیک پنجاه سال بعد نیز قدمهای بلندی برداشت و آن هم پس از او ناتمام و ناقص ماند.

بیشتر قدمهای مهمی که برای انتشار علوم و معارف جدید در ایران برداشته‌اند مرهون همت يك عده مردم دانش دوستیست که دولت بهیچ وجه محرك و مشوق و حتی پشتیبان ایشان نبوده و تنها بنوق شخصی و شور و عشقی که خود داشته‌اند کارهای مهم کرده‌اند. ده سال پیش از مشروطیت عده‌ای ازین دانش‌پروران انجمنی در تهران بنام «انجمن معارف» تأسیس کردند و هفت تن از اعضای انجمن بر عهده گرفتند که هر يك مدرسه‌ای بوسایل شخصی و با اعانه‌ای که از دانش‌پروران می‌گرفتند تأسیس

کنند و این هفت مدرسه در تهران نخستین مدارس ملی بوده است که در آنها علوم جدید را تدریس میکرده‌اند. این انجمن يك کتابخانه عمومی نیز تأسیس کرد که کتابهای آن پس از چندی بغارت رفت و يك روزنامه مفتگی بنام «معارف» نیز انتشار میداد. در آن موقع وزارت خانه‌ای بنام وزارت معارف در ایران بود که نخست وزارت علوم نام داشت و کار این وزارت خانه تنها اداره کردن مدرسه دارالفنون بود که چند سال اول متوسطه را با مختصری از دوره عالی در رشته‌های طب و مهندسی و نظام در آن تدریس می‌کردند و میرزا تقی خان امیراساس آنرا گذاشته بود و پس از عزل او بکار آغاز کرد و همیشه بیشتر معلمان آن اروپایی از فرانسه و اتریش و ایتالیا بودند. وزارت معارف بهیچ وجه وسیله یاری بامدارسی که این دانش دوستان تأسیس کرده بودند و بیشتر آنها مجانی بود نداشت و اعضای انجمن معارف برای اداره کردن مدارس که تأسیس کرده بودند در باغ بهارستان گاردن پارتی دادند و از عایدات آن چندی آن مدارس را گردانند.

هنگامی که حکومت مشروطه در ایران بر سر کار آمد با آنکه در هر انقلاب و در هر حکومت ملی و آزاد توجه خاصی بکارهای آموزش و پرورش داشته‌اند نهضت علمی درین دوره در ایران بسیار ضعیف بود و انقلاب ایران هیچ اثری در مدارس نکرد چنانکه سالیان دراز مدارس تهران تنها شامل دوره ابتدایی و دبستان بود و پس از آنکه در يك مدرسه دوره متوسط را دایر کردند تا چند سال تنها دوره اول متوسطه یعنی دوره سه ساله را درس میدادند.

سبب عمده این بی‌قیدی حکومت مشروطه نسبت بآموزش و پرورش نوآموزان این بود که روحانیان هم چنان در آن نفوذ سرشاری که پیش از مشروطیت داشتند باقی مانده بودند و بزرگترین مانع جنبش علمی جدید در ایران بشمار می‌رفتند و بهترین دلیل آنست که در دوره مشروطیت حتی تنزل محسوسی در نهضت علمی نسبت

بسی وچهل سال پیش از آن دیده می‌شود . بهمین جهت درین دوره سالیان دراز کسانی که بتریت فرزندان خود اهمیت می‌دادند ایشانرا بمدارسی که فرانسویان وانگلیسها و آلمانی‌ها و روسها و آمریکایی‌ها در شهرهای مختلف ایران دایر کرده بودند می‌گذاشتند و پیداست درین مدارس بهیچوجه نمی‌کوشیدند احساسات ملی در جوانان ایرانی فراهم کنند و برعکس هر معلمی از هر کشوری که آمده بود دوستداری و عشق بآن کشور را در نهاد شاگردان خود میگذاشت .

در پایان دوره قاجارها تنها دو مدرسه ملی دخترانه در تهران تأسیس کرده بودند و پیداست که حتی دختران نابالغ هم با حجاب بآنجا میرفتند و دوره اول متوسطه برای دختران تنها در مدرسه فرانسوی بنام ژاندارک و در مدرسه آمریکایی بود . ارمنیان و یهود ایران نیز مدارس برای نوباوگان خود داشتند اما از پذیرفتن کودکان مسلمان ممنوع بودند .

روی هم رفته در دوره قاجارها اوضاع معارف ایران در نتیجه ضعف دولت و ناامنی کشور و مخصوصاً فقر اجتماعی جلوه‌ای نداشت و سالیان دراز مدارس که در ایران وجود داشت در شهرهای بزرگتر بود و بسیاری از شهرها مدرسه با صول جدید نداشتند و کودکان در مکتب‌خانه‌ها که در دکانهای بازارها دایر بود تنها خواندن و نوشتن را فرا میگرفتند و بالاتر از آن تنها مدارس قدیم بود که حتی مبادی ریاضیات را در آنجا بزبان تازی درس میدادند . پیداست که آگاهی مردم از زبان و ادبیات فارسی منحصر بآن بود که از مادر شنیده بودند و يك دوسال در مکتب‌خانه آموخته بودند و از ترس تنبیه بدنی و چوب و فلک بذهن سپرده بودند . کتابهای درسی در مدارس قدیم از کتابهایی بود که چندین قرن پیش تألیف کرده بودند و هیچ‌کس در آنها تجدید نظر نکرده بود . بدین گونه در دوره پیش معارف نیز مانند تأسیسات دولتی دیگر راه ترقی و رشد طبیعی را نیموده بود و می‌بایست در دوره پهلوی توجه

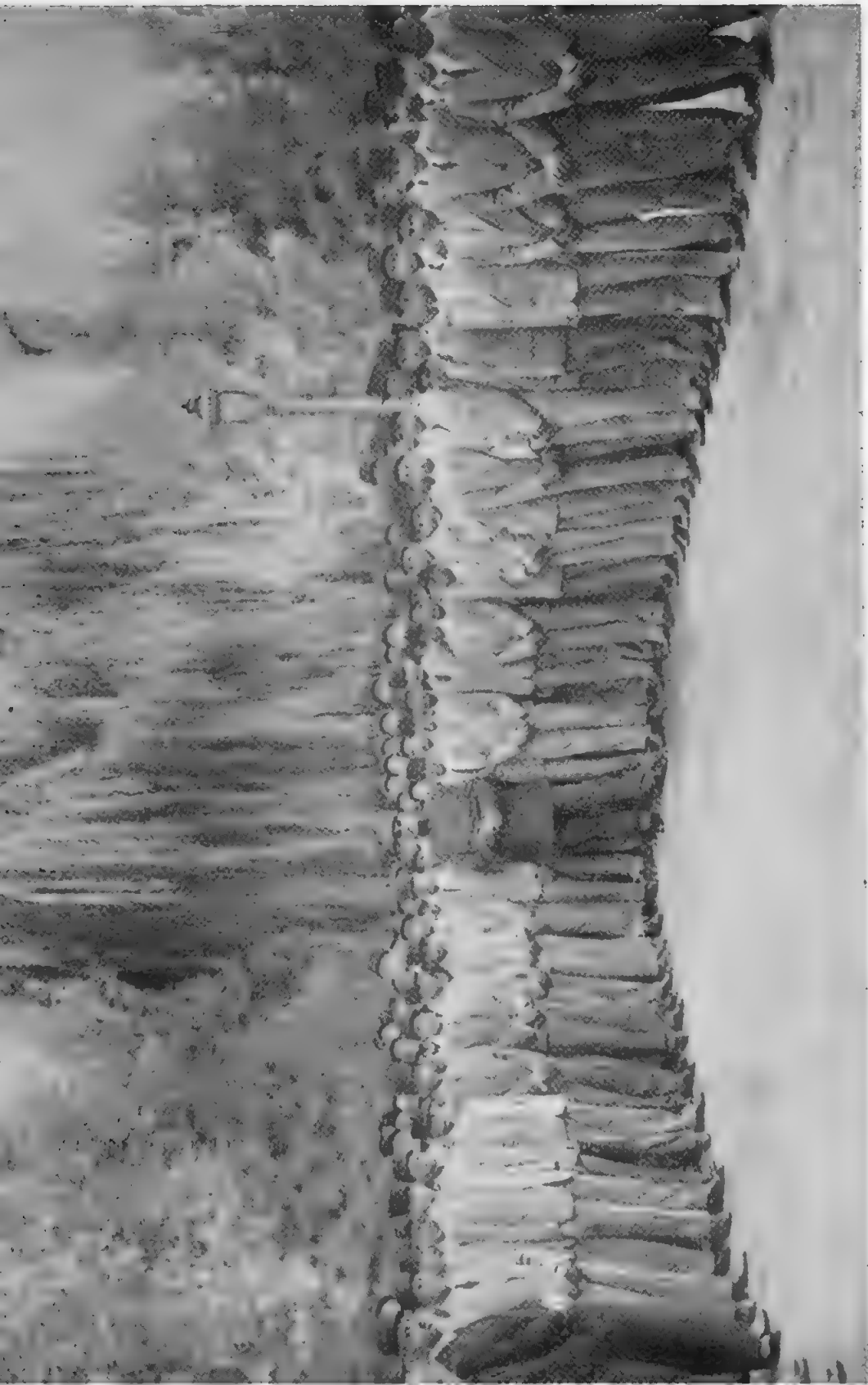
خاصی. باصول آموزش و پرورش بشود و استوارترین پایه تمدن جدید را در آموزشگاههای ایران و در ذهن کودکان و جوانان کشور بگذارند. درین زمینه کوششهای بسیار بکار رفت و ترقیات آشکاری فراهم شد.

در درجه اول توسعه آموزشگاهها و افزایش شماره شاگردان را باید دانست که دوره پیش ازین حیث با این دوره بهیچ وجه قابل قیاس نیست. درین دوره سالی نبوده است که در شماره آموزشگاهها و دانشجویان و دانش آموزان و آموزگاران و دبیران و دانشیاران و استادان و مبالغی که از بودجه کشور صرف این کارهای مهم می شد ترقی بسیار محسوس و مسلمی دیده نشود. سالی نبوده است که در سراسر کشور بناهای باشکوهی برای تاسیسات معارفی ساخته نشده باشد. گذشته از آمارهایی که هر سال وزارت فرهنگ آن زمان چاپ کرده هر کس با رقام بودجه های کشور رجوع بکند می بیند چه مبالغی برای تاسیس و ساختمان دبستانها و دبیرستانها و دانشکده ها و آموزشگاه های دیگر و ایجاد آزمایشگاه ها و موزه ها و مؤسسات فرهنگی دیگر که هر سال ایجاد شده خرج کرده اند. شاید ایراد همین نکته برای درك این مقصود عالی کافی باشد که در سراسر دوره قاجارها یگانه ساختمانی که برای مؤسسات معارفی در ایران برپا کردند همان ساختمان قدیم مدرسه دارالفنون بود که در قدم اول در زمان صدارت میرزا تقی خان امیر کبیر بنای آن آغاز کردند و در آغاز عصر پهلوی از بس آن بناست و بی تناسب بود در هم کوفتند و ساختمان دیگری کردند. بجز آن دیگر در سراسر این دوره بنایی برای مدرسه ساخته نشده است و حال آنکه در دوره پهلوی هیچ شهری در ایران نبود که لااقل دو سه بنای باشکوه برای کارهای آموزش و پرورش در آن ایجاد نکرده باشند.

نکته دیگری که نماینده پیشرفتهای معارفی درین دوره است اعزام عده کثیری از جوانان ایرانی برای فرا گرفتن علوم و فنون جدید بکشورهای مختلف اروپاست.

برای این کار قانون مخصوصی از مجلس گذشت و از سال ۱۳۰۸ بجز سالهایی که مصادف با جنگ جهانی دوم شد هر سال صد تن از جوانان ایرانی که دوره متوسطه یا قسمتی از دوره عالی را پیموده بودند برای افزایش معلومات خود بخرج دولت باروپا رفتند و در کشورهای مختلف مانند فرانسه و آلمان و انگلستان و سوئیس و بلژیک تحصیلات خود را پایان رسانیدند و در بازگشت چه در دانشگاه و چه در کارهای دیگر در رأس کار قرار گرفتند. نه تنها وزارت فرهنگ در هر سال صد تن را باروپا فرستاده بلکه وزارت خانهای دیگر و مؤسسات و ادارات دولتی نیز برای کارهای فنی خود خرج تحصیل عده کثیری را تحمل کرده اند و مخصوصاً وزارت جنگ يك عده کثیر از جوانان ایرانی را در مدارس نظامی معروف فرانسه وادار بتحصیل و فرا گرفتن تخصص کرده است. می توان گفت بیش از ده هزار تن از جوانان ایرانی درین دوره برای مهم ترین کارهای فنی و علمی جدید بخرج دولت ایران در اروپا تربیت شده اند. در دوره قاجارها نیز کوشیده اند عده ای از ایرانیان را برای فرا گرفتن فنون و علوم جدید باروپا بفرستند و از زمان فتحعلی شاه باین کار آغاز کردند اما قطعاً می توان گفت که در مدت نود سال بعد از کثرت بیش از شصت تن بدین وسیله تربیت نشدند

نکته دیگر اینست که در آغاز این دوره تا زمانی که هنوز عده معلم ایرانی آگاه بعلوم جدید برای مدارس ایران کافی نبود و احتیاج بمعلمین اروپایی هنوز پایان نرسیده بود وزارت فرهنگ يك عده معلم بیشتر از فرانسه برای تدریس در دبیرستانها و دانشگاهها و آموزشگاههای دیگر استخدام کرد و بتدریس گماشت اما بمحض اینکه عده کافی معلم ایرانی تحصیلات خود را در اروپا پایان رسانیدند و بایران بازگشتند دیگر استخدام معلم اروپایی ضرور نبود و بهمین جهت در قانون قید شد که هر کس را که از اروپا بعنوان مستشار یا معلم می خواهند بایران بیاورند



شاهنشاه ایران در میان دانشجویان ایرانی که در سال ۱۳۰۹ برای ادامه تحصیلات عالی به اروپا بودند

باید مجلس شورای ملی تصویب کند .

گذشته از آموزشگاه‌هایی که وزارت فرهنگ سابق تأسیس کرده و گذشته از بنگاه‌هایی که برای تربیت افراد و افسران ارتش در صنوف مختلف و در قسمت‌های گوناگون ایجاد کرده‌اند و پیش ازین در مبحث اصلاحات نظامی بد آنها اشاره رفت ادارات و بنگاه‌های دولتی دیگر نیز آموزشگاه‌های متعدد برای تربیت افراد کشور و کارمندان خود دایر کرده‌اند که شماره آنها و نتایجی که از آنها گرفته شده نیز بسیار جالب توجه بوده است مانند کلاس قضایی و کلاس ثبت اسناد و کلاس آمار و آموزشگاه تخصصی وزارت کشور و وزارت دارایی و مدرسه پست و تلگراف و غیره. البته آموزشگاه‌ها و هنرستان‌های صنعتی متعدد و دانشکده کشاورزی و توابع آن و عده بسیار کودکان و پرورشگاه‌های یتیمان و فرزندان عشایر و هنرستان دختران را نیز باید در نظر گرفت. در ۱۳۱۸ نیز سازمان پرورش افکار برای تعلیم اصول نمایش و تئاتر و روزنامه‌نویسی بنگاه‌هایی تأسیس کرد و هر یک ازین دستگاه‌ها نماینده پیشرفت‌یست که درین دوره نصیب فرهنگ ایران شده است .

دیگر از مراحل پیشرفته‌های این دوره : تمات جالبیست که در مطبوعات و صنعت چاپ فراهم شده و درین دوره جنبش مخصوصی درین زمینه فراهم آمده است، چنانکه مطبوعات ایران از روزنامه و مجله پیشرفته‌های فراوان کردند و مخصوصاً دولت محرك عمده این ترقیات بود و در اصلاح مطبوعات توجه خاصی داشت و کار مهمی که درین زمینه کرد اجازه نشر مطبوعاتی را که برای بدگویی و بهره‌جویی در دوره پیش بسیار بود نداد و تنها از مطبوعاتی که راهنمای مردم باشند تشویق کرد. نیز جنبش مهمی در چاپ کتابهای علوم و ادبیات ایران و ترجمه کتابهای سودمند در رشته‌های مختلف از زبانهای بیگانه و تألیف کتابهای نو در فنون مختلف پیش آمد و ازین حیث یادگارهای بسیار جالب ازین دوره ماند و این کار چه بتشویق و

راهنمایی دولت انجام گرفت و چه بواسطه آنکه هر سال منتظماً بر عده مردم تحصیل کرده و کتابخوان افزوده می شد .

درین دوره ترقی محسوسی نیز در ادب فارسی پیش آمده است و این رشته که مدت‌های مدید را کد مانده بود و از ادبیات جدید بی بهره بود درین دوره وارد نهضت قطعی شد و عظمت و اهمیت ادبیات ایران در نظر همه کس هویدا گشت و مردم توجه خاصی نسبت به ادبیات کردند . سبک‌ها و روش‌های جدید در تحقیقات ادبی و طرزهای نویسندگی و انواع مختلف آثار ادبی پیدا شد که آینده درخشانی را نوید داد . می توان گفت ایرانیان دوباره راه را باز کردند که بوسیله ادبیات خود مقام مهمی در عالم تمدن بدست آورند و دنباله ادبیات قدیم خود را که همواره در جهان منتهای شهرت را داشته است بگیرند . مهم ترین نکته اینست که پیش از دوره پهلوی یأس و بیزاری سراسر ادبیات مخصوصاً شعر را فرا گرفته بود و شاهکارهای پسندیده نوحه سرایی‌ها و زاریهای دلخراش سرایندگان نومید شده بود . درین دوره پیشرفتهای ایران درهای امید و نشاط و سرور را بر روی ادبیات باز کرد و آن روح به رثیه سرایی ازمیان رفت .

دیگر از مظاهر ترقیات فرهنگ درین دوره اصلاح مدارس قدیم را باید دانست که در دوره پیش از هر حیث راه انحطاط و تنزل روز افزون را می پیمود و دیگر هیچ يك از نیازمندیهای علمی ایران را تامین نمی کرد . موقوفات بسیاری که از قدیم برای این کار بسیار مهم نیکوکاران ایران گذاشته بودند بمصرف خود که واقف قید کرده بود نمی رسید . درین دوره توجه خاصی نسبت باین کار شد و در هر جا که لازم بود دبیرستانهای معقول و منقول در همان محلهای مدارس قدیم که بسیاری از آنها را تعمیر کردند از همان در آمد موقوفات تاسیس شد و اصلاح اساسی در برنامه ها و روش تدریس آنها بعمل آمد . بهمین جهت جمعی کثیر از جوانان ایران درین دبیرستانها با اصول

درست مشغول تحصیل شدند و البته تأسیس دانشکده معقول و منقول را که برای تکمیل تحصیلات این جوانان در دانشگاه تهران تأسیس شده و با همان اصول دایر شده است از جمله کارهای مهم باید دانست .

نکته بسیار مهم تعلیم اکابر و سالمندان و پیکار با بی سوادی بوده است . بسیاری از مردم ایران سالیان دراز در نتیجه نادانی و غفلت دولتها از بهره های گوناگون مادی و معنوی علم و دانش بی نصیب و محروم مانده بودند و کسی هرگز در صدد دستگیری از ایشان و دانایی و بینایی ایشان بر نیامد. درین دوره وسایل گوناگون برای تعلیم این عده بسیار که اکثریت ملت ایران را تشکیل می داد فراهم شد و هر سال جمع کثیری از زن و مرد بآسان ترین راه و با بهترین اصول از جهل و نادانی به علم و دانایی گراییدند و از خواری و سرشکستگی که لازمه بی سوادیت بیرون آمدند و در اندک مدتی خواندن و نوشتن را فرا گرفتند. بهمین جهت این کار راهم باید از کارهای مهم عصر پهلوی دانست .

یکی از مهم ترین کارهایی که در راه پیشرفت دانش در ایران درین دوره پایان رسید تأسیس دانشگاه تهران بود که در آغاز شامل شش دانشکده و یک عده مدارس عالیّه شد . بدین وسیله همه علوم عالی را که در کشورهای دیگر پسر و دختر فرا می گیرند در دانشکده های مختلف تهران بزبان فارسی تدریس کردند و این خود بهترین دلیل رشد علمی و معارفی ایران درین دوره است . نداشتن دانشگاه برای ایران مخصوصاً سرشکستگی بود زیرا که ایرانیان نخستین ملتی در جهان بوده اند که دانشگاه تأسیس کرده اند و دانشگاه معروف گندی شاپور در خوزستان که در آغاز دوره ساسانی تقریباً در ۱۷۲۰ سال پیش تأسیس شده نخستین دانشگاه جهان بوده است. پس از آن در دوره اسلامی نیز وزیر معروف ایرانی نظام الملک طوسی چندین دانشگاه در بغداد و بلخ و مرو و نیشابور و اصفهان و اهواز تأسیس کرده است . پیش از تشکیل دانشگاه

تهران در ایران تنها يك دانشگاه پزشکی و يك مدرسه حقوق و علوم سیاسی و يك دانشسرای عالی و يك مدرسه کشاورزی و يك مدرسه تجارت بود که بچوانان ایرانی معلوماتی بیشتر از دوره متوسطه می دادند ولی دانشگاهی نظیر دانشگاه های اروپا که شامل همه دانشگاه ها و همه علوم عالی باشد وجود نداشت و دانشگاه تهران یار گار این دوره است. البته تردیدی نیست که در تمدن امروز کشورهایی که هنوز دانشگاه ندارند نه تنها در علوم جدید بحد رشد و کمال نرسیده اند بلکه در تمدن نیز پا برجا نشده اند. بهمین جهت پس از تکمیل دبستانها و دبیرستانها می بایست دانشگاهی شامل همه دانشگاه ها تأسیس شود تا جوانان ایرانی از پسر و دختر بتوانند پس از دوره متوسطه معلومات خود را تکمیل کنند و برای فرا گرفتن علوم جدید محتاج بدانگاههای اروپا و آمریکا و سفر بخارج از ایران نشوند و این علوم را در کشور خود فرا بگیرند و در ضمن دانشگاه يك بنگاه علمی باشد که در پیشرفتها و ترقیات علمی دستياری کند و وسیله کمال هر علمی را فراهم سازد :

دیگر از مظاهر پیشرفتهای علمی درین دوره قانون تربیت معلم و تأسیس دانشسرای عالی برای تربیت دبیران و دانشسراهای مقدماتی برای تربیت آموزگارانست که برتری و فواید این کار بسیار آشکارست . پیداست که تربیت معلم خوب چه اقدام اساسی در کار آموزش و پرورش بشمار می رود و تاعده کافی معلم تحصیل کرده دانا و آزموده در کشور نباشد نمی توان ب نتیجه ای که از مدارس باید بدست آید مطمئن بود. بهمین جهت گذشته از اصلاحات اساسی که در کتابهای درسی شده میبایست مخصوصاً توجه تامی در پرورش آموزگاران و دبیران بکنند . زیرا کتاب هر چه خوب و سودمند باشد تا آموزگار و دبیر آزموده و آموخته نباشد نمی توان از کتاب خوب نتیجه قطعی و مؤثر گرفت . بهمین جهت تأسیس دانشسرای عالی و دانشسراهای مقدماتی پسرانه و دخترانه یکی از کارهای بسیار مهم در معارف ایران بود که

در دوره‌های گذشته بکلی از آن غافل مانده بودند و اگر هم توجهی می‌کردند بسیار مختصر بود .

دیگر از کارهای مهم این دوره اصلاح کتابهای درسی بود که وزارت فرهنگ خود مستقیماً درین کار وارد شد و یک سلسله کتابهای بسیار خوب و پاکیزه و خوش چاپ برای دبستانها و دبیرستانها که آگاهان هرفن تألیف کرده بودند چاپ شد و بهای ارزان در سراسر کشور انتشار یافت . کسانی که نمونه‌ای از کتابهای درسی پیش از دوره پهلوی را بدست بیاورند و نظری بر آنها بیفکنند می‌بینند که این کار وزارت فرهنگ چگونه لازم بوده است و چگونه نوآموزان این کشور از کتابهای بد چاپ و پر غلط که تنها کسانی برای سودجویی خود چاپ می‌کردند و چندین برابر بهایی را که داشت از مردم می‌گرفتند نجات یافتند .

دیگر از نکات مهمی که در اصلاحات فرهنگ ایران باید در نظر داشت تأسیس دبستانهای مختلط بود که پسر و دختر تا سن چهارده سالگی و پایان دوره ابتدایی باهم درس بخوانند. گذشته از آنکه در جامعه متمدن باید مرد و زن و پسر و دختر در همه حقوق و مزایا برابر باشند در برخی مراحل باید باهم محشور باشند تا اختلافاتی که باعث تفرقه جامعه و تفاق در میان افراد است برخیزد و مرد و زن از روحیات و احساسات یک دیگر هر چه بیشتر آگاه باشند و بتعاون بایک دیگر عادت کنند و همه خود را اعضای یک پیکر و عضو یک جامعه بدانند تا در زندگی خانوادگی یگانگی مطلق فراهم گردد . در عمل نیز ثابت شده است که در سالهای نخستین دبستان کودکان نوآموز از آموزگاری که زن باشد بیشتر و بهتر پیروی می‌کنند و او را مادر خود میدانند و نتیجه بهتر بدست می‌آید . وانگهی استعداد زنان برای تدریس در دبستانها و دلسوزی و پشتکارشان درین زمینه بیشتر است و بهمین جهت یکی از مهم‌ترین وسایلی که می‌بایست در اصلاح دبستانها و روش آموزش و پرورش در آنها بکنند تأسیس دبستانهای مختلط بود

که پسر و دختر در مراحل اولیه تحصیل با هم شریک و معاشر باشند و کارکنان و آموزگاران این دبستانها زن باشند. این اصلاح درین دوره صورت گرفت و باید آنرا یکی از اصلاحات مهم شمرد. البته درین ضمن باید در نظر داشت که پذیرفتن دختران دردانشکدهها نیز بهمان درجه از اهمیت بوده است زیرا تردیدی نیست که در تمدن امروز جهان زن و مرد باید بتساوی شریک و سهم و مخصوصا در کسب دانش برابر باشند زیرا بسیاری از فنون ورشتهها هست که زنان پیش از مردان در آن استعداد دارند و هیچ دلیلی نیست که آنها را از فرا گرفتن این فنون محروم کنند و جامعه از ترقیاتی که ممکنست درین راه پیش آید بی نصیب بماند. بهمین جهت درین دوره پسر و دختر باهم در دبستانهای مختلط و در دانشگاه پذیرفته شدند و قرار بود اندکی که گذشت و تجربههای لازم بدست آمد در دبیرستانهم باهم باشند. دریغ که پس از انقضای این دوره دبستانهای مختلط را که از کارهای حکیمانه عصر پهلوی بود منحل کردند.

دیگر از اصلاحات مهمی که درین زمینه صورت گرفت تصفیة زبان فارسی از کلمات و الفاظ و ترکیبات نامالایم و ناگوار زبانهای بیگانه و تأسیس فرهنگستان ایران برای این کار و اقداماتی بود که درین دوره درین راه بعمل آمد. تردیدی نیست که زبان یکی از آثار عمده ملیت هر قوم است و باید نماینده روح ملی آن مردم و مذهب و مسبب این روح باشد. چنانکه در تاریخ هزارساله گذشته ایران هرگاه که روح ملی در کشور بیدار شده و نیرو گرفته است بزرگان ایران یکی از مهمترین چارهجوییها را برای نافرمانی از بیگانگان ترویج زبان و ادبیات و تصفیة زبان دانسته اند. دانشمندان بزرگ ما که روح ایرانی نیرومند داشته اند تنها بنوشتن کتابهای مخصوص برای این که ازین کار پشتیبانی کرده باشند قناعت نکرده اند بلکه جدی در ساختن اصطلاحات و بی نیاز کردن زبان از کلمات و

ترکیبات زبانه‌های بیگانه داشته‌اند و این کاریکی از چاره‌جویی‌های بسیار مهم و مؤثری بوده که همواره در مدت‌هزار سال بزرگان ایران در حرف و هر رشته که بوده‌اند وجه همت خود قرار داده‌اند. از طرف دیگر در مدت دویست سال گذشته و مخصوصاً در سی سال پایان دوره قاجارها زبان فارسی بسیار تباه و فاسد شده بود و همین جهت روح ادبی آن تنزل کرده و ضعیف‌تر از هر زمانی شده بود. از طرف دیگر علوم جدیدی در تمدن امروز پیدا شده بود که برای هیچ‌یک از آنها اصطلاحاتی در زبان فارسی نبود و ممکن نبود با نداشتن آن اصطلاحات آن علوم را بزبان فارسی تدریس کنند و یا تألیف کنند. ناچار یک سلسله اصطلاحات مهم ضرورت کامل داشت. قهراً این وضع ایجاب می‌کرد که با اصلاحات مهم و کارهای عمده در زبان فارسی آغاز کنند که خود زمینه یک سلسله اقدامات اساسی باشد و این آرزوی هزار ساله دانشمندان ایران برآورده شود. این مشکل بزرگ ملیت ایران بفرهنگستان که درین دوره برای این مقصود عالی تشکیل یافت سپرده شد و بزودی نتایج مهم آن در زبان فارسی پدید آمد و مردم با ذوق ایران نیز راهنمایی‌های حکیمانه فرهنگستان ایران را با کمال آسانی و خوشرویی پذیرفتند و نتایج این کار بزرگ در زبان فارسی محسوس شد.

دیگر از کارهای مهمی که درین دوره شده تصویب قانون طبابت و مقررات و اصولیست که درباره پزشکان وضع کردند تا کسانی که باین شغل شریف می‌پردازند همه جهات علمی دریشان جمع باشد و اگر از دانشگاههای معتبر اسنادی در دست ندارند امتحانهای بدهند و لیاقت علمی خود را ثابت کنند و اگر تحصیلات کامل نکرده‌اند بعنوان طبیب مجاز تنها بمعالجه برخی از بیماریها بپردازند و این عنوان ازین عده که گذشت در آینده بکسان دیگر داده نشود. چون این کار نیز آثار عمده در زندگی مردم کشور داشته است جا دارد که آنرا نیز از اصلاحات اساسی این

دیگر از کارهای بسیار مهمی که درین دوره شده و جزو اصلاحات اساسی معارف ایران باید دانست موضوع ورزش و تربیت بدن نیست که نخست قانونی برای اجباری بودن ورزش در مدارس گذشت و سپس يك سلسله کارهای مهم در تأسیس انجمن‌های تربیت بدنی و فراهم کردن زمین‌های ورزش و تأسیس پیش‌آهنگی در میان دختران و پسران و برقرار کردن جایزه‌ها و مسابقه‌های ورزشی و آماده ساختن جوانان کشور از پسر و دختر برای شرکت در رژه‌ها و دفیل‌ها و جز آن انجام گرفت . درین دوره کوشش بسیار درین زمینه بنتایج مهم رسید و سبب شد که بزودی ورزشکاران ایران با ورزشکاران کشورهای دیگر برابر شوند و برخی از ایشان در مسابقه‌های بین‌الملل بر دیگری برتری یافتند . تردیدی نیست که هر چه آدمی زاده نیرومند تر و زورمند تر و تن درست تر باشد پیشرفت کار او در جهان بیشتر خواهد بود و اندیشه او سالم تر و صائب تر و دماغ او تروتاز و استعداد او برای اخذ علم و هنر بیشتر خواهد شد ، مخصوصاً در میان مللی که بواسطه سالها خواری و سرشکستگی و درماندگی و نومیدی زندگی بار گرانی شده بود و در پرورش جسم خود نمیکوشیدند بیشتر باید باصلاح نژاد و پرورش افراد زورمند و تن درست پرداخت زیرا که زورمندی و تن درستی قهرأ نشاط و شور و شعفی در زندگی فراهم میکند که بر نیروی کار و خدمت می‌افزاید .

البته چنانکه سابقاً هم اشاره رفت خدمت نظام یکی از مؤثرترین وسایل درین زمینه بوده است ولی می‌بایست کودکان را از آغاز زندگی و پیش از آنکه بسن خدمت نظامی برسند نیرومند و تن درست بکنند و یگانه راه همان اصول ورزش در آموزشگاهها و تربیت بدنی و مخصوصاً پیش‌آهنگی بوده است که گذشته از تقویت جسم بتقویت روح هم می‌پردازد و کودکان را از آغاز زندگی باستقلال و اتکای بنفس و معاونت بایک دیگر و دستگیری از افراد و انس بزندگی اجتماعی خومی گیرند و

هزاران نکته دیگر در ذهنشان جای گزین و فطری ایشان می شود . بدین جهات است که توسعه تربیت بدنی را که مطلقاً در دوره های گذشته در آموزشگاه های ایران نبود و تنها درین دوره برقرار شد باید یکی از مهمترین اصلاحات معارفی و فرهنگی دانست .

دیگر از اصلاحات معارفی مهم این دوره تعظیم و تکریم از بزرگان ایران و بزرگداشت مفاخر کشور و اقدامات گوناگونی بوده است که درین دوره برای بزرگ کردن و جاودان کردن نام دانشمندان و هنرمندان و مردان بزرگ تاریخ کرده اند . در ضمن بحث درباره اصلاحات اجتماعی این دوره باین نکته بسیار مهم اشاره کردم و اینک جادارد درباره آنچه مخصوصاً در حق دانشمندان و هنرمندان ایران کرده اند توجه خوانندگان را جلب کنم زیرا که این بزرگان نه تنها وثیقه های پایدار و برقرار افتخارات جاودانی ایرانند و این کار تنها وسیله ایست که ایرانی در جهان دانش عظمت ملت خود را نشان دهد و سهمی را که پدرانش در علم و هنر و تمدن جهان داشته اند ثابت کند بلکه بهترین وسیله ایست که نام نیک نیاگان بزرگوار خود را در جهان پراکنده سازد و احترام واقعی و حقیقی در همه جهان بدست آورد . در ضمن این کار بهترین سرمشق و محرک و راهنما و نمونه برای افراد کشور و آیندگان خواهد بود تا ازین مردان بزرگ پیروی کنند و بدیشان بگروند و بکوشند همواره از کارهای بزرگی که ایشان کرده اند سرمشق بگیرند و منتهای آرزویشان این باشد که بیایه این مردان بزرگ برسند و یک قسم عبادت و پرستشی در میان مردم نسبت باین بزرگان که همیشه راهنمای آدمی زادگان و رهبران تمدنها بوده اند فراهم شود . برای اینکه اهمیت اصلاحات فرهنگی و معارفی در عصر پهلوی کاملاً برجسته باشد ارقامی درباره چند سال از آغاز و پایان این دوره کاملاً مطالبی را که درین بحث آورده ام روشن خواهد کرد :

سال ۱۳۰۴ بودجه وزارت فرهنگ ۷,۷۳۱,۳۸۰ ریال.

سال ۱۳۰۹ بودجه وزارت فرهنگ ۱۸,۹۸۳,۷۵۰ ریال :

سال ۱۳۱۴ بودجه وزارت فرهنگ ۵۸,۰۰۴,۰۷۰ ریال .

سال ۱۳۲۰ بودجه وزارت فرهنگ ۱۵۴,۸۵۶,۰۰۰ ریال .

سال ۱۲۹۷. عده دبستانها ۴۵ عده دبیرستانها ۱۱ .

سال ۱۳۰۳-۱۳۰۴ شماره دبستانها ۶۴۸ شماره دبیرستانها ۸۶ .

سال ۱۳۰۸-۱۳۰۹ شماره دبستانها ۱۰۰۰ شماره دبیرستانها ۱۴۱ .

سال ۱۳۱۳-۱۳۱۴ شماره دبستانها ۱۳۰۱ شماره دبیرستانها ۱۶۰ .

سال ۱۳۱۹-۱۳۲۰ شماره دبستانها ۲۳۳۱ شماره دبیرستانها ۳۲۱ .

مدارس حرفه‌ای تنها در ۱۳۱۳ تأسیس شد وعده آنها بده رسید .

دانش سراهای مقدماتی نیز در ۱۳۱۳ دایر شد وعده آنها در آن سال ۷ بود

و در ۱۳۱۹ به ۲۹ رسید .

سال ۱۲۹۷ شماره دانش آموزان دبستانها ۲۴,۰۳۳ .

سال ۱۳۰۳-۱۳۰۴ شماره دانش آموزان دبستانها ۵۵,۹۶۰ .

سال ۱۳۰۸-۱۳۰۹ شماره دانش آموزان دبستانها ۱۱۲,۴۸۵ .

سال ۱۳۱۳-۱۳۱۴ شماره دانش آموزان دبستانها ۱۶۷,۶۸۲ .

سال ۱۳۱۹-۱۳۲۰ شماره دانش آموزان دبستانها ۲۸۶,۵۹۸ .

سال ۱۲۹۷ شماره دانش آموزان دبیرستانها ۲,۳۹۲ .

سال ۱۳۰۳-۱۳۰۴ شماره دانش آموزان دبیرستانها ۷,۷۹۳ .

سال ۱۳۰۸-۱۳۰۹ شماره دانش آموزان دبیرستانها ۱۰,۰۶۱ .

سال ۱۳۱۳-۱۳۱۴ شماره دانش آموزان دبیرستانها ۱۳,۵۸۰ .

سال ۱۳۱۹-۱۳۲۰ شماره دانش آموزان دبیرستانها ۲۶,۸۷۳ .

سال ۱۳۱۳-۱۳۱۴ شماره شاگردان مدارس حرفه‌ای ۷۹۳ .
سال ۱۳۱۹-۱۳۲۰ شماره شاگردان مدارس حرفه‌ای ۶۱۵ .
سال ۱۳۱۳-۱۳۱۴ شماره شاگردان دانش‌سراهای مقدماتی ۵۴۲ .
سال ۱۳۱۹-۱۳۲۰ شماره شاگردان دانش‌سراهای مقدماتی ۱،۲۶۹ .
کودکستانها تنها در ۱۳۱۳ دایر شده‌اند. درین سال عده کودکان ۲،۴۴۷ و در
۱۳۲۰ عده آنها ۱،۸۶۴ بوده است .

وسایل ارتباط

کشور ما سرزمین بسیار پهناور است که يك ميليون و ششصد و چهل و چهار هزار کیلومتر مساحت دارد و اطراف آنرا کوهستان و نواحی کوهستانی فرا گرفته و در میان این حاشیه از کوههای بلند دشتها و جلگه‌هاییست که نواحی مرکزی ایران را فراهم ساخته است. بهمین جهت ایرانیان در تاریخ نخستین ملتی بوده‌اند که راههای بزرگ ساخته‌اند و در راهسازی اهتمام کامل داشته‌اند. بنا بر آنچه تساریخ نشان می‌دهد در زمان داریوش بزرگ شاهراهی ساخته شده بود که آسیای شرقی را با آسیای غربی متصل می‌کرد و از سرحد چین از روی رود جیحون سرزمین ماوراءالنهر را طی می‌کرد و از آنجا بخراسان می‌رسید و از همان راه امروزی خراسان بشهرری می‌آمد و از همان راه امروزی تهران بسرحد عراق یا بین‌النهرین امروز و شهر معروف بابل می‌رفت و از آنجا با آسیای صغیر می‌رسید و از شهر سارد پای تخت کشور لیدی که خراج‌گزار ایران شده بود می‌گذشت و از آنجا باقصای آسیای غربی بسواحل دریا می‌رفت. این راه را مورخان قدیم راه شاهنشاهی نام نهاده بودند و در سراسر تاریخ قدیم اهمیت بسیار بآن داده‌اند زیرا که یگانه راه بازرگانی در میان اروپا و آسیا بود و شهرهای بزرگ ایران قدیم مانند بخارا و سمرقند و مرو و بلخ و هرات و طوس و نیشابور و ری و همدان و تیسفون بر سر این شاهراه قرار گرفته بودند. بنا بر آنچه

مورخان قدیم گفته‌اند در طول این راه همه جا راهدار خانهای بسیار ساخته بودند که وسایل رسانیدن چای در آنجاها فراهم بود و حتی میله‌ها و تپه‌ها و بلندیهای در فواصل معین تعبیه کرده بودند و فاصله میان هر دو میل یک منزل بود به همین جهت میل بالاترین مقیاس طول شده بود. شب‌ها روی این بلندیها آتش می‌افروختند تا خط سیر راه معلوم باشد و مسافران و کاروانها بیراهه نروند و گمراه نشوند. چنان‌مینماید که گذشته از این شاهراه معروف در دوره هخامنشیان راههای دیگری برای لشکر کشی یونان و مصر ساخته‌اند که جسته جسته آثار آنرا باستان‌شناسان در ترکیه و سوریه کشف کرده‌اند.

در دوره‌های بعد مخصوصاً در دوره ساسانیان که تجارت ابریشم چین پیش از آنکه پرورش کرم ابریشم در ایران معمول شود بدست ایرانیان و از راه ایران تأمین میشد و برای کشورهای غرب اهمیت بسیار داشت این شاهراه را راه ابریشم نامیدند و اهمیت بسیار در تجارت و سیاست جهان داشت و حتی یکی از دلایل عمده رقابت‌های سخت در میان امپراتوری روم و دربارهای اشکانیان و ساسانیان بر سر همین راه بود. سپس مدتهای مدید پس از انقراض ساسانیان در دوره‌های اسلامی این راه هم‌چنان در اهمیت قدیم خود باقی مانده بود و خلفا نیز بدان اهمیت بسیار می‌دادند و همان تشکیلات چاپارهای زمان ساسانیان را که بهمان اصطلاح قدیم زبانهای ایرانی «برید» می‌گفتند باقی نگاه داشته بودند و یکی از مهم‌ترین مناصب در هر درباری منصب «صاحب برید» بود که تقریباً مقام وزارت داشت. ترتیب برید این بود که در هر دو فرسنگ یا دوازده میل ایستگاه‌هایی بود که همواره در آنها چهارپاهایی زین کرده برای رساندن مراسلات رسمی آماده بود و حامل آن مراسلات که می‌رسیدمر کوبی را که سوار بود رهامی کرد و بر آن مر کوب تازه نفس می‌نشست و راه خود را دنبال می‌کرد. این ترتیب از دوره هخامنشیان تا آن زمان باقی مانده بود و بدین جهت می‌توان گفت

که ایرانیان نخستین ملتی هستند که در تاریخ جهان اصول چاروپست را برقرار کرده‌اند و آتشیایی که روی بلندیها می‌افروختند علایمی برای رساندن خبر بود و این هم يك قسم تلگراف یا تلفن بوده است.

این راه تجارتی معروف نزدیک دوهزار و چهارصد سال یگانه رابطه در میان آسیا و اروپا بود؛ تا آنکه در ۱۸۶۹ میلادی حفر ترعه سوئز پایان رسید و این راه اهمیت خود را ازدست داد زیرا چون راه دریایی در میان اروپا و خاور دور دایر شد قهراً این راه دیگر آن اهمیت بین‌الملل را نداشت.

در دوره‌های بعد هم چنان در ایران برای برآه‌سازی اهمیت بسیار داده‌اند. مخصوصاً در زمان صفویه که شاه عباس اول برای برآه‌سازی بسیار توجه داشته است و نه تنها راههای قدیم را که ویران شده بود دوباره تسطیح کرد و در طول آن راهها کاروانسراهای متعدد ساخت که بسیاری از آنها هنوز باقیست و بنام کاروانسرای شاه عباسی معروفست بلکه راههای جدیدی ساخت که معروفترین آنها راه مازندران و کرانه دریای خزر از راه تهران باصفهان بوده است. بسیاری از قسمتهای این راه را سنگ فرش کرده بودند چنانکه قسمتی از آن سنگ فرشها در میان علی آباد سابق (شاهی امروز) و ساری باقی مانده بود و در عصر پهلوی که راه شوسه مازندران را می‌ساختند بآن سنگ فرشها پی بردند و نیز در طول این راه پلهای متعدد ساخته بودند.

صنعت پل‌سازی نیز از زمانهای بسیار کهن در ایران در کمال ترقی بوده است و پلهایی که در دوره‌های مختلف تاریخ در ایران ساخته‌اند همیشه در منتهای شکوه و استحکام بوده است. از پلهایی که پیش از ساسانیان در ایران ساخته‌اند اندك آثاری باقیست و پیداست که در آن زمان پل‌سازی رواج کامل داشته است. اما از دوره ساسانیان پلهایی که برخی از آنها نزدیک هزار و هفتصد سال عمر کرده‌اند در خوزستان و فارس باقیست و برخی از پلهای ایران مانند پلهای خوزستان و اصفهان که یادگار دوره صفویه و پیش از صفویه‌اند از شاهکارهای پل‌سازی با سنگ و آجر بشمار می‌روند.

چنانکه سابقاً اشاره رفت ایرانیان در ساختن سد نیز بسیار هنرمند بوده‌اند

وسدهای خوزستان و بند امیر در فارس که از یادگارهای عضدالدوله دیلمی آل بویه است بهترین نمونه سدسازی‌های قدیمست .

اما در دوره قاجارها مخصوصاً در صد سال آخر آن دوره آن توجه باستانی که پیوسته ایرانیان بر راه‌سازی داشته‌اند در نتیجه ناامنی و انقلابهای داخلی و آشتگی اوضاع کشور وضعف و سستی دولتهای وقت از میان رفته بود و نه تنها راههای جدیدی ساخته بودند بلکه راههای قدیم یکسره بایرو ویران شده بود، چنانکه همان راه معروف مازندران که شاه عباس اول ساخته بود کور شده بود. اگر راههایی در ایران فراهم شد برخی از آنها را مردم نیکوکار برای آسایش مردم راهگذر ساخته بودند یا راههایی بود که امتیاز آنها را بیگانگان داده بودند و یا راههایی بود که در جنگ جهانی اول برای حوایج نظامی و لشکر کشی‌های دول بیگانه تسطیح کرده بودند. چنانکه یگانه راه تجارتي شمال پيای تخت راه بندر انزلی (پهلوی) تهران بود که امتیاز آنرا بیک شرکت روسی داده بودند و از مسافرو کالا راهداری می گرفتند و یگانه راه تجارتي پای تخت بجنوب هم راه تهران بقم و سلطان آباد (اراک) و اهواز بود که امتیاز آنرا هم بیک شرکت انگلیسی داده بودند و راهداری می گرفت. تنها راهی که در مغرب ایران وجود داشت راه تهران بقزوین و همدان و کرمانشاه و سندج و خسروی بود که در جنگ جهانی اول برای لشکر کشی ساخته بودند. دیگر راه اردبیل بآستارا بود که یکی از بازرگانان تهران امتیاز آنرا گرفته بود و راهداری می گرفت. یگانه راهی که دولت در پایان دوره قاجارها ساخت راه تهران بدماوند بود که يك مهندس بلژیکی مامور ساختمان آن شده بود و در آن نیز راهداری می گرفتند. پیداست که این راهها نیز ازدزدان و غارتگران چادر نشین مسلح دایمان نبودند و در گردنه‌ها و تنگه‌ها و پیچ و خمهای آنها همیشه مسافر و کاروان در خطر غارت و یغما و گاهی کشتار بودند .

بهمین جهت در دوره پهلوی یکی از کارهای بسیار مهم که در راه امنیت و آبادانی کشور شده تسطیح راههای قدیم و ایجاد راههای جدید بوده است که يك رشته از مهم ترین و پرخرج ترین کارهای دولت را درین مدت دربردارد. درضمن همه وسایل ارتباط جدید مانند وسایل نقلیه سریع السیر و بندرها و پست و تلگراف و تلفن و پست هوایی و تلگراف بی سیم و کشتی رانی بازرگانی و غیره فراهم شده است.

در آغاز باید ساختمان راههای شوسه و اتومبیل رو را در نظر گرفت. چنانکه پیش ازین اشاره کردم در پایان دوره قاجارها تنها راه پهلوی تهران و اهواز تهران و خسروی تهران و دماوند تهران و اردبیل باستارا بود که شرکت عمومی بنا بر امتیازی ساخته بود و جمع مسافت آنها روی هم رفته در حدود دو هزار کیلومتر بود و حال آنکه در دوره پهلوی بیش از دوازده هزار کیلومتر راه شوسه اتومبیل رو در کمال خوبی ساخته شده است که شش برابر راههای سابق می شود. این دوازده هزار کیلومتر شامل ۱۶ شاهراه بزرگ و ۱۵۰ راه فرعی در میان چند شهر بوده است.

گذشته ازین همان راههای ساخته شده سابق را بار دیگر تسطیح کرده و در بسیاری از جاهای آن پلهای بزرگ و كوچك ساخته اند. در بسیاری از نواحی راههای سابق را گشادتر کرده اند و در میان آنها راههایی هست که پیش از آن وجود نداشت یعنی راههای تنگ پر نشیب و فراز بود که گاهی کاروان هم بدشواری از آنجا می گذشت. در میان شاهراههای مهم که درین دوره ساخته شده چندین راه بسیار مهم هست که از حیث تجارت و اقتصاد و رفاه مردم کشور و توسعه قدرت دولت و بسط نفوذ آن و امنیت کشور اهمیت بسیار دارند مانند راه تهران بمازندران از راه دماوند و راه تهران بمشهد و مرزهای مشرق ایران و راه تهران

ببوشهر و کرانه‌های خلیج فارس و راه تهران بتبریز و از آنجا بشهرهای عمده آذربایجان و راه تهران بخرم شهر و سایر نواحی خوزستان و راه تهران بکرمان که هر يك در حد خود اهمیت خاصی داشته‌اند و ساختمان و تسطیح آنها نه تنها یکی از مهم‌ترین کارهای این دوره بود بلکه گاهی ازدشوارترین و پرجایزترین کارها بشمار میرفت. بسیاری از نواحی ایران بود که حتی مردم پایتخت سابقاً آنها را بچشم ندیده بودند و تنها نامی از آنها شنیده بودند و درین دوره مردم توانستند با کمال آسودگی و آسانی پس از چند ساعت بآنجا برسند. نکته‌ای که مخصوصاً باید متوجه آن بود برداشتن موانع بسیارست که درین راهها بود و گذشته از ساختمان پل‌های بسیار بزرگ بر روی رودها مانند پل اهواز بر کارون و پل سفید رود بر سر راه رشت بلاهیجان نیز کوه‌ها و کتل‌های بسیار در سر راه بوده است که تنها همت مرد بزرگی می‌بایست آنها را از میان بردارد مانند گردنه معروف قافلانکوه بر سر راه آذربایجان و کوه‌های بسیار سخت متعدد در لرستان بر سر راه خوزستان و موانع بسیار در سر راه شیراز ببوشهر. هر کس که سفری از تهران بچالوس کرده باشد و یا نقشه این قسمت از ایران را ببیند و عده پل‌ها و تونلهایی را که برای ساختن این راه لازم بوده است بنگرد می‌داند که چه کوشش‌هایی درین زمینه کرده‌اند. البته موضوع راه آهن ایران بحث جدا گانه دارد که پس ازین در مبحث خاص بمیان خواهد آمد.

دیگر از پیشرفت‌های مهم درین دوره پیشرفت وسایل نقلیه بوده است و شکی نیست که ایران درین دوره ترقیات عظیمی کرده است. تا پایان دوره قاجارها وسایل نقلیه در ایران منحصر به همان وسایل بدوی قرنهای گذشته بود و بجز یکی دو راه که در آنها کالسکه و دلیجان با کمال دشواری راه می‌پیمود و با کمال کندی پیش می‌رفت در راه‌های دیگر جز شتر و اسب و الاغ و قاطر چیزی برای راه پیمایی

نبود . در راه‌هایی هم که کالسکه و دلیجان کار میکرد باندازه‌ای راه بد بود که بکالسکه‌ای که چهارتن در آن مینشستند چهار اسب می‌بستند و آن اسبها در يك منزل راه باندازه‌ای خسته می‌شدند که می‌بایست آنها را رها کنند و اسبهای تازه نفس بجای آنها ببندند و کالسکه‌چی و مسافر نیز چنان کوفته‌شده بودند که می‌بایست چند ساعت راحت کنند و اگر شب فرارسیده بود شب‌رادر آن منزل و در راهدارخانه بمانند. در آن زمان مسافت از تهران تا بندر پهلوی را مسافران اروپا چهارپنج‌روزه طی میکردند و برای بردن پست جز گاری وسیله دیگری در میان نبود . در پایان دوره پهلوی بیش از سی هزار اتومبیل بارکش و سواری در راههای ایران از شمال بجنوب و از شرق بغرب راه می‌پیمود و درازترین راه‌های کشورهای پانپناوری بیش از سده‌وز وقت نمی‌گرفت . حتی در میان بسیاری از قصبه‌ها و ده‌های کشور درین مدت راههای فرعی ساخته‌اند چنانکه بده‌ها نیز می‌توانستند با اتومبیل بروند و روی هم‌رفته درین زمینه ترقی فوق‌العاده‌ای پیش آمده و درین دوره زندگی ایران ازین حیث دگرگون شده و این کارها تا این اندازه در آبادانی کشور موثر بوده است .

دیگر از کارهای مهمی که در زمینه وسایل ارتباط کرده‌اند ساختمان بندرهای جدید و اصلاح بندرهای سابقست که پیداست تا چه اندازه این کار در بازار گانی ایران اهمیت دارد . درین دوره کوشش فراوان درین زمینه کرده و مبالغ خطیری درین راه خرج کرده‌اند . در خلیج فارس بندر شاهپور با اصول علمی جدید ساخته شد و از هر حیث برای پناه دادن کشتی‌های بزرگ اوقیانوس‌پیما آماده گشت . در شمال بندرهای چند در کرانه دریای خزر ساخته شد که مهم‌ترین آنها بندر شاه و بندر نوشهرست و نیز در بندرهای دیگر ایران که محتاج باصلاحات اساسی بوده‌اند کارهای مهم کرده‌اند از آنجمله در بندر پهلوی و بندر خرمشهر بوده است .



شاهنشاه ایران بدست خود راه آهن سراسری را بهم متصل میکند

دیگر از وسایل ارتباط که درین دوره توسعه یافته پست و تلگراف و تلفن در سراسر کشور بوده است. نه تنها کارهای پست اصلاح اساسی بخود دید و وسایل کار را تکمیل کردند و نظم و ترتیب خاصی در آن دادند بلکه دفترهای پستی و تلگرافی متعدد درین دوره در جاهایی که سابقه نداشت دایر شد و چند خط تلگرافی تازه نیز بکار افتاد، چنانکه در پایان دوره قاجارها تنها ۲۱۸ دفتر پست و تلگراف درین کشور بدین وسعت دایر بود و در پایان سال ۱۳۱۶ این شماره به ۴۷۵ رسید یعنی در مدت ۱۶ سال بیش از دو برابر شد. کار مهم دیگر این بوده است که وسایل رساندن پست را بتوسط وسایط تقلیه سریع السیر کاملاً تأمین کردند.

نکته‌ای که درین مورد باید توجه خاصی بدان کرد اینست که امنیت کشور در پیشرفت کار بسیار موثر بوده است. زیرا که در دوره‌های گذشته بارها اتفاق افتاده است که محمولات پستی را در راه راز و غارتگران ربوده و تاراج کرده‌اند و ناچار بمقصد نرسیده است و نیز سیمهای تلگراف را سرکشان و تاراجگران پاره می‌کردند و مدت‌های مدید روابط پستی و تلگرافی ناحیه‌ای با ناحیه دیگر و حتی با پای تخت قطع می‌شد و بسیار اتفاق افتاد که ادارات تلگراف بعنوان آنکه سیم پاره شده و تلگراف دایر نیست از پذیرفتن تلگرافها خودداری کردند. پیشرفت دیگری که درین زمینه فراهم شده اینست که در دوره قاجارها برخی از خطوط عمده تلگراف ایران متعلق بشرکت انگلیسی تلگراف هندو اروپا بود و بدست بیگانگان اداره می‌شد و رابطه ایران با اروپا بدست همان شرکت بود. پیداست که این وضع منافعی با حیثیت کشور بود و مضار گوناگون داشت و آن رشته سیمها درین دوره بدولت ایران تعلق گرفت و دیگر دست بیگانه در کار تلگراف ایران دخالت نکرد. در همان دوره بیگانگان در ضمن انقلابات و تجاوزات بخاک ایران در برخی نواحی جنوب ایران پستی از خود دایر کرده و محمولات پستی را می‌پذیرفتند و این وضع

نیز درین دوره پایان رسید .

دیگر از اصلاحات اساسی درین دوره اصلاح تلفن را باید در نظر داشت . در دوره قاجارها در بسیاری از شهرها و نواحی ایران تلفن نبود و در هر جا که بود بهیچ وجه ترقی نکرده بود و بهمان اصول قدیم باقی مانده بود و احتیاج مردم را بر نمی آورد. تلفن همه شهرها را باشخاص امتیاز داده بودند و ایشان تنها رعایت نفع خود را میکردند و رفاه و آسایش مردم در نظر نبود . درین دوره در نتیجه اقدامهای گوناگون دولت اصلاح اساسی در تلفن های شهرها و نواحی مختلف بعمل آمد و ازین حیث نیز پیشرفتی فراهم شد و رشته های جدید در میان نواحی متعدد مملکت دایر گشت . تلفن تهران که بهمان اصول سابق باقی مانده بود خود کار شد و وسایلی فراهم آمد که تلفن برخی از شهرهای دیگر را هم خود کار بکنند.

دیگر از کارهای مهم در زمینه وسایل ارتباط ایجاد پست هوایی بوده است که جدیدترین وسیله این کار بشمار می آید و هنگامی که ایران بدین کار آغاز کرد هنوز بسیاری از کشورها پست هوایی نداشتند . نخست اجازه ای بشرکت هواپیمایی آلمانی یونکرش برای تاسیس پست هوایی در میان شهرهای مهم ایران و میان ایران و اروپا داده شد و چندی هم دایر بود اما چون شرکت مزبور ازین کار منصرف شد پست هوایی داخله کشور تعطیل شد و سپس اجازه دیگری بشرکت لوفت هانزا که شرکت هواپیمایی آلمانی دیگری بود برای دایر کردن پست هوایی در میان ایران و اروپا و ایران و افغانستان داده شد که محمولات پستی و مسافر ببرد و سپس دولت در صدد برآمد خطوط هواپیمایی غیر نظامی چند در ایران دایر کند و روابط هوایی را در میان نواحی مختلف کشور برقرار سازد .

دیگر از وسایل ارتباط بسیار مهم که در آغاز این دوره برقرار شد تلگراف بی سیم بود که آن نیز اثر مهمی در آبادانی و عمران و امنیت کشور و ایجاد تمدن

جدید و بیدار کردن مردم و فراهم آوردن وسایل آسایش داشت . مرکز مهمی برای تلگراف بی سیم با بهترین وسایل جدید در بیرون شهر تهران دایر شد و رابطه تلگراف بی سیم ایران با همه کشورهای جهان فراهم آمد و همه مردم کشور توانستند از آن بهره مند گردند و این وسیله مخصوصا در بازرگانی امروز که نیازمند سریع ترین وسایل مخابره است اهمیت بسیار دارد و از وسایل عمده دول جدید و کشورهای متمدن بشمار می رود و نمی توان منکر فواید گوناگون آن شد.

دیگر از وسایل ارتباط که دولت در صدد تهیه آن برآمد کشتی رانی تجارتی بود که در ایران پیش از آن بهیچ وجه در اندیشه آن نبوده اند و تنها برخی از اتباع ایران کشتی های کوچکی که بیشتر آنها فرسوده و مندرس بود در رودهای جنوب و برخی از نواحی خلیج فارس از قدیم دایر کرده بودند که مدتهای مدید هیچ اصلاح و ترقی در آنها وارد نشده بود و بهیچ وجه کفاف نیازمندیهای کشور را نمی داد . بهمین جهت تمام حمل و نقل دریایی ایران را کشتی های شرکت های بیگانه بعهده داشتند و قطعا لازم بود روزی وسایل دریایی متعلق بایران پیدا شود و این حاجت عمومی و مهم کشور را تامین کند . بهمین جهت دولت در صدد شد درین کار مقدم باشد و سرمشق عملی بدیگران بدهد و پس از آنکه نیروی دریایی جنوب آماده شد بدین وسیله امنیت دریا های جنوب فراهم آمد و وسایل مهم برای جلوگیری از قاچاق دریایی در خلیج فارس و رودهای جنوب ایران مهیا گشت و ازین حیث دیگر هیچ نگرانی نماند و موقع آن رسیده بود که کشتی رانی بازرگانی در دریاها و رودهای جنوب ایران برقرار شود و دولت بخیرید سه کشتی پنج هزار تنی اقدام کرد و چیزی نمانده بود این کار مهم بپایان برسد که جنگ جهانی دوم مانع از انجام آن شد .

دیگر از وسایل ارتباط که درین دوره فراهم شد وسایل انتشار اخبار و

مطالب بوسیلهٔ رادیو بود که مراد از آن رادیو دیفوزیون باشد. جزو برنامهٔ عملیات مهمی که برای سازمان پرورش افکار در نظر گرفته شده بود توجه خاصی بآن کار کردند. کمیسیون مخصوصی بنام کمیسیون رادیو با کمال جد و جهد مشغول بکار شد و نقشهٔ عملیات بسیار وسیعی برای این کار کشید که قسمت عمدهٔ آن از شهریور ماه ۱۳۱۸ عملی شد. بدین وسیله یک مرکز نیرومند انتشار اخبار و مطالب در تهران دایر شد که سه دستگاه فرستندهٔ موجهای متوسط و بلند و کوتاه داشت و انتشارات آن در همهٔ کشور و سراسر کشورهای بیگانه شنیده شد و در نظر گرفتند در دوازده شهر ایران دوازده فرستندهٔ موج متوسط باشد که همان مطالب را از مرکز تهران بگیرند و در آن ناحیه منتشر کنند. در ضمن ترتیب کار چنان داده شد که گیرنده‌های بسیار ارزان همیشه در دسترس مردم باشد و با کمترین خرجی بتوانند مطالب و اخبار را بشنوند چنانکه تا ۲۵ کیلومتر در اطراف دستگاه‌های فرستندهٔ موج متوسط ممکن بود با گیرنده‌های کوچکی که قابل حمل و نقل بود مطالب و اخبار را گرفت و در ضمن دولت تسهیلات بسیاری فراهم کرد که مردم بتوانند با قسط دستگاه‌های گیرنده را بخرند و همواره لوازم یدکی آن موجود باشد و نیز تمام وسایل تعمیر دستگاهها را در مراکز عمدهٔ کشور آماده کنند و نیز در مجامع عمومی و مؤسسات و بنگاه‌های علمی که در مطالب عمده و مسایل علمی و غیره بحث میکنند وسایلی آماده شد که همهٔ مردم کشور در هر جا باشند حتی در خارج از ایران بتوانند آن گفتگوها و مباحث و مطالب را بشنوند و حتی درسهای عمده و خطابه‌های جالب را که ایراد میکنند در همه جا بگیرند.

در ضمن وسایلی فراهم شد که هر روز تمام اخبار و مطالبی که برای عموم مردم سودمند است رادیو ب مردم بدهد و گذشته از آن در هر روز در مدتی که مردم را خسته نکنند مثلاً در ظرف یک ربع ساعت اطلاعات و مطالبی که برای مردم لازم باشد

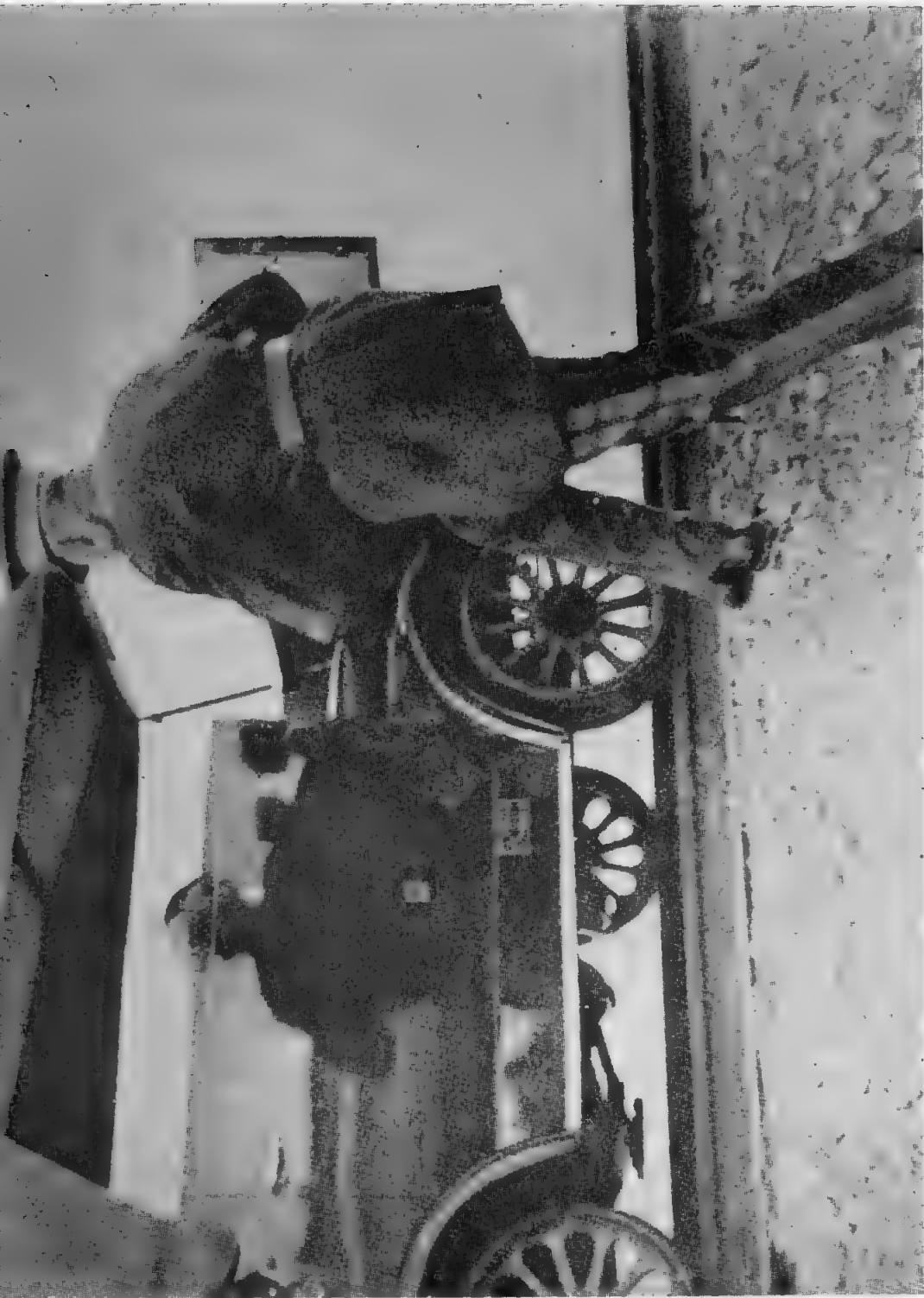
مانند اطلاعاتی در کشاورزی و بهداشت و تاریخ و جغرافیا و ورزش و جز آن باین وسایل داده شود ، حتی از دادن دستورهای و راهنمایی‌هایی که برای زندگانی روزانه طبقات مختلف مردم کشور از زن و مرد و خرد و بزرگ ضرورت دارد خودداری نکنند . بدین وسیله حوایج روزانه همه طبقات مردم از حیث اطلاعات و معلومات و راهنمایی‌ها و اخبار و غیره تامین شد و البته این کار نتیجه بسیار مهمی بخشید و مخصوصاً در جنگ جهانی دوم و مراحل مختلف آن و حوادث بسیار ناگوار شهریور ماه ۱۳۲۰ بهترین وسیله ارشاد مردم و آرام کردن احساسات اهالی کشور و جلوگیری از آشفتگی‌ها بود ، زیرا هر روز مطالب و اخباری که برای تسلیت مردم و باطل کردن اخبار نادرست لازم بود در آن واحد بوسیله هر سه دستگاه فرستنده که در تهران کار میکرد ب مردم داده شد.

دستگاه موج متوسط تهران با امواج ۳۳۵ متر کار میکرد و دو کیلووات قوه داشت . دستگاه موج کوتاه با امواج ۴۸ متر و ۶۴ متر کار میکرد و آن نیز دو کیلو وات قوه داشت . يك دستگاه موج کوتاه دیگر با امواج ۱۹ متر و ۳۰ متر و ۴۸ متر و بیست کیلووات قوه نیز پس از آن کار گذاشته شد و هر يك از دستگاه‌های موج متوسط که در شهرهای دیگر بنا بود بکار بیندازند می‌بایست صدوات قوه داشته باشد. پیداست که این اساس در زندگی جدید چه اثر مهمی داشته و برای تربیت فکری جامعه و تولید و تشیید روح ملیت و مخصوصاً دادن اطلاعات و معلوماتی که مردم بدان نیازمند بودند تاچه اندازه موثر بوده است .

راه آهن ایران

تردیدی نیست که داشتن راه آهن جزو آرزوهای مردم ایران در سالیان دراز بوده است. اما انجام آن همواره بمشکلات سیاسی و اقتصادی و اداری و فنی گوناگون برمی خورده است و بهمین جهت منتهی بعمل نمی شده است. بزرگترین مانع راه آهن در ایران این بود که هندوستان مستعمره انگلستان بود و همه کشورهای بزرگ از آن جمله روسیه تساری چشم طمع بدان دوخته بودند و روسها تدریجاً بمرزهای هندوستان نزدیک می شدند و انگلستان نخست چاره ای که در برابر ایشان اندیشید این بود که افغانستان مستقلی که دست نشانده آن دولت باشد در میان متصرفات روسیه و انگلستان حایل باشد. پس از آنکه راه آهن در جهان توسعه یافت و ایرانیان هم با اهمیت آن پی بردند دولت انگلستان همیشه کوشید راه آهنی در ایران نباشد که روسها را زودتر بمرزهای غربی هندوستان از راه ایران برساند و بهمین جهت راه آهن ایران موضوع سیاسی بسیار پیچیده ای شده بود که قاجارها هرگز نتوانستند آنرا حل کنند. این موضوع تنها در دوره پهلوی حل شد و یکی از عظیم ترین کارهایی بود که ممکنست ملتی در تاریخ خود کرده باشد. ساختمان راه آهن سراسری ایران و خطوط فرعی آن نه تنها در زندگی داخلی ایران و در اوضاع کشور اهمیت داشت بلکه از وقایع مهم بشمار رفت و حتی در اقتصاد عمومی جهان نیز موثر شد، چنانکه در جنگ دوم جهانی که انگلستان و امریکا در صدر

شاهنشاہ رضا شاہ پہلوی دریکی ازمراسم سرکشی بامور راہ آہن



برآمدند آلمان هیتلری را از پا درآوردند و هرچه بیشتر اسلحه بشوروی برسانند یگانه وسیله‌ای که درجهان یافتند و این کار بسیار مهم را با آن تامین کردند همین راه آهن سراسری ایران بود و بهمین جهت ایران را « پل پیروزی » نام دادند. گذشته از جنبه جهانی اگر جنبه ملی راه آهن ایران را در نظر بگیریم می بینیم که در اصلاح اوضاع اجتماعی و اقتصادی و بسط نفوذ دولت در اقطار کشور و حفظ امنیت و پاسبانی از حیثیت و آبروی دولت و تامین رفاه و آسایش مردم و استقرار تمدن جدید و توسعه آن در کشور یگانه راه اساسی راه آهن بود و یگانه وسیله‌ای بود که ایران را در شمار کشورهای متمدن جهان درآورد ، بهمین جهت همواره آرزوی نیک اندیشان و صلاح بینان ایرانی این بوده است که راه آهن سراسری در کشورشان برقرار شود .

در مدت نزدیک به صد سال پیش از دوره پهلوی که از ساختمان راه آهن و اختراع آن درجهان متمدن می گذشت بسیاری از کسانی که درآبادی و اصلاح اوضاع ایران چاره اندیشی کرده بودند راه آهن را موثرترین وسیله دانسته و همواره آرزوی آنرا کرده بودند و حتی در مدت هفتاد و سه سال تمام پیشنهادهای مختلف درین باره شده بود و امتیازات گوناگون باتباع کشورهای مختلف داده بودند و باز این کار عملی نشده بود و همان موانع سیاسی و ناهمواری مانع از انجام این کار مهم گشته بود و چنانکه اشاره رفت مهم تر از همه رقابت های کشورهای بیگانه در امور داخلی ایران بود . درین میان تنها هفت خط فرعی بسیار كوچك از راه آهن در ایران ساخته شده بود : یکی راه آهن تهران بشاه عبدالعظیم که در سال ۱۳۰۵ قمری يك شركت مختلط بلژیکی و روسی که دو میلیون فرانك سرمایه داشت آنرا ساخت . دیگر راه آهن محمودآباد بآمل در ۱۸ کیلومتر که مقارن همان زمان حاج محمدحسن امین الضرب بازرگان تهران ساخت . سوم راه آهن جلفا بتبریز و از آنجا بشرف

خانه در کنار دریاچه رضاییه (ارومیه) بود که در ۲۰۰ کیلومتر در سال ۱۳۳۱ بانك استقرارى روسى كه امتياز آنرا داشت ساخت. چهارم راه آهنى بود كه براى مقاصد نظامى و رساندن نيرو از قفقاز بآذربايجان در برابر سپاهيان عثمانى در جنگ جهانى اول سپاهيان روسيه تسارى از ساحل رودارس تاما كوواز آنجا تا مرز تركيه ساختند و در حدود صد كيلومتر آن از خاك ايران ميگذشت. پنجم راه آهن زاهدان بود كه براى رسيدن سپاهيان هندی بكرمان و فارس از هند وارد خاك ايران مى شد و آنرا هم در جنگ جهانى اول ساخته بودند. ششم راه آهنى بود كه در سال ۱۳۳۷ قمرى بطول ۵۰ كيلومتر از بوشهر تا برازجان نظاميان انگليسى براى لشكر كشى ساخته بودند و برچيدند. هفتم راه آهن باريكى بود كه خشتاريا از اتباع روسيه تسارى امتياز آنرا گرفته بود و از رشت بپيله بازار ميرفت.

بدین گونه در سراسر این مدت تنها نزدیک پانصد كيلومتر راه آهن درين هفت خط ساخته شده بود كه بهيچ وجه كفاف ايران و منافع حياتى آنرا نمى داد و هيچ خطى با خط ديگر رابطه نداشت و از حيث مصالح و اصول مهندسى و لوازم فنى و عرض خط بايك ديگر سازگار نبودند. جز آن هر نقشه اى كه در طرح راه آهن سراسرى ايران كشيده بودند عقيم مانده بود و بهيچ نتيجۀ اساسى نرسيده بود و بسيارى از امتيازات كه درين زمينه داده بودند روى كاغذ مانده بود و حتى گاهى كه موضوع راه آهن ايران بعمل نزديك مى شد فوراً دشواريهاى بسيار روى ميداد و كارى نتيجه ميماند.

همين جهت در دوره پهلوى همين كه بنياد استقلال ايران استوار شد و دولت ايران در كار خود پابرجا و مستقل گشت و دست بيگانگان کوتاه شد فوراً ساختمان راه آهن بزرگى كه شمال بجنوب كشور را بهم پيوسته كند در راس كارهاى اساسى و مهم قرار گرفت. در نتيجه در تاريخ نهم خرداد ماه ۱۳۰۴ قـانـونى

شاهنشاه ایران درباره یکی از نقشه‌های راه آهن توضیح می‌خواهد



گذشت که از هر سه کیلو گرم قند و شکر و چای که بایران وارد میشود یاد کشور فراهم میکنند دوریال عوارض برای ساختمان راه آهن بگیرند و بدین وسیله هزینه ساختمان راه آهن براسری ایران فراهم شد . سپس در ۲۰ بهمن ماه ۱۳۰۴ قانون نقشه برداری و ساختمان راه آهن از مجلس گذشت و برای انجام این مقصود يك عده مهندس امریکایی بایران دعوت کردند و اداره راه آهن تاسیس شد . در ۲۳ مهر ماه ۱۳۰۶ شاهنشاه ایران نخستین کلنگ ساختمان راه آهن را در محلی که میبایست ایستگاه تهران در آنجا ساخته شود بدست خود زد و از آن روز ساختمان راه آهن ایران وارد مرحله عمل شد . در مدت نزدیک بیک سال و هفت ماه که نقشه برداری و عملیات مهندسی راه آهن ایران طول کشید شش دسته مهندس و کارگر فنی در شمال و جنوب کشور مشغول کار شدند و این کارها نخست بتوسط ۲۶۷ کارگر آغاز شد و سپس شماره آنها تدریجاً به ۱۹۶۷ رسید .

درین مدت این عملیات صورت گرفت :

- (۱) بازدیدهای فنی در مسافت ۲۳۴۵ کیلومتر مسیر راه آهن .
 - (۲) نقشه برداری مقدماتی در طول ۱۵۱۳ کیلومتر .
 - (۳) نقشه برداری قطعی در طول ۳۵۶ کیلومتر در شمال و جنوب .
 - (۴) مطالعات در آبهای ساحلی شمال و جنوب و تهیه نقشه های زمینی .
 - (۵) تسطیح و خاک ریزی کامل ۱۵۸ کیلومتر در شمال و جنوب .
 - (۶) نقشه برداری و انجام برخی کارهای مقدماتی در ایستگاه تهران .
- پس ازین کارها در ۱۷ تیر ماه ۱۳۰۷ سندی که راه آهن ایران مرکب از سه شرکت آلمانی و يك شرکت امریکایی تشکیل شد تا عملیات ساختمان راه آهن را دنبال کنند و نیز ۱۵۰ کیلومتر راهی را که اداره راه آهن سابق در شمال و جنوب ساخته بود تکمیل کنند و اسلکه های بندر شاه و بندر شاهپور و سد و پل اهواز را

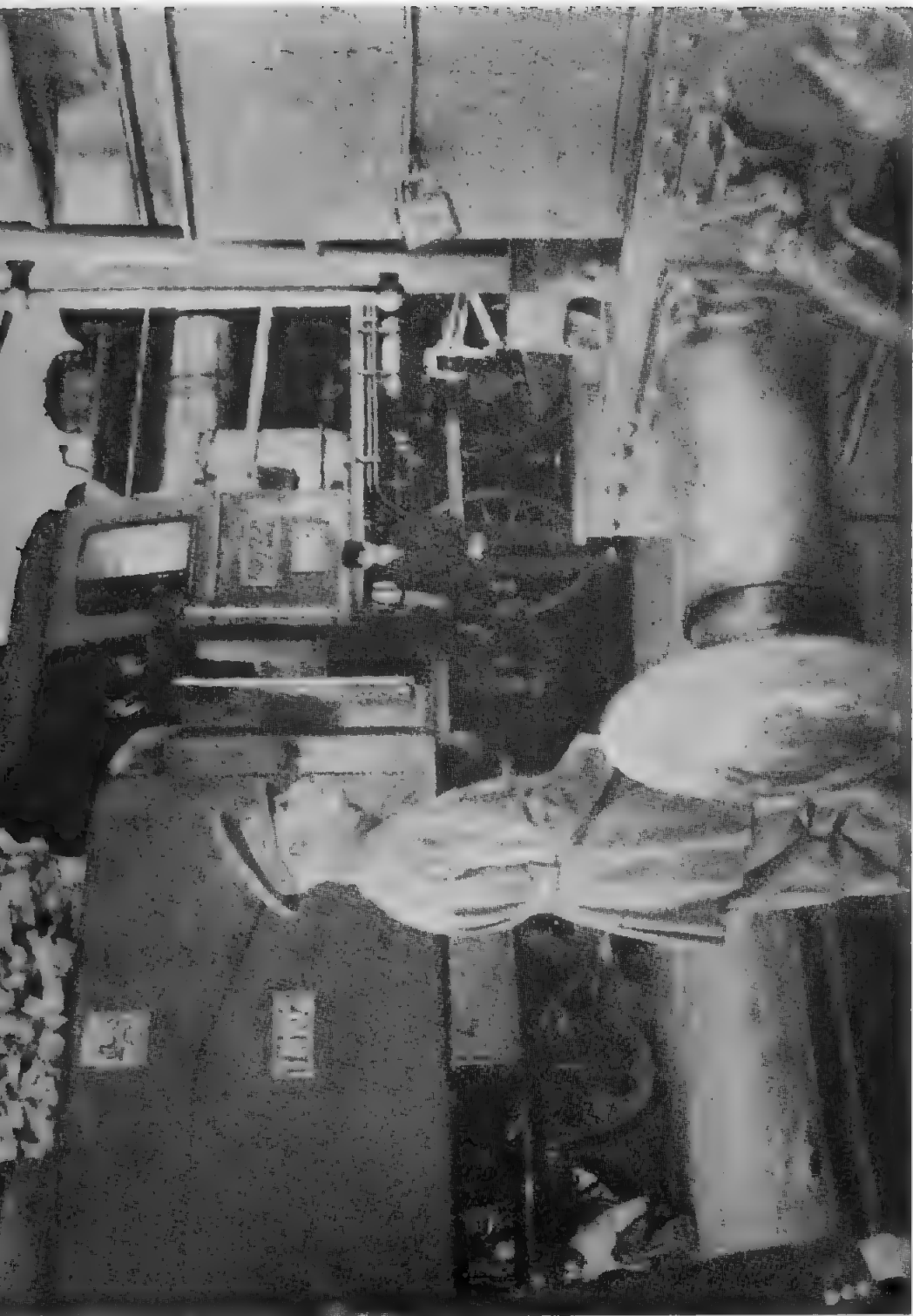
بسازند و برای هر يك كيلومتر راه ۳۶۸۰ ريال اجرت بگیرند و صدی ده برای عملیات ساختمانی و مخارج اداری و حق الزحمه دریافت کنند .

این سندیکا ۱۲۷ كيلومتر در شمال و ۲۵۰ كيلومتر در جنوب خاكریزی و شن ریزی و ریل گذاری كرد و این كار را تا مهر ماه ۱۳۱۰ پیاپی رساند و چون كارهای آن رضایت بخش نبود درین تاریخ منحل شد . از آن پس دولت ساختمان راه آهن را خود بدست گرفت و بتوسط مهندسان سوئدی در شمال و امریکایی در جنوب كار را دنبال كرد . سوئدیه در مدت دو سال قسمتی از خط شاهی تا كيلومتر ۲۸۵ را تسطیح كردند و در جنوب هم امریکاییان كارهای نا تمام سنديكای سابق را پیاپی رساندند .

سپس در اول خرداد ماه ۱۳۱۲ ساختمان راه آهن ایران بكنسرسیوم كامپسا كس كه شركت دانماركی بود وا گذارشد تا بعنوان مشاور فنی و نماینده وزارت راه تشكيلاتی برای این كار بدهد و تقریباً هزار كيلومتر راه را بسازد و تا اوایل سال ۱۳۱۸ تحویل بدهد یعنی پس از مدت شش سال بدین گونه كه در چهار سال اول خط شمال را پیاپی برساند و پس از شش سال در ۱۳۱۸ خط جنوب را تمام كند . قرارداد از بابت كار مزد و حق السعی متری پنج دلار طلا یا هر كيلومتری پنج هزار دلار بكامپسا كس پرداخته شود و هزینه های دیگر بعهده دولت باشد . كامپسا كس سراسر خط را كه نا تمام مانده بود به ۴۳ قطعه (۲۳ قطعه در شمال و ۲۰ قطعه در جنوب) تقسیم كرد و هر قطعه ای را پی در پی بمناقصه گذاشت .

در سالهای ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ كه منتهای شدت عمل بود در هر روز بیش از شست هزار تن در ساختمان راه آهن كار میکردند . درین مدت بیش از چهل شركت اروپایی و ایرانی در ساختمان آن شركت كرده اند و كارها را بمناقصه انجام داده اند . سرانجام در نتیجه این عملیات راه آهن سراسری ایران پیاپی

شاهنشاه ایران وسائل جدید راه آهن را بررسی میکنند



رسید . عرض این راه ۱۴۳۵ میلی متر و مطابق عرض همه راه آهن های جهانست .
شیب های عمده آن بدین قرارست :

درمیان بندر شاه و شاهی ۷۷ در هزار .

درمیان شاهی و پل سفید ۱۵ در هزار .

درمیان پل سفید و فیروز کوه ۲۸ در هزار .

درمیان فیروز کوه و بن کوه ۱۸ و نیم در هزار .

درمیان بن کوه و تهران ۱۵ در هزار .

درمیان تهران و اندیمشك ۱۵ در هزار .

درمیان اندیمشك و بندر شاهپور ۵ در هزار .

درین راه بیست و هشت میلیون متر مکعب خاک ریزی و خاک برداری کرده اند .
طبقه شنی که بر روی زمین ریخته اند بعرض ۳ متر و ۲۰ سانتی متر و حدا کثر بقطر ۴۰ سانتی متر بوده است . طول خط از بندر شاه تا بندر شاهپور ۱۳۹۴ کیلومتر است که نزدیک ۹۸۰ کیلومتر آنرا تراورس چوبی گذاشته اند و در ۱۴۴ کیلومتر آن تراورس فلزی بکار برده اند . ازین ۱۳۹۴ کیلومتر ۸۵۲ کیلومتر را از طرف شمال و ۵۴۲ کیلومتر را از طرف جنوب ریل گذاری کرده اند . در هر کیلومتر از ۱۲۸۰ تا ۱۴۴۰ تراورس فلزی و از ۱۳۶۰ تا ۱۵۲۰ تراورس چوبی بکار برده اند . قطار های باربری با سرعت ۵۰ کیلومتر و قطار های مسافری با سرعت صد کیلومتر در سرعت میتوانند درین راه سیر کنند .

در طول این راه ۱۲۴ تونل ساخته شده که ۹۳ تونل آن از شاهی تا تهران ۱۳۱۹ تونل آن از اندیمشك تا تهرانست . مجموع این تونلها ۸۳،۶۶۶ متر را فرا می گیرد که ۲۳،۵۹۹ متر آن در شمال و ۶۰،۰۶۷ متر آن جنوبست و طول تونل های آن معادل شش درصد تمام خطست . برای ایجاد این تونلها سه میلیون

و سیصد هزار متر مکعب خاک برداری شده و یک میلیون متر مکعب عملیات ساختمانی و بنایی لازم شده است و نیز ۳۳۴ تن باروت کوه کنی و ۲۸۰۰ تن دینامیت و ۱۷۰،۰۰۰ تن بتون بکار برده اند. در ازترین تونل در شمال تونل گدو کست که ۲ کیلومتر و ۸۸۰ متر طول دارد و طول ترین تونلهای راه آهن ایرانست. در ازترین تونل در جنوب تونل تنگ چهار آبدیزست که دو کیلومتر و ۵۲۶ متر طول دارد. از تونلهای شمال چهار تونل هست که هر یک بیش از یک کیلومتر طول دارند و نه تونل که هر یک بیش از نیم کیلومتر طول دارند. از تونلهای جنوب چهار تونل هر یک بیش از دو کیلو متر و ۱۷ تونل هر یک بیش از یک کیلومتر و ۱۶ تونل هر یک بیش از نیم کیلومتر طول دارند.

در طول این خط ۴۱۹۰ پل بزرگ و کوچک و آب و هوا قدار و لوله فلزی و گذرگاه ساخته شده است و از آن جمله ۳۶۰ پل بزرگ و کوچکست که با مصالح بنایی و فلز ساخته اند و مهم ترین آنها پل اورین و پل ورسک و پل ایستگاه تهران در شمال و پل رود شور و آبدیز و پل کارون در جنوبست که هر یک از آنها را شاهکارهای فنی مهندسی و ساختمان دانسته اند. روی هم رفته ساختمانهایی که برای عبور راه آهن از شمال به جنوب شده در خط شمال ۱۹۳۳ دستگاه بطول ۶۸۴۲ متر و در خط جنوب ۲۸۳۹ دستگاه بطول ۱۸۵۳ و روی هم رفته ۴۷۷۲ دستگاه بطول ۸۶۹۵ مترست.

در طول خط ۹۰ ایستگاه ساخته شده که ۳۱ ایستگاه آن در شمال تا تهران و ۵۹ ایستگاه آن در جنوب از تهران تا انتهای خطست و معادل ۳۴ هزار متر مربع زمین زیر بناهای اصلی و فرعی این ساختمانها قرار دارد. پس از اتمام ساختمان راه آهن که قطارهای مسافری و باری شروع برفت و آمد کردند مقداری لوازم برای بهره برداری راه آهن فراهم شد که در آغاز شامل ۱۳۲ لک و موتیو و ۲۲۹۷

واگون بوده است . ارزش راه آهن ایران بی‌بایی که در ۱۳۲۶ تخمین زده اند از حیث زمین و ساختمانها و وسایط نقلیه و خطوط و همۀ وسایل ارتباطی و بهره برداری معادل با ۷۵۲۵۵ میلیون ریال بوده است .

گذشته از کارهایی که برای ساختمان راه کرده اند يك عده کارخانهای تعمیرات نیز در ایستگاه های مختلف برای تعمیر لکوموتیو و واگونها و لوازم دیگر فراهم شده است که نخست شامل شش کارخانه تعمیرات در تهران و بندر شاه و اهواز و اندیمشک و پل سفید و قم بوده و پس از آن دو کارخانه دیگر در اراک و دورود دایر کرده اند . کارخانه تهران که از همه کامل ترست شامل قسمت های مختلف مانند ماشین خانه و نجارخانه و کارخانه ریخته گری و تعمیرات واگون و تعمیرات دیگ بخار و غیره است و دستگاه بسیار بزرگ است که از هر حیث با مؤسسات مهم کشورهای دیگر برابری میکند و همه تعمیراتی را که ممکنست در راه آهن ایران لازم بشود انجام خواهد داد . از آن جمله دو دستگاه جرثقیل الکتریک دارد که هر يك از آنها دارای چهل تن نیروست و می تواند دیگهای لکوموتیور را حمل و نقل کند .

گذشته از آن در ایستگاه تهران آشپانه ای دارای نه خط ساخته شده که گنجایش ۱۸ دستگاه لکوموتیو بزرگ را دارد . کارخانهای دیگر که در اهواز و اندیمشک و بندر شاه و اراک و پل سفید و دورود و قم ساخته شده هر يك نیز وسایل لازم را برای تعمیرات دارند . در ۳۵ ایستگاه که ۱۳ دستگاه آن در شمال و ۲۴ دستگاه آن در جنوبست دستگاه آب گیری برای پر کردن لکوموتیوها فراهم شده و این دستگاهها را نیز با اصول فنی جدید و با کمال دقت ساخته اند و از هر حیث جالب توجهست .

از سوی دیگر برای احتیاجات برق دودرگز بزرگ برق برای راه آهن

یکی در تهران دارای سموتور دیزل و نیروی ۱۵۰۰ اسب بخار و ۱۳۵۰ کیلووات آمپر و دیگری در اهواز دارای سموتور دیزل و نیروی ۷۶۰ اسب بخار و ۷۰۰ کیلووات آمپر فراهم کرده‌اند. نخست‌درمرکز برق تهران در هر شبانه‌روز سه هزار کیلووات برق بمصرف می‌رسید و پس از آنکه کارهای تعمیرات راه آهن توسعه یافت به هزار کیلووات رسید و در مرکز برق اهواز ماهی ۳۵۰۰۰ کیلووات بمصرف رسیده است.

گذشته ازین اقدامات مهمی که در طول راه بعمل آمد ساختمان دوبرمهم یکی در خلیج استراباد در کنار دریای خزر بنام بندر شاه و دیگری در گوشه غربی خلیج فارس بنام بندر شاهپور جزو عملیات راه آهن بوده است.

دربندر شاه در حدود ۲۵۰ کیلو متر آبهای ساحلی را نقشه برداری کرده و عمق آنها را معلوم کرده‌اند و يك اسکله چوبی بطول ۱۴۹ متر ساخته‌اند. دربندر شاه‌پور نیز در حدود هزار کیلومتر مربع آبهای ساحلی را مساحی کرده و عمق آنها را معلوم کرده‌اند و اسکله بزرگی ساخته‌اند که ۴۱۲ متر طول دارد.

دیگراز کارهای مهم ساختمان راه آهن بهداری کارگران بوده‌است که در چندین سال چندین هزار تن از ایشان در هر فصلی در نواحی مختلف سردسیر و گرمسیر مشغول کارهای گوناگون بوده‌اند. بهمین جهت در ضمن عملیات ساختمان توجه تامی به بهداشت کارگران داشته‌اند و اداره بهداری منظمی با عده کثیر کارمند تأسیس کرده‌اند و این اداره در نقاط مختلف مسیر راه آهن صد و يك بیمارستان بزرگ و کوچک دایر کرده‌است که چهل تن پزشک و چهار صد تن پزشکیار و داروساز و پرستار و غیره و ۲۴ آمبولانس و پنج اتومبیل سواری برای تأمین نیازمندیهای این بیمارستانها درین زمینه مشغول کار بوده‌اند و گذشته از آن در هر قطعه ساختمانی راه آهن يك پست امدادی دارای ۱۵ تا ۲۲ تخت خواب دایر بوده و نیز در نواحی



شاهنشاه ایران در ایستگاه راه آهن فوزید

کوه ستانی در هر پنج کیلومتر مسافت و در نواحی دیگر در هر ده تا پانزده کیلومتر مسافت یک پست امدادی دارای دو تخت خواب بوده است .

از سال ۱۳۱۲ تا پایان ساختمان در ۵۴ میلیون روز کار بیشتر از ۲۴۸۸ تن از کارگران گرفتار حوادث و اتفاقات در حین انجام وظیفه شده اند و در این عده ۱۱۳۷ تن معالجه شده و ۶۷۷ تن ناقص گشته و ۶۷۴ تن در گذشته اند . در مدتی که کنسرسیوم کامپسا کس مشغول کار بود تا پایان اردی بهشت ماه ۱۳۱۷ مبلغ بیست میلیون و سیصد هزار ریال خرج بهداری کارگران شده است .

جمع کل درآمدی که برای ساختمان راه آهن سراسری در مدتی که عملیات ساختمان ادامه داشته وصول شده است مبلغ ۲،۱۹۵،۱۸۰،۷۰۰ ریال یا ۵۸۷،۴۴۸،۵۸۷ لیره انگلیسی بوده است . از این مبلغ ۲،۱۸۸،۳۳۴،۲۲۰ ریال خرج شده و پس از اتمام عملیات ساختمان مبلغ ۶،۷۴۶،۴۸۰ ریال از این درآمد باقی بوده است .

سرانجام راه آهن سراسری ایران که ساختمان آن از مهمترین وقایع تاریخ کشور ماست و شامل ۱۳۹۴ کیلومتر است و شمال کشور را بجنوب آن می پیوندد پس از آنکه ده سال و یازده ماه و یازده روز ساختمان آن کشید در ۴ شهریور ماه ۱۳۱۷ در ایستگاه فوزیه بهم متصل شد و کاملاً برای افتاد و بدست شاهنشاه ایران افتتاح یافت و بدین گونه شش ماه و ۲۴ روز زودتر از آنچه انتظار میرفت و پیش بینی شده بود پایان رسید .

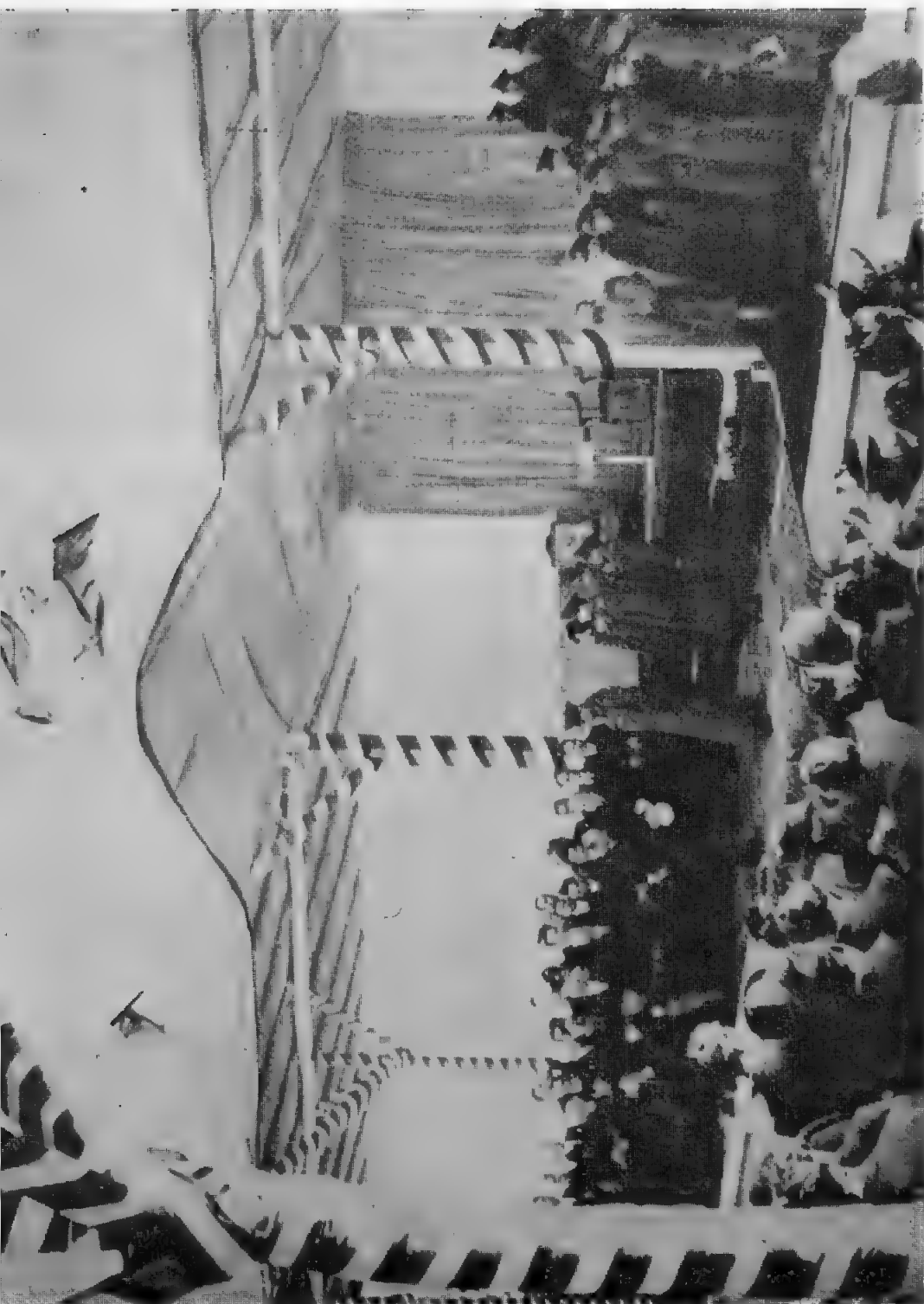
نکته ای که درین باره اهمیت بسیار دارد اینست که برای ساختمان این راه آهن باین عظمت که یکی از درازترین خطوط راه آهن در جهانست دولت ایران دیناری از هیچ کشور بیگانه استعانت نخواست و بهیچ وجه نه در داخله و نه در خارجه برای انجام کاری بدین بزرگی که هفتاد سال در رأس آرزوهای ایرانیان بود و بهزاران دشواری سیاست بین الملل بر می خورد قرضی نکرد و همه هزینه های

سنگین آنرا که ازدومیلیارد ریال بیشتر بود از عایدات جاری بودجه کشور پرداخت و قسمت اعظم کارهای آن بدست ایرانیان انجام گرفت و همه کارگران آن ایرانی بودند و اندک مددی از خارج برای ایشانکار نشد و یکی از مشکلترین و پرخارجترین راه آهنهای جهان و یکی از دشوارترین مسایل اقتصادی و سیاسی آسیا بدین آسانی حل شد و جهانیان در شگفت ماندند زیرا تا زمانی که اینکار پایان نرسیده بود کسی گمان نمیکرد بدین آسانی و بدین زودی انجام بگیرد.

پس از اتمام راه آهن سراسری ایران که شمال کشور را بجنوب آن متصل کرد دولت ایران بهمان قانع نشد و بلافاصله نقشه وسیع دیگری برای ساختمان راههای فرعی طرح کرد که مشرق و مغرب کشور را بخط شمال و جنوب و شهرها و مراکز عمده صنعت و اقتصاد را بیک دیگر مربوط کند و بدین جهت نخست سه خط راه آهن دیگر طرح کردند و فوراً بساختن آنها پرداختند: یکی خط تهران بآذربایجان و از آنجا بمرز ترکیه که تسطیح آن تا زنجان رسید و جنگ جهانی دوم مانع شد که پایان برسد. دیگر خط جنوب شرقی که میبایست از تهران بمعدن انارک و از آنجا بیزد و کرمان و کرانههای خلیج فارس برسد و تسطیح آن تا انارک رسید و باز حوادث جنگ مایع از اتمام آن شد. سوم خط خراسان و نواحی شمال شرقی که یک قسمت از آن یعنی راه آهن گرمسار بسمان تمام شد و در ۲۵ خرداد ماه ۱۳۱۸ افتتاح یافت و در میان سمنان و شاهرود نیز عملیات تسطیح پایان رسیده بود که جنگ مانع شد.

خط گرمسار بسمان در دیماه ۱۳۱۶ بساختن آن شروع کردند و این خط تا شاهرود ۳۱۵ کیلومتر است و قسمت عمده آن از کویر مشرق ایران میگذرد و برای ساختمان آن دو چار دشواریهای بسیاری بوده اند. برای ساختمان این خط از گرمسار بسمان ۷۴ میلیون ریال خرج کرده اند و هر کیلومتر آن در حدود ۶۱۰ هزار ریال ارزش

شاهنشاه ایران در مراسم جشن اتصال راه آهن سر قاسری



یافته است. مجموع عملیات ساختمانی آن نه‌ماه کشید و درین مدت يك میلیون و دوست هزار مترمکعب خاک‌ریزی و خاک برداری کردند و چهل هزار متر مکعب ساختمان کرده‌اند و دوپل بزرگ در آن ساخته‌اند که هر يك ۹۴،۵۵ متر طول دارد و در هر روز هشت هزار کارگر ایرانی در آن کار می‌کرده‌اند. از سوی دیگر روزی ۴۵۰ متر ریل گذاری در آن شده و گاهی هم به ۹۰۰ متر رسیده است و در حدود ده هزار تن ریل و صد و هفتاد هزار تیراورس کارخانه شیرگاه در آن به مصرف رسیده است.

گذشته از ساختمان این خطوط راه آهن اقدام مهم دیگری که درین زمینه شده تربیت يك‌عده کارمند و کارگرفنی برای کارهای مختلف راه آهنست. از آنجمله يك‌عده جوان ایرانی را برای فرا گرفتن فنون مربوط باینکار بکشورهای اروپا فرستادند و ایشانرا برای تأمین حوایج آینده ایران تربیت کردند. نیز در بنگاه راه آهن يك‌عده آموزشگاه مختلف برای کارهای مربوط براه آهن تأسیس کردند و ازین حیث احتیاجات راه آهن ایران کاملاً تأمین شد. این کار بدین رزگی که در اندک مدتی با کمال آسانی پایان رسید همیشه بدست ایرانیان اداره خواهد شد و راه آهنها را افراد کشور خود اداره خواهند کرد.

دیگر از کارهایی که درباره راه آهن‌های ایران شده اصلاح اساسیست که در راه آهن جلفا بتبریز و شرفخانه بعمل آمده و درین مدت تعمیرهای اساسی و اصلاح فراوان در آن کرده‌اند و لوازم بسیار از لکوموتیو و واگون و غیره برای آن آماده شده است و از هر حیث آنرا تجدید کرده و راه آهن مندرس و فرسوده دوره گذشته بکلی از آن حال سابق بیرون آمده و هزینه‌های فراوانی که کرده‌اند آنرا بصورت راه آهن جدیدی در آورده است، مانند آنکه آنرا از نو ساخته باشند.

اصلاحات بهداشتی

در میان اصلاحات فراوانی که در دوره پهلوی در ایران کرده‌اند با اصلاحات بهداشتی نیز اهمیت بسیار باید داد. پیداست که تن‌درستی اساس زندگیت و هیچ کس هرگز تردید نکرده است که افراد رنجور و ناتوان و دردمند نمی‌توانند جامعه نیرومند و کشور توانایی تشکیل دهند و این نکته از بدیهی‌ترین مسایل زندگیت که تن‌درستی افراد و بهداشت ایشان یکی از مهم‌ترین وظایف هر دولتیست زیرا بسیار آشکارست که از مردم ناتوان کار ساخته نیست و از قدیم گفته‌اند عقل سلیم در بدن سالمست.

دین دوره از هر جهت نسبت به بهداشت مردم ایران توجه کرده‌اند و در هیچ دوره دیگر نظیر آن در تاریخ کشور مآدیده نمی‌شود و یکی از آشکارترین دلایل برتری این دوره بر دوره‌های پیش از آنست. در دوره‌های گذشته بهیچ وجه در بهداشت عمومی و خصوصی افراد کشور توجه نمی‌کردند و بهترین دلیل آنست که هر وقت در همسایگی ایران یکی از بیماری‌های مسری بروز میکرد فوراً بایران راه می‌یافت و در ادوار گذشته در تاریخ ایران مرتباً می‌بینیم که هر چند یک بار بیماری‌های مسری مانند وبا و طاعون و حصبه و غیره عمومی شده است و گریبان همه کس را گرفته و هزاران تن جان سپرده‌اند. در ایران هنوز کسانی هستند که یکی دو بار سال و بای پایان دوره قاجارها را

بیاد دارند و آن حصه مطبقه و گریپ عمومی سال قحطی ۱۲۹۶ را جوان‌ترها نیز از یاد نبرده‌اند .

اما درین دوره توجه خاصی نسبت بپهداشت عمومی کردند و یکی از نخستین قدمهایی که درین راه برداشتند درین زمینه بود . پس از کودتای ۱۲۹۹ وزارت خانه تازه‌ای در ایران با اسم وزارت صحیه و امور خیریه تاسیس شد و پس از چندی تبدیل شد باداره کل صحیه مملکتی و اداره کل بهداشت کشور و سپس بوزارت بهداری و حال آنکه پیش از آن تنها يك شعبه صحیه دروزارت داخله مرکب ازدوتن عضو يك مجلس حفظالصحه بود که اعضای آن افتخاری کار می‌کردند و جلسات مرتبی نداشت درین دوره اداره کل بهداشت و ادارات بهداشت شهرداریها يك سلسله کارهای مهم در بهداری عمومی کرده‌اند .

یکی از نخستین اقدامات تاسیس ادارات بهداری در شهرداریها بوده است و بدین وسیله نه تنها پستهای امدادی در نقاط مختلف کشور دایر شده بلکه در بسیاری از شهرهای ایران بیمارستانهایی ساخته‌اند که بهداری آن شهر متصدی آن بوده است و برخی از آنها را وزارت بهداری ساخته است. از آن جمله در تهران چند بیمارستان جدید مانند بیمارستان شهرداری و بیمارستان وزیری و بیمارستان گوهرشاد و بیمارستان فیروزآبادی و بیمارستان پانصد تخت خوابی بکار آغاز کرده‌اند و حال آنکه در پایان دوره قاجارها در تهران تنها يك بیمارستان دولتی و يك بیمارستان نظامی احمدیویك بیمارستان زنان دایر بود. گذشته از آن بیمارستانهای مخصوصی مانند بیمارستان مسلولین در شاه آباد تهران و بیمارستان امراض مقاربتی در شهر تأسیس کرده‌اند و نیز در شهرهای دیگر مانند رشت و تبریز و شیراز و کرمان و قم بیمارستانهای دیگر دایر شده که معروف تر و مهم تر از همه بیمارستان شهرضا در مشهد است که از بنگاه‌های مهم بشمار می‌رود. در ضمن بیمارستانهای سابق را نیز تکمیل

و اصلاح کرده و شعبه‌های تازه برای بیماریه‌ای دیگر در آنها دایر کرده‌اند.

دیگر توجه خاصیت که بهداشت افراد نظامی کرده‌اند و نه تنها در مراکز عمده بیمارستانهای نظامی دایر شده بلکه در هر واحدی نیز بیمارستان مخصوصی فراهم کرده‌اند و نیز بنگاه رادیولوژی (پرتوشناسی) مهمی برای ارتش تاسیس کرده‌اند. در ضمن بیمارستانهای ارتش را که سابقا تاسیس کرده بودند تکمیل کردند و دو بیمارستان شماره یک و شماره دو ارتش از مهم‌ترین تاسیسات بهداشتی شده است. نیز دارالمجانین (تیمارستان) تهران توسعه کامل یافته و در آن هم اصلاحات مهم کرده‌اند. گذشته از پست‌های امدادی و بیمارستانها در بسیاری از شهرهای ایران مخصوصا در تهران بنگاه‌های بهداشتی دیگری چه بدست شهرداریها و چه بدست اداره کل بهداشتی تاسیس شده است مانند زایشگاهها و شیرخوارگاهها و مطب‌های عمومی و غیره.

دیگر از کارهای مهمی که درین زمینه کرده‌اند تاسیس بنگاه پاستور در ایرانست که پیش از آن بهیچ وجه سابقه نداشت و از موسسات مهمیست که در آغاز این دوره در تهران برقرار شد و اینک آنچه سرم و مایه (واکسن) و غیره برای احتیاجات بهداشتی کشور لازم باشد هم‌چنانکه در کشورهای متمدن جهان می‌سازند در بنگاه پاستور تهران نیز تهیه میکنند. پس از آن بنگاه سرم‌سازی حصارک در نزدیکی کرج تاسیس شد و این کار نیز از اقدامات بسیار مهم این دوره بوده است.

کار مهم دیگر که در راه بهداشت کشور کرده‌اند ترویج فوق‌العاده ورزش و تربیت بدن نیست که سابقا بقا بقا گوناگون آن اشاره کردم و سودهای بی‌شماری که این کار بزرگ در اصلاح نژاد ایرانی و بهداشت و تندرستی جوانان از پسر و دختر دارد بر کسی پوشیده نیست. درین زمینه تاسیسات پیش‌آهنگی دختران و پسران و مسابقه‌های ورزشی را نیز باید از کارهای مهم در بهبود نژاد و بهداشت جوانان

دیگر از کارهای مهم توسعه فوق العاده ایست که در آبله کوبی داده شد و بهیچ وجه بادستگاه دوره های گذشته قابل قیاس نیست چنانکه از آن پس دیگر در ایران مبتلای بآبله دیده نشد و حال آنکه در دوره گذشته بسیار فراوان بود. اهمیت این کار بیشتر ازین جهتست که مبتکر آبله کوبی در جهان ایرانیان بوده اند و پزشکان قدیم ایران پوستی را که روی دانه های آبله بستمی شد می گرفتند و بدن دیگری را خراش می دادند و آن پوست را در آن جامی گذاشتند و کسی که این عمل را درو کرده بودند مبتلا بآبله نمی شد.

دیگر از کارهای اساسی این دوره توجه خاصی ببهداشت مادران و نوزادان و کودکان شیرخوارست ، چنانکه بیمارستان مخصوص بیماریهای زنان و کودکان گذشته از زایشگاهها و شیرخوارگاههایی که پیش ازین بآنها اشاره رفت تاسیس کردند و روز بروز توسعه یافت و نیز آموزشگاه مخصوص مامایی و آموزشگاه مخصوص پرستاری تاسیس شد و هر سال عده ای از زنان ایرانی ازین آموزشگاهها بیرون می آیند و بخدمات مهم خود می پردازند.

دیگر از کارهای مهم درین زمینه معاینه بهداشتی کودکان و جوانان در دبستانها و دبیرستانها و دانشکده هاست که آن نیز در دوره پیشین معمول نبود و اداره مخصوصی برای بهداری مدارس با وسایل کامل فراهم شده است . درین زمینه بمعاینه صحی پیش از ازدواج و محروم کردن پسر و دختر نابالغ از زناشویی باید اهمیت داد زیرا که در حد خود فواید محسوسی دارد که حاجت بتاکید نیست.

قدم بسیار بلند دیگری که برداشته اند تربیت يك عده کثیر از پزشکانست و هر سال عده بسیار از جوانان را برای فرا گرفتن علم طب و کار آموزی در بیمارستانهای بزرگ و معروف جهان بکشورهای متمدن فرستاده اند و نیز عده ای پزشک برای ارتش

تربیت کرده‌اند و دانشکده طب تهران توسعه کامل یافته و اصلاحات بسیار در آن کرده‌اند و بنای بسیار باشکوهی در دانشگاه تهران برای آن ساخته‌اند و مخصوصاً قسمت تشریح را در آنجا تأسیس کرده‌اند و این اقدامات نیز در بهداری عمومی بسیار مهم بوده است.

قدم مهم دیگری که در بهداری عمومی برداشتند وضع و اجرای قانون طبابت بود که بموجب آن تا کسی از دانشگاه‌های کشورهای متمدن گواهی نامه نداشته و امتحان در فن خود نداده باشد از طبابت محروم باشد. بدین وسیله زیانهای بسیار که از یک عده مردم نادان که در نواحی مختلف پیش خود بطبابت مشغول بودند بجان مردم می‌رسید از میان رفت و این شغل شریف منحصر بکسانی شد که واقعاً تحصیلات کامل درین رشته کرده بودند. کسانی که طب قدیم را فرا گرفته بودند بعنوان پزشک مجاز اجازه یافتند بمداوای برخی از امراض مخصوص پیراوند و پس از آنکه این عده از میان رفتند دیگر بکسی این اجازه داده نشد.

دیگر از کارهای بسیار مهمی که درین دوره شد تأسیس جمعیت شیر و خورشید سرخ برای مردان و زنان بوده است که از آن نیز در دوره پیشین خبری نبود. این بنگاه ملی بسیار مهم که دستیارهای گوناگون در بهداری عمومی و خصوصی میکند یکی از مؤثرترین وسایل دستگیری از مردم بی‌نوا و بی‌کس ورنجور و بیمارست. مخصوصاً در مواقعی که بلاها و آفات می‌شود خدمات مهم بجامعه میکند، چنانکه چندین بار در موقع زلزله و سیل و وقایع دیگر چه مستقیماً از عایدات خود و چه بوسیله جمع‌آوری اعانه خدمات جالبی بآفت‌زدگان کرده است. توجه تام و دلسوزی کاملی که دولت ایران نسبت بافراد کشور داشت درین مواقع و بدین وسیله کاملاً آشکار شد و هرگاه خطری یا آفت و بلایی متوجه مردم قسمتی از کشور شد فوراً در صدد رفع و جبران آن برآمدند و بهترین وجهی آن آفت و بلای

آسمانی را چاره کردند و بزرگترین سرمشق نوع پرستی و انسان دوستی را دوات ایران خود داد و بهمین جهت تاسیس جمعیت شیر و خورشید سرخ را که مهم ترین بنگاه ملی برای دستگیری از بی نوایانست از کارهای مهم این دوره باید دانست .

قدم بسیار مهم دیگری که درین راه برداشته شد تاسیس ادارات بهداشتی کامل شهرستانها و شهرها بود . در دوره سابق اگر هم بهداشتی وجود داشت منحصر بپای تخت بود و مردم شهرهای دیگر از آن محروم بودند . در بسیاری از شهرهای درجه اول و دوم ایران بیمارستان نبود و حال آنکه ایرانیان نخستین ملتی در جهان هستند که بیمارستان دایر کرده اند و در دوره ساسانیان در گندشاپور که مرکز فرا گرفتن علم پزشکی بوده موسسه ای بنام « مارستان » وجود داشته که کار بیمارستانهای امروز را میکرده است . در دوره اسلامی بیمارستانهایی که امیر عضدالدوله دیلمی در شهر ری و در شهر بغداد دایر کرده بود از وقایع مهم تاریخ بشمار می رود . در دوره های گذشته مردم بسیاری از شهرها از دارو و درمان محروم بودند اما درین دوره در اکناف و اطراف ایران بنگاه های بهداشتی که تابع شهرداریها یا وزارت بهداشتی بوده اند تشکیل داده اند و در هر شهری نیز اداره بهداشتی تابع وزارت بهداشتی تاسیس کرده اند و همه مردم ایران علی السویه ازین نعمت ها برخوردار شدند و دیگر منحصر بمردم پای تخت نبود و نیز ادارات نظامی که در سراسر کشور بودند وسایل کامل بهداشت افراد خود را آماده ساختند . در مرزهای کشور و جاهایی که در خطر هجوم امراض بودند وسایل کامل قرنطین از هر حیث آماده شد و همین که خطری پیش بینی می شد با سریع ترین وسایل و کامل ترین وسایلی که در کار هست از آن خطر جلو گیری کردند و بوسایل علمی افراد را از خطر رها کردند

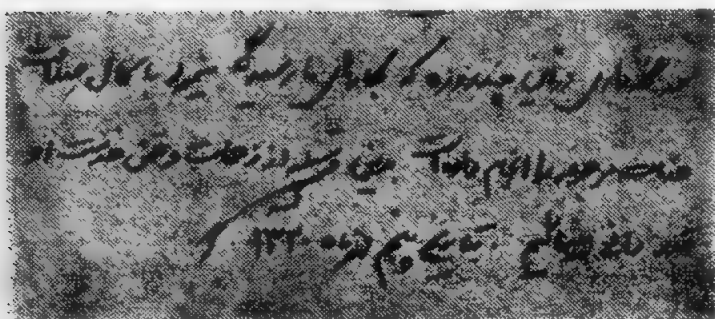
از سوی دیگر چنانکه در مبحث مخصوص براه آهن اشاره رفت دولت همواره

توجه خاص بهداشت کارگران و طبقات رنج بر کشور داشته است . در ضمن ساختمان راه آهن دقت تام بهداشت افراد کرده‌اند و نیز در کارخانهای متعدد که در نواحی مختلف درین دوره بوجود آورده‌اند وسایل کامل بهداشتی را فراهم کرده‌اند و توجه خاصی نسبت باین مسئله داشته‌اند . حتی در بسیاری از قراردادها و امتیازاتی که درین دوره امضا شده مواد مخصوصی برای تأمین بهداشت افراد هست و صاحبان امتیازات را وادار کرده‌اند توجه تام بیهیادری افراد و کارگران و خدمت‌گزاران خود داشته باشند . دراما کن عمومی مانند مهمانخانه و کافه‌ها و رستورانها و سینماها و غیره و در مغازه‌ها و دکانها مخصوصا در گرمابه‌ها و مغازه‌های سلمانی و دکانهای فروشندگان مواد خوراکی و آشامیدنی از آن جمله نانواها و قصابها و میوه‌فروشها و خوراکی‌پزها و بستنی‌فروشها و قهوه‌خانه‌ها و غیره مرتباً رعایت شرایط بهداشتی را مراقبت و بازرسی کامل میکردند و مقررات خاصی برای بهداشت هر يك از آنها وضع کردند و اجرای آنها را جدا خواستار بودند و شهرداریها و شهربانی‌ها هر يك در حد خود مامور نظارت درین كارها شدند . از جمله اقداماتی که درین زمینه شده تبدیل خزانهای عمومی گرمابه‌ها بدوش بوده است که در سراسر کشور مراقبت کرده‌اند و فواید این کار در بهداشت عمومی و برای اجتناب از بیماریهای ساری و مخصوصا بیماریهای جلدی و مقاربتی بسیارست . دیگر از اقداماتی که درین راه شده معاینهٔ صحی کارگران گرمابه‌ها و سلمانیها و رستورانها و دکانهایست که مواد خوراکی می‌فروشند و فواید این کار نیز آشکارست .

دیگراز کارهایی که در بهداشت عمومی بسیار مؤثر بوده است ترویج درخت کاری و حراست درختهای کهن را باید دانست . این کار مورد توجه خاص دولت بود و مخصوصاً روزی را در سال برای جشن درخت کاری مقرر کردند و در میان



هنگام اقامت در آفریقا (جزیره موریس)



نمونه خط رضاشاه

در این کلیشه نمونه خط رضاشاه کپی‌بردیده میشود :
در اوائل مهرماه سال ۱۳۲۰ رضاشاه پهلوی خاك ايران
را ترك گفت و از طريق اصفهان - كرمان - سیرجان -
بندرعباس بسوی آفریقا عزیمت فرمود .

محمدگله‌داری از عناصر سرشناس و معروف بندرعباس
هنگام عزیمت رضاشاه ، از بندرعباس تا کرمان آمده بود
و از کرمان تا بندرعباس در التزام آن شاهنشاه بود .

در آخرین لحظاتی که رضاشاه پهلوی در روی اسکله
بندرعباس عازم کشتی بود از خدمات گله‌داری طی آن چند
روز قدردانی شد و بنا باستدعای گله‌داری ، اعلیحضرت
رضاشاه در لحظه عزیمت از بندرعباس ، این دستخط را شخصاً
نوشتند . متن دستخط چنین است :

«محمدگله‌داری در این چند روزه که بکارهای ما
رسیدگی مینمود با کمال صداقت خدمات مرجوعه را
انجام داده است بدینوسیله از زحمات و حسن خدمت
او قدردانی مینمائیم .

بتاریخ پنجم مهرماه ۱۳۲۰ رضا پهلوی
عین این دستخط در نزد دارنده آن محفوظ است .

آموزشگاه‌های مختلف کشور عمومی شد تا بدین وسیله شمارهٔ درختان کشور روز بروز بیشتر بشود و در تصفیهٔ هوا موثر باشد و در بهداری عمومی و خصوصی مردم یاری کند. درین زمینه سرپرستی و مراقبت کامل از جنگلهای کشور را نیز باید در نظر داشت که تنها یکی از منابع اقتصادی کشور نیست بلکه یکی از وسایل بهداری افراد نیز بشمارست.

اقدام دیگری که در بهداری عمومی شده ایجاد گردش گاهها و تفرج گاهها و باغهای عمومی در شهرها و آبادیهای کشور بوده است و همه جا اقدامات گوناگون درین راه کرده‌اند و وسایل مختلف برای تفریح و تفرج افراد فراهم آورده‌اند و نتایج این کار مهم نیز در بهداشت عمومی معلومست.

دیگر از کارهای بسیار مفید که در سراسر کشور بدان توجه داشته‌اند و کمال جد و جهد را در آن بکار برده‌اند مراقبت کامل در پاکیزگی شهرها و آبادیها و مخصوصا کوی و برزنها و میدانها و مجامع عمومی بوده است که آن نیز در دورهٔ پیشین معمول نبود و کار گزاران دولت کمترین توجهی بدان نمی‌کردند.

دربارهٔ بهداشت زنان قدم بسیار بزرگی که برداشته شد رفع حجاب بود. پیداست که حجاب گذشته از مفاسد اخلاقی و اجتماعی و مدنی مضار بهداشتی بسیار نیز داشته است. تردیدی نیست موجودی که مدتی از روز و شب از هوا و آفتاب که دو عنصر مهم بهداری و تن‌درستیست محروم باشد موجود زود رنج ناتوانست که تن‌درستی او دستخوش آفت و زیانست و بهمین جهت رفع حجاب را که مهمترین اصلاح اخلاقی و اجتماعی و مدنی این دوره است یکی از اصلاحات بهداشتی زنان ایران نیز باید دانست و این فایدهٔ عظیم آنرا جزو فوایدی که پیش ازین بدانها اشاره کردم باید بشمار آورد.

دیگر از اصلاحاتی که در زمینهٔ بهداشت عمومی پیش آمده توجه خاصیت

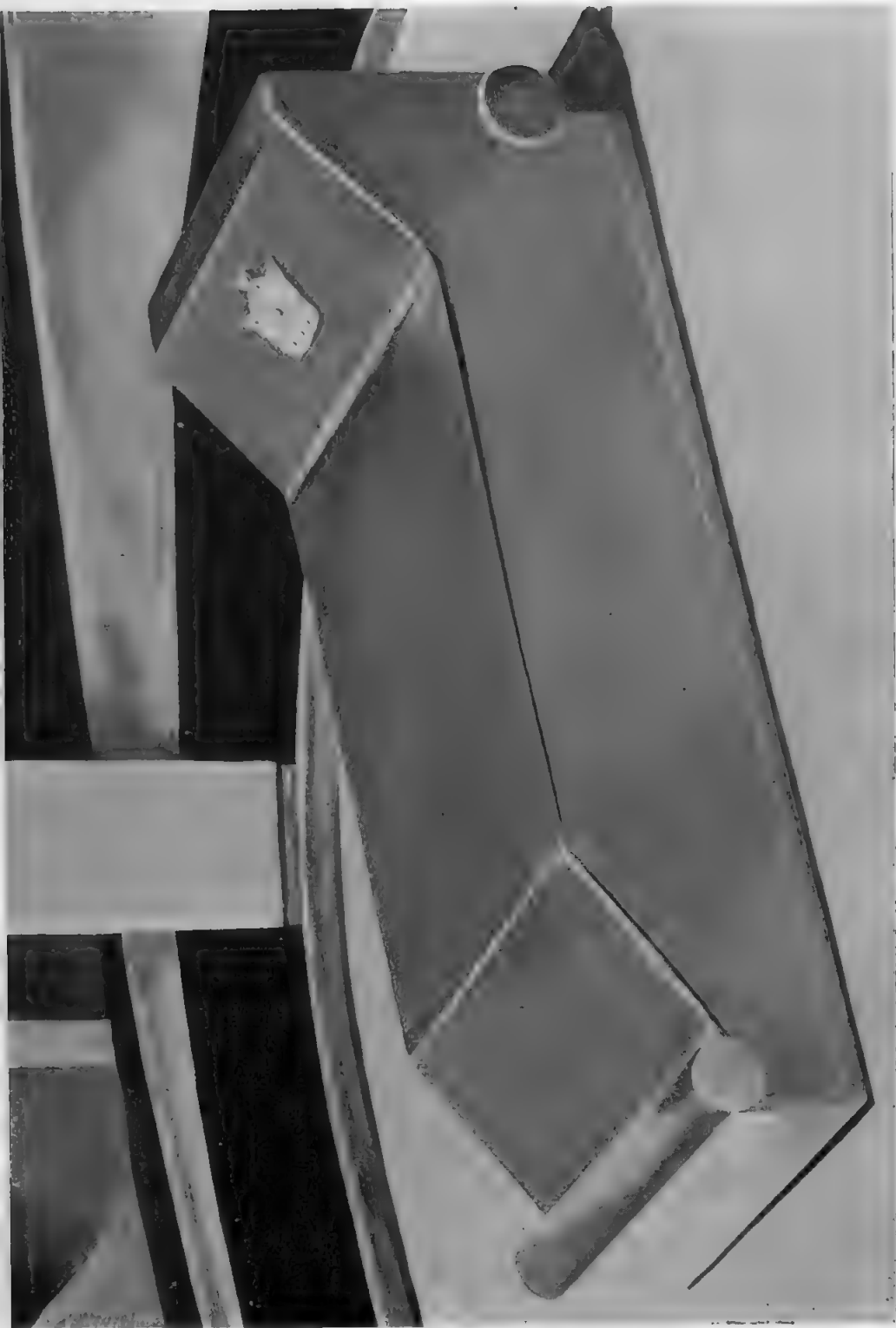
که برانمایی دولت و دانشگاه تهران بعلم پزشکی و کتابهای سودمند بزبان فارسی در رشته‌های مختلف این علم و در بهداشت و غیره کرده‌اند. مخصوصاً این توجه سبب شده است که هرچند يك بار کتابهای بسیار سودمند در رشته‌های مختلف طب و بهداشت بزبان فارسی بنویسند یا ترجمه کنند و بطبع و نشر آنها پردازند و بدین وسیله معلومات لازم را بهمه طبقات مردم کشور برسانند. درین دوره کتابهای چند درین زمینه بزبان فارسی انتشار یافته است که بهیچ وجه تا آن زمان نظیر نداشته بودند.

اصلاح دیگری که در زمینه بهداشت عمومی شده ترقیات است که در فن داروسازی فراهم آمده و بسیاری از دواها و مواد طبی را که طرف حاجت عموم است و پیش از آن از خارج می‌آوردند در ایران بدست کارگران ایرانی ساختند و شرکت‌های چند برای این کار تشکیل یافت و يك قسمت از نیازمندیهای مردم کشور را تامین کردند.

پیشرفت دیگری که درین زمینه فراهم شده ایجاد و تاسیس آزمایشگاه‌ها و لابراتوارهای طبی خصوصی برای آزمایشهای دزه‌بینی و پزشکیست که گذشته از آزمایشگاه‌های وزارت بهداشت و بیمارستانها و بهداریهای شهرها و غیره دانشمندان ایرانی خود عده‌ای معتابه از آنها تاسیس کرده‌اند و احتیاجات مردم را ازین حیث تامین میکنند و این نیز کاریست که در دوره‌های سابق معمول نبود و مردم راهی برای رفع این نیازمندی نداشتند.

دیگر از کارهای مهمی که در بهداری عمومی ایران درین دوره شده است استخراج و استفاده از آبهای معدنی بوده است که برای اصلاح بیماریهای جلدی و درونی و کمک در تن‌درستی مردم بسیار مؤثر بوده است و بسا امراض را ازین راه علاج کرده‌اند. این آبهای معدنی که از بدو تکوین زمین در ایران بوده است

سنگ آرامگاه و ضلعه در شهر ری



قرنهای متعددی بهدر می‌رفت و هیچ کس از آنها بهره‌مند نمی‌شد . درین دوره این آبها را بهترین وجهی در معرض بهره‌مندی مردم قراردادند و هر کس توانست در مداوای خود از آنها بهره ببرد . از آن جمله بود آب معدنی چشمه علی نزدیک رودهن و آبهای معدنی رامسر که بهترین وجهی مردم از آن بهره یاب شدند و بنگاه‌های زیبا و با شکوهی در سر آن چشمه‌ها ساختند و هر گونه وسیله برای همه کس در آنجا فراهم آمد تا رنجوران و بیماران از فواید این آبهای شفا بخش بی‌نصیب نمانند .

توضیح

درین کتاب کلمه «شهریاری» را بمعنی حقیقی آن که مرادف کشور داری و فرمانرواییست بکار برده‌ام. معمول شده است درین زمان درین مورد کلمه «زاممداری» را بکار می‌برند. زمام بکسر اول بزبان تازی بمعنی مهار و رشته‌ایست که در بینی شتر بندند و بدین گونه زمامداری بدین معنی که امروز بکار می‌برند ناپسندست و باید از آن پرهیز کرد. معنی حقیقی شهر در زبانهای ایرانی آن چیز است که بآن کشور هم گفته‌اند چنانکه کشور ایران را در قدیم «ایران شهر» می‌گفتند و کلمه «شرپت» که در زبان دری «شهر بد» باید گفت و همانست که یونانیان آنرا «ساتراپ» تلفظ کرده‌اند بمعنی کسیست که فرمان فرمای کشوری بوده است. فرهنگ نویسان هم «شهریار» را کلاتر و بزرگ شهر معنی کرده‌اند و شهر درین جا بمعنی کشورست. پس معنی درست «شهریاری» فرمانروایی و کشور داریست و در این کتاب نیز بدین معنی بکار برده‌ام.

منابع این کتاب

در تیرماه ۱۳۱۳ شاهنشاه پهلوی بهیئت دولت دستور دادند صورتی از کسانی که برای تدوین و تألیف تاریخ دوران شهریاری آن شاهنشاه مناسب باشند آماده کند. در میان کسانی که نامشان برده شده بود مرا بدین افتخار نایل کردند و من صمیمانه این خدمت را بعهده گرفتم زیرا که دوره پیش از شهریاری آن شاهنشاه را درک کرده بودم و پیشرفتهایی را که روز بروز در پرتو کوشش شبانروزی این مرد بزرگ بهره ایران می شد می دیدم. در همان زمان دستوری بنخست وزیر آن روز دادند که همه وزارتخانه ها و دستگاه های دولتی بنویسند هر گونه اطلاعاتی را که برای این کار لازم دارم از دادن آن دریغ نکنند. منابع این کتاب بدین گونه از درست ترین اطلاعاتی که در دستگاه های دولتی بود فراهم آمد و بسیار شادم که خلاصه ای از آنها که راهنمای تاریخ نویسان در آینده خواهد بود بدین گونه درین صحایف انتشار می یابد.



وزارت جنگ

ارکان حرب کل فزون

رکن

شعبه

عمره

مقام ضمیمه ریاست م ترموز و اعزام دامت شوکت

پروچوا و مرابطه حروف و اعداد

میره که منتم عمره است تعقیب عمره (۱۰۵۹/۱۰۵۹) منضم است مقرر -
بائمه ذکر شود ۱۲/۱۰/۲۰

مرماید ان عانو که برای تدوین تار و اغلب حضرت به استوار

ارواحنا فداه خواسته شده هرچه زود تر ارسال دارند که

اقای نفیسی مورد استفاده قرار دهند .

کفیل ارکان حرب کل فزون

امیر لشکر

حساب الامریات سواد صادره فوق بضمیمه سواد داده .

عمره (۷۸۶۵۸/۱۱۱۱) جهه اطلاع جناب آقای -
۱۲/۱۰/۲۶

سعید خان نفیسی ارسال میگردند .

کفیل رکن سوم ارکان حرب کل فزون

سر هفتا

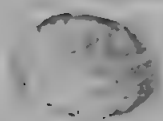
تاریخ ۱۳۰۰
شماره ۵۵۵
صفحه ۱



کابینه ریاست وزراء

جناب آقای میرزا سعید خان

مرحله شریفه مورخه ۲۱ تیرماه ۱۳۱۳ که تصدق شده بود در روز دوازدهم
در مقام منع ریاست در دادگاه نوشته کتاب به طاعت نذر است
تا ریح سلطنت حضرت بهمان منبر اردو و خفا و زردیها و کتله و
و کسر و جانی در آن شود و صبر و دلشاید بود و طراش و کمال در
آن مقام دفع در موضوع فوق صادر گردیده و در آن قرار نمود





وزارت جنگ

فوری مستقیم

ارکان حرب کل فئون

سواد

دورخ

121- -66

— 100 —

ضمیمہ مکتوب مر.

مقام ضمیمہ ریاست محترمہ وزیر اعلیٰ محترمہ

میرزا معین خان، قمی، مامور است تاریخ الخبیر حضرت پهلوی ارواح فداه رند پس نماید
مذاریله مدانو صورت صمیمه احتیاج به از انی در روز ۱۳۰۰ ۱۳۰۱ ۱۳۰۲ ۱۳۰۳ ۱۳۰۴ ۱۳۰۵ ۱۳۰۶ ۱۳۰۷ ۱۳۰۸ ۱۳۰۹ ۱۳۱۰ ۱۳۱۱ ۱۳۱۲ ۱۳۱۳ ۱۳۱۴ ۱۳۱۵ ۱۳۱۶ ۱۳۱۷ ۱۳۱۸ ۱۳۱۹ ۱۳۲۰ ۱۳۲۱ ۱۳۲۲ ۱۳۲۳ ۱۳۲۴ ۱۳۲۵ ۱۳۲۶ ۱۳۲۷ ۱۳۲۸ ۱۳۲۹ ۱۳۳۰ ۱۳۳۱ ۱۳۳۲ ۱۳۳۳ ۱۳۳۴ ۱۳۳۵ ۱۳۳۶ ۱۳۳۷ ۱۳۳۸ ۱۳۳۹ ۱۳۴۰ ۱۳۴۱ ۱۳۴۲ ۱۳۴۳ ۱۳۴۴ ۱۳۴۵ ۱۳۴۶ ۱۳۴۷ ۱۳۴۸ ۱۳۴۹ ۱۳۵۰ ۱۳۵۱ ۱۳۵۲ ۱۳۵۳ ۱۳۵۴ ۱۳۵۵ ۱۳۵۶ ۱۳۵۷ ۱۳۵۸ ۱۳۵۹ ۱۳۶۰ ۱۳۶۱ ۱۳۶۲ ۱۳۶۳ ۱۳۶۴ ۱۳۶۵ ۱۳۶۶ ۱۳۶۷ ۱۳۶۸ ۱۳۶۹ ۱۳۷۰ ۱۳۷۱ ۱۳۷۲ ۱۳۷۳ ۱۳۷۴ ۱۳۷۵ ۱۳۷۶ ۱۳۷۷ ۱۳۷۸ ۱۳۷۹ ۱۳۸۰ ۱۳۸۱ ۱۳۸۲ ۱۳۸۳ ۱۳۸۴ ۱۳۸۵ ۱۳۸۶ ۱۳۸۷ ۱۳۸۸ ۱۳۸۹ ۱۳۹۰ ۱۳۹۱ ۱۳۹۲ ۱۳۹۳ ۱۳۹۴ ۱۳۹۵ ۱۳۹۶ ۱۳۹۷ ۱۳۹۸ ۱۳۹۹ ۱۴۰۰ ۱۴۰۱ ۱۴۰۲ ۱۴۰۳ ۱۴۰۴ ۱۴۰۵ ۱۴۰۶ ۱۴۰۷ ۱۴۰۸ ۱۴۰۹ ۱۴۱۰ ۱۴۱۱ ۱۴۱۲ ۱۴۱۳ ۱۴۱۴ ۱۴۱۵ ۱۴۱۶ ۱۴۱۷ ۱۴۱۸ ۱۴۱۹ ۱۴۲۰ ۱۴۲۱ ۱۴۲۲ ۱۴۲۳ ۱۴۲۴ ۱۴۲۵ ۱۴۲۶ ۱۴۲۷ ۱۴۲۸ ۱۴۲۹ ۱۴۳۰ ۱۴۳۱ ۱۴۳۲ ۱۴۳۳ ۱۴۳۴ ۱۴۳۵ ۱۴۳۶ ۱۴۳۷ ۱۴۳۸ ۱۴۳۹ ۱۴۴۰ ۱۴۴۱ ۱۴۴۲ ۱۴۴۳ ۱۴۴۴ ۱۴۴۵ ۱۴۴۶ ۱۴۴۷ ۱۴۴۸ ۱۴۴۹ ۱۴۵۰ ۱۴۵۱ ۱۴۵۲ ۱۴۵۳ ۱۴۵۴ ۱۴۵۵ ۱۴۵۶ ۱۴۵۷ ۱۴۵۸ ۱۴۵۹ ۱۴۶۰ ۱۴۶۱ ۱۴۶۲ ۱۴۶۳ ۱۴۶۴ ۱۴۶۵ ۱۴۶۶ ۱۴۶۷ ۱۴۶۸ ۱۴۶۹ ۱۴۷۰ ۱۴۷۱ ۱۴۷۲ ۱۴۷۳ ۱۴۷۴ ۱۴۷۵ ۱۴۷۶ ۱۴۷۷ ۱۴۷۸ ۱۴۷۹ ۱۴۸۰ ۱۴۸۱ ۱۴۸۲ ۱۴۸۳ ۱۴۸۴ ۱۴۸۵ ۱۴۸۶ ۱۴۸۷ ۱۴۸۸ ۱۴۸۹ ۱۴۹۰ ۱۴۹۱ ۱۴۹۲ ۱۴۹۳ ۱۴۹۴ ۱۴۹۵ ۱۴۹۶ ۱۴۹۷ ۱۴۹۸ ۱۴۹۹ ۱۵۰۰ ۱۵۰۱ ۱۵۰۲ ۱۵۰۳ ۱۵۰۴ ۱۵۰۵ ۱۵۰۶ ۱۵۰۷ ۱۵۰۸ ۱۵۰۹ ۱۵۱۰ ۱۵۱۱ ۱۵۱۲ ۱۵۱۳ ۱۵۱۴ ۱۵۱۵ ۱۵۱۶ ۱۵۱۷ ۱۵۱۸ ۱۵۱۹ ۱۵۲۰ ۱۵۲۱ ۱۵۲۲ ۱۵۲۳ ۱۵۲۴ ۱۵۲۵ ۱۵۲۶ ۱۵۲۷ ۱۵۲۸ ۱۵۲۹ ۱۵۳۰ ۱۵۳۱ ۱۵۳۲ ۱۵۳۳ ۱۵۳۴ ۱۵۳۵ ۱۵۳۶ ۱۵۳۷ ۱۵۳۸ ۱۵۳۹ ۱۵۴۰ ۱۵۴۱ ۱۵۴۲ ۱۵۴۳ ۱۵۴۴ ۱۵۴۵ ۱۵۴۶ ۱۵۴۷ ۱۵۴۸ ۱۵۴۹ ۱۵۵۰ ۱۵۵۱ ۱۵۵۲ ۱۵۵۳ ۱۵۵۴ ۱۵۵۵ ۱۵۵۶ ۱۵۵۷ ۱۵۵۸ ۱۵۵۹ ۱۵۶۰ ۱۵۶۱ ۱۵۶۲ ۱۵۶۳ ۱۵۶۴ ۱۵۶۵ ۱۵۶۶ ۱۵۶۷ ۱۵۶۸ ۱۵۶۹ ۱۵۷۰ ۱۵۷۱ ۱۵۷۲ ۱۵۷۳ ۱۵۷۴ ۱۵۷۵ ۱۵۷۶ ۱۵۷۷ ۱۵۷۸ ۱۵۷۹ ۱۵۸۰ ۱۵۸۱ ۱۵۸۲ ۱۵۸۳ ۱۵۸۴ ۱۵۸۵ ۱۵۸۶ ۱۵۸۷ ۱۵۸۸ ۱۵۸۹ ۱۵۹۰ ۱۵۹۱ ۱۵۹۲ ۱۵۹۳ ۱۵۹۴ ۱۵۹۵ ۱۵۹۶ ۱۵۹۷ ۱۵۹۸ ۱۵۹۹ ۱۶۰۰ ۱۶۰۱ ۱۶۰۲ ۱۶۰۳ ۱۶۰۴ ۱۶۰۵ ۱۶۰۶ ۱۶۰۷ ۱۶۰۸ ۱۶۰۹ ۱۶۱۰ ۱۶۱۱ ۱۶۱۲ ۱۶۱۳ ۱۶۱۴ ۱۶۱۵ ۱۶۱۶ ۱۶۱۷ ۱۶۱۸ ۱۶۱۹ ۱۶۲۰ ۱۶۲۱ ۱۶۲۲ ۱۶۲۳ ۱۶۲۴ ۱۶۲۵ ۱۶۲۶ ۱۶۲۷ ۱۶۲۸ ۱۶۲۹ ۱۶۳۰ ۱۶۳۱ ۱۶۳۲ ۱۶۳۳ ۱۶۳۴ ۱۶۳۵ ۱۶۳۶ ۱۶۳۷ ۱۶۳۸ ۱۶۳۹ ۱۶۴۰ ۱۶۴۱ ۱۶۴۲ ۱۶۴۳ ۱۶۴۴ ۱۶۴۵ ۱۶۴۶ ۱۶۴۷ ۱۶۴۸ ۱۶۴۹ ۱۶۵۰ ۱۶۵۱ ۱۶۵۲ ۱۶۵۳ ۱۶۵۴ ۱۶۵۵ ۱۶۵۶ ۱۶۵۷ ۱۶۵۸ ۱۶۵۹ ۱۶۶۰ ۱۶۶۱ ۱۶۶۲ ۱۶۶۳ ۱۶۶۴ ۱۶۶۵ ۱۶۶۶ ۱۶۶۷ ۱۶۶۸ ۱۶۶۹ ۱۶۷۰ ۱۶۷۱ ۱۶۷۲ ۱۶۷۳ ۱۶۷۴ ۱۶۷۵ ۱۶۷۶ ۱۶۷۷ ۱۶۷۸ ۱۶۷۹ ۱۶۸۰ ۱۶۸۱ ۱۶۸۲ ۱۶۸۳ ۱۶۸۴ ۱۶۸۵ ۱۶۸۶ ۱۶۸۷ ۱۶۸۸ ۱۶۸۹ ۱۶۹۰ ۱۶۹۱ ۱۶۹۲ ۱۶۹۳ ۱۶۹۴ ۱۶۹۵ ۱۶۹۶ ۱۶۹۷ ۱۶۹۸ ۱۶۹۹ ۱۷۰۰ ۱۷۰۱ ۱۷۰۲ ۱۷۰۳ ۱۷۰۴ ۱۷۰۵ ۱۷۰۶ ۱۷۰۷ ۱۷۰۸ ۱۷۰۹ ۱۷۱۰ ۱۷۱۱ ۱۷۱۲ ۱۷۱۳ ۱۷۱۴ ۱۷۱۵ ۱۷۱۶ ۱۷۱۷ ۱۷۱۸ ۱۷۱۹ ۱۷۲۰ ۱۷۲۱ ۱۷۲۲ ۱۷۲۳ ۱۷۲۴ ۱۷۲۵ ۱۷۲۶ ۱۷۲۷ ۱۷۲۸ ۱۷۲۹ ۱۷۳۰ ۱۷۳۱ ۱۷۳۲ ۱۷۳۳ ۱۷۳۴ ۱۷۳۵ ۱۷۳۶ ۱۷۳۷ ۱۷۳۸ ۱۷۳۹ ۱۷۴۰ ۱۷۴۱ ۱۷۴۲ ۱۷۴۳ ۱۷۴۴ ۱۷۴۵ ۱۷۴۶ ۱۷۴۷ ۱۷۴۸

تاریخ - ماه - ۱۳۱

شماره - ضمیمه -



وزارت مالیه

اداره

دایره

- ۲ -

۱) از دادن اجر در مقابل حقوق اعضا سوابقی بدست نیامد ولی آنچه معلوم است
از بابت حقوق پنجاهه اخیر بارس ثل وزارت عدلیه مقداری اجرو گندم داده شده است

رئیس کابینه وزارت

محمد علی



وزیر مالدیو

1

• 2

[illegible]

and

البريد - جازيرون - ٢٠١٧

مدرسة في سنة من الهجرة

عمر : جنس : تعلیم : پیشہ :

.....

—

100

Journal of Management Studies, 19(1), 67-80.

•

1. The first group of people who are interested in the study of the history of the United States are the people who are interested in the history of the United States.

... 1944

• •



وزارت معارف

۱۳۳۱

فای
در

با این که در این روزها در میان مردم ایران و در میان مردم ایران

و در این روزها در میان مردم ایران و در میان مردم ایران
و در این روزها در میان مردم ایران و در میان مردم ایران
و در این روزها در میان مردم ایران و در میان مردم ایران

و در این روزها در میان مردم ایران و در میان مردم ایران

و در این روزها در میان مردم ایران و در میان مردم ایران

و در این روزها در میان مردم ایران و در میان مردم ایران

فهرست نامهای خاص

اردبیل ۱۵۹	آبدیز ۱۷۴
اردشیر با بکان ۵۸-۷۰	آبکوه ۱۳۸
ارس ۱۷۰	آذربایجان ۸-۲۱-۲۸-۳۳-۳۷-۳۹-۴۰-
ارک تهران ۳۲-۴۳	۱۲۰-۱۶۱-۱۷۰-۱۷۸
ارک شیراز ۱۳۴	آرامگاه کورش ۱۳۴
ارمنستان ۸۹-۱۳۴	آریائیان ایرانی ۱۱۵
ارمنیان ۱۴۲	آریایی ایرانی ۱۱۸
اروپا ۷-۱۲-۱۴-۴۸-۵۱-۵۷-۱۲۰-۱۴۳	آزادستان ۲۵
۱۷۹	آستارا ۱۵۹
اروپایی ۶-۵۶-۷۸-۸۳-۱۱۵-۱۳۶-۱۴۱-	آسوری ۲۸-۳۴-۸۴
۱۴۴-۱۴۸-۱۵۶-۱۵۸-۱۶۳-۱۶۴-	آسیا ۲۶-۱۵۶-۱۵۸-۱۷۸
۱۷۲	آسیای شرقی ۱۵۶
ارومیه ۳۵-۱۷۰	آسیای صغیر ۱۳۴-۱۵۶
استانبول ۱۳۴	آسیای غربی ۱۵۶
استراباد ۲۴-۲۸-۳۶	آسیای مرکزی ۱۱۵-۱۳۴
استراباد (خلیج) ۱۷۶	آقاخان محلاتی ۶
استونی ۲۵	آقا محمد خان ۶
اسمعیل سامانی (امیر) ۵۸-۷۰-۱۳۴	آلمان ۷-۱۸-۲۲-۵۷-۱۴۴-۱۶۹
اسمعیل سمینتو ۳۲-۳۷	آلمانها ۱۸-۴۴-۱۴۲
اسمعیل صفوی (شاه) ۷۰	آلمان هیتلری ۱۶۹
اشکانیان ۳۷	آلمانی ۱۶۴-۱۷۱
اصفهان ۲۹-۴۰-۸۹-۹۰-۱۲۹-۱۳۲-۱۳۴-	آمل ۱۶۹
۱۴۷-۱۵۸	ابوالفضل بلغمی ۵۹
اعراب ۲۱	ابوالقاسم خان لاهوتی ۳۳-۳۵
افریقای جنوبی ۱۰	اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ۸۰
افغان ۲۷	اتریش ۷-۱۸-۲۳-۵۷-۱۴۱
افغانستان ۶-۲۶-۲۷-۳۶-۱۶۴-۱۶۸	اراک ۲۷-۱۵۹-۱۷۵

اقبال السلطنه ماکوی ۳۵

الاشت ۸

الهیہ ۱۲۸

امام هشتم ۱۵

امان اللہ خان (امیر) ۲۶

امریکا ۱۶۸-۱۴۸-۵۷-۷

امریکای شمالی ۲۳-۲۲

امریکایی ۱۵-۵۶-۱۰۱-۱۰۶-۱۳۶-۱۴۲ -

۱۷۱

امشسپندان ۹۳

امیر بهادر جنگ (حسین پاشا خان) ۱۰۲

امین آباد ۱۳۸

امین الدولہ (حاج میرزا علی خان) ۱۴۰-۱۲۸

امین الغرب (حاج محمد حسن) ۱۶۹

انارک ۱۷۸-۱۳۳

انجمن معارف ۱۴۰

اندیشک ۱۷۵-۱۷۳

انزلی ۱۵۹

انگلستان ۵۷-۴۷-۲۳-۲۱-۱۹-۱۸-۱۶-۱۳

۱۶۸-۱۴۴-۱۰۷

انگلیس ۱۰۷-۱۶-۷-۶

انگلیسها ۱۴۲-۱۶

انگلیسی ۱۵۹-۱۰۷-۱۰۴-۱۰۱-۲۳-۲۲ -

۱۷۷-۱۷۰-۱۶۳

اورامان ۳۵-۲۱

اورامانی ۲۸

اورین ۱۷۴

اوستایی (تقویم) ۹۴-۹۳

اوقیانوس ہند ۴۷

اھواز ۱۷۱-۱۶۱-۱۵۹-۱۴۷-۱۳۸-۱۲۹ -

۱۷۶-۱۷۵

ایتالیا ۱۴۱-۵۷-۲۲

ایران ۱۶۸-۱۶۶-۱۵۶-۱۵۳-۶۸-۶۴-۹-۷ -

۱۸۸-۱۷۷-۱۷۵

ایران شہر ۱۲۷

ایرانیان ۶-۸-۱۱-۱۹-۵۸-۶۸-۷۱-۷۴-۷۵ -

۱۵۹-۱۵۷-۱۳۷-۱۰۸-۹۴-۹۱-۸۲-۷۹

۱۷۷-۱۶۸

ایزدان ۹۳

ایستگاہ فوزیہ ۱۷۷

ایلات خمسہ ۲۹-۲۱

ایوان مداین ۱۳۴

بابری (پادشاہان) ۱۳۴

بابل ۱۵۶

باشگاہ افسران ۴۳

بانک استقراضی روس ۱۷۰

بانک پہلوی قشون ۱۰۸-۹

بانک رہنی ایران ۱۰۸-۱۰

بانک سپہ ۱۰۸-۹

بانک شاہنشاهی ایران ۱۰۷-۱۰۱-۲۳-۱۰

بانک فلاحی و صنعتی ایران ۱۰۸

بانک کارگشایی ۱۰۸

بانک کشاورزی ۱۰

بانک ملی ایران ۱۰۷-۱۰۳-۹

بجنورد ۳۹-۳۶-۲۸-۲۱

بخارا ۱۵۶-۱۳۴

بختیاری ۲۹-۲۱

برار (ویکتور) ۱۱

براز جان ۱۷۰-۱۳۸

بروجرد ۳۹

بصرہ ۳۷

بغداد ۱۸۵-۱۴۷-۱۳۴

بلغ ۱۵۶-۱۴۷

بلژیک ۱۴۴-۵۷-۲۳

بلژیکی ۱۶۹-۱۵۹-۱۰۶

بلوچ ۳۶-۲۹-۲۱

بلوچستان ۴۰-۳۶-۲۹-۲۱

بند امیر ۱۵۹-۱۳۴

بندر شاہ ۱۷۶-۱۷۱-۱۶۲

بندر عباس ۱۳۸

پيله بازار ۱۷۰
 تاج محل ۱۳۴
 تازی ۱۴۲
 تازیان ۹۳
 تبریز ۱۶۱-۱۳۴-۱۲۹-۱۰۸ ۳۴-۳۲-۱۵-۸
 ۱۸۱-۱۷۹-۱۶۹
 تخت جمشید ۱۳۴
 ترك ۳۴-۲۹
 تركمانان ۳۶-۲۸
 تركمان چای ۱۰۵-۲۳-۱۶-۶
 ترکی ۴۲
 ترکیه ۱۷۰-۱۵۷-۱۳۴-۷۶-۴۰-۲۶-۲۳
 ۱۷۸
 تساری (دولت) ۶۰
 تفلیس ۴۲
 تقی خان امیر کبیر (میرزا) ۱۴۳-۱۴۰
 تکه ۲۸
 تنگ چهار ۱۷۴
 تنگستان ۲۹-۱۵
 تهران ۳۸-۳۴-۲۹-۲۷-۱۸-۱۴-۱۰-۸
 ۹۱-۸۸-۷۸-۶۲-۶۰-۴۸-۴۳-۴۱
 ۱۰۰-۱۰۲-۱۱۰-۱۲۱-۱۲۹-۱۳۲-
 ۱۶۱-۱۵۶-۱۴۸-۱۴۲-۱۴۱-۱۳۶
 ۱۸۴-۱۸۲-۱۷۶-۱۶۹-۱۶۷-۱۶۵
 تیسفون ۱۵۶
 تیمور (امیر) ۱۳۴
 تیموری ۳۶
 تیموریان ۲۷
 جامه ملل ۲۶
 جعفر پاشا عسکری ۲۶
 جلال الدین ملکشاه سلجوقی ۶۲
 جلالی (تقویم) ۹۴
 جلالی (سال) ۹۴
 جلالی (نوروز) ۹۴
 جلفا ۱۷۹-۱۶۹-۱۵

بن کوه ۱۷۳
 بنگاه پاستور ۱۸۲
 بنی طرف ۲۷-۲۱
 بنی کعب ۲۷
 بوستان ۸۰
 بوشهر ۱۷۰-۱۶۱-۴۰-۳۸-۱۵
 بهارستان ۱۴۱
 بهارلو ۳۶
 بهشهر ۱۳۸
 بیمارستان امراض مقاربتی ۱۸۱
 بیمارستان پانصد تخت خوایی ۱۸۱
 بیمارستان دولتی ۱۸۱
 بیمارستان زنان و کودکان ۱۸۳-۱۸۱
 بیمارستان شهرداری ۱۸۱
 بیمارستان شهرضا ۱۸۱
 بیمارستان فیروزآبادی ۱۸۱
 بیمارستان گوهرشاد ۱۸۱
 بیمارستان مسلولین ۱۸۱
 بیمارستان قطامی احمدیه ۱۸۱
 بیمارستان وزیری ۱۸۱
 بین النهرین ۱۵۶-۱۱۴
 پارچین ۱۳۸
 پازیریک ۱۳۱
 پاستور (بنگاه) ۱۸۲
 پامیر ۱۱۵
 پرتغال ۱۴
 پرتغالیها ۴۷-۴۳
 پشتکوه ۳۶-۳۵
 پل خواجو ۱۳۴
 پل سفید ۱۷۵-۱۷۳
 پهلوی (بندر) ۱۶۲-۱۶۰-۱۵۹
 پهلوی (دوره و دوران و عصر) ۷۷-۷۰-۵۲
 ۸۲-۹۴-۹۹-۱۲۰-۱۲۷-۱۳۳-۱۳۷-
 ۱۴۰-۱۴۲-۱۵۰-۱۵۳-۱۵۸-۱۶۰-
 ۱۶۲-۱۶۸-۱۷۰-۱۸۰

خیام (امام عمر) ۹۴
 خیرآباد ۱۳۸
 خیوه ۱۳۴-۷
 دارالفنون (مدرسه) ۱۴۱-۱۴۳
 داریوش بزرگ ۱۱۵-۱۵۶
 دانشکده معقول و منقول ۱۴۷
 دانشگاه تهران ۱۰-۱۴۴-۱۴۷-۱۵۰-۱۸۴-۱۸۸
 دانمارک ۲۳-۵۷
 دانمارکی ۱۷۲
 دجله ۱۱۴
 دریای خزر ۲۴-۳۹-۱۰۷-۱۲۲-۱۵۸-
 ۱۶۲-۱۷۶
 دزفول ۴۰-۱۳۴
 دشتستان ۱۵-۲۱-۲۹
 دشتی ۱۵-۲۱-۲۹
 دماوند ۱۶
 دورود ۱۷۵
 دوست محمدخان بلوچ ۳۶
 دول متحده امریکای شمالی ۲۳-۲۵-۵۷
 دهلی ۴۱-۱۳۴
 دیوان داوری بین الملل ۲۴
 رامسر ۱۸۹
 رشت ۱۵-۳۴-۱۲۹-۱۶۱-۱۷۰-۱۸۱
 رشدی‌آرای ۲۴
 رضا جوزانی ۳۸
 رضاشاه پهلوی (شاهنشاه) ۸-۲۰-۲۲-۳۲-
 ۴۵-۱۹۱
 رضایه ۳۵-۱۷۰
 رم ۱۵۷
 روانسر ۱۳۸
 رودشور ۱۷۴
 رودهن ۱۸۹
 روزنامه ملانصرالدین ۴۲

جلو ۲۸
 جنگلیان ۸-۲۱-۲۸-۳۱-۳۴
 جیحون ۱۵۶
 چالوس ۴۰-۱۳۸
 چشمه علی ۱۸۹۰
 چکوسلوواکی ۲۳
 چین ۲۳-۱۵۶
 چینی (نقاشی) ۱۳۱
 حجاز ۲۳-۲۶
 حسین پاشا خان امیر بهادر جنگ ۱۰۲
 حسین خان مشیرالدوله سپهسالار (حاج میرزا)
 ۱۴۰
 حسین کاشانی (نایب) ۳۸
 حصارک ۱۸۲
 خاور دور ۱۵۸
 خراسان ۲۱-۲۷-۲۸-۳۳-۳۶-۳۹-۱۱۵-۱۱۶
 ۱۲۰-۱۵۶-۱۷۸
 خرم‌آباد ۴۰
 خرم شهر ۲۱-۳۳-۴۰-۱۶۱-۱۶۲
 خزر (دریای) ۲۴-۳۹-۱۰۷-۱۲۲-۱۵۸-
 ۱۶۲-۱۸۶
 خزعل (شیخ) ۲۱-۲۷-۳۳
 خسرو نوشین روان ۵۸
 خسروی ۱۶۰
 خشتاریا ۱۷۰
 خلیج ۲۹
 خلفا ۱۵۷
 خلفای عباسی ۵۸
 خلیج استرآباد ۱۷۶
 خلیج فارس ۱۴-۳۳-۴۷-۷۶-۱۱۴-۱۶۱-
 ۱۶۲-۱۷۶-۱۷۸
 خواجو (پل) ۱۳۴
 خوار ۲۹
 خوزستان ۹-۲۱-۲۲-۲۷-۲۹-۳۳-۴۰-۱۱۲-
 ۱۱۴-۱۴۷-۱۵۸-۱۶۱

سمرقند ۱۳۴-۱۵۶	روس ۶-۷-۱۸-۲۲-۱۴۲
سمنان ۱۷۸-۱۲۹	روسها ۱۶۸
سمیتقو ۳۲-۳۷	روسی ۲۰-۴۴-۱۰۴-۱۶۹
سنجایی ۲۱-۲۷-۳۵	روسیه ۶-۱۴-۱۶-۱۸-۲۲-۲۳-۳۴-۴۴-۵۱
سنجر (سلطان) ۱۳۴	۵۷-۷۶-۱۳۴-۱۶۸-۱۷۰
سندیکی راه آهن ایران ۱۷۱	ری ۱۳۸-۱۵۶-۱۸۵
سنندج ۱۵۹	زاهدان ۱۷۰
سوادکوه ۸-۲۸	زردشت ۹۳
سوریه ۱۳۴-۱۵۷	زردشتی ۶۲
سوگد ۲۳-۲۴-۵۷	زرگنده ۱۴
سوگدی ۱۸-۲۰-۳۲-۴۴-۱۷۲	زرنه ۲۹
سوگز (ترعه) ۱۱۵-۱۵۸	زنجان ۱۲۹-۱۷۸
سویس ۲۳-۵۷-۱۰۲-۱۴۴	ژاپون ۲۳
سیبری ۱۳۱	ژاندارک (مدرسه) ۱۴۲
سیستان ۲۱-۴۰-۱۱۲	سارد ۱۵۶
سی و سه پل ۱۳۴	ساری ۱۵۸
شاخ (دکتر) ۲۴	سازمان پرورش افکار ۹۶-۹۸-۱۴۵-۱۶۶
شادروان شوشتر ۱۳۴	ساسانیان ۲۹-۳۷-۴۷-۵۸-۹۳-۹۴-
شازند ۱۳۸	۱۱۴-۱۵۷-۱۸۵
شاوور ۱۳۸	سامی (نژاد) ۸۴
شاه آباد تهران ۱۸۱	ساوجبلاغ ۲۱-۲۹
شاه آباد غرب ۱۳۸	ساوه ۲۹
شاهپور (بندر) ۱۶۲-۱۷۱-۱۷۳-۱۷۶	سپهسالار اعظم (محمودلی خان خلعت بری) ۹۹
شاهرود ۱۷۸	سردار مویید سوادکوهی ۳۶
شاهسون ۲۱-۲۸-۲۹-۳۴	سروش اصفهانی شمس الشعرا (میرزا محمدعلی
شاه عبدالعظیم ۱۰-۱۶۹	خان) ۴۱
شاه محمودخان ۲۴	سعدآباد ۲۵
شاهنامه ۱۰۲	سعدی ۷۶-۸۰
شاهنامه امیربهادری ۱۰۲	سفیدرود ۱۶۱
شاهنشاه پهلوی ۴۵-۵۱-۵۲-۶۹-۷۰-۷۸-	سلجوقی (دوره) ۱۳۴
۸۰-۱۷۱-۱۷۷-۱۹۱-	سلطان آباد ۲۷-۱۵۹
شاهی ۴۰-۱۳۸-۱۵۸-۱۷۲-۱۷۳	سلطان احمد شاه ۷
شبه نگاره ۱۳۸	سلطانی (نوروز) ۹۴
شرف خانه ۱۶۹-۱۷۹	سلطانیه ۱۳۴
شرکت ایران وانگلیس ۱۰۷	سلماس ۳۶

فارس ۸-۲۱-۲۲-۲۹-۳۶-۱۱۶-۱۲-۱۲
 ۱۳۴-۱۵۹-۱۷۰
 فارسی ۱۶-۹۴-۱۴۲-۱۴۶-۱۴۷-۱۵۱-۱۸۸
 فتحعلی شاه ۶-۲۶-۴۳-۱۴۴
 فرات ۱۱۴
 فرانسوی ۱۱-۸۶-۱۳۵-۱۴۲
 فرانسه ۷-۱۸-۲۳-۴۳-۴۸-۵۷-۱۴۱-۱۴۴
 فردوسی ۱۰-۸۰
 فرنگی ۵۶
 فرهنگستان ایران ۱۵۱
 فریدون زردشتی ۶۲
 فنلاند ۲۳
 فنیقیان ۴۷
 فوزیه (ایستگاه) ۱۷۷
 فیروزآبادی (بیمارستان) ۱۸۱
 فیروزکوه ۱۷۳
 فیصل (امیر) ۲۴
 فیصل (ملک) ۲۴
 فیض محمدخان ۲۴
 قابوس ۱۳۴
 قاجار ۶-۹-۱۱-۱۵-۱۶-۱۹-۲۲-۲۶-
 ۲۹-۳۵-۴۱-۴۵-۴۹-۵۲-۵۸-۷۱
 ۷۳-۷۸-۸۵-۸۸-۹۱-۱۰۴-۱۰۷-
 ۱۱۶-۱۱۸-۱۲۲-۱۳۱-۱۳۴-۱۳۶
 ۱۴۰-۱۴۲-۱۴۴-۱۵۱-۱۶۰-۱۶۴
 ۱۶۸-۱۸۰-۱۸۱
 قافلانکوه ۱۶۱
 قاهره ۱
 قزوین ۳۴-۳۹-۱۲۹-۱۵۹
 قشقای ۲۱-۲۹-۳۶
 قفقاز ۶-۱۷۰
 قلهک ۱۴
 قم ۲۹-۴۰-۱۲۹-۱۵۹-۱۷۵-۱۸۱
 قنات طاهری ۱۱۵
 قوچان ۲۱-۲۸-۳۶-۳۹
 قونیه ۱۳۴
 کاراخان ۲۴
 کارنامه اردشیر بابکان ۵۸

شرکت عمومی ۶۱-۱۶۰
 شرکت نفت ایران و انگلیس ۱۰
 شط العرب ۱۱۴
 شکاک ۳۷-۳۲
 شنیدرکروزو (کارخانه) ۴۳
 شوروی ۲۳-۲۴-۴۸-۱۶۹
 شوشتر (مرگان) ۱۷-۱۰۱-۱۰۶
 شوشتر ۱۳۴
 شهرضا (بیمارستان) ۱۸۱
 شهریار ۲۹
 شیراز ۴۰-۱۲۹-۱۳۲-۱۳۴-۱۶۱-۱۸۱
 شیرگاه ۱۳۸-۱۷۹
 شیروخورشید سرخ ایران ۹-۱۸۴-۱۸۵
 صفوی ۲۶
 صوفیه ۱۴-۲۶-۳۵-۳۷-۴۹-۵۹-۸۸-۹۰-۹۵-
 ۱۱۶-۱۲۰-۱۲۶-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۵-۱۵۸
 صمد خان شجاعالدوله ۳۴
 صنیع الدوله (مرتضی قلی خان) ۶۰-۱۰۱-۱۲۸
 طالشی‌ها ۲۸
 طاهر آب شناس ۱۱۵
 طاهر بن حسین ۱۱۵
 طاهری (سلسله) ۱۱۵
 طوس ۱۵۶
 طهران ۳۴-۱۶۱
 عباس اول (شاه) ۲۶-۳۷-۴۳-۴۷-۴۹-۹۰-
 ۱۲۶-۱۵۸-۱۵۹
 عباسقلی خان ۸
 عباسی (خلفای) ۵۸
 عثمانی ۶-۷-۱۸-۲۲-۳۴-۵۱-۱۳۴-۱۷۰
 عراق ۲۲-۲۵-۷۶-۱۵۶
 عرب ۲۷-۲۹-۳۳
 عضدالدوله دیلمی آل بویه ۷۰-۱۵۹-۱۸۵
 علی آباد ۱۵۸
 علی خان امین الدوله (حاج میرزا) ۱۲۸-۱۴۰
 علی خان سیاه کوهی ۳۸
 عمر خیام (امام) ۹۴
 عمیدالملک کندری ۵۹
 غلامرضا خان والی پشت کوه ۳۶

۱۲۰
 لاهور ۱۳۴
 لاهیجان ۱۶۱
 لئونی ۲۳
 لر ۵۶-۳۵-۲۷
 لرستان ۵۶-۴۰-۳۹-۳۶-۳۵-۲۹-۲۷-۲۱-۱۶۱
 لطف‌الله (مسجد شیخ) ۱۳۴
 لوقت هاترا ۱۶۴
 لهستان ۲۳
 لیتوانی ۲۳
 لیدی ۱۵۶
 مارستان ۱۸۵
 مازندران ۸-۲۱-۲۸-۳۶-۴۰-۱۰۰-
 ۱۵۸-۱۶۰
 ماشاءالله خان ۳۸
 ماکو ۲۱، ۱۷۰
 ماوراءالنهر ۱۵۶
 مجارستان ۲۳
 مجاهدین ۱۰۰
 مجلس حفظ‌الصحه ۱۸۱
 مجلس شورای ملی ۲۲-۵۱-۵۲-۶۰-
 ۷۸-۹۱-۹۴-۱۰۶-۱۴۵-۱۷۱
 مجلس مؤسسان ۹-۲۲
 محمد تقی خان پسیان ۳۳-۳۶
 محمد حسن امین‌الضرب (حاجی) ۱۶۹
 محمد خیابانی (شیخ) ۳۵
 محمد شاه ۶-۲۶
 محمد علی خان سروش اصفهانی شمس‌الشعرا
 (میرزا) ۴۱
 محمد علیشاه ۷-۱۰۰
 محمد ولی خان خلعت بری سپهدار اعظم و
 سپهسالار اعظم ۹۹
 محمره ۲۱-۳۳
 محمودآباد ۱۶۹
 محمود غزنوی ۵۹
 مدرسه عالی تجارت ۱۱۰

کارنامه خسرونوشین روان ۵۸
 کارون ۱۶۱-۱۷۴
 کاشان ۴۰-۱۱۶-۱۲۰-۱۳۳
 کامپساکس ۱۷۷-۱۷۲
 کرج ۱۸۲-۱۳۸
 کرد ۵۶-۳۷-۳۴-۲۹-۲۷
 کردان ۳۵-۲۸
 کردستان ۵۶-۴۰-۳۵-۲۷-۲۱
 کرمان ۲۲-۲۹-۴۰-۱۲۹-۱۶۱-۱۷۰-۱۷۸
 ۱۸۱
 کرمانشاهان ۲۷-۳۵-۴۰-۱۳۸-۱۵۹
 کریم‌خان زند ۲۶-۲۷-۳۷-۱۳۵
 کلالی ۲۹
 کلدانی ۲۸
 کلهر ۲۷-۳۵
 کلیایی ۲۷-۳۵
 کمیسیون رادیو ۱۶۶
 کوچک خان (میرزا) ۸-۲۸-۳۱-۳۴
 کورش بزرگ ۷۰-۱۳۴
 کوکلان ۲۸
 کوه گیلویه ۲۹
 کهریزک ۱۴-۱۲۸-۱۳۸
 کندوک (تونل) ۱۷۴
 گرجستان ۱۳۴
 گرگان ۴۰
 گرمسار ۱۷۸
 گلباغی ۲۷-۳۵
 گلستان ۶
 گلستان (کتاب) ۸۰
 گنبد سلطانیه ۱۳۴
 گنبد قابوس ۱۳۴
 گندی شاپور ۱۴۷-۱۸۵
 گوردان ۲۷-۳۵
 گوستاودلف ۲۴
 گوهرشاد (بیمارستان) ۱۸۱
 گوهرشاد (مدرسه) ۱۳۴
 گیلان ۸-۲۱-۲۸-۳۱-۳۴-۳۹-۴۰-۱۱۶-

ناصرالدین شاه ۶-۱۰۷
 نایین ۴۰
 نجد ۲۳-۲۴
 نجد ایران ۱۱۵
 نروژ ۲۳
 نصرانی ۲۸
 نطنز ۴۰
 نظام‌الملک طوسی ۵۹-۱۴۷
 نوری سعید ۲۴
 نوز ۱۰۶
 نوشهر ۱۶۲
 نیشابور ۱۰-۱۴۷-۱۵۶
 ورامین ۲۹-۱۳۴-۱۳۸
 ورسای ۱۵
 ورسک ۱۷۴
 وناک ۱۳۸
 ویکتوربرار ۱۱
 هخامنشیان ۲۹-۳۷-۴۷-۵۸-۹۳-۱۳۱-
 ۱۵۷
 هرات ۶-۱۵۶
 هرمز (جزیره) ۴۳-۶۱
 هزاره ۲۸
 هلاند ۲۳-۵۷
 همدان ۱۲۹-۱۵۶-۱۵۹
 هند ۱۳۴-۱۶۳-۱۷۰
 هندوستان ۴۱-۵۱-۷۶-۱۶۸
 هندی ۱۷۰
 یزد ۴۰-۱۱۶-۱۲۰-۱۲۹-۱۷۸
 یزدگرد سوم ۹۴
 یزدگردی (تقویم) ۹۴
 یزدگردی (نوروز) ۹۴
 یموت ۲۸
 ینگه امام ۱۸
 یونان ۲۳-۴۷-۱۵۷
 یونانیان ۱۹۲
 یونکرس ۱۶۴
 یوهانسبورگ ۱۰
 یهود ۱۴۲

مدرسه گوشاد ۱۳۴
 مرتضی‌قلی‌خان صنیع‌الدوله ۶۰-۱-۱۲۸
 مرگان شوستر ۱۷-۱۰۱-۱۰۶
 مرو ۷-۱۳۴-۱۴۷-۱۵۶
 مرودشت ۱۳۸
 مریوان ۲۱-۳۵
 مریوانی ۲۷
 مسجد جامع اصفهان ۱۳۴
 مسجد جامع دهلی ۱۳۴
 مسجد جامع لاهور ۱۳۴
 مسجد شاه اصفهان ۱۳۴
 مسجد شیخ لطف‌الله ۱۳۴
 مسجد کبود تبریز ۱۳۴
 مسجدورامین ۱۳۴
 مسجد وکیل شیراز ۱۳۴
 مسجد و مدرسه مادر شاه اصفهان ۱۳۴
 مشهد ۸-۱۰-۱۵-۳۶-۱۲۹-۱۶۰-۱۸۱
 مصر ۲۳-۱۱۵-۱۵۷
 مظفرالدینشاه ۷-۱۰۲-۱۳۵
 معارف (روزنامه) ۱۴۱
 مغول ۵۹-۹۴
 مغولی ۹۴
 مکرری ۲۷-۳۵
 ملایر ۳۹
 ملک‌شاه سلجوقی (جلال‌الدین) ۹۴
 ممسنی ۲۱-۲۹-۶۱
 موبدان ۵۸
 منجیل ۳۱-۳۴
 موزه ایران باستان ۱۳۶
 مهاباد ۲۱
 مهاجرین ۱۹
 میاندوآب ۱۳۸
 میدان توپخانه ۳۸-۴۳
 ناپلئون ۴۳
 ناجی‌الاصیل ۲۴
 نادرشاه ۲۶-۳۷-۴۱-۴۳-۴۷

فهرست مندرجات

۳	از پیام ملوکانه بمناسبت پیکار جهانی با بی‌سوادی پیش گفتار
۵	دیباچه - درپیشگاه تاریخ
۶	تیره روزیهای ایران در دوره فرمانروایی قاجارها
۸	مهمترین مراحل زندگی پهلوان ما
۱۱	استقلال ایران
۲۶	امنیت کشور
۳۱	اصلاحات قضایی
۴۹	اصلاحات اداری
۵۸	اصلاحات قضایی
۶۹	اصلاحات اجتماعی
۸۷	اصلاحات شهری
۹۹	اصلاحات اقتصادی و مالی
۱۱۴	اصلاحات کشاورزی
۱۲۶	اصلاحات و پیشرفتهای صنعتی
۱۳۹	اصلاحات فرهنگی
۱۵۶	وسایل ارتباط
۱۶۸	راه آهن ایران
۱۸۰	اصلاحات بهداشتی
۱۸۹	توضیح
۱۹۰	منابع کتاب
۲۰۹	فهرست نامهای خاص



بها : ۳۰۰ ریال